



سال نهم، شماره‌ی هفتاد و نهم، شهریور و مهر ماه ۱۴۰۰

رئیس جمهور: دانشگاه باید اتاق فکر دولت باشد
ما به دانشگاه نه به عنوان مجموعه‌ی آموزشی در حاشیه، بلکه به عنوان مرکز ایجاد تحول نگاه می‌کنیم



وزیر علوم، تحقیقات و فناوری طی حکمی
دکتر موسی نجفی را به عنوان سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منصوب کرد





یکی از بزرگ‌ترین کارهای مجموعه‌ی دانشگاهی و مجموعه‌ی نخبگان کشور ما (هم حوزه و هم دانشگاه) باید این باشد که نقشی پیشرفت کشور را براساس مبانی اسلامی تنظیم کنند.



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رئیس‌جمهور: دانشگاه باید اتاق فکر دولت باشد
ما به دانشگاه نه به‌عنوان مجموعه‌ی آموزشی در حاشیه،
بلکه به‌عنوان مرکز ایجاد تحول نگاه می‌کنیم



دکتر سیدابراهیم رئیسی در مراسم آغاز رسمی سال تحصیلی دانشگاه در سال ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱ با ابراز امیدواری نسبت به اینکه این سال تحصیلی متفاوت از سال‌های پیش و همراه با برداشتن گام‌های بلند باشد، گفت: در سند بالادستی گام دوم انقلاب اسلامی موضوع علم و پیشرفت علمی مورد تأکید قرار گرفته است و کشور با دانشگاه‌ها و استادان فعال می‌تواند جایگاه رفیع‌تری پیدا کند.

رئیس‌جمهور افزود: ما نیازمند تحول هستیم، و این تحول باید علم پایه باشد، اگر نباشد می‌شود «سلیقه»؛ باید مرکز تحول در کشور دانشگاه باشد. مسائلی که در کشور و در سطوح مختلف داریم باید مورد توجه دانشگاه قرار بگیرد. اول، مسئله خوب فهم شود و بعد راه حل پیدا شود. دانشگاه باید اتاق فکر دولت باشد.

ایشان در ادامه گفت: دانشگاه باید قبل از دیگران ببیند، بشنود، رصد کند و به‌موقع هشدار و راهکار بدهد. وی گفت: به دانشگاه نه به‌عنوان مجموعه‌ی آموزشی در حاشیه، بلکه به‌عنوان مرکز ایجاد تحول نگاه می‌کنیم.

باید مأموریت دانشگاه بازتعریف شود

رئیس‌جمهور گفت: باید در مأموریت دانشگاه باز تعریف صورت گیرد تا به مرجعیت علمی در جهان تبدیل شویم.

رئیس‌جمهور در ادامه‌ی سخنانش در مراسم آغاز رسمی سال تحصیلی دانشگاه‌ها افزود: مدینه‌ی فاضله یا آرمان‌شهری که بخواهد سنگ بنای آن اخلاق، معنویت، عدالت و دین‌مداری و ... باشد بدون دانشگاه امکان ندارد. وی با تأکید بر ضرورت پرورش نیروهای انسانی در دانشگاه، گفت: باید بازتعریف و بازنگاهی در مأموریت دانشگاه صورت بگیرد؛ چرا نتوانیم مرجعیت علمی در جهان داشته باشیم؟ این دست یافتنی است. با این تعداد از فرهیختگانی که داریم حتماً دست یافتن به مرجعیت علمی امکان‌پذیر است، چون در برخی حوزه‌ها توانستیم جایگاه ارزشمندی پیدا کنیم.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه در دوران کرونا دانشگاه خوش درخشید، افزود: علاوه بر رسیدن به واکسن کرونا باید به درمان قطعی کرونا هم برسیم.

آقای رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت توجه به سخنان و اندیشه‌های نو گفت: جای کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی در دانشگاه است. شاید سخنی از زبان شاگردی شنیده شده باشد که از استاد شنیده نشده؛ این نباید مورد بی‌توجهی قرار بگیرد.

وی ادامه داد: در رابطه با علوم انسانی نیازمند کار جدی هستیم؛ مسئله‌ی خشونت، معنویت، اضطراب و... راهکارهایش باید با علوم انسانی پیدا شود.

رئیس‌جمهور خطاب به دانشگاهیان گفت: آنچه در برنامه‌ی دولت برای شکل‌گیری ایران قوی گفته‌ایم، نیازمند تولید علم با قدرت است. قدرت فقط در ساخت موشک نیست، هرچند که همین باعث افتخار است، اما در بسیاری از حوزه‌ها باید کار شود.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه اقتصاد دریا، گردشگری، فضای دیجیتال و... نیازمند کار جدی است تصریح کرد: در آسیا کشورهای اطراف ما به اندازه‌ی نفت ما از فضای دیجیتال درآمد دارند.

وی با بیان اینکه نیاز امروز دولت این است که «علم» پایه باشد، گفت: دانشگاه‌های تهران و همه‌ی کشور باید حس همکاری با دولت از جهت مسئله‌شناسی داشته باشند. در کشور در برخی حوزه‌ها کمبود داریم، اما با کار علمی می‌توانیم این کمبود را جبران کنیم.

رئیس‌جمهور به استفاده از فرصت دانشگاه در زمان مدیریتش در آستان قدس رضوی اشاره کرد و گفت: با استفاده از کار علمی دانشگاه فردوسی کارهای متفاوتی انجام دادیم. همچنین وقتی سال ۷۵ به سازمان بازرسی رفتم دیدم علمی نیست، با دانشگاه تهران صحبت کردم، بازرسان را به دانشگاه تهران آوردم؛ لذا از همان سال بازرسی‌های مبتنی بر علم آغاز شد؛ امروز در حوزه‌های مختلف نیازمند این کار هستیم. دانشگاه برای کمک به میدان بیاید و نقش ایفا کند.

وی افزود: مسئله‌ی رفع مشکلات دانشگاه را وزرا دنبال کنند. متناسب‌سازی حقوق کلیه‌ی کارکنان دولت بدون چانه‌زنی بخشی باید انجام شود. باید نظام عادلانه‌ی پرداخت را ایجاد کنیم و متناسب‌سازی با توجه به تورم صورت بگیرد.

آقای رئیس‌جمهور ادامه داد: به آینده باید بسیار امیدوار بود. ما در کشور بن‌بستی نداریم. صنعت دفاعی و هسته‌ای ما بیشتر مورد تحریم بوده، اما بیشترین پیشرفت را داشته است؛ پس می‌توان با وجود تحریم کار کرد. ما از اصحاب «ما می‌توانیم» هستیم و هیچ مانعی را مانع نمی‌دانیم. شعار «جهاد علمی» شعار خوبی است. دشمن نمی‌خواهد ما به فرمول‌های علمی برسیم.

وی با تأکید بر اینکه پیشرفت دانشگاه امسال باید با سال قبل متفاوت باشد افزود: هم جذب دانشجو و هم تحقیقات باید هدف‌مند و مرتبط با نیاز جامعه باشد. پایان‌نامه‌هایی هست که در کتابخانه‌ها خاک می‌خورد. تحقیق در دانشگاه باید تقاضامحور باشد و از دستگاه‌ها گره‌گشایی کند.

رئیس‌جمهور همچنین خطاب به دانشجویان اظهار داشت: به دانشجویان می‌گویم به آینده امیدوار باشید و هرچه بخواهند عرصه را بر ما تنگ کنند ما آینده را روشن می‌بینیم و این نیازمند جهاد علمی و عملی است. به گزارش خبرگزاری صدا و سیما (iribnews.ir) آقای رئیس‌جمهور در پایان با اشاره به دغدغه‌های مطرح شده گفت: حتماً حرف شکل‌های دانشجویی را می‌شنوم و از دغدغه‌ها و نکاتشان استفاده کنم. باز به جمع دانشجویان خواهم آمد و دغدغه‌ی کارمندان هم مطلب قابل بررسی است.

تبریک آغاز به‌کار دولت سیزدهم و قدردانی از خدمات دولت قبل در جلسه‌ی شورای پژوهشی پژوهشگاه

دکتر حسینعلی قبادی رئیس وقت پژوهشگاه در ابتدای جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه که روز دهم شهریور ۱۴۰۰ برگزار شد، ضمن آرزوی سلامتی و تندرستی برای خانواده بزرگ پژوهشگاه، آغاز به کار رئیس جمهور منتخب و وزیر جدید علوم تحقیقات و فناوری را تبریک گفت و برای آن‌ها آرزوی موفقیت کرد و ضمن گرامی داشت یاد همه‌ی شهیدان به‌ویژه شهید رجایی و شهید باهنر، روز کارمند را به کارکنان شریف پژوهشگاه تبریک گفت. رئیس پژوهشگاه همچنین از زحمات و خدمات ماندگار دکتر غلامی، وزیر پیشین عتف قدردانی کرد و فروتنی، تسلط بر کار و پرهیز از حاشیه‌ها را ازجمله ویژگی‌های مهم ایشان دانست که کارنامه‌ی ایشان را بیش از پیش درخشان می‌کند.



دکتر قبادی در ادامه با قدردانی از خدمات دکتر مریم عاملی‌رضایی در دوران مدیریت پژوهشی پژوهشگاه و همچنین دکتر علی‌اصغر مصلح در تأسیس و پیشبرد برنامه‌های گروه پژوهشی فرهنگ معاصر، برای دکتر رضایی در سمت سرپرست جدید مدیریت پژوهشی و دکتر معین‌زاده در مدیریت گروه پژوهشی فرهنگ معاصر آرزوی توفیق کرد.

رئیس پژوهشگاه در این جلسه که از اعضای هیأت علمی بازنشسته پژوهشگاه در سال‌های اخیر قدردانی به‌عمل آمد؛ به دستاوردهایی مانند کسب مجوز مرکز اسناد فرهنگی آسیا و مرکز مطالعات قرآنی، اجرای طرح همسان‌سازی حقوق اعضای هیأت علمی، پرداخت معوقات کارکنان غیرهیأت علمی به‌صورت یک‌جا و ارائه‌ی حمایت‌های درمانی به همکارانی که مبتلا به بیماری کووید-۱۹ شده‌اند، اشاره کرد و دستیابی به این توفیقات را نتیجه‌ی مشارکت و همراهی همه‌ی همکاران و همچنین مساعدت‌های اعضای هیأت امناء و برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شورای صنفی کارکنان و اعضای هیأت علمی و برخی شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور دانست و از همکاری‌های دلسوزانه همگان در این زمینه قدردانی کرد.

وی با توجه به جهت‌گیری فعالیت‌های علمی پژوهشگران پژوهشگاه به ارائه‌ی خدمات علمی کاربردی به جامعه و مسئولین ذی‌ربط، تدوین گزارش‌های راهبردی مانند گزارش راهبردی مدیریت پیامدهای شیوع بیماری کووید-۱۹ و انتشار هفته‌ای یک کتاب از سوی انتشارات پژوهشگاه را یکی دیگر از جلوه‌های توفیقات پژوهشگاه دانست و بر ضرورت تداوم برنامه‌ریزی‌های پویا و هدف‌مند جهت تداوم و گسترش این دستاوردها تأکید کرد. قبادی با اشاره به وضعیت پیش‌آمده در کشور همسایه، افغانستان، با اشاره به میراث مشترک فرهنگی و تمدنی ایران و افغانستان، موقعیت پژوهشگاه را جهت مشارکت مؤثر در رفع مشکلات و مصائب مردم مظلوم این کشور بسیار مهم دانست و از تمام مدیران (به‌ویژه مدیریت همکاری‌های علمی و بین‌المللی)، رؤسای پژوهشگاه‌ها و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه خواست که در تحلیل و تبیین تحولات و آینده‌ی افغانستان و ارائه‌ی خدمات علمی به دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های مختلف این کشور به‌صورت فعال مشارکت کنند.

در پایان این جلسه، با اهدای لوح تقدیر از اعضای هیأت علمی بازنشسته (دکتر نعمت‌الله فاضلی، دکتر فرج‌الله علی‌قنبری، دکتر محمد نهاوندیان، دکتر امید ملاک بهبهانی و دکتر فاطمه راکعی) و دکتر عاملی‌رضایی و دکتر مصلح قدردانی به‌عمل آمد.

با حکم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:

دکتر موسی نجفی به‌عنوان سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منصوب شد

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری طی حکمی؛ دکتر «موسی نجفی» را به‌عنوان سرپرست «پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» منصوب کرد.



به گزارش اداره‌کل روابط عمومی وزارت علوم، در این حکم انتصاب آمده است؛ نظر به مراتب تعهد، تخصص و تجارب ارزشمند جنابعالی، به‌موجب این حکم به سمت «سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی» منصوب می‌شوید.

انتظار می‌رود با پیروی از آموزه‌های اسلامی، مبانی علمی و روحیه‌ی انقلابی و راهبردهای اساسی دولت مردمی، و جلب همکاری استادان، مدیران و کارکنان گرامی (یاوران علمی) آن پژوهشگاه، نقشی شایسته در تحقق اهداف نظام علم و فناوری به‌ویژه «تحول در علوم انسانی» ایفا نمایید. امید است با توکل به

خداوند متعال، مأموریت و وظایف آن پژوهشگاه مرجع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را در مسیر تحقق اهداف متعالی اسناد بالادستی نظام مقدس جمهوری اسلامی به‌ویژه عملیاتی‌سازی راهبردهای طرح شده در «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی» و «سند دانشگاه اسلامی» در حوزه‌ی علم و فناوری و سبک زندگی اسلامی ایرانی با رویکردی تحول‌گرایانه و مسئله‌محور در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» به انجام رسانید. توفیق روزافزون جنابعالی را در پیش‌برد اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و منویات رهبر حکیم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، از درگاه پروردگار متعال خواستارم. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری همچنین طی نامه‌ای جداگانه از زحمات و تلاش‌های «دکتر حسینعلی قبادی» رئیس سابق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مدت تصدی این مسئولیت قدردانی کرد. دکتر نجفی (زاده ۱۳۴۱ در اصفهان) دارای دکترای تخصصی علوم سیاسی (گرایش اندیشه‌ی سیاسی) از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که پیش از این رئیس پژوهشکده‌ی فرهنگ، انقلاب و تمدن اسلامی و رئیس گروه نظریه‌پردازی انقلاب اسلامی و مدیر گروه دوره‌ی دکترای علوم سیاسی در مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بوده است.

آغاز به‌کار دکتر نجفی به‌عنوان رئیس جدید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پس از ابلاغ رسمی حکم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر موسی نجفی، صبح روز سه‌شنبه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۰، با حضور در دفتر ریاست پژوهشگاه، فعالیت رسمی خود را در سمت جدید آغاز کرد.

دکتر نجفی از زحمات دکتر قبادی در مدت تصدی ریاست پژوهشگاه تشکر کرد. دکتر قبادی نیز برای رئیس جدید پژوهشگاه آرزوی موفقیت و سلامتی کرد.

حکم معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه ابلاغ شد



دکتر موسی نجفی، سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با صدور حکمی در تاریخ ۲۸ مهرماه ۱۴۰۰، دکتر سیدرضا حسینی را به سمت «سرپرست معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی» منصوب کرد. دکتر حسینی عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی اندیشه‌ی سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی پژوهشگاه است. دکتر نجفی همچنین با اهداء لوحی به دکتر زهرا پارساپور، معاون سابق کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، از زحمات وی در این سمت تشکر و قدردانی کرد.

حکم معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه ابلاغ شد



دکتر موسی نجفی، سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با صدور حکمی در تاریخ ۲۷ مهرماه ۱۴۰۰، دکتر یحیی فوزی را به‌عنوان معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه منصوب کرد. دکتر فوزی استاد و عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق پژوهشگاه است. دکتر نجفی همچنین با اهداء لوحی به دکتر ملایی‌توانی، معاون سابق پژوهشی و تحصیلات تکمیلی از زحمات وی در این سمت تشکر و قدردانی کرد.

سایر انتصاب‌ها

دکتر محمود جنیدی جعفری «مشاور رئیس پژوهشگاه»

دکتر حمیدرضا دالوند «سرپرست دبیرخانه‌ی هیأت‌ممیزه پژوهشگاه»

سیدرضا آقایی «سرپرست دبیرخانه‌ی هیأت‌اجرائی جذب اعضای هیأت علمی پژوهشگاه»

دکتر محمدعلی معتضدیان «سرپرست مدیریت اداری و پشتیبانی»

دکتر مهدی معین‌زاده «سرپرست مدیریت پژوهشی پژوهشگاه»

دکتر علیرضا خسروی «مسئول دفتر و جانشین مدیر حوزه ریاست پژوهشگاه»

قاسم شکری «سرپرست مدیریت امور حقوقی، قراردادها و پاسخگویی به شکایات»

مهندس زهره عطائی آشتیانی «سرپرست مرکز پژوهشی اسناد فرهنگی آسیا»

امیر اعتمادی‌بزرگ «سرپرست مدیریت فرهنگی»

دکتر غلامحسین مقدم‌حیدری «عضو شورای پژوهشی پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی»

دکتر سید جواد میری‌منیق «عضو شورای پژوهشی پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی»

و دکتر یوسف محمدنژاد عالی زمینی «عضو شورای پژوهشی پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی»

دکتر فرهاد زیویار، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌عنوان استاندار جدید لرستان انتخاب شد

به گزارش خبرگزاری صداوسیما مرکز لرستان، با رأی هیأت دولت، دکتر فرهاد زیویار، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌عنوان استاندار جدید لرستان منصوب شد. فرهاد زیویار متولد ۱۳۴۸ خرم آباد و دارای مدرک دکتری علوم سیاسی است. معاونت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مدیرکل امور سیاسی و امنیت ریاست جمهوری، ریاست مرکز پژوهشی و اسناد ریاست جمهوری، دبیری کمیسیون سیاسی و دفاعی هیأت دولت، معاونت دفتر هماهنگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و انتظامی وزارت علوم، ریاست پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، مدیریت گروه پژوهشی نظریه‌پردازی انقلاب اسلامی پژوهشگاه و ... بخشی از سوابق آقای فرهاد زیویار است. فرهاد زیویار نخستین استاندار بومی و هفدهمین استاندار لرستان است.



تمدید مجوز گواهی صلاحیت ارزیابی شایستگی‌های عمومی مدیران حرفه‌ای دستگاه‌های اجرایی

توجه روزافزون به سرمایه‌های انسانی به‌عنوان منابع بی‌بدیل و مزیت رقابتی سازمان‌ها، سبب ظهور رویکردهای نوینی در عرصه‌ی هدایت، رهبری و توسعه‌ی سرمایه‌های انسانی شده است. ازجمله‌ی این رویکردها، کانون‌های ارزیابی و توسعه است. رویکرد کانون‌های ارزیابی و توسعه، نسبت به سایر روش‌های ارزیابی قدرت، پیش‌بینی بیشتری دارد و به‌دلیل ویژگی‌های متمایز، در حال حاضر برترین رویکرد ارزیابی محسوب می‌شود. از نتایج این ارزیابی‌ها، استفاده‌های متنوع و مهمی به عمل می‌آید. بیشترین استفاده از نتایج این کانون‌ها در فرآیند ارزیابی، توسعه، پرورش و آموزش قابلیت‌ها، و مهم‌ترین استفاده‌کنندگان آن، مدیران سازمان‌ها و افراد ارزیابی‌شونده هستند. این روش، شایستگی‌های افراد را در قیاس با استانداردهای مورد نظر، به منظور شناسایی اهم نقاط قوت و زمینه‌های قابل بهبود آنان مورد سنجش قرار می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد پژوهشی کشور در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، طی فرایندی چندین ماهه و با ارائه‌ی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اعضای هیأت علمی خود، پس از گذراندن مراحل متعدد، مجوز برگزاری کانون‌های ارزیابی و توسعه‌ی شایستگی‌های عمومی مدیران حرفه‌ای را از سازمان اداری و استخدامی کشور اخذ کرد. مجوز برگزاری کانون‌های ارزیابی به پژوهشگاه این امکان را می‌دهد که در کنار حدود ۴۰ سازمان برخوردار از این مجوز (مانند دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران) به ارزیابی شایستگی‌های مدیران سازمان‌های دولتی در سراسر کشور اقدام کرده و از این طریق گام مهمی در پیش‌برد و اعتلای نظام مدیریت کشور بردارد.

طی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چندین کانون ارزیابی و توسعه برای سازمان‌ها و نهادهای دولتی، برگزار کرد. سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آمار ایران، اداره‌ی کل امور اقتصادی و دارایی، و اداره‌ی امور مالیاتی تعدادی از این سازمان‌ها بودند. مجوز کانون‌های ارزیابی پس از یک دوره‌ی زمانی معین، با توجه به فعالیت‌های انجام شده در این خصوص و همچنین ارزیابی تیم کارشناسی کانون توسط سازمان اداری و استخدامی کشور، تمدید یا لغو می‌شود. کانون ارزیابی پژوهشگاه در سال ۱۴۰۰ درخواست خود را مبنی بر تمدید گواهی ارائه داد که پس از ارزیابی از سوی سازمان اداری و استخدامی مورد پذیرش قرار گرفت و تمدید مجوز برگزاری کانون به مدت ۲۴ ماه دیگر، به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ابلاغ شد. از این‌رو، پژوهشگاه آمادگی دارد تا برای مجموعه‌های مشابه که متقاضی برگزاری این فرایند هستند، کانون ارزیابی را برگزار کند. سازمان‌های متقاضی می‌توانند برای دریافت توضیحات تکمیلی از طریق مدیریت نوآوری و کابردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی پژوهشگاه، با شماره تلفن ۸۸۶۲۴۵۸۷ تماس حاصل فرمایند.



صدور دومین گواهی خانه‌ی خلاق و نوآوری

پس از انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری میان پژوهشگاه و معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری در خردادماه ۱۴۰۰ و تأسیس نخستین خانه‌ی خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ کشور، مجوز معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری نیز به این مرکز اعطاء شد.

مرکز نوآوری پژوهشگاه علوم انسانی پیش از این، موفق به دریافت مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای فعالیت به‌عنوان مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری، شده بود که اخیراً نیز گواهی (مجوز) جدیدی از معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری جهت فعالیت به‌عنوان اولین خانه‌ی خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ کشور به این مرکز تعلق گرفت.



دکتر داوری اردکانی:

فرهنگ، روح جامعه است بی توجهی به فرهنگ، آشفته‌گی اجتماعی را در پی دارد

مراسم سخنرانی دکتر رضا داوری اردکانی، فیلسوف برجسته‌ی کشورمان، با موضوع «در طلب فرهنگ» چهاردهم مردادماه ۱۴۰۰ به میزبانی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه برگزار شد.



دکتر داوری اردکانی در ابتدای سخنانش گفت: از لطف بی‌شائبه‌ی دکتر قبادی و پژوهشگاه علوم انسانی نسبت به بنده تشکر می‌کنم. وی ادامه داد: زمانه‌ی ما، معنی الفاظ را تغییر داده است. زمانه‌ی کنونی به گونه‌ای شده که غیاب را حضور و حاضر را غائب می‌داند و از این جهت بنده به صورت مجازی در خدمت شما هستم. زمان سخنرانی بنده، مصادف با روز مشروطیت شده که اتفاقی مبارک است. دریغ است که کسی در روز مشروطه حرف بزند، ولی از آن یاد نکند. مطلب من درباره‌ی فرهنگ با توجه به مشروطیت روشن می‌شود. اینجا پای بحث درباره‌ی مشروطیت مطرح نیست. با آمدن مشروطه باید قدرت از شاه به دولت و مجلس واگذار شود و شاه، فقط نماد استقلال کشور باشد و مردم آزاد باشند و به کار دولت و مجلس نظارت کنند. در چنین شرایطی مردم دیگر رعیت نیستند و آماده‌ی مشارکت در امور مدنی هستند.

وی ادامه داد: پس کار مشروطیت این بود که تغییری در وجود مردم به وجود بیاورد و این تغییر بدون تحول در فرهنگ امکان تحقق نداشت. کار مشروطیت با تغییر در حاکمیت تمام نمی‌شد و باید تغییری در مردم صورت می‌گرفت (یعنی تغییر فرهنگ). برگزاری مجلس و تشکیل محاکم قضایی کارهای دشواری نبود که در همه‌جا صورت می‌گیرد و چه بسا تغییری در شرایط ندهد. اما مردم برای تغییر و تأثیرگذاری بر شرایط باید از وضعیت پیشین خارج می‌شدند (یعنی تحول زندگی). البته با مشروطیت تغییراتی حاصل شد که بیشتر قهری بود. فرهنگ جدید هم به‌طور پراکنده آمده اما قوامی نیافته بود که مردم را برای مشارکت در شرایط جدید آماده سازد. کشور نیازمند کسانی بود که با فرهنگ و نظم جهان جدید آشنا باشند و آنان را برای زندگی در نظم جدید آماده سازند. در اروپا نیز تحول ابتدا در جامعه روی داد و فرهنگ تحول یافت.

دکتر داوری ضمن بیان اینکه در ایران نیز هر تحولی مستلزم مناسبات جدید بود، گفت: مشروعیت حادثه‌ی مهمی بود. در دوران مشروطه شعر و ادبی به وجود آمد که می‌توان آن را دوران شکوفایی شعر فارسی دانست ولی چرا شاعران آن زمان افق آینده را روشن ندیدند و گویی راه مشروطه را هم ناهموار دیده بودند! هنوز ۱۵ سال از انقلاب مشروطه نگذشته بود که بسیاری از طرفداران به مدرنیزاسیون تقلیدی روی آوردند و طرح ترقی‌خواهی را پیش کشیدند. از رضا شاه افرادی چون نصرالله فیروز، محمدعلی فروغی و ... حمایت کردند و پایه‌های اصلی حکومتش شدند. با این حال راهش دشوار و ناهموار باقی ماند درحالی‌که این راه را باید با فرهنگ خاص هموار کرد.

استاد داوری شرح داد: در ادامه کمی درباره‌ی لفظ فرهنگ حرف می‌زنم. فرهنگ در زبان ما بخشی از ادب و

تأدیب بوده و حدود یک قرن است که معادل واژه‌ی culture است. این الفاظ معنایی بیش از ادب دارند. به قول نویسندہ‌ی معروف، فرهنگ به شکل خستگی‌ناپذیری می‌کوشد چیزی را بسازد که هر فرد خواهان آن است. ما همه در طلب چیزی هستیم که به زندگی نظم و سامان دهیم به همین دلیل باید در معنی فرهنگ بیشتر تأمل کنیم. در زمانه‌ی امروز معنایی که برای فرهنگ قائل شدیم به‌صورتی است که انگار فرهنگ ضدپیشانی و آشفتگی است، متقدمان با چنین اموری آشنایی نداشتند آنها به جای عقل، خرد و حکمت را سازو کار می‌دانستند اما امروز که فرهنگ اروپایی در همه جای جهان منتشر شده نمی‌توان به فرهنگ بدون اعتنا به تاریخ آن اندیشید. فرهنگ مصادق اصلی هنر، شعر و ادب و حکمت است.

وی با بیان این سؤال که آیا اینها می‌توانند ما را در کارها سامان دهند و نظم زندگی ما را بسازند، گفت: ما بی‌توجه به گذشته و معارف آن و بدون انس به زبان مادری راهی به شعر، هنر و حکمت نمی‌یابیم. لازم است به وضع اکنون نیازها و امکان‌ها بیندیشیم و از تجربه‌های تاریخ درس بیاموزیم.

در عمل نمی‌دانم چه بگویم. اما در نظر می‌گویم که راه آینده را باید از مسیر فرهنگ جست‌وجو کرد. فرهنگ در زبان و زمان ما باید شیوه‌ی زیست و راهنمای زیست ما باشد. ما اگر در طلب چیزی هستیم تا به امور ما نظم دهد باید در اندیشه‌ی فرهنگ باشیم. هر معنایی برای فرهنگ قائل باشیم، باید به زندگی ما نظم بدهد. گویی فرهنگ ضد بی‌نظمی و آشوب است. فرهنگ برای نظم عقلانی آمده است. اکنون همه‌ی جهان، فرهنگ را به معنای اروپایی آن می‌شناسد. فرهنگ به‌مثابه راهبرد زندگی و نظم و نظام زندگی است. البته فرهنگ در معنای شعر و ادب ما از میراث تاریخی بزرگی برخورداریم، اما آیا معارف، شعر و حکمت می‌تواند به زندگی ما نظم و سامان ببخشد؟ برای این نظم و سامان باید به تجربه‌های تاریخی بیندیشیم.

دکتر داوری اردکانی تأکید کرد: عشق، اساس زندگی است که راه به راستی می‌برد و آن را به مردمان می‌آموزد. راه راستی به راه درستی می‌رسد. عشق به راستی و دوستی شرط بقاء و سامان زندگی است. اما برهه‌ای را نمی‌شناسانیم که فارغ از دروغ و کینه‌توزی باشد. همه‌ی شعرای ما به این خاطر ماندگار شدند که عشق و راستی و درستی را به یاد ما می‌آورند. در نظم جدیدی که با ظهور تجدد در سراسر گیتی گسترده شده است، راستی و درستی جای خود را به خرد، علم و فرهنگ داده است. نمی‌گویم دیگر راستی و درستی وجود ندارد، بلکه کارها به خرد و علم سپرده شده است و اخلاق کاربردی ندارد. چنین نیست که دوران قدیم دوران صلح، دوستی و درستی بوده و دوران جدید، دوران جنگ و خشونت است. جنگ و خشونت همواره بوده است. وقتی از جهان راستی و دوستی سخن می‌گوئیم، مراد آن نیست که چنین جهانی وجود داشته بلکه مراد این است که امکان چنین جهانی وجود دارد. وقتی عالمان و شاعران امکان چنین جهانی را وارد می‌دانسته‌اند، چرا ما آن را باور نداشته باشیم. آیا اصول راستی و درستی مورد قبول همگان نیست. این راه با همراهی دانایان و فرزنانگان ممکن است. اما آیا یافتن راه خانه دانایان و فرزنانگان آسان است؟

اردکانی ادامه داد: وقتی مشکلات وجود دارد و مردم مطالبه‌ی حل آنها را دارند حکومت نمی‌تواند به آنها بی‌اعتنا باشد. مشکل همه‌ی حکومت‌های معاصر این است که سیاست از پشتوانه‌ی فرهنگی برخوردار نیست. فرهنگ هم از پشتیبانی سیاست اعراض کرده است، گویا حکومت‌ها به شرکت‌های چند ملیتی و پشتیبانی آنها دل بسته‌اند! مشکل اصلی نشناختن سازواری شرایط کنونی است. مشکل ریشه در فهم گذشته و اکنون و آینده دارد. رمز موفقیت در پیوستگی نهادهای فرهنگی و آموزشی و بروکراسی است. متأسفانه برنامه‌ریزی جای فرهنگ را برای توسعه و پیشرفت گرفته است. طراحی برنامه‌ای که جایگزین فرهنگ باشد، آسان نیست.

پس از برنامه‌ی بلشویکی در آغاز سده‌ی بیستم، کمتر برنامه‌ای برای توسعه و پیشرفت معرفی شده که امکان جایگزینی فرهنگ را داشته باشد. برنامه‌ریزی برای جایگزینی فرهنگ چگونه ممکن است؟ درسی بخردانه برای برنامه‌ریزی ... معمولاً تدوین و اجرای برنامه‌ها بر عهده‌ی حکومت است و معمولاً حکومت‌ها ایدئولوژیک هستند و آنها را در تدوین و اجرای برنامه دخالت می‌دهند و بنابر این شکست می‌خورند. تدوین هر برنامه‌ای باید به قصد اجرای آنها باشد و نه آرزوی آنها ... مقصد دور همه‌ی آدمیان نه دیار غربت، بلکه شهر آشنایی است، اما رفتن به شهر آشنایی آسان نیست.

دکتر داوری در ادامه‌ی سخنانش با طرح این سؤال که چه کسانی باید در تدوین برنامه‌ها مشارکت کنند، شرح داد: اول، برنامه‌نویسان باید از شرایط موجود آگاه باشند و دوم، بدانند که پیشنهادشان به بهبود شرایط و نه وخامت اوضاع بینجامد. سوم، هر برنامه‌ای باید زمینه‌ی مناسبی برای اجرای برنامه‌های بعدی باشد. با اطلاع از شرایط و اطلاع از امکان‌های موجود، برنامه‌ریزی میسر است. به‌طور خلاصه برنامه‌ریزی با اطلاعات و امکان‌های علمی و عملی کشور امکان‌پذیر و مبنای همه‌ی اینها فرهنگ بوده و بدون فرهنگ هر برنامه‌ریزی ناقص است. استاد داوری اردکانی در خاتمه‌ی سخنانش تصریح کرد: نتیجه‌ی قهری این فقدان (روح)، آشفتگی است و گاهی

امور بیهوده بر امور اساسی غلبه می‌یابند. مثلاً در مدارس زبان مادری به فراموشی سپرده شده است و امور بدون زبان سامان نمی‌یابد. متأسفانه زبان به فراموشی سپرده شده است. با این همه، راه امید بسته نیست. ایران همواره دچار نابسامانی و گرفتاری شده است اما راه خود را یافته است، اما باید از تاریخ درس بگیریم. ناهمواری‌ها را باید با نیروی همت هموار کرد و با چراغ فرهنگ روشن ساخت. وی با بیان اینکه بدون مدد علم و تکنولوژی و خرد نمی‌توان مسیر را پیمود. علم باید با خرد و فرهنگ همراه باشد، گفت: زمان کنونی زمان بحران فرهنگ است. اروپا و غرب، «اصل» فرهنگ را بازنشسته کرده است. اما «نقش» فرهنگ را پاس می‌دارند. (دنای جدید) فرهنگ را به داده‌ها تبدیل کرده و به همگان می‌فروشد. آیا فرهنگ هنوز می‌تواند «جان جامعه» باشد و به اجزای پراکنده، جان دوباره ببخشد؟ امروز کار فرهنگی و دفاع از فرهنگ دشوار، اما بسی مهم و شریف و سترگ است.

جلسه‌ی پرسش و پاسخ

دکتر دری: من در آثار جنابعالی به مفهوم «فهم» رسیدم. به نظر فهم مبنای مفاهمه و مفاهمه مبنای تفاهم و تعامل است. نظر شما در این باره چیست؟

دکتر داوری: مطلب درستی است. جامعه، امر اعتباری نیست. بلکه واقعیت دارد و اثرگذار است. فهم و مفاهمه از علم ناشی می‌شود. ما امروز اصول جهان متجدد را پذیرفته‌ایم. مثلاً در دوران قبل پیشرفت مطرح نبود و آخوندزاده نمی‌دانست که به جای پروگرس چه واژه‌ای بگذارد و بنابر این از پروغره استفاده می‌کرد.

دکتر مصطفوی: آیا صرف آشنایی با مسئله می‌تواند ما را به هدف رهنمون سازد تا روح هماهنگ‌کننده را دریابیم؟

دکتر هوشنگی: اگر فرهنگ را به‌عنوان روح و نخ تسبیح تلقی کنیم که قواعد زندگی ما را تعیین می‌کند، به اصالت فرهنگ و شروع هر کاری از فرهنگ قائل خواهیم بود.

دکتر توسلی: آیا بحثی که استاد مطرح

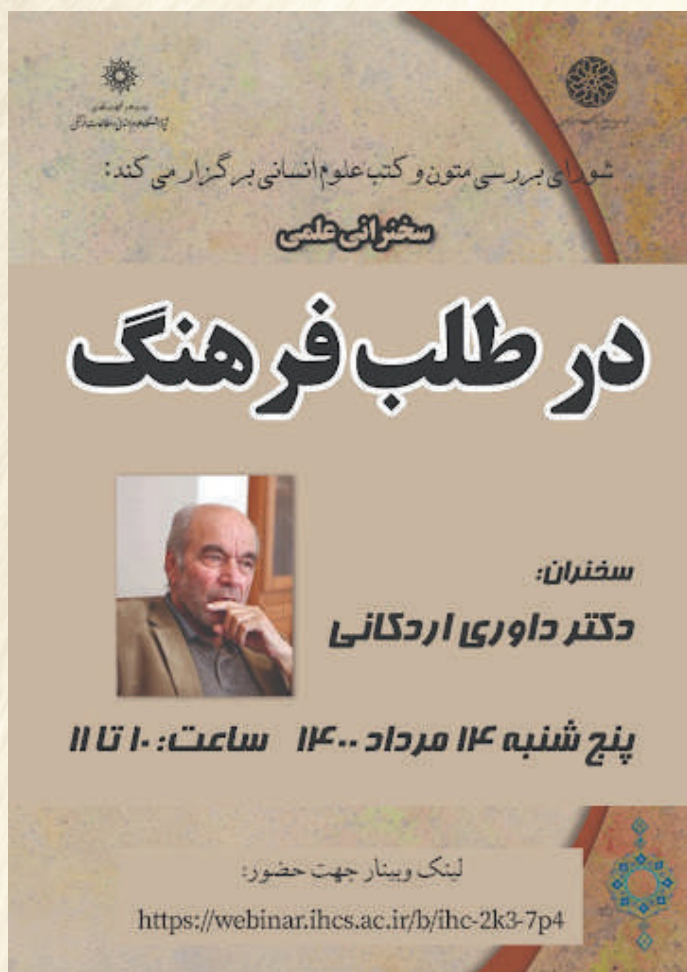
کردند بر این مفروض استوار است که دوران جدید در گسست از دوران قدیم اتفاق افتاده است و آیا جناب استاد داوری اردکانی قائل به گسست هستند؟

دکتر مظاهری: هر آدم هوشمند و تیزهوشی لزوماً به خردمندی قائل نمی‌شود. بنابراین جامعه علاوه بر انسان‌های هوشمند به آدم‌های خردمند نیاز دارد. نظر شما در این باره چیست؟

سؤال‌های دکتر شجاعی:

۱- اگر فرهنگ را چنان که استاد داوری فرمودند جان جامعه و وحدت‌بخش عناصر آن بدانیم، به نظر استاد در دوره‌ی درخشش تمدن اسلامی آنچه وحدت‌بخش این تمدن بود چه بود؟

۲- امروزه بحث اعاده‌ی حیثیت از اتوپیا به‌صورت جدی مطرح است و نقش فلسفه‌ی تاریخ و اخلاق در این میان مهم و تعیین‌کننده، به نظر استاد، فلسفه‌ی معاصر ایران چه امکانات و محدودیت‌هایی برای طرح مجدد اتوپیا متناسب با تجربه‌ی زیسته‌ی ما ایرانیان به‌ویژه از دوره‌ی مشروطه به این سو دارد؟



شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی برگزار می‌کند:

سخنرانی علمی

در طلب فرهنگ

سخنران:
دکتر داوری اردکانی

پنج شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۰ ساعت: ۱۰ تا ۱۱

لینک وینار جهت حضور:

<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-2k3-7p4>

۳- تلقی استاد از بحران چیست؟ هرمنوتیک بحران و بحران‌اندیشی از دهه‌ی ۱۹۴۰ در خود غرب مطرح شده و در تفکر پسامدرن به اوج رسیده است. بحران گاه به معنای پایان، گاه به معنای مرگ، گاه به معنای ناکارآمدی و ... عقل، علم و فرهنگ مدرن بوده است ... تلقی استاد کدام است؟

دکتر داوری:

در پاسخ به سؤال به دکتر مصطفوی، «چگونه می‌شود مسائل جهان کنونی را طرح و حل کرد؟» عرض می‌کنم که همه‌ی بحث این است که چه باید بکنیم، اما هیچ‌کدام منتظر نباشیم که نسخه‌ای ارائه شود. کاری که می‌توانیم اهل فرهنگ بکنیم این است که در این باره تأمل کنیم، چون ما اختیاردار جهان نیستیم. ما فقط می‌توانیم فکر کنیم و راه بجوئیم.

درباره‌ی مطالب دکتر هوشنگی که مطالب خوبی فرمودند، چنین اختلافی دویست سال پیش نمی‌توانست پیش بیاید. این‌ها مسائل جدیدی است که حادث شده است. مسئله‌ی اصالت فرهنگ، مسئله‌ی جدیدی است و نباید اصالت فرهنگ را در برابر اصالت اقتصاد قرار دهیم. این‌ها در کنار هم هستند. باید اصلاً از تقابل‌ها خارج شویم و ببینیم کجا هستیم و چه کار داریم می‌کنیم؟ جهان ما به چه سمت و سویی می‌رود؟ باید ببینیم مسئله چیست؟ مسئله اگر محرز شد، می‌توان به پاسخ آن نیز فکر کرد. اشاره‌ی من به عشق، اشاره به مبدأ بود. پروا و تدبیر بعد از بنیان‌گذاری جامعه است و در مبدأ پروا و تدبیر نیست. مطالب دیگر را ان شاء ... در سخن دیگری پیگیری می‌کنیم. آیا نقشی که اتوپیا در قرون پانزدهم ایفا کرد هم‌اینک می‌تواند ایفا کند؟ کسانی که در دوره‌ی معاصر درباره‌ی اتوپیا نوشتند بیشتر ضد اتوپیا نوشتند، مانند: اورولی، هاکسلی و ...

درباره‌ی سؤال دکتر مظاهری هوش موافق با خرد و هوش مخالف خرد همواره مطرح بوده است. هوش مخالف با خرد به جریزه اطلاق می‌شود که عربی شده گریزه فارسی است. هوش همیشه بوده و همیشه مردمان هوش داشتند. اما عقل صورت‌های متفاوتی پیدا کرده است. هوش امری بیولوژیک و روان‌شناختی است. اما عقل مرتبه‌ی بالاتری دارد و با روان آدمی مرتبط است که مطالبی در این باب نوشته‌ام.

دکتر توسلی تصور کردند که من درباره‌ی گسست تاریخی بحث کردم. من چیزی درباره‌ی گسست نوشته‌ام. گسست معمولاً روی می‌دهد که برخی اساسی است و برخی اساسی نیست. رفتن این حکومت یا آمدن آن حکومت ممکن است ناچیز یا مهم باشد. مانند رفتن سلوکی‌ها و آمدن اشکانی‌ها ناچیز بود. اما رفتن اشکانی‌ها و آمدن ساسانی مهم‌تر بود. رفتن ساسانی‌ها و آمدن اسلام گسستی اساسی بود اما مهم‌ترین گسست تاریخی پایان قرون وسطی و آغاز عصر جدید بود. گسست تاریخی لزوماً جابه‌جایی حکومت‌ها نیست. عصر جدید گسست از قرون وسطی بود و تجدید پیمان با یونان باستان. هیچ گسستی، گسست از تاریخ نیست بلکه پیوستگی با تاریخ دارد. انقطاع است اما انقطاع کامل نیست. در مشروطه بی‌تردید گسست و انقطاع روی داده است. چون اندیشه‌ی تغییر نظم جامعه و ایجاد نظم جدید مطرح شد. تغییر نظم و سامان جامعه اندیشه‌ی دوران جدید است. این طراحی‌ها در دوران قدیم مطرح نبود؛ بنابراین امری جدید بود. این تغییر شاید در هزار سال قبل روی نداده بود. تغییر دیجیتال جهان را به‌سوی عالم جدید پیش می‌برد. برای پرداختن به برخی موضوعات و سؤالات مطرح شده را به در نشست‌های آتی موکول کرد.



همایش بین‌المللی شمس تبریزی و مولانا

هفتمین همایش بین‌المللی شمس تبریزی و مولانا، به‌رسم سالیان گذشته، از طرف تولیت شمس تبریزی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری دانشگاه علامه طباطبائی، مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران، کمیسیون ملی یونسکو-ایران، انجمن علمی عرفان اسلامی ایران، نگارستان اندیشه و خانه‌ی اندیشمندان علوم انسانی در تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۰ آغاز به کار کرد. در مراسم افتتاحیه‌ی همایش دکتر مهدی معین‌زاده، دبیر علمی همایش، گزارشی از روند همایش به شرح زیر ارائه کرد:

کمیته‌ی علمی همایش با ۴۲ عضو، نه عضو خارجی از فرانسه، کانادا و ترکیه دانشگاه‌های مدنیت استانبول، دانشگاه آتاتورک ارزروم، دانشگاه مرمره استانبول، دانشگاه سلجوق قونیه، و ۳۵ عضو داخلی از دانشگاه‌های علامه طباطبائی، دانشگاه شهید مدنی تبریز، دانشگاه زنجان، دانشگاه خوی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه تهران، دانشگاه ارومیه، دانشگاه اراک، دانشگاه امام خمینی، پژوهشگاه علوم انسانی

و مطالعات فرهنگی، دانشگاه شیراز و کمیسیون ملی یونسکو-ایران کار خود را از نیمه‌ی دوم فروردین ۱۴۰۰ شروع کرده است. کمیته‌ی علمی ۲۱ مقاله سفارش داده است، ۱۱ مقاله از نویسندگان خارجی (از بنگلادش سه مقاله از دکتر عیسی الشاهدی، دکتر محمد بهالدین، دکتر محمد ابوکلام سرکار، از لبنان یک مقاله دکتر دلال عباس، از اسپانیا یک مقاله دکتر خالد محمد عبده، از فرانسه دکتر نهال تجدد یک مقاله، از کانادا دکتر شیرین بیانی یک مقاله، دکتر رجبعلی کاوانی از میشیگان - آمریکا، دکتر محمدتقی وزیری از کالیفرنیا - آمریکا، دکتر علی تمیزال از دانشگاه سلجوق قونیه ترکیه، دکتر نعمت یلدریم دانشگاه آتاتورک ارزروم ترکیه) و ده مقاله از نویسندگان ایرانی از دانشگاه‌های مختلف داخلی از جمله، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه ارومیه، دانشگاه اراک، مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و خوی را شامل می‌شود. از مقالات ارسال شده به سایت همایش تعدادی مقاله پس از داوری، انتخاب و در مجموعه مقالات به چاپ خواهد رسید. همایش در پایگاه استناد جهان علوم اسلامی ثبت و کد ISC نیز دریافت و در وبگاه همایش بارگذاری شده است. دکتر معین‌زاده سخنان خود را با جمله‌ی «آفرین بر کسی که مولوی را مولوی کرد» سخنان خود را به اتمام رساند.



سخنران بعدی مراسم افتتاحیه دکتر حسینعلی قبادی، رئیس وقت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پس از تشکر از عوامل اجرایی و علمی همایش که طی یک‌سال تدارک این همایش را انجام دادند از جمله، دکتر معین‌زاده (دبیر علمی همایش)، مهندس جعفرپور (سرپرست تولیت شمس تبریزی و دبیر اجرایی همایش) و افسرالملوک ملکی، و تشکر از استادان داخلی و خارجی شرکت‌کننده در همایش، گفت: در دورانی زندگی می‌کنیم که خشونت دنیا را تهدید می‌کند، ما درباره‌ی زندگی، اندیشه و افکار و تأثیرگذاری اندیشه‌ی شمس تبریزی روی جهانیان، همایش برگزار می‌کنیم. پیام اصلی شمس این است که عالم از وجود آدم مبارک می‌شود و به انسانیت آدم‌ها احترام می‌گذارد. درباره‌ی کسی که قرآن را خلیفه‌الله خواند. ما باید قدر شمس را بدانیم و رمز انسانیت را صیانت کنیم و در چنین ایامی و برگزاری چنین همایشی به گوهر انسانی بیشتر نزدیک شویم و بشناسیم و بدانیم مولوی و شمس، دو گوهر تابناک، به ما چه می‌آموزند و مولوی از شمس چه آموخته است. قبادی تأکید کرد: خشونت‌طلبان بدانند درون‌شان غوغایی برپاست که اجازه نمی‌دهد در بیرون با صلح و

آرامش رفتار کنند. پیام دیگر اینکه، انسان در کنار آسایش به آرامش نیاز دارد. شمس به ما آموخت چگونه می‌شود آرامش یافت. آرامش چیزی خارج از خواسته‌ی ما نیست. پیام دوم، با توجه به بحران‌های این روزها آرامش داشتن را بیاموزیم. بشر بیش از هر چیز به منش و شیوه‌ی آرامش داشتن نیاز دارد. از شمس بیاموزیم چگونه آرامش داشته باشیم. اندیشه‌ی شمس در کنار مولوی که محصول عمر شمس و گوهر وجود شمس است، این است که با دیگران خشونت نکنیم و بدانیم تعامل و مدارا برای بشریت بسیار نافع‌تر از خشونت است و هزینه‌های آرامش کمتر از خشونت است و صلح و مدارا مرارت ندارد اما خارج از آن همه مرارت است. امیدوارم این کنگره بتواند مثل همیشه پرشکوه ادامه پیدا کند و پیام‌های شمس و مولانا را به جهانیان رساند.

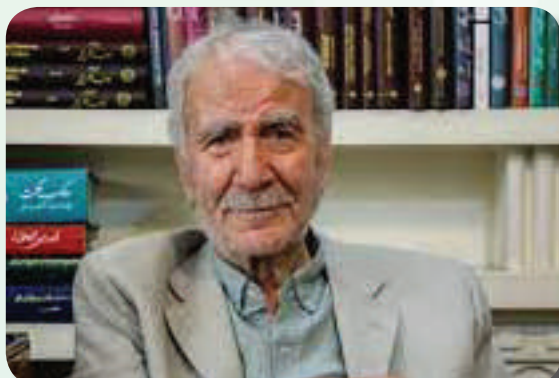


سخنران سوم مراسم، دکتر حجت‌الله ایوبی، رئیس کمیسیون ملی یونسکو ایران، از همه‌ی کسانی که تا به امروز چراغ همایش شمس تبریز را در خوی روشن نگه داشته‌اند از جمله مهندس جعفرپور (سرپرست تولیت شمس تبریزی و مولانا) و افسرالملوک ملکی، ابراز امیدواری کرد: سال آینده نیز امکان برگزاری همایش شمس در خوی ایجاد شود تا جمع یاران شمس و مولوی در خوی دور مزار شمس گرد هم آیند. شمس تبریزی خود گفته است، مقصود از خلقت عالم ملاقات دو دوست بود. ملاقات دوستان مقصود خلقت عالم بود و هست. خوشبختانه این نوید را به شما می‌دهم که پرونده‌ی دیدار شمس تبریزی و مولانا در کمیسیون ملی یونسکو ایران، آماده و در دبیرخانه نیز ثبت شد و ان‌شاءالله آبان‌ماه یک خبر خوب برای خوی، تبریز و مردم ایران و دل‌بستگان شمس و مولانا خواهیم داشت و

امیدواریم سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ از رویداد ملاقات شمس تبریزی و مولانا تجلیل شود و سال تجلیل از دیدار این دو گوهر عالم‌تاب باشد که رویداد بسیار مهمی است تا ابعاد مختلف این دیدار را هم برای مردم دیار خودمان و هم برای مردم جهانیان روشن کنیم. ما به‌جای زندگی این دو عالم به دیدار آن‌ها توجه داشتیم و ثبت می‌کنیم که به نظر می‌آید این دیدار تولد دوباره‌ی مولاناست.

دکتر ایوبی تأکید کرد: همه‌ی ما می‌دانیم اگر این ملاقات و دیدار نبود مولانا هم فقهی بود مثل بقیه‌ی فقها و عالمی بود بسان بقیه‌ی فقها و نامی از او نبود. این دیدار بود که آتشی به جان حضرت مولانا زد و مولانایی از او ساخت که امروز آتشی در خرمن جهانیان افکنده است. نکته‌ی دیگر که امیدوارم در همایش مطرح شود این است که همه‌ی مردم انتظار دارند بارگاه حضرت شمس ساخته شود. همه این بارگاه را شناخته و از بزرگانی از هر گوشه جهان به این بارگاه آمده و فاتحه‌ای خوانده‌اند و همه‌ی تلاش‌ها جواب داده و این باور ایجاد شده که این بارگاه در ذهن همه‌ی ما ساخته شده است. گام دوم، یک طراحی درست و ماندگار با مفهوم بلند و در خور حضرت شمس تبریزی و مولاناست که می‌دانید با چه زحمتی سالیان سال ساخته شده است که این دو کار، مهم‌ترین کارهایی بوده که انجام شده و امروز نقشه‌های طراحی این بارگاه را که توسط استاد نادر اردلان طراحی شده آماده است. متأسفانه در دو دولت قبلی بودجه‌ی ساخت این طرح تصویب شد اما انجام نشد و قطعاً در دولت جدید نیز پیگیری خواهد شد تا با امکانات دولت این کار را انجام دهیم اما دولت‌های ناپایدار رفتند و این کار ماند. اگر مردم و مسئولان خوی همچنان منتظر هستند با بودجه‌ی دولت این کار مهم و ماندگار انجام شود که انجام نمی‌شود تا مجدداً امیدوار شویم. درخواست من از بزرگان خوی چه در داخل کشور چه خارج از کشور این است تا دست به دست هم بدهند و صندوقی درست کنند و بودجه‌ی ساخت این مکان را تأمین کنند که این هزینه بسیار اندک اما ماندگار است. گودار یک بار حافظیه را ساخت و هیچ کس جرأت خراب کردن آن را پیدا نکرد این بنا هم که آقای نادر اردلان طراحی کرده‌اند همانند آن است، بنای کوچک و زیبایی که کسی آن را خراب نخواهد کرد. خیرین بیایند و هزینه را تأمین کنند و من قول می‌دهم در کنار خیرین خوی و بزرگان تبریز خواهیم بود تا همه با هم بیاییم و این کار بزرگ را انجام دهیم و این آرزوی مردم برآورده شود.

در ادامه دکتر غلامحسین دینانی سخنرانی خود را با عنوان «شمس تبریزی کیست و چیست؟» آغاز کرد و گفت:



شمس تبریزی یکی از عرفای بزرگ جهان اسلام است و هیچ تردیدی در آن نیست. به همان اندازه که شمس تبریزی بزرگ است، شناختن او مشکل است و هیچ کار ساده‌ای نیست. او کم سخن می‌گفت و خاموش بود شمس می‌گفت، سخن وقتی مفید است که شنونده و مستمع درست داشته باشد، در غیر این صورت بی‌ثمر است. شمس به‌همین دلیل سال‌ها صحبت نکرد و همیشه سفر کرده تا بالاخره به گوش‌ی که می‌خواست در قونیه‌ی ترکیه رسید و مولانای بلخی در قونیه بود و در سفر به قونیه با او ملاقات کرد و به گوش شنوا هر چه دلش می‌خواست به او گفت. در آثار مثنوی می‌توان شمس را شناخت در مثنوی مولوی سخن می‌گوید اما زبانش شمس است. برای شناخت شمس در اندیشه‌ی مولانا باید جست‌وجو کنید:

از جدایی‌ها حکایت می‌کند.

«بشنو از نی چون شکایت می‌کند

این ابیات اول مثنوی حال مولاناست اما از زبان شمس و سخنان شمس آن را بیان می‌کند. مقالات شمس از کتاب‌های عظیم است که اندیشه‌ی شمس را در آن می‌توان پیدا کرد و کمتر کسی به پای او می‌رسد.

سپس دکتر غلامرضا خاکی به موضوع «شیخ مثنوی، خرقة‌پوش صحبت شمس تبریز» پرداخت و گفت: یکی

از آداب مرسوم و معمول میان صوفیان، «خرقه» دادن است. خرقة‌ها در فرهنگ و تشکیلات خانقاهی صوفیان انواعی دارند که هر یک از آن‌ها معنایی و کاربردی دارد.



شمس تبریزی در برابر این پرسش که پیر تو کیست و خرقة تو از کجاست؟ با حمله به این سنت معمول، می‌گفت: دیری است که شیخی نداشته و به خرقة‌ی پارچه‌ای نیز اعتقادی ندارد اما خرقة‌ای در خواب از رسول علیه‌السلام دریافت کرده

که نام آن «خرقة‌ی صحبت» است. خرقة‌ی صحبت یعنی پوششی چهل تکه‌ای (هزار میخی) از «کلام» زنده‌ای که ماهیتی کاوش‌گرانه و کنش‌گرانه دارد و تار و پودش بر بالای دل مخاطبی (که همنشین همدل است)، رچ‌رج، بافته و تکه‌تکه دوخته می‌شود:

اگر صحبت خواست می‌کردن، همه دقایق لفظی (کاوش‌گرانه) و معاملتی (کنش‌گرانه) را بدیدمی.

گفت‌وگوهای ارشادی کاوش‌گرانه و کنش‌گرانه پیری که صاحب خرقة‌ی صحبت است با سالکی که مشتاق سلوک در راه حق است، او را رفته‌رفته به «فهمنده‌ای بیننده» مبدل می‌گرداند که می‌تواند خط و نشان حضور دوست را در متن «جان و جهان» بخواند و از «عریانی بی‌معنایی» به «پوشیدگی اهوایی» مفتخر شود:

چون باز شود چشمت بیننده شوی با ما

شمس الحق تبریزی با غنچه دل گوید

شمس هنگام اقامت خود در قونیه، «کارگاهی از کلام» را در «محلّه صحبت» برپا کرد و بر روان مولانا خرقة‌ای از صحبت خویش را پوشانید. خرقة‌ای که می‌توان آن را به نگاهی تمام دانست و ازدیدگاهی دیگر نیز ناتمامش خواند. شاید آغاز ناگهانی و دیگرگون مثنوی و رهاشدگی آن در پایان دفتر ششم و هفت دفتر نشدنش نیز رمزی از این ناتمامی خرقة‌ی صحبت شمس باشد. باری شمس گفت:

– اگر بشنوند! آتشی انداختم و رفت، آن که سوخت، سوخت و آن که ماند، ماند.

آری، به تعبیر مولانا شمس، دل او را حامله کرد و ناگهان در تاریخ برای همیشه گم شد:

شمس الحق تبریز دلم حامله‌ی توست!
تا کی شود این طفل به اقبال تو زاده

پیر بلخ حدود یک دهه و اندی در اجبار پس از شمس، در خویش خاموش و پنهان شد تا آن «وقت» برسد، آن‌گاه به قابلیت حسام‌الدین چلبی به ترتیب از دل مولانا شمس فرزند از غیب جهان پا به جهان گذاشتند، او نام هر یک از این فرزندان را، به ترتیب «دفتر» نهاد. همه همنام شدند چون همگی سخن «قبر» را در دکان وحدت عرضه می‌کردند، او نام خاندانی این دفترها را «مثنوی» نهاد. این فرزندان در همیشه و همه جای تاریخ روان شدند تا در زاویه‌ی دل هر سالکی، خانقاهی بر پا کنند و وعده‌ی شمس را تحقق بخشند که گفت: چون گفتنی باشد بگویم و هر آینه اگر چه بعد هزار سال باشد، این سخن به آن کس برسد که من خواسته باشم.

مولانا در وصف این شیخ که خرقة‌ای هزارمخ بر تن دارد گفت:

«مثنوی ما دلبری است معنوی که در جمال و کمال خود همتایی ندارد و همچنان باغی است مهیا و رزقی است مهنا که جهت روشندان صاحب‌نظر و عاشقان سوخته‌جگر ساخته شده است».

مولانا گفت: بعد از ما هر کس می‌خواهد با هدایت شمس به طریق حق راهبری شود باید کلام این شیخ را بشنود و فهم کند و بر طریق آن معامله (عمل) کند، اما این را نیز گفت که هوشیار باشید تا در ظاهر قصه‌های این شیخ قصه‌گوی خوش‌کیش (که گاهی با هزلی نیز شما را می‌خنداند) نمانید و بدانید کلام این «شیخ» را به آسانی و رایگان نمی‌توانید شنید، لذا:

بس ز نقش لطف‌های مثنوی
صورتی ضال است و هادی و معنوی

با تأمل در کلام «شیخ مثنوی» است که می‌توان فهمید چرا پیر تبریز کتاب و رساله‌ای ننوشت، زیرا شمس یقین داشت فرزندانش از مولانا میراث بر راستین اویند و از سویی دیگر نیز مولانا سخنان و تقریرات شمس را در کتابی به نام «مقالات و معارف و خرقة... شمس تبریزی» مدون نکرد و آن معانی را (که به قول شمس «پلنگ طبع» هستند) به فرزندان با وقارش سپرد تا آن‌ها با ما به نرمی، حدیث کوی دوست و عاشقان آن را باز گویند. باری! پس چه غم اگر شمس ننوشت و مولانا سخن او را به عمد مدون نکرد که پیر رومی نوید داده است:

آنچه داده‌ست شمس تبریزی
ز من آن جو که من همان دارم



حجت‌الاسلام رسول حسن‌زاده (شمس و مولانا در معنویت‌گرایی جدید با تأکید بر آثار «دیپاک چوپرا») معنویت‌گرایی جدید در بستر مدرنیته همراه با ظهور نهضت‌های جدید دینی، جنبش‌های عصر جدیدی و پادفرهنگی چرخش نوینی را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و معرفتی ایجاد کرد. در این رویکرد معنویت‌گرایی از تفسیر و تأویل‌گرایی معرفتی و انفسی از متون دینی تا جایگزینی دین نهادینه را عهده‌دار می‌شود. در این پدیده علاوه بر انگیزه‌ی هویت‌جویی از سنت‌های دیرین فرهنگی و دینی، تحویل‌گرایی و فروگاهش مفاهیم و آموزه‌های متعالی را شاهد هستیم. از همین‌رو معنویت‌گرایان جدید به متون عرفانی به‌خصوص آثار شمس و مولانا عنایت ویژه‌ای داشتند. مواجهه معنویت‌گرایان قبلاً به‌صورت

سرقت ادبی و مصادره‌ی این شخصیت‌ها بوده که در جریان‌هایی همچون اکنکار و کوئلیو مشهود بوده، اما امروزه مروجین جنبش عصر جدید با گزینش‌گری و ترجمه‌های نادرست از اشعار مولانا، مضامین عرفانی را به مبتذل‌ترین وجه آن معنا می‌کنند. «دیپاک چوپرا» یکی از رهبران برجسته‌ی جنبش عصرجدیدی است که با دریافت محبوبیت جهانی مولانا، خود را یک مولوی‌شناس معرفی می‌کند و تلاش دارد آثار مولانا را با رویکردی سطحی‌گرایانه با سیستم معنایی معنویت عصرجدید بازخوانی کند. وی برای رواج مصرف‌گرایی عصرجدیدی پای رومی را به جهان مد، فشن و موسیقی نیوایجی باز می‌کند. با نیم‌نگاهی به آثار «چوپرا» به‌راحتی می‌توان ردپای نشانه‌های گفتمانی معنویت عصرجدید را در تفاسیر نادرست از تعالیم مولوی مشاهده کرد که به نمونه‌هایی از این نشانه‌ها در این مقاله اشاره می‌شود. الف: نفی شریعت به بهانه‌ی نقد شریعت فرمالیستی. ب: فردگرایی، درون‌گرایی، خودابرازگرایی و خودشیفتگی معنوی به بهانه‌ی سیر انفسی. ج: غیرواقع‌گرایی به بهانه‌ی سیر آفاقی.

د: احساس‌گرایی سطحی، ارضای میل، تن‌آسودگی و مسرت‌جویی به بهانه‌ی تفسیر کارکردی از عناصر عرفانی مثنوی.

پروفسور نعمت یلدریم از دانشگاه آتاتورک ارzurum نیز با موضوع «پند در مثنوی معنوی» سخنرانی کرد و گفت: شخصیت‌های معنوی و بزرگی چون مولانا با خلق شاهکارهای کم‌نظیر خود، بر فرهنگ ایرانی و جهانی غنا بخشیده و آن را به اوج خود رسانیده‌اند. تا جایی‌که هر روز بیشتر بر ابعاد جهانی این شخصیت افزوده می‌شود و برخی تشنگان معرفت و مستشرقان نامدار تحت‌تأثیر معنوی و نفوذ کلام این بزرگان علم و عرفان قرار گرفته‌اند.

- مثنوی معنوی مولوی سراسر پند است؛ پند پیری جهان‌دیده و انسانی کارآزموده. مولانا پند پیران را برخاسته از تجربه‌ی آنان می‌داند و جوانان را در به کار بستن آن سفارش می‌کند.

- در این مقاله سعی کردیم از باغ پند مثنوی معنوی استفاده کنیم. بخش‌هایی از مثنوی را انتخاب کردیم و به ترکی استانبولی برگرداندیم.

دکتر عیسی الشاهدی از دانشگاه بنگلادش به موضوع «مرید مولای روم در بنگلادش» پرداخت و از جایگاه عرفان و تصوف در این شبه قاره و به‌خصوص در بنگلادش صحبت کرد و گفت: با وجود سمپاشی وهابیون اما در جامعه‌ی بنگلادش آموزه‌های بزرگ مردان صوفی مشرب نفوذ و محبوبیت بسیاری دارد و شاعران نامور ایران را گویا شاعران خود این کشور می‌دانند و به‌خصوص شیفتگی آن‌ها به مولانا مافوق تصور است و روحانیون در سخنرانی‌های خود خواندن چند بیت از شعرهای مثنوی، حافظ و سعدی را افتخاری برای خود می‌دانند. الشاهدی معتقد است مثنوی معنوی نقش کلیدی دارد و برای شناخت مولانا باید شمس را شناخت. دکتر عیسی الشاهدی در بخش پایانی سخنانش از ترجمه و شرح مثنوی معنوی توسط وی سخن گفت و از جمله فعالیت‌های مثنوی‌پژوهی، به جلسات مثنوی‌خوانی در بنگلادش اشاره کرد.

7th Shams and Mowlana Conference

2021 KHOY-IRAN WEST AZARBAIJAN

(۱) برای حضور در همایش و استفادۀ از سخنرانی اساتید، می‌توانید از طریق <https://meeting.atu.ac.ir/ch/shams> و یا انتخاب گزینه میهمان وارد سالن همایش شوید.

(۲) همایشی روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم مهرماه از ساعت ۱۷:۳۰ برگزار خواهد شد.

(۳) به‌شهرکت کنندگانی که به‌طور مستمر (سه روز) برگزاری همایشی در جلسات حضور داشته باشند گواهی معترف از طرف برگزار کنندگان همایش صادر خواهد شد.

برنامه سخنرانی‌های هفتمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا در بسفر قضای مجازی

ردیف	نام سخنران	موضوع سخنرانی	مدت زمان
افتتاحیه (یک ساعت)			
۱	دکتر مهدی معین زاده	گزارش همایش توسط دبیر علمی همایش	۱۰ دقیقه
۲	دکتر حسینعلی فهادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	اهمیت همایش شمس و مولانا	۱۰ دقیقه
۳	دکتر حجت‌الله ابوبی	رئیس کمیسیون ملی یونسکو-ایران	۱۰
۴	دکتر غلامحسین دبنانی	شمس اسطوره عرفان	۲۰
۵	دکتر محمد صالح راسخ	سخنران از افغانستان	۱۰
شروع همایش			
۱	دکتر غلامرضا خاکی	شعر مثنوی: خرقه پوش صحبت شمس تبریزی	۲۰
۲	دکتر تمیز آل	استثنای تحقیقاتی مولانا در دانشگاه سلجوقی فونیه و پژوهش‌های علمی در آن	۲۰
۳	حجت الاسلام حسن زاده	شمس و مولانا در معنویت‌گرایی جدید با تأکید بر آثار دیباچه چوپرا و اکهارت نله	۲۰
۴	دکتر عیسی الشاهدی	جایگاه عرفان و تصوف در جامعه بنگال	۲۰

دبیرخانه اجرایی هفتمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا

سمپوزیوم بین‌المللی «هندشناسی در ایران»

سمپوزیوم بین‌المللی «هندشناسی در ایران، گام اول: نگاهی به آثار و فعالیت‌های علمی دکتر سیدمحمدرضا جلالی نایینی» به همت دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو و مؤسسه‌ی مطالعات فارسی هند، ۱۳ شهریور ۱۴۰۰، برگزار شد. این سمپوزیوم با سخنان رئیس سمپوزیوم، دکتر شکوه‌السادات حسینی، رئیس دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آغاز شد. وی درباره‌ی دلایل و زمینه‌های علمی بررسی هندشناسی و نحوه‌ی برگزاری سمپوزیوم سخن گفت. سپس دبیر علمی سمپوزیوم، دکتر فرانک جهانگرد، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در خصوص «ضرورت هندشناسی در ایران» سخنرانی کرد و با اشاره به همزیستی دو قوم ایران و هند در عهد باستان و همسایگی این دو قوم پس از مهاجرت، تاریخ روابط فرهنگی و ادبی دو قوم پس از اسلام را مرور و ضرورت هندشناسی در ایران را تبیین کرد.

در ادامه کلیپ همایش پخش شد و پس از آن پروفیسور سیداختر حسین، رئیس مؤسسه‌ی مطالعات فارسی هند و عضو هیأت علمی مرکز مطالعات فارسی و آسیای میانه دانشگاه جواهر لال نهرو سخنرانی خود را با عنوان: India and her people in the poetic frame of the Nal O Drama آغاز کرد و پس از اشاره به جایگاه جهانی هندشناسی، بر هندشناسی در ایران متمرکز شد و آن را به سه دوره‌ی باستان، میانه و معاصر تقسیم کرد. سپس به معرفی فیضی دکنی و مثنوی نل و دمن او پرداخت.

سخنران دیگر سمپوزیوم پروفیسور امیرحسین ذکرگو با ارائه‌ی مقاله‌ی: Persian Exposure to the Ramayana Epic: Introducing the First Annotated and Illustrated Version of Ramayana in Contemporary Persian Language دستاورد آخرین پژوهش‌های خود را در حوزه‌ی هندشناسی ارائه کرد. وی به اثر مهم رامایانا در فرهنگ هندی اشاره کرد و چهار نسخه‌ی متفاوت و مربوط به دوره‌های مختلف از این اثر را مقایسه و تحلیل کرد.



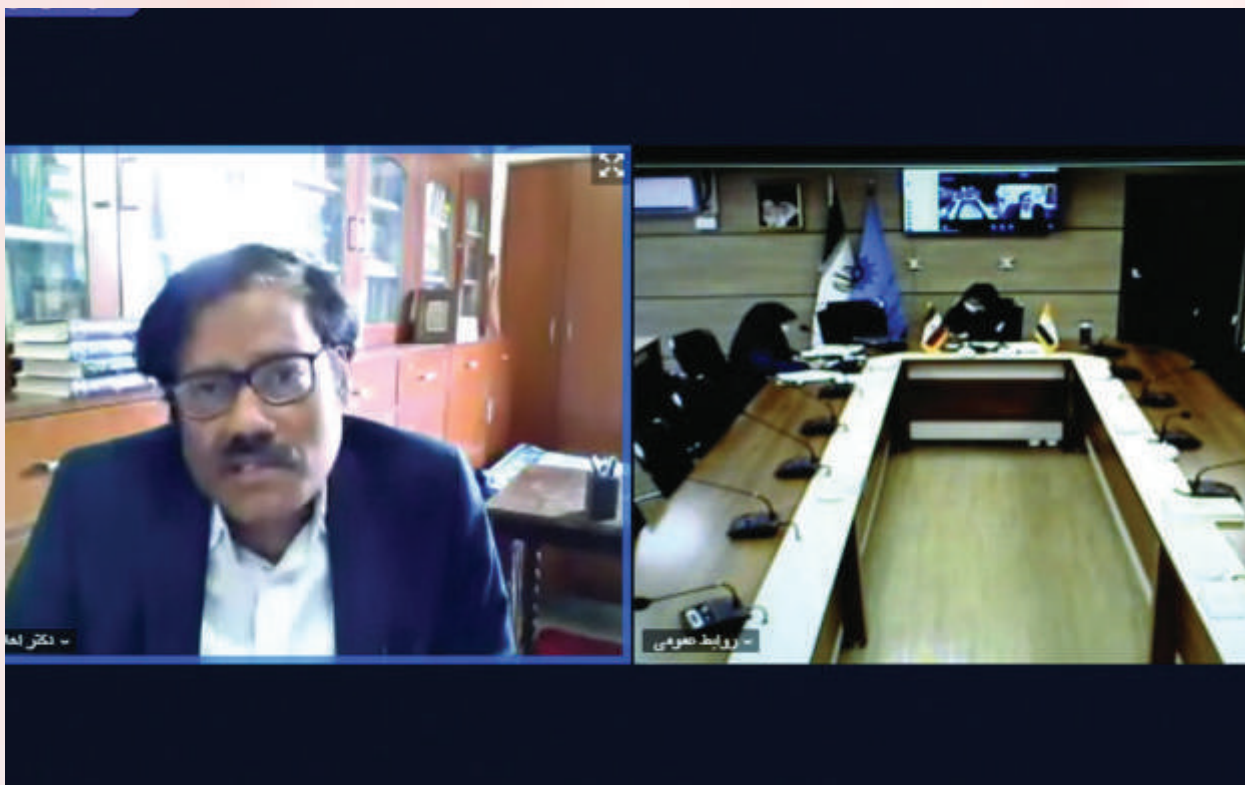
پروفسور اخلاق انصاری آهن، استاد و محقق مطالعات هندی و فارسی و عضو هیأت علمی مرکز مطالعاتی آسیای میانه‌ی دانشگاه جواهر لال نهرو، سخنرانی خود را با عنوان «مطالعه‌ی تطبیقی ادیان توسط داراشکوه و دکتر جلالی نایینی» ارائه کرد. داراشکوه از شخصیت‌های برجسته‌ی هند است که آثار او سخت مورد توجه دکتر جلالی نایینی قرار گرفته و آثاری مانند منتخبات داراشکوه و مجمع البحرین به اهتمام دکتر جلالی نایینی در ایران به چاپ رسیده است، پروفسور اخلاق انصاری آهن به معرفی و مقایسه‌ی آرای این دو اندیشمند پرداخت و با تمرکز بر بحث وحدت وجود در آراء و اندیشه‌های داراشکوه، آرای دکتر جلالی نایینی را با وی مقایسه کرد.

دکتر صفورا برومند، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مقاله‌ی خود را با عنوان «جست‌وجوگر آفاق هند؛ استاد فتح‌الله مجتبیایی» ارائه و دیدگاه‌های دو هندشناس برجسته‌ی معاصر یعنی دکتر جلالی نایینی و استاد فتح‌الله مجتبیایی را مقایسه کرد و نقاط مشترک آنها را تبیین و تحلیل کردند.

سخنرانی پروفسور ارشد قادری با عنوان «Contribution of Mohammad Reza Jalali Naini to Indic Studies with Special Reference to Tazkira Muntakhab-al Lataif» در زمینه‌ی کتاب ارزشمند تذکره‌ی منتخب اللطایف اثر رحم‌علی‌خان ایمانی بود که به اهتمام دکتر جلالی نایینی منتشر شده است. پروفسور قادری به دو هزار شاعری که نام آنها در این تذکره جاودانه شده، اشاره کرد و در تحلیل بخش‌های گوناگون این تذکره، تلاش و دقت کم‌نظیر دکتر جلالی نایینی و دکتر عابدی را که در تنظیم متنی دقیق کوشیده‌اند، ستودند.

دکتر محمدعلی ربانی، رایزن فرهنگی ایران در هند، سخنران دیگر این سمپوزیوم بود و درباره‌ی «هندپژوهی معاصر در ایران» سخنرانی کرد و با برشمردن بزرگ‌ترین هندشناسان معاصر به معرفی و بررسی آثار شاخص آنها پرداخت.

دکتر ابوالقاسم رادفر، استاد بازنشسته‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که مطالعات و پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه‌ی هندشناسی دارند، درباره‌ی «گنجینه‌ی غنی منابع فارسی در کتابخانه‌های هند» سخن گفت و به بررسی کتابخانه‌های مختلف در جنوب هند با تکیه بر شهر حیدرآباد پرداخت. وی به‌ویژه به توصیف سه



کتابخانه‌ی مهم و غنی این شهر؛ کتابخانه‌ی سالار جنگ، کتابخانه‌ی دانشگاه عثمانیه و کتابخانه‌ی آصفیه پرداخت. رادفر ارزش این کتابخانه‌ها را نه تنها از لحاظ کمیت کتاب‌ها، نسخه‌ها، اسناد، یادداشت‌ها و دستنویس‌ها، که از لحاظ کیفیت و ممتاز بودن محتوا شایان توجه دانست.

دکتر فریبا افکاری، مدرس و پژوهشگر نسخ خطی، اسناد و آرشیو و رئیس کتابخانه‌ی دانشکده‌ی مطالعات جهان دانشگاه تهران، به «بررسی نقش و جایگاه دکتر سیدمحمدرضا جلالی نایینی در مطالعات هندشناسی» پرداخت و با تبیین جایگاه فعالیت‌های علمی دکتر جلالی نایینی، آنها را مأخذی معتبر برای تدریس در رشته‌ی مطالعات هند در دوره‌ی کارشناسی ارشد و دکتری دانست و به لزوم کتاب‌شناسی در حوزه‌ی مطالعات هند اشاره کرد.

دکتر الهام ملک‌زاده، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی علوم تاریخی و دبیر اجرایی همایش، مقاله‌ی خود را با عنوان «پیوند سیاست و فرهنگ، مروری بر حیات و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی دکتر سیدمحمدرضا جلالی نایینی» ارائه کرد و از زاویه‌ای دیگر به زندگی و زمانه‌ی دکتر جلالی نایینی نگاه کرد و پس از بررسی اوضاع تاریخی زمان دکتر جلالی نایینی و تبیین جایگاه ایشان در سیاست عصر پهلوی، کارنامه‌ی سیاسی ایشان را تحلیل کرد. سپس دوران روزنامه‌نگاری و سناتوری دکتر جلالی نایینی را تا زمان کناره‌گیری از فعالیت‌های سیاسی و عطف توجه کامل ایشان به فعالیت‌های فرهنگی بررسی کرد.

زیبا جلالی نایینی، ناشر و فعال در امور فرهنگی، سخنان خود را با عنوان «جهش باطنی و هجرتی زمانه‌ساز» درباره‌ی ابعادی از زندگی خصوصی دکتر جلالی نایینی بیان کرد و ایشان را نه تنها فرزند زمانه‌ی خویش، که فرزند زمانه‌ای خواند که خود آن را بنیان نهاده و دیگران را نیز به حضور و بالیدن در آن فراخوانده است. در اختتامیه‌ی سمپوزیوم، به ضرورت تأسیس و تقویت رشته‌ی هندشناسی در ایران اشاره شد و همچنین ضرورت تدوین کتاب‌شناسی مطالعات هند مورد تأکید قرار گرفت.



مراسم بزرگداشت هفته‌ی دفاع مقدس

معاونت کاربردی سازی علوم انسانی و فرهنگی روز سوم مهرماه ۱۴۰۰، مراسم بزرگداشتی به مناسبت هفته‌ی دفاع مقدس در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد. این مراسم با هدف پاسداشت مجاهدت‌های ناب و کم‌نظیر شهیدان و ایثارگران هشت سال دفاع مقدس و با حضور دکتر قبادی، رئیس وقت پژوهشگاه علوم انسانی، حجت‌الاسلام محمدحسن ابوترابی فرد (امام جمعه‌ی موقت تهران) و سعید بیابانکی (پژوهشگر و شاعر دفاع مقدس) و با اجرای دکتر آمنه بختیاری (خواهر سه شهید سرافراز دفاع مقدس) برگزار شد.

در ابتدای برنامه دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، اربعین سرور و سالار شهیدان را تسلیت گفت و نام پرشکوه حضرت زینب (س) را به‌عنوان پرچمدار عاشورا و نماد فرهنگ آزادی و عاشورایی بزرگ داشت و همچنین شهدا و ایثارگران هشت سال دفاع مقدس را پویندگان راه امام حسین (ع) خواند. دکتر قبادی ارتحال علامه و عارف بزرگ، استاد حسن‌زاده آملی، را نیز تسلیت گفت و یاد ایشان را گرامی داشت.

رئیس وقت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سخنان خود ابراز امیدواری کرد که پژوهشگاه بتواند منشأ پیشرفت کشور و انتقال‌دهنده‌ی ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس باشد که این دو هدف ملازم یکدیگرند. وی به نقش ادبیات به‌عنوان یکی از راه‌های مهم در انتقال ارزش‌ها و زنده نگه‌داشتن واقعه‌ی عاشورا در تاریخ اشاره کرد و به‌عنوان شاهد مدعا یادآور شد: تا قبل از قرن نهم هجری، بیش از پنجاه شاعر بزرگ تراز اول که حتی اهل سنت هم در میان آن‌ها دیده می‌شود، با اشعار خود که سرشار از تأویل‌های عاشقانه و عارفانه و تعبیر استعاره‌ی بوده است، واقعه‌ی عاشورا را در طول زمان زنده نگه داشته‌اند. محتشم کاشانی نقطه‌ی اوجی است که مدیون و وام‌دار پیشینیان خود است.

دکتر قبادی به همین سیاق عرصه‌ی هنر و به‌ویژه ادبیات را مسیر مهم و تأثیرگذاری برای انتقال ارزش‌های انقلاب به نسل آینده خواند. دکتر قبادی در پایان سخنان خود این تلاش‌ها و از جمله این برنامه را مصداقی از ارادت‌ورزی عالمانه و معرفت‌بنیاد نسبت به ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس خواند.



در ادامه‌ی مراسم، سعید بیابانکی پژوهشگر و شاعر حوزه‌ی دفاع مقدس پس از گرامیداشت اربعین حسینی و هفته‌ی دفاع مقدس دو شعر از سروده‌های خود، یکی درباب دفاع مقدس و دیگری در رثای حضرت زینب (س) قرائت کرد. وی در رثای بانوی عاشورا سروده‌اند:

در میان این همه شمشیر و خنجر ایستاده
رو به روی صاحبان سبحه و زر ایستاده
مثل کوهی باز هم الله اکبر ایستاده
گاه بالای سر تن‌های بی سر ایستاده
آری آری آن طرف انگار حیدر ایستاده
اینکه در این مسجد بی‌بام و بی‌در ایستاده
مثل کوه محکمی پشت برادر ایستاده

کیست این زن اینکه بر بالای منبر ایستاده
کیست این زن اینکه با تیغ زبان آتشینش
گر چه از دشمن فراوان زخم خورده داغ دیده
گاه بالای سر سرهای بی تن گریه کرده
در کلامش خشم و آرامش تو گویی توأم‌اند
کیست این زن زینب کبراست یا زهرای ثانی
زن مگو بنت الجلال اخت الوقاری آسمانی

راست قامت عین عباس دلاور ایستاده
بر سر حکم الهی چون پیمبر ایستاده
با وجود آن همه داغ مکرر ایستاده
زینب اما مثل ماهی روی منبر ایستاده
آری آرییک سر و گردن فرا تر ایستاده
بر سر پیمان خود تا صبح محشر ایستاده
هفتاد و دو حج ناتمام است حسین
آئینه مسجد الحرام است حسین

با وجود آن همه زخم زبان از اهل کوفه
خم به ابرویش نیامد از ملامت‌های دشمن
کیست این زن اینکه چون سروی میان آتش و دود
شام تاریک است و خیل کوفیان در شب شناور
زینب است این دختر حیدر که از مردان عالم
پرچم شاه شهیدان تا ابد بالاست بالا
پیوسته نماز در قیام است حسین
عمریست که دور مرقدش می‌گردیم



در بخش بعدی برنامه، حجت‌الاسلام محمدحسن ابوترابی‌فرد، نماینده‌ی سابق چهار دوره‌ی مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران، ضمن گرامی داشت ایام اربعین و هفته‌ی دفاع مقدس در سخنانی با استناد به آیاتی از قرآن کریم به تبیین فلسفه‌ی دفاع مقدس پرداخت و گفت: بدون تردید دوران افتخارآفرین دفاع مقدس یکی از زیباترین برگ‌های تاریخ ایران است و تمام سرمایه‌هایی که امروز در دستان توانای ملت عزیز ایران و ملت‌های مسلمان منطقه است، دستاورد این حماسه‌ی بزرگ و حرکت عظیمی است که ملت بزرگ ایران به‌ویژه امام بزرگوار به‌عنوان فرمانده کل قوا و همچنین خانواده‌های معزز شهدا و ایثارگران آفریدند و اگر این پژوهشگاه و بسیاری دیگر از پژوهشگاه‌ها همت خود را صرف تبیین این پدیده و عوالم‌الخلق آن و ریشه‌های سربرآوردن این شجره‌ی طیبه کنند، به‌جاست. شجره‌ی طیبه‌ای که توتی اکلها کل حین باذن ربها. ابوترابی‌فرد در ادامه به آیاتی در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره اشاره کرد که به جریان قومی از بنی‌اسرائیل و مبارزه آن‌ها با جالوت اشاره می‌کند و از عوامل کلیدی که می‌تواند به پیروزی جامعه‌ی انسانی و پیروزی مردم ستم‌دیده بر ستمگران بیانجامد، نام می‌برد. همین عوامل در دفاع مقدس نقش محوری داشته است. خدای متعال می‌فرماید اَلَمْ تَرَ اِلَى الْمَالِ مِنْ بَنِي إِسْرَآئِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِلنَّبِيِّهِمَا بُعِثْ لَنَا مَلِكًا قَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. این قوم از موسی (ص)، پیامبر خویش درخواست کردند که فرمانده‌ای برای یک قتال جدی انتخاب کند. فلسفه‌ی این قتال هم این بود که این قوم مورد ستم واقع شده بودند و چنین نبود که با قتال به دنبال نشر معارف دینی باشند، بلکه جالوت بر آن‌ها ستم کرده بود و آن‌ها را از سرزمین‌شان بیرون رانده و از خانواده‌هایشان جدا کرده بود. قرآن، قتال برای سرزمین را مورد ستایش قرار می‌دهد، یعنی امروز هم پیکار مردم فلسطین حتی اگر فقط برای بازپس گرفتن سرزمین‌شان باشد مورد ستایش و تأیید الهی است. موسی (ع) طالوت را به‌عنوان فرمانده برگزید و در پی آن افرادی به این انتخاب اعتراض کردند و خود را از جهت موقعیت سیاسی، اجتماعی و مالی از او شایسته‌تر دانستند، اما پیامبر الهی می‌فرماید: او به دلیل صلاحیت علمی، قدرت فرماندهی و هدایت و توانایی جسمی انتخاب شده است (زَادَهُ بَسْطُهُ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ). یکی از عوامل کلیدی موفقیت در رویارویی با دشمنان، فرماندهی لایق و صالح است، فرماندهی که از ظرفیت و بنیه علمی لازم برخوردار باشد؛ لذا مراد از قوه در تعبیر خداوند که می‌فرماید: وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ، علم و دانش است؛ دانش و علم است که به خلق قدرت می‌انجامد. البته این علمی است که با عمل گره خورده، علمی ست که دارنده‌ی دانش به آن تعهد دارد، لذا مورد تأیید خدای سبحان است. علاوه بر ظرفیت علمی، قدرت حضور در صحنه و فرماندهی نیروها در میدان است که بدون تردید یکی از عوامل پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس به این اصل باز می‌گردد و فرماندهی کل نیروهای مسلح در دست شخصیتی بود که نماد زَادَهُ بَسْطُهُ فِي الْعِلْمِ بوده و با تکیه بر دانش، معرفت، ایمان و اتکال بر خدای متعال این جبهه

قدرت‌مند را هدایت و رهبری کرده است و اگر این فرماندهی در چهاردهمی گذشته نبود، قطعاً امروز نیروهای مسلح به نمادی از قدرت، اقتدار و پاسداران امنیت کشور و منطقه تبدیل نمی‌شدند. ابوترابی‌فرد تأکید کرد: رهبری، فرماندهی و مدیریت مبتنی بر دانش، علم، ایمان و معرفت و بازوانی که در محضر او ایفای نقش کنند، رزمندگانی که تحت فرماندهی او مسئولیت خود را ایفا کنند. در داستان مبارزه با جالوت پیامبر الهی پیش‌بینی کرده بود که شما در میدان ثابت‌قدم نیستید؛ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا، و همین رخ داد و آن‌ها با عده‌ی اندکی به پیروزی رسیدند اما یکی از عوامل مهم پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس، کثرت افرادی بود که آماده قتال بودند و حاضر شدند تحت این فرماندهی در میدان نبرد به استقبال شهادت در راه خدا بشتابند و در این راه کوچک‌ترین سستی در عزم و اراده‌ی آن‌ها دیده نشود. این‌ها از نگاه قرآن کریم ریشه‌های پیروزی است. فرماندهی صالح، فرماندهی مبتنی بر دانش و علم و رزمندگانی که تحت این فرماندهی به مسئولیت‌های خود عمل کنند و ما در دوران دفاع مقدس این عظمت را در اوج خود مشاهده کردیم و در طول چهار دهه‌ی انقلاب این شاکله‌ی رهبری و فرماندهی مبتنی بر دانش، ایمان و رزمندگان وفادار به این رهبری امروز این اقتدار مثال‌زدنی دفاعی را برای ایران اسلامی آفریدند و این امنیت را به ارمغان آوردند و راه را برای خلق یک جبهه‌ی مقتدر در دنیای اسلام هموار کردند. جبهه‌ی مقاومت اسلامی دستاورد هشت سال دفاع مقدس است؛ لبنان، فلسطین، سوریه، عراق، یمن و حرکت‌های الهام‌بخش مبتنی بر ایمان و عقیده در جهان اسلام، همه و همه دستاورد هشت سال ایستادگی و مقاومت همراه با دانش، معرفت و ایمان ملت بزرگ ایران است.

حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد در ادامه ابراز امیدواری کرد که خدای متعال ملت ایران را در این مسیر ثابت‌قدم نگه دارد و این افتخار نصیب ملت اسلام شود که در این عصر تحت یک فرماندهی واحد و یک هدف تعیین شده در برابر کسانی که امنیت و سعادت آن‌ها را هدف قرار داده‌اند، با قدرت بایستند و ان‌شاءالله به پیروزی‌های بزرگ و دستاوردهای فراتر دست پیدا کنند. امیدوارم دعای مستجاب امام عصر (ع)، شهدای عالی‌قدر، جانبازان پرافتخار آزادگان صبور و رزمندگان عزیز بدرقه‌ی راه ملت اسلام باشد و گام‌های بلندی را در خلق قدرت بردارند و در همه‌ی عرصه‌ها بر دشمنان پیروز شوند و این راه مسیر ظهور امام عصر (ارواحنا لتراب مقدمه‌الفداء) را فراهم کند.

در بخش دیگر برنامه دکتر آمنه بختیاری به اهمیت حضور زنان، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در هشت سال دفاع مقدس اشاره کرد و از بانوانی که نقش به‌سزایی در پیروزی ملت ایران داشته‌اند، اما کمتر نامی از آن‌ها به میان آمده است، به نیکی و بزرگی یاد کرد. در پایان برنامه نیز به اعضای ایثارگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، خانواده‌های معزز شهدا، جانبازان و ... ادای احترام شد.



مراسم گرامیداشت روز کارمند و هفته‌ی دولت

به مناسبت هفته‌ی دولت و روز کارمند، روز نهم شهریور ماه ۱۴۰۰، مراسم گرامیداشتی به همت معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای این مراسم، دکتر قبادی، رئیس وقت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن بزرگداشت ماه محرم و آرزوی قبولی عزاداری‌ها در رثای سید و سالار شهیدان، از شهیدان رجائی و باهنر به‌عنوان اسوه‌ی شهادت یاد کرد و با بزرگداشت روز کارمند و تبریک به کارمندان پرتلاش کشور، برای کارمندان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آرزوی توفیق و سلامت کرد.



قبادی همچنین با تبریک به دکتر زلفی‌گل، وزیر جدید علوم، تحقیقات و فناوری، و قدردانی از تلاش‌های وزیر پیشین، دکتر غلامی، آرزوی آینده‌ای روشن برای مجموعه نهادهای علمی کشور داشت. وی از معاونت‌های کاربردی‌سازی و امور اداری پژوهشگاه در برگزاری مراسم روز کارمند، قدردانی کرد. دکتر قبادی، استاد رشته‌ی ادبیات کشورمان، از برنامه‌ی پخش فیلم «خورشید» در مراسم بزرگداشت روز کارمند ابراز خشنودی کرد و این فیلم را حادثه‌ای ارزشمند در هنر معاصر ایران خواند و آن را همچون

مانیفستی برای مکتب هنری انقلاب اسلامی دانست. وی این اثر هنری را اثری استادانه در به‌کاربردن نمادها و سمبل‌های چند لایه خواند که در آن شاهد همنشینی رئالیسم و سمبلیسم هستیم.

دکتر قبادی در بخش دیگری از سخنان خود از مدیریت بهداشت و درمان دانشگاه علوم پزشکی ایران و دکتر حسین‌پور برای مساعدت در واکسیناسیون کارمندان پژوهشگاه تشکر و با اهداء لوحی از ایشان قدردانی کرد. در بخش بعدی برنامه از کارمندان سختکوش پژوهشگاه قدردانی به عمل آمد. کارمندانی که در سال جاری به این عنوان انتخاب شدند، عبارتند از: یزدان‌پناه، اصغری، بزرگ بیگدلی، حاجی‌زاده، محمدی، ایرانی، جهانگردی، نوروزی، صنعتی، اسلامی، اشرف العقلائی، کمالی، صابر.

همچنین از دکتر پارساپور و دکتر قنبرلو برای هماهنگی فرایند واکسیناسیون کارمندان پژوهشگاه تقدیر و تشکر شد، در ادامه، دکتر حسین‌پور نیز از مجموعه‌ی پژوهشگاه برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی و هماهنگی و همیاری پژوهشگاه در مورد واکسیناسیون تشکر کرد.

در ادامه‌ی برنامه چهار بازیگر نوجوان فیلم خورشید که در جشنواره‌های معتبر داخلی و خارجی افتخارات زیادی



کسب کرده است، معرفی شدند و هریک تجربه‌ی خود از بازی در فیلم خورشید را بیان کردند. دکتر قبادی پس از سخنان بازیگران نوجوان با توجه به آشنایی خود با برخی زمینه‌های نقد هنر و ادبیات نمایشی از جنبه‌های هنری و انسانی فیلم خورشید سخن گفت و آن را به جهت اسطوره‌ای، حماسی، عرفانی و انسانی اثری نوآورانه و پیشران خواند. پیش از پخش فیلم از بازیگران نوجوان این فیلم قدردانی و جوایزی به این عزیزان اهداء شد. این مراسم بزرگداشت با پخش فیلم خورشید، اثر مجید مجیدی به پایان رسید.



دکتر قبادی:

در ادبیات پایداری به مقوله‌ی فرهنگ کم توجهی نکنیم

فصلنامه‌ی «اندیشه‌نامه‌ی پایداری» در شماره‌ی تابستان خود مصاحبه‌ای با دکتر حسینعلی قبادی انجام داده است. این مصاحبه در هشتم تیرماه ۱۴۰۰، با موضوع ادبیات پایداری انجام گرفته است که در ادامه، متن کامل این گفت‌وگو عیناً از نظر تان می‌گذرد:



«دکتر محمدرضا سنگری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

خدمت استاد عزیز و بزرگوار جناب آقای دکتر قبادی تقدیم سلام و ارادت داریم و صمیمانه قدردان و سپاسگزار لطف و محبت ایشان هستیم که فرصت این مصاحبه‌ی صمیمانه را به ما دادند. از دوستان عزیز دیگر هم که تشریف دارند صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و امیدوارم رهاورد این گفت‌وگو راهنما و راهگشا برای همه‌ی ما باشد.

قبل از اینکه اولین سؤال را خدمت حضرتعالی مطرح کنم، بحث مسئله، مسئله‌شدگی، و مسئله‌مندی از مسائل مهم است. مسئله زمانی ظهور پیدا می‌کند که نوعی درگیری ذهنی جمعی برای آن اتفاق افتاده باشد، یعنی

امری یا موضوعی، نوعی مطالبه‌ی عمومی شده باشد. آن زمان است که مسئله چهره نشان می‌دهد و معمولاً شروع و طلوع مسئله در فضای نخبگانی است و نخبگان ابتدا با مسائل مواجه می‌شوند. هم زادگاه سؤال و هم زادگاه مسئله دانش است. البته امروز می‌گویند که سؤال از جهل خیزد و مسئله از علم، یعنی هرکس گستره و ژرفای علمی بیشتر داشته باشد، خودبه‌خود مسائل بیشتری را طرح خواهد کرد. به‌طور طبیعی هرآنچه مسئله باشد، بحث‌برانگیز و چالشی خواهد بود. ممکن است دیدگاه‌های متعارضی حتی در آن زمینه باشد. اصل مسئله‌یابی در حوزه‌ی فلسفه است. یعنی اولین کسانی که به طرح مسائل می‌پردازند، کسانی هستند که یا فیلسوف هستند یا زاویه‌ی نگاهشان نسبت به موضوع و مسئله در قلمرو فلسفه است. با این مقدمه، چون فرودگاه اصلی بحث ما یا به تعبیر قرآن «ایان مُرساها»ی بحث ما ادبیات پایداری است، ما از مسئله شروع می‌کنیم و اولین سؤال این است که اصلاً مسئله چیست و چگونه به‌وجود می‌آید و شکل می‌گیرد؟ یا به عبارت دیگر سیر تکوینی یک مسئله چگونه است؟

دکتر حسینعلی قبادی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

دیروز هفتم تیرماه بود. یاد و خاطره شهید بهشتی و جمع کثیری از یاران انقلاب اسلامی را گرامی می‌داریم. خداوند این شهیدان بزرگ انقلاب را با انبیا و اولیای خود محشور بفرماید. درود می‌فرستم به همه‌ی شهدای تبار انقلاب اسلامی، پیش از انقلاب، در حین انقلاب و ادامه‌ی آن در دفاع مقدس و نسل‌های بعدی. لازم می‌دانم ذکر خیری از بزرگان ادبیات پایداری به‌ویژه هم‌نسلان خودم خصوصاً مرحومان قیصر امین‌پور و سید حسن حسینی و احمد زارعی داشته باشم. از اینکه به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تشریف آوردید، خیلی شرمنده شدم و حق این نبود که شما قدم رنجه کنید، اگر چه

کرم نما و فرود آ که خانه‌ی توست

رواق منظر چشم من آشیانه‌ی توست

خدا را بسیار شاکر هستم که شاهد رویکرد عالمانه در حوزه‌ی ادبیات پایداری هستم. از پرسش اول شما خوشحال شدم. حُسن السُّؤال نصف الجواب. مشخص است که سؤال‌ها سنجیده و سخته هستند و از تراز دیگری حکایت می‌کنند. امیدوارم خداوند مدد برساند و این جهت‌گیری علمی با روش‌مندی و با درنظر داشتن قواعد

فنی روش‌شناسی پیش برود. اگر این‌گونه باشد، قطعاً سود خواهیم کرد.

زمانی که استاد فقید و بزرگوار جناب آقای دکتر آئینه‌وند، که خود از نموده‌های ادبیات مقاومت به‌ویژه اتصال ادبیات مقاومت ایران و جهان اسلام بودند، از من خواستند به پژوهشگاه بیایم و قائم‌مقام و معاون پژوهشی ایشان بشوم، به‌خاطر امر ایشان که علاوه بر استادی، حق پدری گردن اینجانب داشتند، پذیرفتم و بعد از آمدنم، متأسفانه ایشان رحلت کردند و بنده ماندگار شدم. حال آنکه واقعاً مشغول پژوهش و تألیف خودم بودم و بی‌اغراق چهار پنج کتاب دارم که بیش از ۹۵ درصد کارشان تمام شده است و حتی نام آنها را هم تعیین کرده‌ام، ولی از شدت فشار کار اجرایی تعمداً در دستم مانده‌اند.

بگذریم، یکی از نکاتی که در آغاز آمدنم در پژوهشگاه طرح کردیم، بحث «مسئله‌محوری» پژوهش‌ها بود. این کتابی که تقدیم کردم حاصل همان تکانه‌های چند سال پیش بود و در واقع مانیفست پژوهش، مسئله‌شناسی است.

اما درباره‌ی رویکرد حضرتعالی و دوستان، من واقعاً نه فیلسوف هستم، نه روش‌شناس ویژه‌ای در علوم انسانی، ولی حدود سی سال است که روش‌شناسی را تمرین و تدریس می‌کنم و کارنامه و مقالات دانشجویی‌ام هم نشان می‌دهد که سعی کرده‌ام در این راه کاری انجام دهم. دریافت بنده از مسئله و خاصه تمایز آن با «موضوع» و فرق آن با «سؤال» این است که اگر مسئله را معادل Problem بدانیم، می‌تواند در زبان فارسی چندین معنا داشته باشد که در حقیقت یک طیف معنایی هستند و این‌طور نیست که با هم تعارض داشته باشند. ما می‌توانیم Problem را مشکل، معضل و مسئله تعریف کنیم. به‌نظر بنده، وجه مشترک معضل، مسئله و مشکل، به‌رغم تفاوت‌ها و سطوحی که با هم دارند، این است که همگی می‌خواهند از یک مجهولی عبور کنند. اما این مجهول از فرضیات گذر کرده و از حدس‌های معمولی بالاتر آمده است. فرضیات، حدس‌های زیرکانه‌ای هستند که عالمانه و آگاهانه طرح می‌شوند و بخشی از علم را با خود دارند. به‌همین سبب، وقتی از فرض می‌گوییم، حتماً متضمن اشراف و تصور فرض‌های رقیب است؛ یعنی باید تمایز و نوآوری داشته باشد که مجهولات آنها را حل کنیم و کنار بگذاریم و فرضیه‌ی خودمان بدانیم. مسئله با فرضیه پیوند دارد، یعنی مسئله می‌خواهد از مجهولی عبور کند. این به چه معناست؟ یعنی حل این مسئله ما را به علم یا به تعبیر دیگر به معلومی می‌رساند. اما به‌نظرم در اینجا باید فرق میان سؤال علمی و سؤال‌های اولیه را هم بگوییم، یعنی فرق میان Question و Problem هم باید بیان شود. Question همه‌ی پرسش‌های ناشی از جهل است. کودکان دائم پرسش‌های مختلفی می‌پرسند، ولی خیلی دنبال حل مسئله نیستند. سؤال‌های اولیه‌ای هستند که می‌توانند از فرایندی عبور کنند و تبدیل به Problem شوند و می‌توانند در همان جهل بمانند و به Problem تبدیل نشوند.

در حقیقت، مسئله حاوی سؤال‌های آگاهانه است. بخشی از آگاهی حاصل شده است و می‌خواهد مابقی مجهول را حل کند. خدا پیام‌رزد دکتر شریعتی را که می‌گفت: آدم‌ها به اندازه سؤالشان بزرگ یا کوچک هستند. یعنی میزان علم انسان‌ها را می‌شود از سؤالشان فهمید. بعدها فهمیدم دکتر شریعتی آن را از امام صادق (ع) گرفته که می‌فرمایند: «شخصیت هرکس را از سه طریق می‌توان شناخت؛ یکی از سؤالی که برحسب نیاز می‌پرسد. به‌عنوان مثال، فردی بخواهد غیبت کسی را بکند و در سؤالش یک نوع غیبت باشد، با کسی که سؤالش در رابطه با کائنات است از لحاظ شخصیت کاملاً با هم فرق دارند. دوم، از رسول یا پیکری که می‌فرستد. بنده در رابطه با این موضوع در مثنوی خیلی جست‌وجو کردم و فهمیدم که عظمت خدا را از عظمت رسولش می‌توان فهمید. سوم، به هدیه‌ای که به شما می‌دهد، دقت کن. آن هدیه، شخصیت فرد را به شما می‌شناساند.

پس انسان‌ها به اندازه‌ی مسائلی که دارند بزرگ هستند یا کوچک. خدا رحمت کند شهید مطهری را که همیشه مثال‌های خوبی می‌زد: تمام هم تو این است که همسایه‌ات بیفتد بمیرد، یعنی هیچ دغدغه‌ای ندارید جز این. به‌نظرم شهید مطهری یکی از مسئله‌شناس‌ترین انسان‌های زندگی خودش بود. وقتی مقدمه‌ی کتاب «اسلام و مقتضیات زمان» را که می‌خوانید، خدمات متقابل اسلام و ایران و شرح اصول فلسفه و روش رئالیسم را که می‌خوانید، می‌بینید یک لحظه بدون مسئله نبوده است. اسناد و عکس‌هایی از ایشان در دانشکده‌ی الهیات دیدم که نشان می‌داد چقدر اذیت شده‌اند، ولی به‌خاطر نجات این دانشجویان ماندند. ایشان در تمام دوران زندگی مشغول حل مسئله بودند. خب، بخشی از آثارشان ناظر بر مجهولات و شبهه‌افکنی‌ها بود و واقعاً با این کار کمر مارکسیسم را به لحاظ تئوری در ایران شکاندند و همه‌جا دنبال حل مسئله و بحران‌های فکری، اجتماعی و... بودند. ایشان داستان راستان می‌نویسد چون برای جوانان دنبال حل مسئله بودند.

بنابراین مرز بین «موضوع» با «مسئله» کم‌کم مشخص می‌شود. موضوع همان Subject است. Subject همان مواجهه اولیه و خام ما با پدیده‌ها است. ما می‌توانیم ده‌ها موضوع داشته باشیم ولی هرگز مسئله حل نکنیم. به بحران‌های اجتماعی نگاه کنید. به مسائل خاص ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات پایداری نگاه کنید. می‌توانیم

ده‌ها جلسه داشته باشیم، ولی تا زمانی که مسئله را شناسیم، یک گام به جلو نبریم. شاید بتوان گفت مسئله به یک معنا همان خلاءهاست. آیا ما خلاءهای واقعی را می‌شناسیم؟ و اگر مسئله را خوب بشناسیم، حتماً پیشران خواهیم بود و به جلو حرکت خواهیم کرد.

مسئله یعنی برداشتن سدها، برداشتن موانع و به جلو رفتن. کارکرد مسئله‌یابی در حقیقت این است. ما از صبح با انبوهی از موضوعات روبه‌رو می‌شویم، از ترافیک و چراغ قرمز و بوق زدن بیجا گرفته تا ده‌ها موضوع دیگر. اما اینها مسئله‌ی ما نیست. ولی زمانی که به منزل رفتیم، باید از خود پرسیم امروز چند مسئله را حل کردیم؟ آیا به انتشار یک کتاب، به یک نظریه، به عمق‌بخشی یک پروژه و به برقراری یک ارتباط که نیازی اجتماعی را حل کند و بین علم و جامعه پیوند بزنیم، کمک کرده‌ایم؟

بعد از ۵۰ سال، این پژوهشگاه برای اولین بار صاحب برنامه‌ی توسعه شد و ما الان در دومین سال این برنامه هستیم. از همان روزهای اول که آمدیم، یازده ماه شبانه‌روز کار کردیم. منشور این برنامه، پژوهشگاه بدون دیوار می‌شود، پژوهشگاهی که بتواند با مردم صحبت کند. لذا آمدیم سیاست ترویجی‌سازی، عمومی‌سازی، و کاربردی‌سازی علم را راه اندختیم چون احساس کردیم یک خلاء وجود دارد. ما استادان دانشمند، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بسیار زیاد داشتیم، ولی خیلی از این عده درخشیدند. چرا؟ برای اینکه بقیه عموماً مسئله نداشتند. ما استادان عزیز و بزرگواری داشتیم که ۳۵ سال تدریس کردند، کتابی نوشتند، تصحیحی کردند، و سخنرانی کردند. در همین حد. اما همه ملک‌الشعرای بهار، قزوینی، علامه دهخدا، علامه همایی، استاد فروزانفر، مرحوم صفا، مرحوم زرین‌کوب، استاد شفیع، دکتر پورنامداریان و... نشدند. بقیه‌ی افراد مسئله نداشتند. می‌خواستند آموزشگری کنند. چند نفر از آن استادان مسئله داشتند که آن را حل کردند و دانش علمی را جلو بردند.

به‌نظر من، «موضوع» امری کاملاً ختشی است و نمی‌تواند جلوبرنده باشد و متعدد، متکثر، بدون روش، نامنظم و پراکنده است. ولی «مسئله» برعکس آن منظومه‌ای، شبکه‌ای، پیشران و ناظر به خلاء و رافع خلاء است و به دنبال حل یک مشکل، معضل و عبور از یک مجهول است. تقدم «مسئله» بر «موضوع» شاید بیش از هر چیز تقدم ماهوی باشد. گاهی از لحاظ رتبی این جور نیست؛ ممکن است از لحاظ فرایندی اول با موضوع برخورد کنیم و آن را رفع و تبدیل به یک چالش کنیم و بعد به مسئله برسیم. ولی به لحاظ ماهوی مسئله تقدم دارد چراکه مسئله رویکرد ما را تعیین می‌کند که خلأی را رفع کند ولی موضوع ممکن است این را نداشته باشیم.

دکتر سنگری:

به‌گونه‌ای به سؤال دوم ما، که تقدم «مسئله» بر «موضوع» بود، پرداخته شد. معمولاً هر جریان ادبی که ایجاد می‌شود یا پدیده‌هایی که به‌وجود می‌آیند، ما را ناگزیر از جعل عنوان می‌کنند. مفاهیمی که خلق می‌شوند و فضاهای تازه‌ای که به‌وجود می‌آیند، ما ناگزیر به خلق عنوان‌هایی می‌شویم و گاهی این عناوین متکثر، اشکالاتی را در فهم درست موضوع ایجاد می‌کند. در روزگار ما، یعنی بعد از وقوع انقلاب اسلامی به‌خصوص جنگ هشت ساله، با عناوین فراوانی مواجه هستیم. به‌طور مثال، عنوان ادبیات انقلاب اسلامی یا ادبیات دفاع مقدس داریم. آیا ادبیات دفاع مقدس جزئی از ادبیات انقلاب اسلامی است یا چیزی مجزا و جداگانه است؟ یعنی در یک سیر و فرایند و جریان، یکی از رخدادهایی که اتفاق می‌افتد جنگ است و خاستگاه این جنگ به‌سبب همان عنوان است. یعنی اگر انقلاب نبود، این جنگ هم نبود. یا عناوین دیگری مثل ادبیات جنگ، ادبیات جنگ تحمیلی یا حتی امروزه ادبیات مدافعان حرم، ادبیات مدافعان امنیت، ادبیات مدافعان سلامت؛ عناوینی که در هرکدامشان تولیدات فراوانی هم داریم. اگر قرار باشد فقط سروده‌های شاعران درباره‌ی موضوع کرونا جمع‌آوری شود، دست‌کم چهار یا پنج کتاب حدود ۵۰۰ صفحه‌ای خواهد شد، یعنی حداقل بیش از ۲ هزار صفحه در این زمینه تولید شعر داریم. در این فاصله‌ای که بیشتر از دو سال نیست، چندین رمان خیلی خوب در زمینه‌ی کرونا آمده است. این نشان می‌دهد که جامعه‌ی ادبی در هرکدام از این زمینه‌ها فعال است. ما با عناوین ادبیات پایداری، ادبیات جنگ، ادبیات جنگ تحمیلی، ادبیات دفاع مقدس، ادبیات انقلاب اسلامی مواجه هستیم؛ کرانه‌های این عناوین با هم چیست و چه نسبت و ارتباطی با هم دارند؟ کدام کلی‌تر و کدام جزئی‌تر است؟ یا اگر شما تعریفی در مورد هر کدام از این عناوین دارید، بفرمایید.

دکتر قبادی:

در ابتدا باید یک نکته‌ی روش‌شناسی در مورد مفهوم، ترمینولوژی، عرض کنم. به‌نظر می‌رسد که دانشمندان جهان را باید به اندازه‌ی مفهومی که خلق می‌کنند نمره داد. اگر می‌بینیم ارسطو، افلاطون، سقراط، کنفوسیوس،

فارابی، سهروردی، مرحوم علامه طباطبایی، داریوش شایگان و... در زمان خود به این اندازه ماندگار شده‌اند، به سبب آن بوده که اصطلاح و روش وضع کرده‌اند. همیشه گفته‌ام که استاد فروزانفر بیش از هر کاری روش متن‌خوانی را تغییر داده و گفته است مثنوی را باید با مثنوی شناخت نه مثل ولی محمد اکبرآبادی و دیگران که گفتند مثنوی را باید با ابن عربی بشناسیم. استاد فروزانفر گفت که روش درست این است که مثنوی را از خود مثنوی و سرچشمه‌های آن، یعنی سنایی، عطار و کلیله و دمنی و... بشناسیم، یعنی این Text را داخل Context خودش و این گزاره‌ها را در بافتار خودش قرار داد. مرحوم علامه طباطبایی هم در تفسیر دقیقاً همین شاهکار را کرده است. بنابراین، جعل مفهوم به آسانی به همان اندازه غلط است و ناپایدار و مشتبه و شبهه‌برانگیز می‌شود. زمانی یک گفتمان شکل می‌گیرد که انباشت علمی صورت بگیرد. تا زمانی که انباشت علم نداشته باشیم، نباید از گفتمان سخن بگوییم. وقتی شما یک پوسته نازک را دیوار قرار بدهید، نمی‌توانید آن را بالا ببرید، چون می‌ریزد و منفعل می‌شود. بعد می‌بینید ادبیات جنگ جهانی به چه اندازه قوی‌تر و پرمخاطب‌تر می‌شود. اینکه باید در این زمینه دقت بیشتری کنیم و باید فرصت‌های مستوفایی برای صحبت بیشتر باشد. شاید در حال حاضر به صورت اجمالی و علی‌العجله و موقتاً بگوییم ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات دفاع مقدس با هم رابطه عموم و خصوص من وجه داشته باشند. این را هم فی‌البداهه نمی‌گوییم. مدت‌هاست که دغدغه‌ی بنده است.

رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه میان آنها برقرار است. خب، ما دانشجوی قبل از انقلاب بودیم و در جریان مبارزات اسلامی قبل از انقلاب بودیم و کتاب‌های زیادی مربوط به انقلاب‌های جهانی می‌خواندیم، آثاری که عمیقاً بر روی انقلاب‌ها و آثار ادبی انقلاب‌ها اثر گذاشتند؛ از بینوایان و یکتور هوگو تا قلعه‌ی حیوانات اورول تا زندگی، جنگ و دیگر هیچ اوریانا فالآچی تا آثار فرانز فانون و مسائل انقلاب الجزایر و فلسطین. بنده اتفاقاً در انجمن اسلامی کتاب‌فروش و در کار کتاب بودم، اما می‌خواهم عرض کنم که مسلم بدانید ادبیات انقلاب اسلامی یک جنبه‌ی بسیار مهم جهانی دارد. یعنی شما نمی‌توانید انقلاب فرانسه را که رمانتیسم فردی را به رمانتیسم اجتماعی تبدیل کرده است و موجب شد تا رمان‌های بزرگ تولستوی، گورکی، و... پدید بیاید و زمینه‌ساز نوعی حماسه در دوران مدرن شده است، نادیده بگیرید. بینوایان و یکتور هوگو بعد از سال‌ها از دل آن انقلاب به وجود آمده است و برای ظهور داستایوفسکی و تولستوی پلی شده است. این پل را دقیقاً آنها زده‌اند. در واقع، ما یک رئالیسم قبل از مارکسیسم داریم که رئالیسم جهانی آمیخته‌ای از رمانتیسم اجتماعی فرانسه و بیان دردها است. بعدها آگزیستانسیالیست‌ها می‌آیند بحث ادبیات متعهد را طرح می‌کنند. بعد شما می‌بینید که انقلاب الجزایر در ایران حضور دارد. بخشی از الگوی حجاب در انقلاب اسلامی ما از انقلاب الجزایر آمده است. حالا دلایل دیگری هم داشته است. مگر می‌شود انقلاب اسلامی را از کتاب زندگی، جنگ و دیگر هیچ اوریانا فالآچی را جدا کنیم؟ مگر می‌شود ادبیات انقلاب اسلامی را از ادبیات مبارزاتی جهان و چهره‌های آمریکای لاتین و خصوصاً از انقلاب فلسطین جدا کرد؟

نفس ادبیات انقلاب اسلامی بسیار جهانی است. به همین سبب، بسیار انسانی هم هست. در واقع، بخش زیادی از دغدغه‌های انسان را مطرح می‌کند. ممکن است آن انسان، مارکسیسم باشد، انسان آزادیخواه سرکوب‌شده باشد، و انسان اشغال‌شده‌ی فلسطین باشد. پس، ادبیات پیش از انقلاب هم اسلامی است هم انسانی و هم جهانی. من در کتاب ادبیات انقلاب اسلامی از قول مرحوم استاد علی‌محمد حق‌شناس از روزنامه‌ی کیهان قبل از انقلاب مطلبی درباره‌ی مرحوم طاهره صفارزاده آورده‌ام که به نظرم مانیفست ادبیات انقلاب اسلامی آنجاست. به نظر بنده، ادبیات دفاع مقدس از این جهت که با مبانی، اصطلاحات و مانیفست انقلاب اسلامی اتصال دارد، در ذیل ادبیات انقلاب اسلامی جا می‌گیرد، اما موضوع و دامنه‌اش خیلی اخص است و بخشی از ادبیات انقلاب می‌شود و ممکن است در محیطی وارد شده باشد که ما در ادبیات انقلاب اسلامی این را نداشتیم. فرض کنیم ما در ادبیات انقلاب اسلامی نبردهای آبی، نبردهای شیمیایی، فتح فاو و جزیره‌ی مجنون را که نداشتیم. پس در عرصه‌هایی به فراتر از ادبیات انقلاب اسلامی رفت و در عین حال اخص از آن هم بود. شاید بتوانیم این تعبیر را داشته باشیم که اینها رابطه عموم و خصوص من وجه هستند، یعنی بعضی از ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی در ادبیات دفاع مقدس هست و بعضی نیست و برعکس.

دکتر سنگری:

زادگاه ادبیات دفاع مقدس، ادبیات انقلاب اسلامی است و کاملاً صبغه‌ی آن را دارد گرچه گستره‌ی موضوعات و مسائل آن فراوان‌تر از مقوله‌ها و موضوعات و رویدادهایی است که در انقلاب اسلامی داریم ولی آرمان‌ها در همان بافت و فضا منتقل می‌شوند به گونه‌ای که همان نسل در این هشت سال مسائل آن را خلق می‌کنند. با این توضیحاتی که فرمودید لطف کنید نسبت این را با ادبیات پایداری هم بفرمایید. شما نسبت ادبیات دفاع

مقدس با ادبیات انقلاب اسلامی را عموم و خصوص من وجه فرمودید، نسبت اینها با ادبیات پایداری چیست؟

دکتر قبادی:

ابتدا یک جمله درباره‌ی نکته‌ی قبل باید عرض کنم. بعضی از شاعران و نویسندگان هستند که درباره‌ی ادبیات انقلاب اسلامی صحبت کرده‌اند ولی در مورد ادبیات دفاع مقدس صحبتی نکرده‌اند و برعکس. به‌طور مثال، مرحوم فرشیدورد یا خانم بهبهانی در مورد جنگ شعر گفته‌اند یا خیلی از داستان‌نویسان. اما به‌طور مثال، آثار استاد محمدرضا حکیمی را نمی‌توان از ادبیات انقلاب اسلامی فصل کرد، کسی که تفسیر آفتاب و اقالیم قبله را نوشته است. در واقع، مبانی ادبیات انقلاب اسلامی در آثار ایشان است. این عموم و خصوص من وجه به سبب ذات رخدادها در آنجا ظهور و بروز دارد. اما در مورد نسبت هر دو با ادبیات پایداری، به نظر بنده گاهی ادبیات پایداری را به معنای اخص و نه به معنای اعم، حداکثر تا جنگ‌های ایران و روس می‌بریم که اتفاقاً اگر کسی رخدادهای این جنگ‌ها را بخواند شگفت‌زده می‌شود. در آنجا عرصه‌ها و صحنه‌هایی است که دینی‌تر، شیعی‌تر، عمیق‌تر و فوران‌همین ارزش‌هایی است که در جنگ ایران و عراق می‌بینیم. مثلاً در وصیت‌نامه‌های محمدحسین خان و محمدحسن خان، دو فرماندهی قزوینی، آمده که می‌گویند اگر کشته شدیم ما را در کربلا دفن کنید. من در مقاله‌ی «نمودهای دینی در ادبیات پیش از انقلاب» سعی کردم بگویم که قبل از انقلاب هم دین وجود داشته است. به نظر من ادبیات پایداری به این معنا را باید در حماسه‌ی جرون‌نامه‌ی چند قرن پیش ببریم که درباره‌ی نبردهای ایران و پرتغال است و در قشم سروده شده است. من در قشم دیده‌ام و بسیار شگفت‌آور است که چطور توپ‌های پرتغالی‌ها را گرفتند اینها حماسه‌های بزرگی بوده و باید بیشتر جست‌وجو کنیم و اینها را به صورت پایان‌نامه یا رساله یا پژوهش از دانشجویان طلب کنیم.

در ارتباط با ادبیات پایداری، که هنوز معیارهای نهایی‌اش مشخص نیست، فکر می‌کنم عمده‌تاً هم ادبیات انقلاب اسلامی و هم ادبیات دفاع مقدس در حوزه‌ی ادبیات پایداری جای می‌گیرد. ولی این‌طور نیست که هرچه در ادبیات دفاع مقدس و ادبیات انقلاب اسلامی باشد باید به ادبیات پایداری مربوط باشد. فکر می‌کنم ادبیات انقلاب اسلامی جنبه‌های انسانی داشت که نمی‌توانیم در حوزه‌ی پایداری بیاوریم، چون بسیار انسانی بود و اتصال جهانی داشت، مسئله انسان و ظلم بود، نه مؤمن و کافر. بخشی از ادبیات انقلاب اسلامی انسان مقابل ظالم بود و بخشی از آن بحث ملی بود. وقتی شهید مطهری می‌فرماید خدمات متقابل اسلام و ایران، همان است ولی عمده‌تاً ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات دفاع مقدس در این چهارچوب جای می‌گیرد و با این تبصره‌ها.

دکتر سنگری:

این توضیح را بنده عرض کنم که ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی با داستان غسان کفانی، که در جوانی به شهادت رسید، پدید آمد. این شخصیت یک مجموعه داستان و مجموعه‌ای شعر جمع‌آوری کرد و اسم آن را ادب‌المقاومه گذاشت. این ترکیب وارد زبان فارسی شد و معادل آن را به نام ادبیات پایداری گذاشتند. زمانی که ادبیات پایداری مطرح شد، در باب گستره‌ی این مفهوم، خیلی با هم بحث داشتیم. منظورم کسانی است که در این قلمرو حساسیت داشتند و قلم می‌زدند. بعضی گستره‌ی ادبیات پایداری را به آنجا رساندند که گفتند هرگونه ایستادگی انسان در مقابل هر عنصر بازدارنده، نامش ادبیات پایداری است. یعنی اگر انسان در مقابل پدیده‌های طبیعت هم مقاومت می‌کند، اسمش را ادبیات پایداری گذاشتند. یا اگر انسان در مقابل خویش می‌ایستد، یعنی هرآنچه در حوزه‌ی اخلاق و به‌طور بارزتر و روشن‌تر در حوزه‌ی عرفان مطرح می‌شود، همین را هم ادبیات پایداری نام گذاشتند. ولی بعدها آرام‌آرام به این نتیجه رسیدند که ما فقط دو قلمرو را مشمول این عنوان باید بدانیم: یکی، مبارزات داخلی در مقابل استبداد و دوم، ایستادگی در مقابل تهاجم خارجی. یعنی این دو عرصه را ذیل ادبیات پایداری معنا کردند.

این نکته‌ی خیلی مهمی است که وقتی یک واژه ترجمه می‌شود، هرگز در قلمرو زبان جدید وفادار به آن حوزه‌ی مفهومی خود نمی‌ماند، آرام‌آرام ممکن است وسیع‌تر شود یا کوچک‌تر شود. کما اینکه آقای دکتر فرق میان Question و Problem را مطرح فرمودند. ممکن است حتی امروز که ما می‌گوییم سؤال و مسئله، وقتی مولانا می‌گوید «هم سؤال از علم خیزد، هم جواب»، به نظر می‌رسد بیش از اینکه به سؤال به مفهوم امروزی ما توجه داشته باشد، به مسئله توجه دارد و این مصداق بارزش به آن قصه برمی‌گردد. به‌هرحال، ادبیات پایداری را امروز در ایران معمولاً در این دو قلمرو بررسی می‌کنند، یعنی ایستادگی جوامع در مقابل استبداد داخلی که نمونه‌های درخشان آن را در گذشته‌ی تاریخی ایران داریم. به‌طور بارز و روشن، ادبیات عصر بیداری، ادبیات عصر مشروطه، دوره‌ی پهلوی اول و دوم را به‌طور مثال مبارزات ضد استبداد می‌نامند و هشت سال جنگ ایران مقابل عراق را، که

نه در مقابل عراق که مقابل ۵۴ کشور است، به‌عنوان شاخه‌ای از ادبیات پایداری که ایستادگی در مقابل مهاجم خارجی است معنا می‌کنند. اگر به این‌صورت باشد، ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات دفاع مقدس و همه‌ی گونه‌های دیگر خودبه‌خود ذیل ادبیات پایداری قرار می‌گیرد. ولی امروزه با عناوین جدیدی که داریم حتی حصار این تعریف شکسته شده است. به‌طور مثال، هیچ‌وقت پیش‌بینی نمی‌کردیم بیماری‌ای به اسم کرونا اتفاق بیفتد و از جامعه‌ی ما شهید بگیرد و عنوان مدافعان سلامت بر آن گذاشته شود. ممکن است کسی در این عناوین خدشه ایجاد کند، اما بالاخره نسلی مقابل یک پدیده می‌ایستند، مقاومت می‌کنند، جان می‌دهند، همه‌ی سرمایه‌های وجودی خود را به میدان می‌آورند و در مقابل این فاجعه پایداری می‌کنند. بنابراین، همه‌ی این موضوعات در حوزه‌ی ادبیات پایداری قرار می‌گیرند.

اگر اجازه بدهید از این بحث عبور کنیم و بگوییم در این حوزه با چه مسائلی مواجه هستیم؟ چون حوزه‌ی مطالعات حضرت‌عالی به‌طور ویژه و خاص در این زمینه واقعاً قابل درنگ و تأمل‌های بسیار خوبی داشته‌اید. در آثار حضرت‌عالی، در مجموعه مقالات و سخنرانی‌هایی که در خارج و داخل کشور داشته‌اید کاملاً مشهود است و البته خودتان هم متعلق به این حوزه و خانواده‌ی شهید هستید و این موضوع و مسئله را لمس و حس کرده‌اید. ما هم اکنون در این قلمرو با چه مسائلی روبه‌رو هستیم و اگر قرار باشد شاخص‌ترین مسائل را به‌عنوان اندیشکده ادبیات پایداری بدانیم، آنها کدام‌اند؟ به زبان دیگر، اگر قرار باشد از حضرت‌عالی در کسوت عضو هیأت امنای اندیشکده رهنمود بگیریم، به ما بگویند که چه کنیم و به چه مسائلی بپردازیم و اولویت ما چیست؟ و حتی کمی بالاتر از اولویت، فوریت ما چیست؟

دکتر قبادی:

شما که خود از هر جهت صاحب‌نظر هستید و من درس پس می‌دهم. اجمالاً حضرت‌عالی می‌دانید که بنده سال‌ها درگیر این دغدغه هستم. ما چند مسئله مهم داریم که بعضی از آنها نیاز به توضیح دارد و زمان ما زیاد نیست و سعی می‌کنم به‌اجمال بیان و از آن عبور کنم. شاید به یک معنا چالش و به یک معنا مسئله است و در حقیقت اولویت از دل آن درمی‌آید.

به‌نظر بنده، یک مسئله کم‌توجهی ما و همه‌ی پردازندگان ادبیات پایداری به مقوله‌ی فرهنگ است. ما سعی می‌کنیم در حوزه‌ی دفاع مقدس تقلیل‌گرایانه ببینیم درحالی‌که فرهنگ کم‌نظیر، غنی و سرشار از لطافت ایرانی، می‌تواند ادبیات امروز متشکلت، نابسامان، متناقض، قطعه‌قطعه‌شده‌ی ما را وحدت ببخشد و غنی بسازد و از زنجیره‌ی تقلیل‌گرایی و محدودنگری نجات بدهد. ما سعی می‌کنیم ادبیات را خیلی اخص کنیم و آن را به فرهنگ پیوند نزنیم. این به چه معنا است؟ چند روز پیش مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایلنا داشتم تحت عنوان «غفلت از فرهنگ در جامعه‌ی امروز». فرهنگ به یک معنا ضمیر فردی ما را به ضمیر جمعی تبدیل می‌کند، یعنی من را به ما تبدیل می‌کند. ما یعنی یک ایران بزرگ، یک ایران ۷ هزار ساله، ما یعنی پشتوانه‌ی اسلام و معارف اسلامی و فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی. ما معمولاً ادبیات را خیلی محدود می‌کنیم و چون نگران زایل شدن یک دسته ارزش‌ها هستیم، ادبیات را آن‌طور تعریف می‌کنیم و ادبیات را با دریافت‌های موقت روزمره و نیازهای فوری یکی می‌گیریم و فکر می‌کنیم ادبیات مأمور ماست که فکر ما را منعکس کند. زمانی‌که این‌طور باشد، ادبیات دچار تاریخ مصرف می‌شود، یعنی «درزمانی» می‌شود درحالی‌که باید «برزمانی» فکر کنیم. ادبیات را باید برزمانی ببینیم و اگر این‌طور را ببینیم، متوجه می‌شویم که مثلاً سهروردی کیست؟ چرا سهروردی این کار را کرده است؟ چرا عقل سرخ را نوشته است؟ چرا الالواح المعادیه را نوشته است؟ چرا سخن از آواز پر جبرئیل می‌گوید؟ چرا عطار تذکره‌الاولیا را این‌گونه طراحی و پردازش کرده است؟ چرا حافظ گفته «از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر// یادگاری که در این گنبد دوار بماند»؟ چرا گفته «نبود نقش دو عالم که رنگ آفت بود // زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت» یا «در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود// کاین شاهد بازاری وان پرده‌نشین باشد» اگر این نگاه باشد، موجب می‌شود که ادبیات ما ادبیات فقیر و محدودی باشد و به اصطلاح کفگیر به ته‌دیگ برسد. آدم‌هایش هم محدود و محدودتر می‌شوند. چند درصد از استادان ادبیات، فرهنگ، جامعه‌شناسی، فلسفه در گیر ادبیات انقلاب اسلامی هستند؟ پیوند نزد ادبیات با فرهنگ این مشکلات را برای ما دارد. زمانی‌که که مولوی می‌گوید:

پیش‌تر از خلقت انگورها
خورده می‌ها و بکرده شورها
پیر ایشان‌اند کین عالم نبود
جان ایشان بود در دریای جود

بنده سال‌ها در کلاس می‌گفتم که مولوی عملاً در اینجا از صور اعیان سخن به میان آورده است و مشابه آنچه ابن عربی از آن به نام اعیان ثابته سخن گفته است. اما از منظر زیبایی‌شناسی من حق دارم بگویم این یک

ظرفیت کهن‌الگو است، این یک اسطوره‌سازی است چنان‌که حافظ از عشق، اسطوره ساخته است آنجا که می‌گوید: «از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر // یادگاری که در این گنبد دوار بماند» و از هنر و ادبیات اسطوره ساخته است آنجا که می‌سراید: «قلندران حقیقت به نیم جو نخرند // قیای اطللس آن کس که از هنر عاری‌ست» بنده در کلاس در تدریس این ابیات از منظر زیبایی‌شناسی این را با کهن‌الگو پیوند می‌زنم. بعد از مطالعات زیاد دیدم که دکتر شایگان هم در متن ادبی، برای اعیان ثابت‌ه ظرفیت کهن‌الگویی قائل شده است. هم به کتابت بت‌های ذهنی و خاطره‌ی ازلی هم پنج اقلیم حضور مراجعه کنید. یعنی وقتی می‌گوییم این می‌تواند کهن‌الگو باشد، ببینید به چه اندازه ادبیات را غنی می‌کنیم. ما باید برای غنی‌سازی ادبیات انقلاب اسلامی و ادبیات پایداری آن را با فرهنگ پر بار، مایه‌ور و عظیم این سرزمین پیوند بزنیم. ادبیات که یک‌شبه به‌وجود نیامده است. یک‌روزه و یک‌دهه نیست، این ادبیات برای ۴ تا ۷ هزار سال تمدن است که در آن این واژه‌ها به‌وجود می‌آید. قیصر امین‌پور که در واقع منهای تاریخ نیست، با همان تاریخ و تمدن و فرهنگ است. زمانی که قیصر نی‌نامه را می‌سراید، آیا می‌شود به او گفت که تو بدون مولوی نی‌نامه سروده‌ای و... شما بخش‌هایی می‌بینید که بدون شناخت تاریخ اباذر (ع) نمی‌شود آنها را شناخت. امام خمینی بسیار فرهنگی می‌اندیشید. امام خمینی آیت‌الله طالقانی را «اباذر زمان» نام نهاد. شما در طول تاریخ یک روحانی را پیدا کنید که به روحانی دیگری گفته باشد اباذر. به‌نظر بنده، این یک نوع نگاه نمادپردازانه و زیبایی‌شناسانه است و در جای دیگر می‌بینیم که امام خمینی، که خود یک مجتهد است، در وصیت‌نامه‌اش سه‌بار اسم ابن‌عربی را می‌برد؟ به این دلیل که ایشان عمیقاً انسانی ادب‌دوست و فرهنگی بوده است.

نکته دیگر، خلاء ارتباطی ادبیات ما با عرفان به معنای فرهنگی‌اش، یعنی عرفان بارور و تربیت‌کننده انسان است. گاهی اوقات ما تلمیحاتی داریم که اشتباهاً آن را به‌جای اسطوره و تراز ناب ادبی تلقی می‌کنیم درحالی‌که به‌نظر بنده تلمیح، کشنده و زوال‌گر اسطوره است. البته اگر شاعری یا نویسنده‌ای قادر باشد اسطوره اصیل را بازآفرینی کند، کار مهمی انجام داده است وگرنه تلمیحات که ارزشی ندارد و هرکسی می‌تواند تلمیح بیاورد. ما باید برای غنی‌سازی، باروری و ماندگاری ادبیات دفاع مقدس به‌دنبال قدرت هنری زایش اسطوره در آن باشیم. اتفاقاً از این دیدگاه، فرهنگ و اسطوره دو روی یک سکه‌اند. اسطوره ادبیت سیالی را با خود همراه می‌کند چون این خاصیت اسطوره است. چرا اسطوره‌ی قیصر با اسطوره‌ی شاعر عصر مشروطیت فرق می‌کند؟ این اسطوره را عارفان قدیم ما و حماسه‌سرایان و شاعران تا دوره‌ی مشروطیت هم داشتند. اما قیصر یک بُعد دیگری به آن می‌دهد. یعنی در شعر قیصر، اسطوره‌ی عرفانی با اسطوره‌ی اجتماعی و حماسی همه تلفیق می‌شدند، یعنی جهان پر از وحدت، وحدت‌نگری، منظومه‌ای نگاه کردن در شعر قیصر ظهور می‌کند. از منظر تاریخ ادبیات فارسی، فرهنگ، اسطوره و عرفان سه ضلع یک حقیقت ادبیات است. ما نباید اجازه بدهیم که ادبیات از این پشتوانه محروم شود. چه کسی باید جرأت شعر گفتن داشته باشد؟ چه کسی باید جرئت رمان نوشتن داشته باشد؟ کسی که عرفان و فرهنگمان را خوب بشناسد. آیا به کسی که چهار رمان خوانده است یا چند کلاس شعر رفته است باید بگوییم شاعر انقلاب! خدا بی‌امرزد شهید بهشتی را که بارها تأکید می‌کرد تشکیلاتی که از کیسه بخورد، مرده است. ما باید زاینده باشیم، باید در صدد افزایش یاران انقلاب اسلامی باشیم، در صدد افزایش ادبیات انقلاب اسلامی باشیم. لذا نیاز داریم به اتصال به فرهنگ و عرفان و اسطوره.

نکته‌ی دیگر جنبه‌ی انسانی است. متأسفانه، ما مقدار زیادی در ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس جنبه‌های انسانی را کم‌رنگ کرده‌ایم. شما رمان آفتاب‌پرست نازنین نوشته‌ی محمدرضا کاتب را حتماً خوانده‌اید. به‌نظرم خیلی ماهرانه و با حفظ اصول، به پدیده‌ی انسانی پرداخته است. وقتی مولوی می‌فرمایند:

من که صلحم دائماً با این پدر / این جهان چون جنتستم در نظر

ما نباید بگوییم این ادبیات ضد‌مقاومت است. خیر، این اثر در واقع انسان را بزرگ می‌کند، انسانیت را بزرگ می‌کند، فرهنگ را غنی می‌کند. وقتی فردوسی می‌فرماید:

چو با دانشی شد گشاده جهان / به آهن چه داریم گیتی نهان

این ادبیات ضد‌مقاومت نیست، این بزرگ کردن انسان و به انسانیت خود آگاه کردن است. در عمل می‌دانیم ادبیات انقلاب اسلامی ایران به چه اندازه مدیون ادبیات انسانی جهانی است، ولی هرچه جلوتر آمدیم، لا‌عترش کردیم و اینجاست که اگر به این پدیده‌ها توجه کنیم، جوانان آینده بیشتر به ادبیات انقلاب اسلامی روی خواهند آورد. درحال‌حاضر، ادبیاتی که به نوع دیگری ایجاد می‌شود، حجم و اثربخشی‌اش به چه اندازه است؟ و چه کسی از کیسه می‌خورد؟

خلاء بسیار مهم دیگر، کم‌توجهی به فنون و شگردهای ادبیات و به اصول زیبایی‌شناسی و گاه به‌کارگیری غیراصیل، غیرطبیعی و غیردرون‌زای آنها است. حافظ چرا حافظ شده است؟ بیش از هفتاد بار دیوان خود را

تصحیح کرده است. تا زمانی که زنده بود، اجازه‌ی نشر و تدوین نداد. چرا این مرد قادر است که بگوید: به جمال تو چنان صورت چین حیران شد که حدیثش همه جا بر در و دیوار بماند دست‌کم، بیش از چهار ایهام می‌توان در این بیت پیدا کرد. چرا به این اندازه مینیاتوری کار می‌کند؟ چرا این قدر آینه‌کاری می‌کند؟ حافظ در تمام عمرش مشغول همین کار بود. متمرکز شد، فداکاری کرد. من ملک بودم و فردوس برین جایم بود آدم آورد بدین دیر خراب آبادم ما باید واقعاً از سعدی و حافظ یاد بگیریم. شاعران و نویسندگان باید بیش از اندازه بلاغت جدید و قدیم بخواند. وقتی حافظ می‌گوید «مطروحتن فی الطریق»، تا این را نفهمیم چگونه می‌توانیم شعر بگوییم. تا زمانی که نظریه‌ی نظم جورجانی را متوجه نشویم، پدیده‌ی ساخت و صورت و نظم را چگونه متوجه شویم؟ بحث دیگر اینکه ما با نقد و نقدپذیری مانوس نیستیم. آیا می‌پذیریم هنر ما پیراسته نمی‌شود تا نقد نشویم؟ قبول نداریم که ما را نقد کنند. درحالی که چون ادبیات یک امر در حال زایش است و جوهری آن در سیالیت زیبایی است، پس باید دائم صیقل بخورد و نقد بشود تا رو به تعالی باشد. خدا حفظ کند آقای دکتر ابراهیم دینانی را که می‌گویند، فرق فلسفه با دیگر دانش‌ها این است که فلسفه در حال حرکت است درحالی که خیلی از علوم به‌خاطر احکام ثابتی که دارند حرکتی ندارند. ادبیات هم باید بیشتر از فلسفه حرکت کند. حتی به فلاسفه الهام ببخشد، چون ادبیات برپایه‌ی خیال و تخیل است و تخیل می‌تواند آینده را تصویر کند. تازه همه‌ی اینها می‌تواند مقدمه‌ای شود که به سمت نظریه‌پردازی حرکت کنیم. نظریه‌پردازی مثل سیمرغ در قاف است و خیلی خیلی با آن فاصله داریم. تا زمانی که تمام بلاغت قدیم را ندانیم، تا زمانی که تمام رموز و راه‌های موفقیت امثال حافظ، فردوسی، سعدی، عطار، سنایی و نظامی بزرگ را ندانیم، و تا وقتی بر دانش نقد ادبی و نظریه‌های جهانی آگاه نباشیم، نمی‌توانیم به این سمت حرکت کنیم. من از قول یکی شاگردان یاکوبسن شنیده‌ام که گفته بود، بعدها که با نظامی آشنا شدم به این نتیجه رسیدم سبک‌شناسی درباره‌ی نظامی محال است چون آن قدر خلاق است که ما باید یاد بگیریم، بعد بگوییم سبک چیست. هر شاعری در این دنیا از نظامی گفته است برای اینکه منظومه‌ی ذهنی معین، متکثر، زاینده و بالنده‌ای داشته است. منتقد خوب باید در نظر داشته باشد که چقدر قادر است در حین نقد، معلمی هم بکند و چه به فهم خوانندگان و دانش آنان اضافه می‌کند و چقدر نظام نقد ادبی را به جلو می‌برد. اگر از این زاویه بخواهم شخصی را معرفی کنم، استاد پورنامداریان بیشتر به نظر می‌آید. استاد پورنامداریان فقط یک منتقد نیست، در حال نقادی معلمی می‌کند. ما باید در نقد خود در ادبیات انقلاب اسلامی قادر باشیم معلمی کنیم. اگر یک نفر را پیدا کردید که هم نقد و هم معلمی کند و راه‌گشا باشد، به من هم بگویید. ما از نقدمان باید خیلی موضوعات یاد بگیریم. به نظر بنده، این چند خلاء را داریم و باید اولویت‌ها را از دل آنها مشخص کنیم.

دکتر سنگری:

احساس می‌کنم سؤالات بعدی ما را هم شما پاسخ دادید و بسیار استفاده کردیم و بهره گرفتیم. فقط یک

نکته، مجموعه‌ی اندیشکده ادبیات پایداری از سر یک ضرورت و نیاز شکل گرفت. حتماً مستحضر هستید که در تعدادی از دانشگاه‌های کشور رشته یا گرایش ادبیات پایداری دایر شده است. سال‌های سال است که تدریس می‌شود. با همه‌ی نوساناتی که دارد، یک نکته‌ی بسیار مهمی را در بستر بحث‌ها مطرح فرمودید و آن، این است که ما برای هر مقوله‌ای نیازمند انباشت علمی هستیم و هم‌اکنون وقتی استادان دانشگاه‌های ما می‌خواهند هر واحد درسی را تدریس کنند، با گزیده‌ها و آثار



فراوانی مواجه هستند. به‌طور مثال، اگر بخواهید خاقانی تدریس کنید، چندین گزینه وجود دارد که می‌توان استفاده کرد. حافظ یا تاریخ بیهقی و... به‌همین ترتیب. نیاز اولیه‌ی ما انباشت علمی در یک حوزه و یک موضوع است. طبیعتاً برای ادبیات پایداری، یعنی همین رشته‌ی نوظهور یا نوآیسی که در حال حاضر در ایران است و در بعضی از استان‌های ما بیش از حدود ۱۵ سال است که این رشته دایر است. چهل و چهار استان کشور این عنوان را دارند، البته بعضی از آنها دانشجو ندارند. متأسفانه در بعضی از واحدهای درسی‌اش حتی یک اثر هم وجود ندارد. فرض کنید اگر بخواهیم بگوییم مبانی ادبیات پایداری، متأسفانه در این زمینه چیزی نداریم. مثلاً تاریخ تحلیلی ادبیات پایداری، در این زمینه هم نداریم. اگر بخواهیم بدانیم از گذشته‌ی تاریخی کشور به قول عزیز ۸ هزار سال شعر فارسی از گذشته تا امروز چه سیری و چه رخدادهایی داشته است، چیزی نداریم. قطعاً مستحضر هستید حتی در اندرنامه‌های ما و در تفسیرها و آثار تحلیلی ما پایداری کاملاً دیده می‌شود. ما بزرگ‌ترین پشتوانه برای همه‌ی شاخه‌های علمی اسلامی بوده‌ایم، یعنی هیچ‌کس به اندازه‌ی ایرانیان بارور نکرده است که در همان کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران شهید مطهری به آن اشاره شده است. برای اینکه این رشته تقویت شود، اولاً چه باید کرد؟ دوم اینکه اگر قرار باشد مجموعه‌ی حضرتعالی در این زمینه ورود پیدا کنید، چه زمینه‌هایی می‌شود یافت که یاریگر این حرکت باشد؟

دکتر قبادی:

من از بحث دوم فرمایش شما شروع کنم. در پژوهشگاه، ما هم در طرح‌هایمان وارد حوزه‌ی ادبیات پایداری شده‌ایم و بعضاً از ادوار کهن و از ریشه پرداخته‌ایم و این ادامه دارد و اتفاقاً این طرح‌ها می‌تواند برای تهیه‌ی مجموعه منبع تاریخ تحلیلی ادبیات پایداری کمک کند. هم کارهایی که موردی درباره‌ی نقد آثار برخی نویسندگان و شاعران حوزه‌ی ادبیات پایداری انجام شده و گاه هم به‌صورت مقایسه با ادبیات برخی کشورهای دیگر. گروه زبان و ادبیات فارسی شورای متون هم ورود خوبی دارند و شما در جریان آن هستید که با همکاری جنابعالی و دوستان از قدیم به این مقوله پرداخته‌ایم و آن را ادامه می‌دهیم که می‌تواند دوباره در یک هم‌اندیشی مشترک دیگر، چالش‌ها و اولویت‌های پژوهش در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را بررسی کنیم. ضمن آنکه اگر آثاری داشته باشید، می‌توانیم به‌صورت مشترک چاپ کنیم.

دکتر سنگری:

من می‌خواهم در ارتباط با این مسئله یک گام جلوتر بروم. هم به‌سبب حضور حضرتعالی که هم صاحب‌نظر، صاحب‌قلم و صاحب‌اثر در این زمینه هستید، آیا امکان ندارد که این رشته با همین مضمون در اینجا راه‌اندازی و تدریس شود؟ اگر این اتفاق بیفتد، زمینه‌ی تولید بسیاری از واحدهای درسی یا مقوله‌ها را جریان‌سازی کند. البته این جریان در این محل وجود دارد، ولی شاید احیاناً چنین رشته‌ای در اینجا دایر شود، حتی به‌نظر بنده یک قدم جلوتر برویم و پیشنهاد دوره‌ی دکتری در این مکان باشد. چون در حال حاضر فقط دوره‌ی کارشناسی ارشد است و یکی از ضایعات این رشته همین است که فارغ‌التحصیلان دوره‌ی کارشناسی ارشد زمانی که می‌خواهند ادامه‌ی تحصیل بدهند، مجبورند دوباره به ادبیات محض برگردند و این مسیر ادامه پیدا نمی‌کند. بنده از این جهت مطرح کردم که دغدغه‌ی جدی حضرتعالی است و الحمدلله سال‌های سال است که کار می‌شود و همین سال گذشته چند نشستی که برگزار شد و از صاحب‌نظران در این حوزه بهره‌گیری شد، نشان داد که حتی پیش از بعضی از دانشگاه‌های متولی این رشته، خوش‌بختانه در مجموعه‌ی پژوهشگاه فعالیت می‌شود. بنده صرفاً این موضوع را مطرح کردم که ذهن حضرتعالی در این زمینه باز بشود و اندیشه‌ای شود که شاید در آینده در این مکان این امر صورت گیرد.

دکتر قبادی:

به نکته‌ی مهمی اشاره فرمودید. به‌نظرم قبل از هرچیز باید به دنبال کشف محققان فاضل، علاقه‌مند، روشن‌بین و عالم در این حوزه بگردیم تا آنها یکجا جمع شوند. تا سرمایه‌ی انسانی نباشد، راه‌اندازی رشته به ضد خودش بدل می‌شود. ما در پژوهشگاه مجموعه‌ی علمی بسیار قوی داریم که البته باید از این منظر بازآرایی بشوند و برای تحقق عملی آن باید با پروژه‌های تقاضامحور روبه‌رو باشند.

دکتر سنگری:

شما سرمایه‌ی علمی را در اینجا دارید. کجا چنین سرمایه‌ای دارد؟ چون من در دانشگاه‌ها دیده‌ام افرادی می‌آیند

که هیچ زمینه‌ای ندارند و به‌ناچار شاهنامه‌ی فردوسی را می‌گویند ادبیات پایداری. درست هم است واقعاً شاهنامه‌ی فردوسی شاخص‌ترین اثر پایداری حتی در جهان است ولی چون فرد نمی‌شناسد و نمونه‌کاری هم نیست که بتواند از آن بهره‌گیری کند. دانشگاه‌های ما هم متن‌محور هستند و به نظر بنده کمتر جایی سرمایه‌ی شما را دارد. با شناختی که بنده از حضرتعالی و استادان اینجا دارم و آثارشان را دیده‌ام، این شایستگی می‌تواند تبدیل به بایستگی شود و اگر این اتفاق در عصر شما بیفتد خدمت بسیار ارزنده‌ای می‌کنید.

دکتر قبادی:

امیدوارم خدا این توفیق را به بنده بدهد. ولی آقای دکتر می‌دانید که باید سرمایه‌های موجود کمی بازآرایی و متمرکز در این قلمرو بشوند ولی به مشکلاتی می‌خوریم. حالا ما در بخش‌های پروژه در حال کار هستیم و در بخش نشست‌ها و طراحی کنفرانس‌ها ادامه می‌دهیم.

انشاءالله بنده این مسئله را هم طرح می‌کنم تا اگر خداوند توفیق دهد، بتوانیم این را پیش ببریم و درعین حال یکی از آفت‌های کشور در این زمینه بحث غلبه کمیت بر کیفیت است، یعنی اگر به دنبال خلق منابع باشیم و بتوانیم آثار فاخری بنویسیم و این را تبدیل به یک گفتمان علمی در کشور کنیم، این اولویت مهمی است. درعین حال قسمت‌های ناموفق باید ارزیابی شوند و ادامه پیدا نکنند. ان‌شاءالله با کمک جنابعالی و دوستان بتوانیم به این کیفیت بیشتر توجه کنیم؛ من به یاری خدا حتماً این موضوع را پیگیری می‌کنم بلکه خدا توفیق داد و یک کار فاخرگزين و قابل دفاع و اثرگذار به وجود بیاید.

دکتر سنگری:

اصلاً ممکن است یک سال کار مطالعاتی در این زمینه صورت بگیرد و بعد به سمت تأسیس رفت.

دکتر قبادی:

در خصوص بخش اول سؤال شما برای خلق منابع، به نظر من باید یک پنل تخصصی برای آن برگزار شود؛ چیزی شبیه یک فاز مطالعاتی انجام و تعریف شود. ابتدا داشته‌های خود را یک‌بار بررسی و نقد مروری کنیم و بعد ببینیم چگونه می‌توان با درنظر داشتن این خلاءها و چالش‌ها، آثار درخور اعتنایی منتشر کنیم که عموماً همه بدان‌ها ارجاع دهند و استناد کنند و قبول داشته باشند. شاید هم نیاز به تأمل و تأنی بیشتری داشته باشد. آیا واقعاً ادبیات صدر اسلام، همان سال‌های اول نوشته شده است؟ یا انباشتی صورت گرفته است؟ بالاخره در همان صدر اسلام هم که نگاه می‌کنیم، قرآن آن‌قدر حجیت ادبی شد که در واقع زاینده‌ی ادبیات شد. به طور مثال، آن سبعة معلقه که در کعبه آویزان می‌کردند یک مسابقه‌ی ادبی بود. هر سال یک عده از اشعار را منسوخ می‌کردند و جایگزین می‌دادند. می‌گویند دختر امرالقیس وقتی شنید آیه شریفه «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» نازل شد، رفت شعر پدرش را از کعبه پایین آورد و گفت شعر پدر من ضعف دارد و من تازه فهمیدم که مشکل ادبی دارد. گفتند مشکل کجاست؟ پدرم ساعت را یک امر مادی فرض کرد و فکر می‌کرد مثل یک جسم است که فروود می‌آید در صورتی که در قرآن آمده است «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ»، یعنی این لفظ با معنا تناسب دارد. در آن زمان، مردم جاهل آن‌قدر عاقل بودند و ادبیات می‌فهمیدند. در عصر جاهلیت معیار ادبی داشتند. حالا ما چطور بدون معیار توقع داریم که ادبیات انقلاب بین مردم طرفدار پیدا کند. به گفته‌ی جرجانی، لفظ با معنا باید تناسب داشته باشد و اعجاز قرآن عمدتاً همین است که لفظ و معنا با هم تناسب دارد: «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» یا «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» چه شاهکاری است به لحاظ ادبی، لام میم نون چقدر با نرم‌خویی ارتباط دارد و خشونت چقدر با کلمات فظا غلیظ است، انگار که به انسان مشت می‌زند در صورتی که در آنجا با نرمی و متواضعانه سر فروود می‌آورد.

آنهایی که با اسلام مخالف بودند، این شاهکار ادبی قرآن آنها را به تأمل و عمدتاً به انقیاد نشانده. ما باید از قرآن یاد بگیریم. به سمت آثار خیلی خیلی فاخرتری برویم و جنبه‌ی انسانی را فراموش نکنیم. بعد ببینیم چه خلاءهایی داریم و سازمان‌هایی مثل شما و پژوهشگاه دفاع مقدس باید سرمایه‌گذاری هم بکنند. تا زمانی که اراده‌ای برای سرمایه‌گذاری نباشد، آثار فاخری هم به وجود نمی‌آید. الان برخی دانشگاه‌ها بعضاً ۱۰، ۲۰ عضو هیأت علمی علاقه‌مند فاضل محقق دارند که بیش از ۵۰، ۶۰ درصدشان از افراد خوب، فاضل و تراز اول هستند. باید به این افراد پروژه داد و وارد کارشان کرد.

بزرگداشت روز شعر و ادب پارسی

نشست مجازی «بزرگداشت روز شعر و ادب پارسی» به مناسبت سالروز درگذشت استاد شهریار و به همت پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۷ شهریورماه ۱۴۰۰ برگزار شد.



در ابتدای این نشست دکتر اصغر شهبازی، عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، سخنان خود را با عنوان «ادبیات حماسی در کتاب‌های درسی مدارس»، آغاز کرد و گفت: حماسه‌ها از سه منظر قدمت، محتوا و محیط تقسیم‌بندی می‌شوند. از نظر محتوا، حماسه‌ها به انواع اساطیری، پهلوانی، تاریخی، عرفانی و ... تقسیم می‌شوند. حماسه‌های پهلوانی را در دو شاخه‌ی نظم و نثر می‌توان مطالعه کرد. در شاخه‌ی نظم، به جز شاهنامه، حماسه‌هایی همچون گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه، فرامرزنامه، کوش‌نامه، بانوگشاسب‌نامه، برزنامه، شهریارنامه، آذربرزین‌نامه، بیژن‌نامه، لهراسب‌نامه، کک کهزاد، جهانگیرنامه، سام‌نامه و ... وجود دارد.

حماسه‌ی تاریخی منظوم: اسکندرنامه‌ها، شاهنشاه‌نامه‌ی پاییزی، ظفرنامه، شهنشاه‌نامه‌ی تیریزی، کرت‌نامه‌ی ربیعی، سام‌نامه‌ی سیفی، بهمن‌نامه‌ی آذری، تمرنامه‌ی هاتفی، شاهنامه‌ی هاتفی، شاهرخ‌نامه‌ی قاسمی، شهنامه‌ی قاسمی، جنگ‌نامه‌ی قشم، شهنشاه‌نامه‌ی صبا، شهنامه‌ی نادری، قیصرنامه و ...

حماسه‌های دینی منظوم: علی‌نامه، خاوران‌نامه، صاحبقران‌نامه، حمله‌ی حیدری باذل مشهدی، مختارنامه، شاهنامه‌ی حیرتی، غزنامه‌ی اسیری، حمله‌ی راجی، خداوندنامه‌ی صبا، اردیبهشت‌نامه، دلگشان‌نامه و ... بیش از یک‌صد حماسه‌ی دینی در ادب فارسی وجود دارد.

حماسه‌های عرفانی، حماسه‌های طنز، حماسه‌های سیاسی - اجتماعی و حماسه‌های نو
بنابراین یکی از ضعف‌های آشکار در حوزه‌ی حماسه‌پژوهی در ایران، محدودشدن پژوهش‌ها به یک نوع حماسه (ملی) و آن هم یک کتاب (شاهنامه) است.

دکتر شهبازی ادامه داد: مروری بر کتاب‌شناسی فردوسی، اثر مرحوم ایرج افشار نشان می‌دهد که حدود شش‌هزار کتاب و مقاله درباره‌ی فردوسی و شاهنامه نوشته شده است؛ اما شمار مقالات و آثاری که به منظومه‌های پس از شاهنامه، پرداخته‌اند بیش از چند ده عنوان نیست. درحالی‌که ادب حماسی پس از اسلام تنها شاهنامه نیست و افزون بر آن، همه‌ی شاهنامه‌های منظوم و منشور پیش از فردوسی تا منظومه‌های پهلوانی، دینی و تاریخی بعد از او را دربر می‌گیرد. اغلب این حماسه‌ها همچنان در پرده‌ی گمنامی و خمول باقی مانده‌اند و حتی بسیاری از خواص از وجود آن‌ها بی‌اطلاع‌اند، تا چه رسد به عوام. درباره‌ی علت این موضوع باید تحقیق کرد، برخی معتقدند تقریباً همه‌ی این نوع منظومه‌ها، فاقد ارزش‌های بزرگ ادبی و در شمار مثنوی‌های متوسط حماسی و قهرمانی هستند و اغلب این منظومه‌ها به جرم اینکه صاحبان‌شان پای به جای فردوسی نهاده‌اند و مقلد او شده‌اند و خواسته‌اند حماسه‌ای ملی، تاریخی یا دینی بسازند از چشم محقق افتاده‌اند. ویژگی‌های

منحصر به فرد شاهنامه، باعث عدم توجه به این منظومه‌ها شده است. اغلب سرایندگان این حماسه‌های دینی در تبدیل یک روایت غیرشاعرانه به روایت شاعرانه عاجز بوده‌اند و نشانه‌های این ناتوانی را در آثارشان بر جای نهاده‌اند و به همین دلیل این آثار نتوانسته‌اند جایگاه ممتازی در قلمرو زبان و ادب فارسی پیدا کنند. در هر صورت انتظار می‌رود محققان و حماسه‌پژوهان ادب فارسی به این موضوع با تأمل بیشتری بنگرند و دست‌کم، این آثار را با نگاه انتقادی بررسی کنند و اوج و حضيض آن‌ها را نشان دهند، البته در آن صورت، آنچه به دست می‌آید، بی‌گمان بازتاب بخشی از مسائل سیاسی، اجتماعی دوره‌ای خاص از تاریخ ادبی ایران است که در بازشناسی دوره‌های ادبی و حتی سبک‌شناسی سودمند و مغتنم است. عدم توجه به نوع ادبی حماسی در کتب درسی و برنامه‌ی درسی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیز یکی از موضوعات مغفول در این حوزه است.

ادبیات حماسی در کتاب‌های درسی

کتاب درسی در نظام‌های آموزشی متمرکز، اهمیت، کارکرد و حساسیت‌های ویژه‌ای دارد. همه می‌دانند که کتاب درسی، یک اثر تألیفی نیست و درواقع نوعی گزینش و گردآوری است. در این گزینش و گردآوری، نگرش گردآورندگان، راهبردهای نظام آموزشی و اسناد بالادستی نقش برجسته‌ای دارند. چه بسا گردآورندگان دوست داشته باشند بخش مهمی از کتاب را به نوع ادبی حماسه اختصاص بدهند، اما سیاست‌های نظام آموزشی این مجال را به ایشان ندهد. در هر صورت آنچه برای گردآورندگان و برنامه‌ریزان نظام آموزشی مهم است توجه به کارکرد و ویژگی‌های انواع ادبی است. با این نگاه به بررسی کمی و کیفی ادبیات حماسی در کتاب‌های درسی مدارس می‌پردازیم.

دوره‌ی دبستان، شش کتاب فارسی (بخوانیم)

گروه تألیف کتاب‌های فارسی دبستان (کتاب‌هایی که از سال ۱۳۷۸ تاکنون در چرخه‌ی آموزش‌اند) عبارتند از: فردوس حاجیان، حسن ذوالفقاری، مصطفی رحمان‌دوست، عباس زاهدی، محمدرضا سنگری، غلامرضا عمرانی، گلزار فرهادی، حسین قاسم‌پور مقدم، محمدرضا کافیان، فرشید مثقالی و شهین نعمت‌زاده

دوره‌ی متوسطه‌ی اول، سه کتاب فارسی

گروه تألیف کتاب‌های فارسی راهنمایی (کتاب‌هایی که از سال ۱۳۹۲ در مدارس تدریس می‌شوند) عبارتند از: فریدون اکبری شلدره، معصومه نجفی‌پازکی، حسین قاسم‌پور مقدم، محمدرضا سنگری و شهناز عبادتی

دوره‌ی متوسطه‌ی دوم، سه کتاب فارسی

گروه تألیف کتاب‌های فارسی متوسطه‌ی دوم (کتاب‌هایی که از سال ۱۳۹۵ در چرخه‌ی آموزش‌اند) عبارتند از: فریدون اکبری شلدره، حسین قاسم‌پور مقدم، محمدرضا سنگری، مریم عاملی رضایی و شهناز عبادتی

بررسی کمی ادبیات حماسی در کتاب‌های فارسی دبستان

پایه‌ی تحصیلی دوم، کل صفحات کتاب: ۱۱۴، صفحات اختصاص‌یافته به ادب حماسی: ۴، جزئیات دروس حماسی: - اشاره به بیت «توانا بود...» ص ۳۸ - درس دوازدهم، درس «فردوسی»، به نثر ساده‌ی امروزی، صص ۷۲-۷۳ - درس سیزدهم، اشاره به آرامگاه فردوسی، ص ۸۰ درصد/نسبت: ۳/۵

پایه‌ی تحصیلی سوم، کل صفحات کتاب: ۱۲۸، صفحات اختصاص‌یافته به ادب حماسی: ۱، جزئیات دروس حماسی: - درس دوازدهم، در ضمن شعر «ایران عزیز» - پشت جلد شعر سعدی (چه خوش گفت فردوسی...)، درصد/نسبت: کمتر از ۱ درصد

پایه‌ی تحصیلی چهارم، کل صفحات کتاب: ۱۴۰، صفحات اختصاص‌یافته به ادب حماسی: ۵، جزئیات دروس حماسی: - درس ششم، آرش کمان‌گیر، به نثر امروزی با اشعاری از کسرایی، صص ۵۴-۵۷ - هفت بیت شعر از فردوسی (با مضامین تعلیمی)، ص ۱۲۸، درصد/نسبت: ۳/۵

پایه‌ی تحصیلی پنجم، کل صفحات کتاب: ۱۴۰، صفحات اختصاص‌یافته به ادب حماسی: ۱۳، جزئیات دروس حماسی: - پنج بیت شعر از فردوسی (به نام خداوند جان و خرد...) ص ۳۲-۵۵، سه بیت - در درس هشتم، جنگ آریوبرزن با سپاه اسکندر، یک بیت از فردوسی (چو ایران نباشد تن من...)، ص ۵۶-۶۱ - درس فردوسی فرزند ایران، داستان زال و سیمرغ با ۱۲ بیت از شاهنامه، صص ۹۱-۹۵، درصد/نسبت: ۹/۲



پایه‌ی تحصیلی ششم، کل صفحات کتاب: ۱۱۴، صفحات اختصاص یافته به ادب حماسی: ۵، جزئیات دروس حماسی: - درس پنجم، هفت خان رستم، به نثر امروزی با نه بیت از شاهنامه، صص ۳۷-۴۰ - هفت بیت شعر از فردوسی، با محتوای تعلیمی برای حفظ کردن (به گیتی به از راستی پیشه نیست)، ص ۱۰۴، درصد/نسبت: ۴/۳

بررسی کمی ادبیات حماسی در کتب فارسی متوسطه‌ی اول (راهنمایی)

پایه‌ی تحصیلی هفتم، کل صفحات کتاب: ۱۸۷، صفحات اختصاص یافته به ادب حماسی: ۲، جزئیات دروس حماسی: - شعرخوانی، شش بیت از مقدمه‌ی شاهنامه (تو را دانش دین رهاوند درست...)، ص ۱۱۳ - تکبیت (به دانش گرای و بدو شو بلند...)، درصد/نسبت: ۱

پایه‌ی تحصیلی هشتم، کل صفحات کتاب: ۱۲۶، صفحات اختصاص یافته به ادب حماسی: ۱، جزئیات دروس حماسی: یک بیت از فردوسی (چو ایران نباشد تن من مباد...)، ص ۴۳، درصد/نسبت: کمتر از یک درصد پایه‌ی تحصیلی نهم، کل صفحات کتاب: ۱۴۶، صفحات اختصاص یافته به ادب حماسی: ۲، جزئیات دروس حماسی: - درس هشتم، همزیستی با مام میهن، هفت بیت از فردوسی (همی خواهم از کردگار جهان...)، صص ۶۴-۶۵ - درس دهم، آرشی دیگر (کودکی از جنس نارنجک)، صص ۷۹-۸۳ اگر بتوان حماسی محسوب کرد، درصد/نسبت: کمی بیشتر از یک درصد

بررسی کمی ادبیات حماسی در کتب فارسی متوسطه‌ی دوم

پایه‌ی تحصیلی دهم، کل صفحات کتاب: ۱۵۲، صفحات اختصاص یافته به ادب حماسی: ۱۵، جزئیات دروس حماسی: بخش ادبیات حماسی، رستم و اشکبوس، صص ۹۶-۹۹، درس گردآفرید، صص ۱۰۳-۱۰۶، درس دلیران ایران زمین (شعر همایون شاهرخی)، صص ۱۰۹-۱۱۰، درصد/نسبت: حدود ۱۰ درصد

پایه‌ی تحصیلی یازدهم، کل صفحات کتاب: ۱۵۳، صفحات اختصاص یافته به ادب حماسی: ۸، جزئیات دروس حماسی: بخش ادبیات حماسی، داستان کاوه‌ی آهنگر، با ۴۶ بیت از شاهنامه، صص ۹۶-۱۰۰، بخشی از حمله‌ی حیدری باذل مشهدی، ۲۸ بیت، صص ۱۰۷-۱۰۹، در بخش ادبیات پایداری، درس در امواج سند...، درصد/نسبت: ۵ درصد

پایه‌ی تحصیلی دوازدهم، کل صفحات کتاب: ۱۶۳، کل صفحات اختصاص یافته به ادب حماسی: بخش ادبیات حماسی، گذر ساوش از آتش، ۴۵ بیت، صص ۱۰۰-۱۰۴، خان هشتم اخوان، صص ۱۰۹-۱۱۴، درصد/نسبت: ۶ درصد

نتایج بررسی کمی

الف) در دوره‌ی دبستان

به جز پایه‌ی اول، کمترین درصد از پایه‌ی سوم و بیشترین درصد در پایه‌ی پنجم است. وانگهی توزیع نامتوازن است، چون فاصله‌ی درصدها زیاد است.

ب) در دوره‌ی متوسطه‌ی اول

در هر سه پایه در حدود یک درصد؛ بدترین وضعیت در کتاب‌های درسی، بدون توجه به بحث انواع ادبی، کشکولی

ج) در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم

کمترین درصد از پایه‌ی یازدهم و بیشترین درصد در پایه‌ی دهم است. توزیع متوازن و خوب است.

دکتر شهبازی با بررسی کیفی ادبیات حماسی در کتاب‌های فارسی دبستان ادامه داد: از مجموع هشت درس حماسی در دوره‌ی دبستان، پنج درس به گونه‌ی بازنویسی است: درس دوازدهم فارسی دوم دبستان (فردوسی)، صص ۷۲-۷۳؛ درس ششم فارسی چهارم (آرش کمانگیر)، صص ۵۴-۵۷؛ درس هشتم فارسی پنجم (آریوبرزن)، صص ۵۶-۶۱ و درس «فردوسی فرزند ایران» و ادامه‌ی آن که داستان زال و سیمرغ است، صص ۹۱-۹۵؛ درس پنجم فارسی ششم (هفت خان رستم)، صص ۳۷-۴۰؛ سه درس، اشعاری از فردوسی برای حفظ کردن، عمدتاً با مضامین تعلیمی (دانش‌اندوزی، خردگرایی، راستی و درستی و...)؛

نتیجه: گروه تألیف کتب دبستان، با آگاهی خوب، به بازگردانی و بازنویسی متون کهن، با توجه به اقتضائات دوره‌ی دبستان، توجه داشته‌اند. متن‌های پیراسته و خوبی تهیه کرده‌اند.

بررسی کیفی ادبیات حماسی در کتاب‌های فارسی دوره‌ی متوسطه‌ی اول در فارسی هفتم، ص ۱۱۳، شعر حفظی، شش بیت از مقدمه‌ی شاهنامه (اگر چشم داری به دیگر سرای...) و یک بیت در ص ۱۳۳ (به دانش گرای و بدو شو بلند...) در فارسی هشتم فقط یک بیت از فردوسی وجود دارد، ص ۴۳ در ضمن درس: چو ایران نباشد تن من مباد... در فارسی نهم، در ضمن درس هشتم (همزیستی با مام میهن) ۷ بیت از فردوسی آمده است. صص ۶۴-۶۵ نتیجه: بنابراین در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم، همچنان‌که از نظر کمی مشاهده شد، از نظر کیفی هم ادب حماسی جایگاه شایسته‌ی خود را پیدا نکرده است.

بررسی کیفی ادبیات حماسی در کتاب‌های فارسی دوره‌ی متوسطه‌ی دوم در هر سه کتاب، بخشی به نام ادب حماسی وجود دارد، البته بدون مقدمه‌ای درباره‌ی انواع ادبی و نوع ادبی حماسه در پایه‌ی دهم، سه درس به ادب حماسی اختصاص یافته: درس رستم و اشکبوس (متن شاهنامه، با یک مقدمه‌ی کوتاه)، درس گردآفرید (متن شاهنامه با مقدمه‌ی کوتاه)، دلیران ایران‌زمین (شعر محمود شاهرخی) در پایه‌ی یازدهم، دو درس از نوع ادبی حماسه است: درس کاوه‌ی آهنگر (متن شاهنامه با مقدمه)، ابیاتی از حمله‌ی حیدری (بدون مقدمه) در پایه‌ی دوازدهم دو درس: گذر سیاوش از آتش (متن شاهنامه با مقدمه‌ی خیلی کوتاه)، درس خان هشتم (شعر اخوان تقریباً کامل) نتیجه: در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی توجه به ادب حماسی خوب است، گرچه بخش ادبیات حماسی و دروس باید با مقدمه‌ی مفصل‌تری شروع شوند؛ وانگهی نبودن دروس رستم و سهراب، رستم و اسفندیار در کتاب‌های درسی جای سؤال است. وضعیت ادبیات حماسی در کتاب درسی دوره‌ی دبستان خوب است. در دوره‌ی متوسطه‌ی اول بسیار نامطلوب و در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم خوب است. انتظار تجدیدنظر

چرا توجه به ادبیات حماسی در کتاب‌های درسی مهم است؟
(الف) ادبیات حماسی با توجه به علو لفظ و معنا، برآورنده و تأمین‌کننده‌ی بخشی مهم از اهداف کلان برنامه‌ی آموزشی و درسی است. بی‌تردید اهدافی همچون تقویت روحیه‌ی خودباوری، میهن‌دوستی، پرورش قوه‌ی ذوق و خلاقیت در پرتو توجه به ادب حماسی تحقق پیدا می‌کنند.
(ب) ادبیات حماسی دربردارنده‌ی متعالی‌ترین و شکوهمندترین معانی بشری است: خداپرستی، راستی و درستی، اخلاق‌مداری، وطن‌دوستی، نگاهبانی از مرز و بوم، فداکاری و گذشت و... در ادب حماسی ایران موج می‌زند.
(ج) ادبیات حماسی، به‌ویژه شعر حماسی و مثل بارز آن؛ یعنی شاهنامه‌ی فردوسی از نظر لفظ هم در اوج است. شاهنامه، زبانی ساده و روان دارد؛ صور خیال در آن محسوس و ملموس‌اند؛ جملات کوتاه‌اند؛ تکلف و تصنع در آن جایی ندارد؛ صناعات ادبی کم‌اند؛ لغات بیگانه در آن بسیار کم است؛ ایجاز آن زبان‌زد است و این ویژگی‌ها در کمتری نوعی از انواع ادبی وجود دارد.
(د) تصاویر دراماتیک نوع ادبی حماسه باعث می‌شوند که خواننده خود را به جای قهرمانان بگذارد.
(ه) شعر حماسی فردوسی، مخالف ندارد.
(و) شعر حماسی از «او» صحبت می‌کند نه از «من» و «او» رستم است و فریدون و کیخسرو و... کسانی که یک فرد نیستند، نمایندگان یک ملت‌اند.
(ز) خوانش شعر حماسی برای دانش‌آموزان، به‌ویژه دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه لذت‌بخش است.

در ادامه دکتر آزاده شریفی، دبیر زبان و ادبیات فارسی، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران درباره‌ی موضوع «آسیب‌شناسی آموزش ادبیات فارسی در رشته علوم انسانی دبیرستان» چنین گفت: هدف از آموزش زبان و ادبیات فارسی در دبیرستان با دانشگاه متفاوت است. تکیه اصلی دروس دبیرستانی باید بر مهارت‌های زبانی، هویت فرهنگی و علاقه‌مند کردن فراگیران به مطالعه باشد. به شیوه آموزش زبان و ادبیات فارسی نقدهای بسیاری وارد است، اما در نظام آموزشی کنونی (نظام ۶-۳-۳) هیچ یک از رشته‌های نظری به اندازه ادبیات و علوم انسانی مهجور واقع نشده‌اند. برخی از اصلی‌ترین اشکالات ادبیات رشته‌ی انسانی به شرح زیر است:

۱- تعداد کتاب‌های درسی و به تبع آن سرفصل و ساعات آموزشی به‌طور محسوسی تقلیل یافته است، برای نمونه به مقایسه پایه یازدهم نظام جدید با سوم انسانی نظام قدیم توجه کنید:
سوم انسانی نظام قدیم: کتاب‌های ادبیات تخصصی (۴ ساعت آموزشی)، زبان فارسی تخصصی (۲ ساعت آموزشی شامل دستور زبان، مقدمات زبان‌شناسی، دستور تاریخی و نگارش و ویرایش)، آرایه‌های ادبی (۲ ساعت شامل مقدمات عروض و قافیه، بیان، بدیع لفظی و بدیع معنوی) و تاریخ ادبیات (۲ ساعت شامل تاریخ مفصل ادبیات از قرن ۸ تا دوره‌ی معاصر، مکتب‌های ادبی، ادبیات جهان عرب)
یازدهم انسانی نظام جدید: کتاب‌های فارسی (۲ ساعت مشترک با سایر رشته‌ها)، علوم و فنون ادبی (تاریخ



ادبیات و سبک‌شناسی، عروض و قافیه و آرایه‌های ادبی) و نگارش (۲ ساعت)

- ۱- مجموع ساعات آموزشی از ۱۰ ساعت به ۶ ساعت (سه جلسه در هفته) تقلیل یافته است.
 - ۲- چهار کتاب تخصصی حذف و با یک کتاب علوم و فنون ادبی (شامل ۱۲ درس) جایگزین شده است.
 - ۳- مباحثی مانند زبان‌شناسی، مکتب‌های ادبی، ویرایش و تاریخ مفصل ادبیات به‌طور کامل حذف شده‌اند.
 - ۴- فارسی اختصاصی انسانی حذف با کتاب ریاضی و تجربی یکی شده است.
- این فقط قسمت کمی ماجراست اگر چه این تغییر بیش از حد کمیّت منجر به افزایش کیفیت نشده است.
- ۲- «متن زدایی» از رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی

دکتر شریفی تأکید کرد: مفهوم کلیدی در رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی چه در دبیرستان و چه در دانشگاه «متن» است. منظور از متن فقط متون ادبی و تاریخی نیست. همه‌ی دانش‌آموزان علوم انسانی الزاماً دانشجوی ادبیات فارسی نخواهند شد اما در سایر رشته‌های دانشگاهی علوم انسانی نیز «متن» اهمیت محوری دارد؛ دانشجوی حقوق باید با «متن» قانون سر و کله بزند. دانشجویان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و علوم تربیتی و ... با «متون نظری» سر و کار دارند. دانشجویان الهیات و فلسفه باید بتوانند از متون دینی و فلسفی و کلامی استفاده کنند و دانشجویان تاریخ باید قادر به خواندن متون تاریخی باشند. ادامه این روند در چند سال آینده منجر به کاهش شدید کیفیت رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه و مقاطع بالاتر خواهد شد چرا که دانشجویانی وارد این رشته‌ها می‌شوند که در دبیرستان به اندازه‌ی کافی متن نخوانده‌اند و با مهارت‌های فهم متن آشنا نیستند. رشته‌ی علوم انسانی بدین معنا «متن زدایی» شده است. در کتاب علوم و فنون ادبی (سه کتاب از پایه دهم تا دوازدهم انسانی و مجموعاً ۳۶ درس) دانش‌آموزان به ندرت شعر یا متن کاملی می‌خوانند بیشتر تک بیت‌هایی از متون پراکنده و متنوع، آن هم برای پیدا کردن وزن یا آرایه‌های ادبی. در کتاب تاریخ ادبیات نظام قدیم، پس از معرفی هر شاعر یا نویسنده نمونه‌ای از اشعار یا نثر وی آورده می‌شد.

اما مهارت‌های اصلی برای فهم متن کدام‌اند؟

۱- واژگان: ناگفته پیداست که کم شدن متون درسی، دایره‌ی لغات دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. بیشتر لغاتی که دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان فرا می‌گیرند به‌صورت حفظی و برای برآمدن از پس تست‌های کنکور است نه افزایش شم زبانی.

۲- دستور زبان: اینکه چرا آموزش زبان فارسی (و نه ادبیات) از مقطع دبیرستان به‌طور کامل حذف شده است و این امر در سال‌های پیش‌رو چه تأثیری بر هویت فرهنگی دانش‌آموزان خواهد گذاشت پرسشی است که اصحاب علوم اجتماعی باید به آن پاسخ دهند. فلسفه‌ی تألیف کتاب‌های زبان فارسی این بود که هر فارسی‌زبانی نیاز به آموزش زبان مادر در سطحی فراتر از کاربرد روزمره دارد و نباید آموزش زبان را با آموزش ادبیات یکسان فرض کرد. در نظام فعلی آموزشی با عقب‌گردی حدوداً ۵۰ ساله کتاب‌های زبان فارسی به‌طور کامل حذف شده‌اند و دانش‌آموزان هیچ درکی از ماهیت زبان، تفاوت زبان و گفتار و برخی مقدمات زبان‌شناسی و ویژگی‌های زبان فارسی ندارند. آموزش دستور زبان نیز به‌صورت نکات پراکنده در خلال متون کتاب‌های فارسی گنجانده شده است به گونه‌ای که تأثیر محسوسی بر دانش زبانی و انسجام ذهنی فراگیران ندارد.

۳- روابط برون‌متنی: مهم‌ترین مؤلفه‌ی بافت متن است. فهم بسیاری متون ادبی در گروی آشنایی با گفتمان‌های کلان اجتماعی و فرهنگی و تاریخی است. کتاب‌های تاریخ آهنگ متفاوتی با کتاب فنون ادبی دارند یعنی برای مثال دانش‌آموزان ادبیات مشروطه را زمانی می‌خوانند که هنوز تاریخ مشروطه را نخوانده‌اند و سیر حوادث و افراد را نمی‌شناسند.

۴- متون مشابه: هر چه متن‌های مشابه بیشتری از یک دوره خوانده شود تسلط دانش‌آموز به آن بیشتر می‌شود. در این زمینه کتاب‌های فارسی مکمل خوبی برای علوم و فنون ادبی نیستند.

۳- فاجعه‌ای به نام کتاب‌های «علوم و فنون ادبی»

مباحث اصلی این کتاب‌ها شامل:

۱- تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی (۴ درس در هر کتاب و در مجموع ۱۲ درس) شامل تاریخ زبان فارسی از دوره‌ی پیش از اسلام، سبک خراسانی، سبک عراقی، سبک هندی و شعر مشروطه، معاصر و دوره‌ی انقلاب اسلامی به‌صورتی ناقص و تیتروار بدون توجه به جنبه‌ی مهارتی.

۲- آرایه‌های ادبی:

مبتنی بر آموزش بدیع لفظی، بیان و بدیع معنوی به ترتیب در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم انسانی.

۳- عروض و قافیه

منطق این تقسیم‌بندی گنگ و مبهم است. اگر قرار است آرایه‌های ادبی در خدمت فهم متن باشند و در خلال آن تدریس شوند چه لزومی دارد آموزش تمام آنها سه سال به طول انجامد؟ آیا ممکن است متنی را بیاییم که فقط شامل آرایه‌های لفظی باشد یا فقط بیان؟ ... وقتی معلم در متون همان کتاب فارسی با آرایه‌های دیگری از بیان و بدیع برخورد می‌کند باید آموزش آنها را به کتاب فنون ادبی سال آینده موکول کند؟ اگر نه زمانی که برای این دوباره‌گویی و چندباره کاری صرف می‌شود را آیا نمی‌توان برای تدریس متون بیشتر یا مبحثی دیگر به کار برد؟ همه‌ی این مطالب در دانشگاه و در نظام قدیم به‌هم پیوسته و در پی هم تدریس می‌شد و می‌شود نه در سه سال مجزا. قسمت دردناک ماجرا اینکه پس دانش‌آموز علوم انسانی علوم و فنون ادبی را می‌آموزد تا متن بخواند ولی متنی نمی‌خواند.

۴- اختصاص حجم قابل توجه و توجیه‌ناپذیری به آموزش عروض

درست است که بخش مهمی از میراث ادبی زبان فارسی را شعر تشکیل می‌دهد اما بسیاری مهارت‌های مهم‌تر از عروض، مغفول مانده و از سرفصل درسی حذف شده است. در باب ضرورت آموزش عروض و حدود آن می‌توان بحث کرد. چه‌قدر مهم است دانش‌آموزی که قرار است مثلاً حقوق بخواند در دبیرستان بتواند وزن اشعار را بگوید و اختیارات شاعری آنها را تجزیه و تحلیل کند؟ آن دانش‌آموزی هم که قرار است ادبیات

فارسی یا عربی بخواند در دانشگاه عروض را فراخواهد گرفت.

گنجاندن عروض با این حجم و محتوا در کتاب‌های علوم انسانی دو دلیل دارد:

- ۱- نبود برنامه‌ریزی آموزشی
 - ۲- تأکید بر جنبه‌ی مهارتی و حل تمرین و قابلیت طراحی سؤالات کنکور
- اما دانش‌آموز علوم انسانی چه‌قدر عروض می‌خواند؟ چهار درس از هر کتاب یعنی ۱۲ درس عروض در مجموع سه سال دبیرستان و دانشجوی زبان و ادبیات فارسی چه‌قدر عروض می‌خواند؟ دو واحد درسی (شامل ۱۶ جلسه آموزشی)

دکتر شریفی در بخش پایانی سخنانش شرح داد: دانش‌آموز دبیرستانی علوم انسانی در مقطع متوسطه‌ی دوم حدود ۲۴ جلسه عروض می‌آموزد این رقم برای دانشجویی که قرار است کارشناس ادبیات فارسی شود حدود ۱۶ جلسه (دو واحد) است. به‌نظر می‌رسد عروض در دبیرستان بیشتر از دانشگاه اهمیت دارد. این نسبت در سرفصل‌های دیگر منطقی‌تر است مثلاً مجموع دروس تاریخ ادبیات در دبیرستان شش جلسه و در دانشگاه (مقطع کارشناسی) حدود ۴۸ جلسه است.

لازم به ذکر است که نظام قدیم نیز مشکلات و اشکالات خود را داشت و نقد نظام فعلی به معنای تأیید مطلق نظام قدیم نیست. اما انتظار می‌رفت، نظام جدید با رفع اشکالات و ارتقای سطح نظام قدیم جایگزین آن شود درحالی‌که سطح کتاب‌های فعلی هم کمی و هم کیفی از نظام قدیم بسیار پایین‌تر است. کتاب‌های کنونی نه در خدمت مهارت‌آموزی و پرورش شم زبانی و ذوق ادبی هستند نه در راستای هویت ملی و فرهنگی و علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به فرهنگ و زبان فارسی برنامه‌ای دارند.

توجه دانشگاهیان و استادان رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی به آنچه در دبیرستان می‌گذرد بسیار لازم و ضروری است چرا که دانش‌آموزان امروز دانشجویان فردا هستند.

چند راهکار:

- ۱- کتاب فارسی علوم انسانی با مجموعه‌ای از متون مناسب تدوین و جایگزین کتاب مشترک فعلی شود.
- ۲- آموزش مجزای زبان فارسی در دستور کار قرار گیرد.
- ۳- در ساختار و مباحث کتاب علوم و فنون ادبی تجدیدنظر اساسی شود.
- ۴- مباحث جانبی و فنی به‌صورت انتخابی و اختیاری تدریس شود.
- ۵- ساختار تست‌ها و مباحث کنکور انسانی تغییر کند.

دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات برگزار می‌کند:

بزرگداشت روز شعر و ادب پارسی

مختران:

دکتر اصغر شهبازی
(ادبیات حماسی در کتاب‌های درسی مدارس)

دکتر آزاده شریفی
(آسیب‌شناس آموزش ادبیات فارسی در رشته علوم انسانی دبیرستان)

بیر نشست: دکتر آزاده شریفی

زمان: شنبه ۱۷ شهریور ماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۸:۳۰

لینک ورود رایگان:

<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-50v-dls-vgd>

تحلیل مطالعات زبانی و فرازبانی در کودکان دارای نارساخوانی

نشست «تحلیل مطالعات زبانی و فرازبانی در کودکان دارای نارساخوانی» با سخنرانی دکتر حوریه احدی، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی پژوهشگاه در تاریخ ۲۱ و ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۰، به‌صورت مجازی برگزار شد.

دکتر احدی ابتدا مقدمات دانشی مطرح در این حوزه را برشمرد و بر ضرورت توجه به آنها در تحلیل مطالعات تأکید کرد و گفت: برای انجام یک تحلیل درست و یافتن نتایج معتبر لازم است احاطه‌ی کاملی بر دانش مطرح در آن حوزه داشت.

وی در ادامه به اهمیت مطالعات مروری به ویژه مبتنی بر روش‌شناسی مرور نظام‌مند پرداخت و گفت: مرورهای نظام‌مند ابزاری مفید برای کسانی هستند که در جست‌وجوی ارتقاء دانش پژوهشی خود و عملی کردن آن هستند. مانند مرورهای سنتی، مرورهای نظام‌مند هم می‌توانند به تشخیص خلأهای دانش و همچنین روشن‌سازی موارد بی‌نیاز از پژوهش بیشتر، کمک کنند. خوشایند بودن این روش مرور به دلیل ادعای داشتن فرایندی فنی، خنثی‌تر و منطقی و هنجار شده است. لذا فرایندی شفاف و عینی را به خواننده ارائه می‌دهد. نظام‌مند به معنای کار کردن به روشی مرتب، منظم و مبتنی بر روش‌شناسی برای بررسی حجم بزرگی از اطلاعات و به دست آوردن اطلاعات مفید و معنادار جهت پاسخ به پرسش‌هاست؛ لذا برای تحلیل مطالعات روش تحقیق مرور نظام‌مند بسیار مناسب است.

دکتر احدی در بخش تحلیل مطالعات آنها را در سه دسته‌ی اصلی توصیفی، مقایسه‌ای و مداخله‌ای قرار داد و ضمن بیان نتایج به دست آمده در هر بخش، خلأهای پژوهشی موجود را نیز مطرح کرد.

وی در پایان به تحلیل و مقایسه‌ی نتایج بخش‌های مختلف پرداخت و کاربرد نتایج به دست آمده را در سیاست‌گذاری‌های مربوط به درمان و همچنین تدوین کتب آموزشی مناسب برای این کودکان مطرح کرد.

وی در ادامه گفت: مطالعات انجام شده نشان می‌دهد زبان و توانایی‌های زبانی و فرازبانی با خواندن و نوشتن این کودکان در ارتباط است و بر خواندن و نوشتن آنها تأثیر می‌گذارد. برای مثال در مطالعات مربوط به بررسی آگاهی واج‌شناختی و ارتباط آن با خواندن یافته‌های بسیار مفیدی به دست آمده که در طراحی روش آموزش خواندن مناسب برای این کودکان بسیار مؤثر است. در ضمن تحلیل مطالعات نشان می‌دهد هنوز خلأهای پژوهشی بی‌شماری در این حوزه وجود دارد که باید مورد توجه جدی قرار گیرند تا در برنامه‌ریزی‌های آینده طرح‌ها و رساله‌های مرتبط به این حوزه‌ها هدایت شوند.

طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور



دانشگاه علوم انسانی، مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی

طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور
با همکاری پژوهشکده زبان‌شناسی برگزار می‌گردد:

سلسله نشست‌های کاربست زبان‌شناسی
در حل مشکلات کودکان دارای اختلالات رشدی

تحلیل مطالعات زبانی و فرازبانی کودکان

نارساخوان فارسی زبان



لینک پیوستن به نشست:

<https://webinar.iics.ac.ir/b/iic-rlp-31p-xbt>

مؤلفه‌های جمعیتی، بازار کار و رشد اقتصادی

اولین پیش‌نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، تحت عنوان «مؤلفه‌های جمعیتی، بازار کار و رشد اقتصادی» با حضور دکتر ملیحه حدادمقدم، دکتر سعیده شهبازین، دکتر سیده‌زهره کلانتری و دکتر محمد ساسانی‌پور، اعضای هیأت علمی مؤسسه‌ی تحقیقات جمعیت کشور، با دبیری دکتر ملیحه حدادمقدم در تاریخ هشتم شهریورماه ۱۴۰۰، به‌صورت مجازی برگزار شد.

در ابتدای جلسه دکتر محمدعلی ابوترابی؛ دبیر علمی همایش و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به نمایندگی از کمیته‌ی علمی همایش، توضیحاتی را در رابطه با کلیات همایش، هدف همایش، زمان ارسال مقالات، نحوه‌ی ارسال مقالات و ... مطرح کرد. در ادامه دکتر حدادمقدم؛ عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی تحقیقات جمعیت کشور (دبیر پیش‌نشست)، توضیحاتی



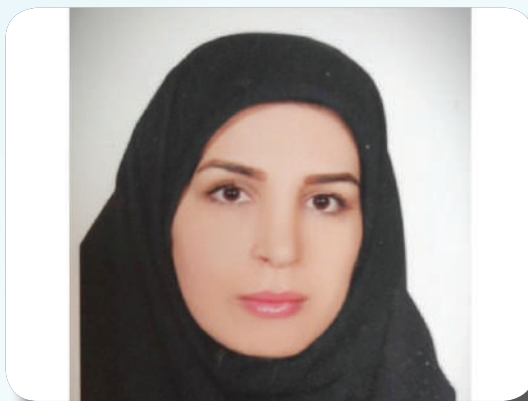
را در رابطه با کلیات ارائه‌ها و ارتباط عناوین مطروحه در پیش‌نشست با اهداف همایش ارائه کرد و ادامه داد که تمامی عناوین مطروحه شامل «مشارکت زنان و رشد اقتصادی»، «اثرات توزیع ناهمگون جمعیت بر رشد اقتصادی»، «پیامدهای سالمندی و رشد اقتصادی» و «سلامت جمعیت فعال اقتصادی»، همگی از عوامل مؤثر بر عرضه‌ی نیروی کار در اقتصاد هستند که عمدتاً از کانال متأثر ساختن عرضه‌ی نیروی کار بر رشد اقتصادی اثر خواهند گذاشت.

اولین سخنرانی پیش‌نشست با عنوان «مشارکت زنان و رشد اقتصادی» توسط دکتر حدادمقدم صورت گرفت. وی اذعان داشت که با نگاهی به تحولات جهان در دهه‌های اخیر مشخص می‌شود که فرآیند رشد و توسعه‌ی اقتصادی، نیازمند بازنگری در نقش نیروی انسانی به‌خصوص نقش زنان است که حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. مشارکت زنان و برداشتن موانع ورود آنها به بازار نیروی کار منجر به بهبود وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع می‌شود که این پیش‌فرض‌ها، زمینه‌ساز رشد و توسعه‌ی پایدار جوامع خواهد بود. ذکر این نکته حائز اهمیت است که متغیرهای رشد اقتصادی و مشارکت زنان دارای رابطه‌ی دوطرفه هستند؛ یعنی همان‌طور که مشارکت زنان بر رشد اقتصادی اثرگذار است، رشد اقتصادی نیز بر مشارکت زنان تأثیرگذار است. وی در ادامه به بررسی کانال‌های اثرگذاری در این رابطه‌ی دوطرفه پرداخت و کانال‌های محتمل اثرگذاری مشارکت اقتصادی زنان بر رشد اقتصادی و همچنین کانال‌های اثرگذاری رشد اقتصادی بر مشارکت زنان پرداخت. وی ادامه داد: در رابطه با تأثیر رشد اقتصادی بر مشارکت زنان، مطالعات فراوانی در کشورهای مختلف انجام گرفته است. بخش عمده‌ای از کارهای تجربی نشان می‌دهند که زمانی که مقادیر محصول سرانه‌ی پایین‌تر هستند (در مراحل اولیه‌ی رشد اقتصادی)، مشارکت زنان در بازار نیروی کار تمایل به کاهش دارد و زمانی که محصول سرانه به نقطه‌ی مشخصی می‌رسد، رابطه‌ی مثبت میان رشد اقتصادی و مشارکت زنان در بازار نیروی کار شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، رابطه‌ی به شکل U میان مشارکت زنان و رشد اقتصادی وجود دارد.

دکتر حدادمقدم همچنین به نتایج مطالعه‌ای که توسط خود او انجام گرفته، اشاره و عنوان کرد که رابطه U-شکل در مطالعات، در رابطه با ۲۳ کشور مسلمان آسیایی از جمله ایران هم برقرار بوده است. در پایان این ارائه، توصیه‌های

سیاستی در راستای افزایش مشارکت اقتصادی زنان در بازار نیروی کار ارائه و عنوان شد که در مطالعات انجام‌شده در این حوزه، سیاست ارائه‌ی یارانه‌هایی در جهت نگهداری از کودکان، جزو یکی از اثربخش‌ترین سیاست‌ها ارزیابی شده است.

دومین ارائه با عنوان «اثرات توزیع ناهمگون جمعیت بر رشد اقتصادی» توسط دکتر سعیده شهبازین؛ عضو هیأت



علمی مؤسسه‌ی تحقیقات جمعیت کشور، انجام شد. وی در ابتدا و در مقدمه‌ی بحث گفت: هم‌اکنون مهاجرت داخلی به عامل اول تغییرات جمعیتی، منبع تغییر الگوهای سکونت و همچنین عامل اصلی در توزیع و بازتوزیع جمعیت تبدیل شده است. مهاجرت به دلیل ماهیت خاص خود می‌تواند علاوه بر تغییرات کوتاه‌مدت، تغییرات درازمدتی را در منطقه ایجاد کند؛ علاوه بر آن، یکی از مهم‌ترین منابع تأمین نیروی انسانی برای بازارهای کار، توسعه‌ی اقتصاد ملی و محلی و همچنین عامل تغییرات اجتماعی و اقتصادی در مناطق مبدأ و مقصد است. دکتر شهبازین در ادامه افزود که در جوامع توسعه‌یافته مهاجرت‌های داخلی به دنبال توسعه‌ی اقتصادی همگام و متعادل در بخش‌های مختلف جامعه، صورت گرفته، اما در کشورهای درحال توسعه، رشد مهاجرت به دنبال توسعه‌ی اقتصادی برون‌زا، نامتعادل، نابرابر و یک‌سویه در مناطق مختلف جامعه بوده است. همین موضوع سبب شده تا ساکنان مناطق محروم برای کسب فرصت‌های بهتر به مناطق برخوردار مهاجرت کنند.

این شرایط روند سریع و روبه رشدی از مهاجرت داخلی را ایجاد کرده که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی را به دنبال داشته است. در گذشته این روند از جابه‌جایی، به عنوان وسیله‌ای برای تخصیص بهینه‌ی منابع به لحاظ انتقال نیروی انسانی، از نظر اقتصادی مثبت بود؛ اما امروزه با نرخ‌های بالای مهاجرت، افزایش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، تفاوت قابل ملاحظه در نرخ‌های بیکاری و سطح درآمد بین مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست، این پدیده به مشکلی جدی تبدیل شده است. وی در پایان به ارائه‌ی نتایج مطالعه در ایران پرداخت و عنوان کرد که نتایج به‌دست آمده در باب مهاجرت در ایران و جریان آن طی ۲۵ سال گذشته و بررسی توزیع فضایی آن در کشور، همه گواهی بر عدم توسعه‌ی موزون در مناطق کشور و وجود نابرابری مناطق در بهره‌مندی از امکانات و خدمات مختلف است. عدم توازن که موجب می‌شود افراد ساکن در مناطق مرزی و به‌طورکلی مناطقی که فاقد امکانات و خدمات مناسب منطقه‌ای هستند، راه رسیدن به اهداف و زندگی بهتر را در مهاجرت به سوی مناطق توسعه‌یافته‌تر ببینند. عدم توازن توان منطقه و سرزمین با جمعیت آن از مشکلات توجه نداشتن به شاخص‌های جمعیتی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بین منطقه‌ای و ملی است که موجب مشکلات



بسیاری در جهت دستیابی به توسعه‌ی متوازن در سطح ملی می‌شود.

در بخش سوم پیش‌نشدت که مربوط به ارائه‌ای از دکتر سیده زهرا کلانتری؛ عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی مطالعات جمعیت کشور بود، به موضوع «پیامدهای سالمندی و رشد اقتصادی» پرداخته شد. وی در مقدمه بحث عنوان کرد: توسعه‌ی اقتصادی منتج از مدرنیته منجر به کاهش باروری و افزایش امید زندگی در سطح جهان شده، به طوری که به تدریج سهم جمعیت سالخورده در جهان افزایش پیدا کرده است. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست، به دنبال افزایش امید زندگی و کاهش باروری بعد از انفجار جمعیتی دهه‌ی ۶۵-۵۵، سهم کودکان از جمعیت کاهش یافته و سهم سالمندان بعد از سال ۱۳۷۵ رو به افزایش گذاشته است. وی در ادامه اضافه کرد که در مورد پیامدهای اقتصادی سالخورده‌ی جمعیت دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. اول دیدگاه بدبینانه که بر



این باور است جمعیت‌های پیر و سالخورده با کاهش جمعیت در سن کار روبه‌رو می‌شوند، به گونه‌ای که از یک طرف دولت‌ها با کاهش رشد اقتصادی مواجه شده و از سوی دیگر آن‌ها ناچارند که هزینه‌های گزاف و جدیدی برای بیمه‌ها، خدمات و مراقبت از سالخورده‌گان بپردازند. در این دیدگاه گفته می‌شود موفقیت اقتصادی به اندازه و کیفیت نیروی کار بستگی دارد. در مقابل طرفداران دیدگاه خوش‌بینانه بر این باورند سالمندی جمعیت فرصت‌های جدیدی را به ارمغان می‌آورد، زیرا افراد مسن امروزی زندگی سالم‌تری در مقایسه با گذشتگان خود دارند، در نتیجه توانایی بیش تری برای سال‌های طولانی‌تر کار و فعالیت داشته و با توجه به تجارب و مهارت‌های بیش‌تر، ظرفیت‌ها و نیازهای مختلفی را برای جامعه مهیا می‌کنند.

در ادامه‌ی این گفت‌وگو، دکتر کلانتری به نتایج پژوهشی که در مورد ایران در حوزه‌ی سالمندی انجام دادند، اشاره و عنوان کرد: از موضوعات پرتکراری که در مطالعات پیشین به آن‌ها پرداخته شده می‌توان به اثر بلندمدت شاخص سالمندی بر اقتصاد، سالمندی و مسئله‌ی مشارکت اقتصادی جمعیت، بهره‌وری اقتصادی سالمندان و توانمندسازی آن‌ها، سالمندی و صندوق‌های بازنشستگی، اثر سالمندی بر بار اقتصادی و هزینه‌ی سلامت، افزایش سهم بهداشت و هزینه‌های رفاهی سالمندان در بودجه اشاره کرد. مرور سیاست‌های انجام‌شده در کشورهای مختلف در برخورد با سالمندی، پایان‌بخش این ارائه بود.

ارائه‌ی پایانی این پیش‌نشدت توسط دکتر محمد ساسانی‌پور؛ عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی مطالعات جمعیت کشور، صورت گرفت. وی در باب اهمیت مقوله‌ی سلامت جمعیت فعال عنوان کرد که جمعیت سنین نیروی کار، به عنوان جمعیت بالقوه مولد و فعال، در مطالعات اقتصاد و جمعیت‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. افراد در این گروه‌های سنی در سال‌های اوج فعالیت اقتصادی خود قرار دارند و کودکان و سالخورده‌گان در تأمین نیازهای اساسی خود به آن‌ها وابسته هستند. در واقع مرگومیرهایی که در سنین نیروی کار اتفاق می‌افتند، نیروی انسانی جوامع را، که پشتوانه‌ی توسعه‌ی هر کشور تلقی می‌شود، از بین می‌برند. سلامت ضعیف این بخش از جمعیت می‌تواند پیامدهای اجتماعی- اقتصادی گسترده‌ای داشته باشد. دکتر ساسانی‌پور در ادامه تأکید کرد: با توجه به سیمای اپیدمیولوژیک در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران و نظریه‌ی انتقال سلامت، به جای تأکید

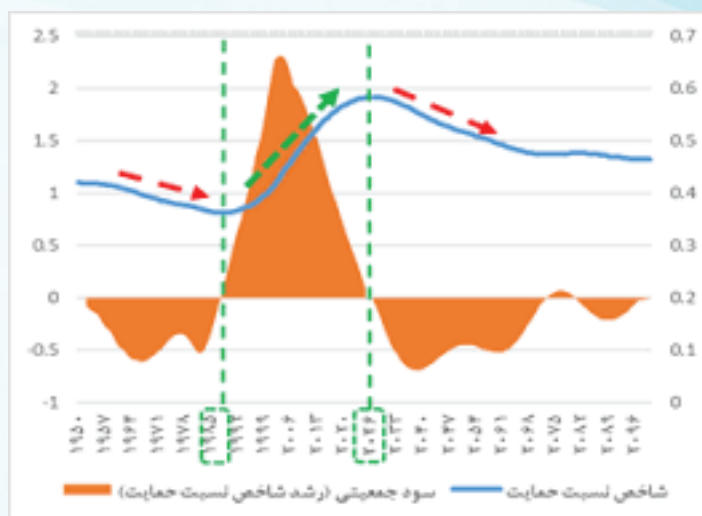
بر گروه‌های سنی کودکان و سالمندان، دامنه‌ی سنی میانی مورد تأکید است. این دامنه‌ی سنی، جمعیت در سنین نیروی کار را تحت پوشش قرار می‌دهد که در آن عوامل رفتاری نقش مهمی در افزایش بار بیماری‌ها و مرگ‌ومیر ایفا می‌کند.

سطح بالای مرگ‌ومیر در محدوده‌ی سنین کار، نشان از یک سیستم ناکارآمد اجتماعی است که رفتارهای مخرب و خطرآفرین را در میان بخش بزرگی از جمعیت پرورش می‌دهد.

ساسانی‌پور در خاتمه‌ی سخنانش گفت: از آن جا که در ایران، مردان به‌طور سنتی به‌عنوان نان‌آور خانواده شناخته می‌شوند و این گروه‌های سنی در سال‌های اوج فعالیت اقتصادی قرار دارند، مرگ ناشی از حوادث ترافیکی و آسیب و معلولیت‌های ناشی از آن، بار اجتماعی- اقتصادی سنگینی بر دوش خانواده‌ها



و دولت می‌گذارد. بنابراین نتایج مطالعه‌ای که وی انجام داده، نشان می‌دهد که بر حسب منافع اجتماعی، جمعیتی، سود و هزینه‌های اقتصادی، اعمال سیاست‌هایی در زمینه‌ی کاهش مرگ‌ومیر ناشی از حوادث غیرعمدی خصوصاً حوادث ترافیکی در سنین نیروی کار ضروری است. پایان بخش این پیش‌نشست، صحبت‌های پایانی دکتر ابوترابی و تشکر از سخنرانان و حاضران در جلسه بود.



اقتصاد در چشم‌انداز میراث فرهنگی و گردشگری

دومین پیش‌نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و بهسازی راهبردها و سیاست‌ها»، با عنوان «اقتصاد در چشم‌انداز میراث فرهنگی و گردشگری» با حضور دکتر علیرضا حسن‌زاده، دکتر مریم نعمت طاوسی، دکتر ناصر رضایی، اعضای هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و دکتر محمدعلی ابوترابی (دبیر نشست) عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پانزدهم شهریورماه ۱۴۰۰، به‌صورت مجازی برگزار شد.



در ابتدای جلسه دکتر محمدعلی ابوترابی، توضیحاتی را در رابطه با کلیات ارائه‌ها و ارتباط عناوین پیش‌نشست با اهداف همایش ارائه کرد و ادامه داد که بر اساس یکی از قانون‌های انگشت‌شمار در علم اقتصاد، قانون پتی-کلاרק، انتقار ساختار تولید پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر در طی مسیر تاریخی رشد اقتصادی است. بدین‌گونه که بخش پیشران اقتصاد، همواره در حال انتقال به بخش‌های پیشرفته‌تر، خلاق‌تر و کم‌وزن‌تر است. بنابراین همان‌گونه که در دوران انقلاب صنعتی، بخش صنعت؛ و در نیمه‌ی دوم قرن بیستم بخش خدمات پیشران رشد بودند؛ امروز بخش خلاق به‌عنوان پیشران رشد در نظر گرفته می‌شود. میراث فرهنگی به‌عنوان خاستگاه انواع هنرها و روح صنایع فرهنگی و خلاق شناخته می‌شود و جنبه‌های فرهنگی از دیدگاه‌های تاریخی، مردم‌شناسی، قومی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی را گرد هم می‌آورد. میراث فرهنگی بر خلاقیت تأثیر می‌گذارد و منشأ تعدادی از کالاها و خدمات میراثی و همچنین فعالیت‌های فرهنگی است.

اولین سخنرانی پیش‌نشست با عنوان «ابعاد اقتصادی میراث ناملموس و سیاست‌های توسعه‌ی پایدار» توسط دکتر مریم نعمت طاوسی (دانشیار پژوهشکده‌ی گردشگری پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری) صورت گرفت. وی گفت: برخلاف نظریات مسلط در اوایل قرن بیستم، مبتنی بر تأکید بر نقش قانونی اقتصاد در رشد و توسعه‌ی اقتصادی، اکنون روشن شده است که فرهنگ، به‌ویژه میراث فرهنگی، افزون بر ارزش‌های معنوی برای جوامع بشری، به نیروی محرک توسعه‌ی پایدار تبدیل شده است. باورمندان به این رویکرد بر این نکته پای می‌فشارند که با نادیده گرفتن نقش فرهنگ به‌طور اعم، و میراث فرهنگی به‌طور اخص، توسعه‌ی پایدار محقق نخواهد شد. توسعه‌ی پایدار به‌عنوان برآوردن نیازهای حال بشر بی‌آن‌که برآورده شدن نیازهای نسل آینده را به خطر بیاندازیم، فهمیده شده است. از همین‌رو، مفهوم توسعه‌ی پایدار در چهارچوبی گسترده برای ارزش‌گذاری فرآیند توسعه و همچنین تحول مناسب توسعه‌ی آینده باید مورد توجه قرار بگیرد؛ چون وقتی سخن از توسعه‌ی پایدار به میان می‌آید مفهوم پایداری در متنی گسترده‌تر از اصطلاح اقتصادی در نظر است. بدین معنی که برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار، پایداری در چهار حوزه‌ی هم‌عرض و هم‌سو بایستی مد نظر باشد: پایداری محیطی، اقتصادی، اجتماعی-سیاسی، و فرهنگی. تا مدت‌ها اصطلاح توسعه و میراث ناملموس به ندرت در کنار هم آورده می‌شد. حتی هنوز هم بسیاری از کسانی که در امور اجرایی کشورهای جهان دست داشتند و دارند، فرهنگ را

به‌عنوان ابزاری مؤثر برای توسعه‌ی پایدار نمی‌بینند. حتی برخی از آنان بر این باورند که پاسداشت میراث فرهنگی، به‌ویژه میراث ناملموس می‌تواند به مانعی برای رشد تبدیل شود، حال اینکه با شناخت و ارائه‌ی راهکارهای مناسب می‌توان میراث ناملموس را به اصلی‌ترین و مؤثرترین محرک توسعه‌ی پایدار تبدیل کرد. از همین‌رو، پژوهشگران بسیاری بر اجراهای فرهنگی خلاقانه و نقش ساختاری آن در توسعه‌ی پایدار تأکید می‌کنند؛ چیزی که می‌تواند در خود، آزادی و شأن انسان را فراهم آورد.

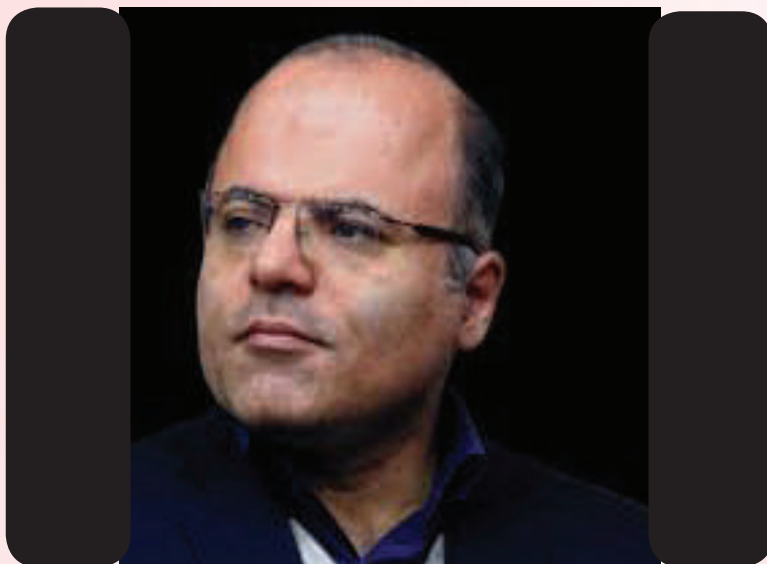
وی در ادامه به تبیین برخی راهکارهای ایجاد پیوند مؤثر میان توسعه‌ی پایدار اقتصادی و میراث فرهنگی ناملموس پرداخت؛ راهکارهایی که علاوه بر آنکه جوامع را به سوی توسعه‌ی پایدار سوق می‌دهند، می‌توانند شرایط پاسداشت میراث ناملموس را نیز فراهم کنند.

دکتر نعمت طاوسی در انتهای سخنانش این‌گونه جمع‌بندی کرد که: با آگاهی و بررسی ویژگی‌های برجسته و بارز میراث ناملموس درمی‌یابیم که سازگارترین رویکرد اقتصادی در بهره‌گیری از این سرمایه‌ی فرهنگی بی‌آنکه اصالت آن به خطر بیفتد، توسعه‌ی اقتصادهای محلی LED و استفاده از تجارب موفق در این حوزه است. دومین سخنرانی با عنوان «گردشگری پایدار در ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها در دوره‌ی پساکرونا» توسط دکتر



ناصر رضائی (استادیار پژوهشکده گردشگری پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری؛ و عضو هیأت مدیره‌ی انجمن علمی گردشگری) انجام شد. وی گفت: همه‌گیری کرونا بیشترین تأثیر منفی را بر صنعت سفر و گردشگری داشته است؛ بخش‌های مختلف در صنعت گردشگری، ازجمله دفاتر مسافرتی، شرکت‌های بزرگ هواپیمایی، رویدادهای ورزشی، رستوران‌ها و سفرهای دریایی، پس از شیوع ویروس کرونا آسیب دیده‌اند. ارائه‌ی راهکارهایی مناسب و علمی برای احیای این صنعت در مقابله با آثار اقتصادی منفی بیماری کووید-۱۹ با تأکید بر شاخص‌های توسعه‌ی پایدار می‌تواند به تحول و احیای مجدد این صنعت سبز کمک کند، تا اقتصاد گردشگری از خطر فروپاشی رهایی یابد. کاهش شدید تعداد گردشگران پس از همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ تا مرز ۹۷ درصد، عملاً گردشگری را به بیمار کرونا تبدیل کرد. گردشگری یکی از اشتغال‌زاترین بخش‌های اقتصادی جهان بود و چنین رکودی برای این صنعت سبب در معرض خطر قرار گرفتن میلیون‌ها شغل شد. دولت‌ها دریافتند که ویروس کووید-۱۹ منحصر به فرد است؛ زیرا به دلیل محدودیت‌هایی که در سفر ایجاد شده، تقاضایی برای خرید کالا و خدمات موجود در این بخش وجود ندارد و این کاهش تقاضای مصرف‌کننده باعث یک تنزل دائمی در این صنعت شده است. آسیا، آسیب‌دیده‌ترین منطقه بوده و ایران (که به‌تازگی بنا به دلایلی رویکرد مناسبی در سال‌های اخیر به گردشگری پیدا کرده بود) نیز از این ضربه در امان نمانده و گردشگری صدمات جبران‌ناپذیری از شیوع کرونا دریافت کرد. بخش خصوصی ضعیف و بخش دولتی بی‌برنامه از این پاندمی غافلگیر شدند. اما شیوع کرونا برخلاف ضربات جبران‌ناپذیر، سبب شد ضعف‌های این بخش بیش از پیش نمایان شده و لزوم برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با پدیده‌های این‌چنینی مورد توجه قرار گیرد. دکتر رضایی در ادامه در ارتباط با چشم‌انداز آینده‌ی گردشگری مهم‌ترین فرصت‌ها را شامل اثبات تاب‌آوری

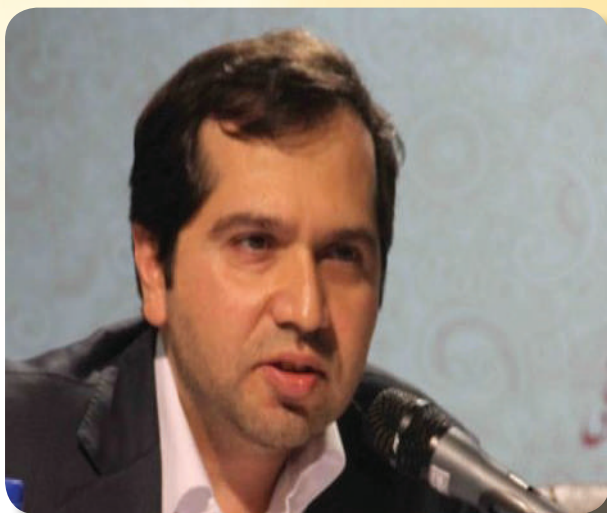
گردشگری در بحران‌های گذشته، امکان بازسازی (بازاندیشی) مدل کسب‌وکار با نوآوری و دیجیتالی شدن، پایداری و بخش‌های پایدارمحور (روستایی، طبیعت، بهداشت)، و چالش‌ها را شامل از دست دادن مسافران بین‌المللی، اختلال اساسی در صنعت هواپیمایی با ورشکستگی خطوط هوایی، عدم عبرت‌گیری از رکودهای قبلی، احساس سفر به‌عنوان یک خطر، رکود جهانی و افزایش بیکاری، نامشخص بودن مدت زمان بیماری همه‌گیر (از جمله، تجدید حیات) و عدم دسترسی به واکسن و شکل ناشناخته وضعیت «عادی جدید» بر شمرده می‌شود. وی در جمع‌بندی ارائه‌ی خود تأکید کرد: از عوامل مهم برای احیای صنعت گردشگری در مقابله با پیامدهای منفی شیوع ویروس کووید-۱۹ نقش حمایتی دولت‌ها است که در اشکال مختلف باید اجرا شود. توجه به مسائل ایمنی و امنیت، سلامت و بهداشت، در برنامه‌ریزی سفر و ... از دیگر مواردی است که با پاندمی کرونا اهمیت آن‌ها را نمایان ساخت. به‌علاوه، کووید-۱۹ بهانه‌ای برای آغاز دوران جدید همکاری و روابط بین‌ملتها و فرهنگ‌ها شد. پیش‌بینی می‌شود مسافرت‌های داخلی بسیار زودتر از مسافرت‌های بین‌المللی آغاز شود و در صورت مهار شیوع ویروس، زمانی بین ۲ تا ۴ سال برای احیای مجدد گردشگری زمان لازم است.



سخنران پایانی پیش‌نشست دکتر علیرضا حسن‌زاده (استادیار و رئیس پژوهشکده‌ی مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری) بود، که به موضوع «اقتصاد میراث و صنایع فرهنگی خلاق» پرداخت. وی پس از تعریف دو مفهوم اقتصاد میراث و صنایع فرهنگی خلاق، نخست پیوند میان توسعه‌ی پایدار و میراث فرهنگی از یک‌سو، و رابطه‌ی میان میراث فرهنگی و گردشگری پایدار را از سوی دیگر، مورد بحث قرار داد. سپس با ذکر مثال‌هایی از مناطق مختلف میراثی و گردشگری ایران، وضعیت موجود در ایران و موقعیت منظر میراثی و منظر طبیعی و زیست‌محیطی کشور را تبیین کرد. دکتر حسن‌زاده در این سخنرانی کوشید تا بر تکیه بر مفهوم ثروت پایدار، موانع موجود در توجه کافی به میراث فرهنگی و صنایع فرهنگی خلاق را برشمرده و مهم‌ترین چالش‌های موجود در این چشم‌انداز را به بحث بگذارد. پایان‌بخش این نشست، جمع‌بندی دکتر ابوترابی از مباحث مطرح شده، و پاسخ به برخی سؤالات بود.

جایگاه رسانه‌ها در توسعه‌ی اقتصادی

سومین پیش‌نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، با عنوان «جایگاه رسانه‌ها در توسعه‌ی اقتصادی» با حضور دکتر منصور ساعی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر نشست)، دکتر محمد سلطانی‌فر (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)، دکتر حمید ضیایی‌پرور (مدرس و پژوهشگر حوزه‌ی ارتباطات)، دکتر حسین امامی (مدرس و تحلیل‌گر رسانه‌های اجتماعی)، دکتر مسعود رجبی (مشاور اقتصادی-تجاری استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای نوین)، روز بیست‌ونهم شهریورماه ۱۴۰۰، به‌صورت مجازی و به میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



در ابتدای جلسه دکتر منصور ساعی، دبیر پیش‌نشست توضیحاتی را در رابطه با کلیات جلسه، ارائه‌ها و ارتباط عناوین پیش‌نشست با اهداف همایش ارائه کرد.

دکتر محمد سلطانی‌فر، اولین سخنران پیش‌نشست، سخنان خود را با عنوان «چالش‌های بخش خصوصی در توسعه‌ی اقتصادی با تأکید بر استارت‌آپ‌ها» ارائه کرد. وی گفت: شکل‌گیری استارت‌آپ‌ها توانست در بسیاری از کشورها تبدیل به روندی برای توسعه و پیشرفت کسب‌وکارها و توسعه در امور اقتصادی آنها شود. وی ادامه داد: متأسفانه در کشور ما این جایگاه نتوانست تبدیل به پدیده‌ای توسعه‌بخش شود. بررسی دلیل عدم موفقیت استارت‌آپ‌ها می‌تواند به آینده‌ی روشنی برای فعالیت این پدیده تبدیل شود.

سخنران بعدی این پیش‌نشست دکتر حسین امامی بود، که به موضوع «تأثیر هوش مصنوعی بر رشد اقتصادی؛ فرصت‌ها و نگرانی‌ها» پرداخت. وی با تأکید بر این مسئله که برای دستیابی به رشد اقتصادی و رفع موانع تولید نباید از هوش مصنوعی غافل شد، ادامه داد: کم‌توجهی ایران در زمینه‌ی بهره‌گیری از هوش مصنوعی، خسران قابل توجهی به اقتصاد کشور خواهد زد. هوش مصنوعی موجب افزایش رشد اقتصادی، افزایش تولید، ارائه‌ی خدمات بهتر و همچنین افزایش بهره‌وری خواهد شد. در عصر فراگیر شدن هوش مصنوعی، اقتصاد کشورهای در حال توسعه، توانایی رقابت با اقتصادهای پیشرفته را نخواهند داشت و به یک جامعه‌ی فرسوده و بی‌مصرف تبدیل می‌شوند. انقلاب چهارم صنعتی به واسطه‌ی هوش مصنوعی در سال ۲۰۳۰ میلادی به اوج خود خواهد رسید که این یک زنگ خطر و هشدار برای کشور ماست که اگر زودتر به این موج نرسیم در آینده یکی از کشورهای عقب افتاده خواهیم شد لذا، مقامات دولتی و مسئولان و برنامه‌ریزان باید در کنار فعالیت جاری خود در نگاهی آینده‌نگرانه بر هوش مصنوعی تمرکز کنند و سند توسعه‌ی استراتژی‌های ملی هوش مصنوعی تدوین شود. با توسعه‌ی هوش مصنوعی «رشد اقتصادی» و «بهره‌وری» به شکل فزاینده‌ای افزایش پیدا می‌کند. دکتر امامی با بیان اینکه نگرانی عمده درباره‌ی اشتغال و گسترش میزان بیکاری در آینده است، تصریح کرد: هوش مصنوعی می‌تواند بر دستمزد، توزیع درآمد و نابرابری اقتصادی تأثیر بگذارد. همچنین در زمان فراگیری هوش مصنوعی در چند سال آینده شاهد کارکنان خودکار فرما هستیم که وابستگی سازمانی ندارند، بلکه می‌توانند هم‌زمان برای

چند شرکت فعالیت کنند. از طرفی دیگر هوش مصنوعی باعث از بین رفتن بسیاری از مشاغل خواهد شد ولی در عوض، مشاغل جدید دیگری مرتبط با هوش مصنوعی پدید خواهند آمد. مشاغل باید بتوانند بین رشته‌ی خود و توانایی هوش مصنوعی یک عامل ارتباطی پیدا کنند تا از تکنولوژی عقب نیفتند و شغل‌شان را حفظ کنند. به‌نوعی بتوانند کار کردن را به ماشین‌ها سپرده و بیشتر به فکر برطرف کردن نیازها و خلاقیت و نوآوری باشند. دکتر امامی نرخ از بین رفتن مشاغل را متفاوت دانست و گفت: پژوهش‌های مختلف نشان داده است برخی از مشاغل همچون مشاغل بازاریابی تلفنی، داور مسابقات ورزشی، صندوق‌دار فروشگاه، گارسون‌ها، راهنمای گردشگران، نانوایان، راننده‌های اتوبوس، کارگران ساختمانی و مأموران حراست و حفاظت از بین خواهند رفت. وی در خصوص تأثیر هوش مصنوعی بر روزنامه‌نگاری و رسانه‌ها گفت: رسانه‌های مشهور بین‌المللی تنها کار خبرنویسی و تنظیم اخبار را به هوش مصنوعی نسپردند بلکه روند راستی‌آزمایی خبرهای دریافتی، حذف خبرهای جعلی، خلاصه‌گیری از متون و نظارت بر بخش نظرات مخاطبان را هم به هوش مصنوعی واگذار کرده‌اند که این امر موفق بوده است.

در ادامه‌ی پیش‌نشت، دکتر حمید ضیایی‌پرور سخنرانی خود را با عنوان «جایگاه شبکه‌ی ملی اطلاعات در نظام



آینده‌ی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی ایران» ارائه کرد. وی در خصوص شبکه‌ی ملی اطلاعات گفت: این شبکه زیرساخت ملی فضای مجازی کشور است و خود از سه لایه‌ی بنیادین تشکیل شده است: لایه‌ی زیرساخت، لایه‌ی خدمات و لایه‌ی محتوا. در لایه‌ی زیرساخت، دو بخش اپراتورهای ارتباطی و مراکز داده قرار دارند که کار اصلی آنها اتصال کاربران نهایی به شبکه است. لایه‌ی خدمات به دو لایه‌ی خدمات پایه و خدمات کاربردی تقسیم می‌شود. در لایه‌ی خدمات پایه، نرم‌افزارهای سیستم عامل و امنیت شبکه و سرور قرار دارند و در لایه‌ی خدمات کاربردی، مرورگرها، جست‌وجوگرها، پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، خدمات نقشه و مکان و میلیون‌ها اپلیکیشن خدمت‌رسانی در بخش‌های مالی، بانکی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی فعال هستند. در لایه‌ی آخر که لایه‌ی محتوا نام دارد هر نوع فعالیت تولیدکننده‌ی محتوای دیجیتال قرار دارد، مانند محتوای متنی، تصویری، صوتی و ویدئویی و گرافیکی.

دکتر ضیایی‌پرور ادامه داد: از سال ۱۳۸۹ که دولت رسماً موظف شده شبکه‌ی ملی اطلاعات را در ایران مستقر کند تاکنون، اقدامات زیادی برای تحقق این ایده و طرح در ایران انجام شده است. اما این شبکه هنوز به‌طور کامل در ایران اجرا نشده است. وی در بخشی دیگر از ارائه‌ی خود تصریح کرد: مصوبات شورای عالی فضای مجازی درباره‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات شامل تعریف شبکه‌ی ملی اطلاعات (۱۳۹۲)، تبیین الزامات شبکه‌ی ملی اطلاعات (۱۳۹۵)، سند طرح کلان و معماری شبکه‌ی ملی اطلاعات (۱۳۹۹) و طرح صیانت از کاربران فضای مجازی (۱۴۰۰) است.

دکتر ضیایی‌پرور افزود: وزارت ارتباطات متولی اجرای زیرساخت ارتباطی فضای مجازی ایران است و اقداماتی که تاکنون انجام شده بیشتر سیاست سلبی بوده است. دکتر ضیایی‌پرور مهم‌ترین ضعف‌های موجود را ضعف قوانین و مقررات (شورای عالی فضای مجازی)، عدم ارتباط با دنیا (نمونه: فیس‌بوک، گوگل، تلگرام) ضعف تولید محتوا و ضعف در تولید خدمات کاربردی برشمرد و قابلیت‌های موجود را نیروی انسانی ماهر IT و گنجینه‌ی محتوایی غنی دانست. وی در پایان راه حل پیشنهادی را نهضت نرم‌افزار و نهضت محتوا برشمرد.

دکتر منصور ساعی، سخنران بعدی نشست با عنوان «چالش‌های فراروی رسانه‌های جریان اصلی در مقابله با فساد و قانون‌گریزی در ایران» در بخش اول سخنان خود گفت: یکی از موانع سیاسی کنش‌گری رسانه‌ها در مقابله با فساد ایران را «اسرارگرایی در رسانه بر اثر سایه‌ی سنگین سیاست» است و دولت ایران به‌دلیل مسائل سیاسی ملی، فراملی و منطقه‌ای در طول ۴۰ سال گذشته خود را در یک شرایط جنگی می‌بیند. یکی از روش‌های موفقیت در جنگ، حفظ اسرار و اطلاعات است. در واقع فقدان آزادی اطلاعات و نبود شفافیت، معلول وجود فرهنگ اسرارگرایی در بسیاری از حکومت‌های جهان و ازجمله ایران است. اسرارگرایی افراطی، افشای بسیاری از اطلاعات را جرم تلقی می‌کند. اگر رسانه‌ها تحت نفوذ و سایه‌ی قدرت سیاسی نباشند، یکی از مهم‌ترین مجرای‌های شفافیت و ایجاد نظارت برای جلوگیری از فساد و قانون‌گریزی هستند.



دکتر ساعی تصریح کرد: در نگاه بسیاری از دولتمردان ایرانی، رسانه‌ها ابزار آنان برای کنترل و هدایت افکار عمومی هستند. دولتمردان چنین می‌انگارند که دولت تنها بازیگر عرصه‌ی حکمرانی کشور بوده و رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری در جهت پیشبرد تمایلات و سیاست‌های دولت و قدرت سیاسی شمرده می‌شود. در واقع دولت و قدرت سیاسی جایگاهی برای جامعه‌ی مدنی (از جمله رسانه‌ها) و بخش‌های مدنی و نقش‌آفرینی آنها در عرصه‌ی حکمرانی قائل نیست. وی با اشاره به نتایج مطالعه‌ای که چندسال قبل انجام شده است، گفت: تجربه‌ی تاریخی تلخ برخورد سیاسی با رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در ایران (مانند اخطار، لغو مجوز، تعلیق و توقیف و...) رسانه‌ها را محافظه‌کار کرده و موجب گشته تا رسانه‌ها در بیان انتقادات و تحلیل‌ها و تفسیرها احتیاط کرده و دست‌به‌عصا راه بروند. در غیاب احزاب قوی، رسانه‌ها بار سنگین وظیفه‌ی سیاسی حزبی و جناحی را به‌دوش کشیده و این امر موجب گشته تا در برابر حوادث و رویدادهای سیاسی بی‌طرف و مستقل نباشند. یکی از آفت‌های رسانه‌ها در جامعه‌ی ایران کارکرد حزبی و تبدیل شدن رسانه به یک حزب است. دکتر ساعی یکی از مشکلات اساسی رسانه‌ها در مقابله با فساد را «نگاه تراحمی دولت به رسانه‌های مستقل و منتقد» ذکر کرد و گفت: دولت، رسانه‌های منتقد و مستقل را مزاحم می‌داند و سعی می‌کند با استفاده از دروازه‌بانی و سیاست‌گذاری خبری بر فرآیند اطلاع‌رسانی (از رویداد تا تهیه و توزیع خبر) تأثیر بگذارد. وی تأکید کرد که دولت حسن ظن پایینی نسبت به نقش و عملکرد اطلاع‌دهی، انتقادی و نظارتی رسانه‌ها در راستای ایجاد شفافیت و جلوگیری از خطا و فساد در سازمان‌های دولتی دارد. او گفت: لزوم دریافت مجوز انتشار یا پخش برای رسانه، فعالیت‌های آزادانه و انتقادی رسانه‌ها را محدود کرده است. در واقع نظام حقوقی مطبوعات و رسانه‌ها در ایران از نوع نظام پیشگیرانه است. در نظام پیشگیرانه ایجاد روزنامه‌ها و مجله‌ها یا راه‌اندازی رادیو و تلویزیون و سایت‌های خبری منوط به کسب اجازه‌ی قبلی و دریافت امتیاز است و این‌گونه رسانه‌ها معمولاً در اختیار افراد یا گروه‌های «مورد اعتماد» قدرت سیاسی قرار می‌گیرند.

ساعی به یکی از مهم‌ترین موانع حقوقی مقابله با فساد یعنی «گسترده‌ی و شناوری استثنائات و خطوط قرمز اطلاع‌رسانی» اشاره کرد و گفت: محدودیت‌ها، استثنائات و خطوط قرمز در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی در قوانین رسانه‌ای کشور گسترده و مبهم هستند و این امر، مانعی اساسی در راه کنش‌گری رسانه‌ای در مبارزه با فساد است. در بسیاری از کشورهای موفق، استثنائات و محدودیت آزادی مطبوعات حداقلی هستند و برعکس، حدود دسترسی به اطلاعات را گسترده کرده‌اند. فهرست کامل استثنائات آزادی اطلاعات باید به‌صورت روشن و دقیق در قانون (قانون آزادی اطلاعات مانند امنیت ملی، اسرار نظامی و تجاری و...) معین شود. مؤسسات عمومی باید اطلاعات

درخواستی را به متقاضیان ارائه دهند مگر آنکه مطمئن باشند اطلاعات درخواست شده در قلمرو نظام محدود استثنائات قرار دارد.

ساعی تأکید کرد: دولت و سازمان‌های دولتی خود را مالک (نه امانت‌دار) سازمان، اطلاعات و اسناد آن می‌دانند و خود را بی‌نیاز از پاسخگویی به شهروندان در برابر تصمیمات و عملکرد خود فرض می‌کنند. در یک جامعه‌ی مردم‌سالار، تمام دولت و اطلاعات آن به مردم تعلق دارد و حاکمان و مدیران جامعه، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، نماینده و وکیل مردم هستند. بر این اساس، هر مالکی می‌تواند به دارایی خود دسترسی داشته باشد و از کم و کیف اداره‌ی آن مطلع شود. اطلاعات موجود در دستگاه‌های دولتی به دولت تعلق ندارد، بلکه متعلق به مردم است و دولت به نمایندگی از مردم از آن اطلاعات نگهداری می‌کند.

دکتر سید مسعود رجبی سخنان پایانی این پیش‌نشست سخنان خود را با عنوان «جایگاه اینترنت موبایل در توسعه‌ی



اقتصادی با رویکرد اینترنت اشیاء و حوزه‌ی سلامت» ارائه کرد و گفت: بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و اقتصادی بر این باورند که ترکیب و همگرایی فناوری‌های نوین ارتباطی و تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر سبب گشایش مرحله‌ی تازه‌ای در جوامع بشری شده است. پیشرفت‌هایی که در فناوری ارتباطات رخ داده، منجر به افزایش جریان اطلاعات در بعد جهانی شده است، مرحله‌ای که با اصطلاحاتی نظیر «جامعه‌ی شبکه‌ای» اثر مانوئل کاستلز و «جامعه‌ی اطلاعاتی» توصیف و تبیین شده است. تردید نیست که یک محور مهم این جوامع، بزرگراه‌های اطلاعاتی هستند و این بزرگراه‌ها که اینترنت و تکنولوژی موبایل از جمله نمونه‌های مهم در حال تکوین آن

است، از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فضای تازه‌ای را برای انسان‌های معاصر ایجاد کرده است، فضایی با عناصر تازه، فضایی بدون مرزهای جغرافیایی و سیاسی و بالاخره تصویری از انسان همه‌جا حاضر را به دست می‌دهد. این بزرگراه‌ها بر ارتباطات، آموزش، تفریح، رفاه و کسب‌وکار و ... انسانی مؤثر هستند.

دکتر رجبی تصریح کرد: امروزه تمرکز زیادی روی نقش بسیار بارز تکنولوژی موبایل در بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی بازارهای نوظهور صورت گرفته است. توسعه‌ی فناوری‌های موبایل منافع اجتماعی-اقتصادی فراوانی دارد و به گواه مطالعات انجام‌شده بین ضریب نفوذ موبایل و رشد اقتصادی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد و به‌ازای هر ۱۰ درصد افزایش ضریب نفوذ موبایل در کشورهای در حال توسعه، تولید ناخالص داخلی GDP بین ۰/۸ تا ۱/۲ درصد افزایش می‌یابد. وی افزود: مطالعات جدیدتر نشان می‌دهد جایگزینی هر ۱۰ درصد موبایل نسل دوم با نسل سوم یا ۱۰ درصد افزایش ضریب نفوذ موبایل نسل سوم، تولید ناخالص داخلی را ۰/۱۵ با رشد مواجه می‌کند. همچنین دوبرابر شدن مصرف دیتا در موبایل نسل سوم موجب رشد ۰/۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی می‌شود. سهم اکوسیستم موبایل در تولید ناخالص داخلی و نیز اشتغال‌زایی از بارزترین منافع اقتصادی و اجتماعی است که مورد توجه محققان و نیز سیاست‌گذاران قرار دارد. متوسط ضریب نفوذ موبایل در ابتدای سال ۲۰۱۳ به ۹۶ درصد رسیده است. امروزه ضریب نفوذ موبایل در کشورهای توسعه‌یافته به ۱۲۸ درصد و در کشورهای در حال توسعه ۸۹ درصد است. همچنین تا سال ۲۰۱۶ اکوسیستم موبایل بیش از یک میلیون شغل را ایجاد کرده است، این مورد، شامل افراد شاغلی است که در این اکوسیستم به‌صورت مستقیم در حال فعالیت هستند. بر این اساس مؤسسات مالی دریافته‌اند، جذب مشتریان جدید از طریق شبکه‌های نوظهور موبایل به راحتی ممکن است و گسترش این شبکه‌ها مزایای اقتصادی دیگری همچون سرمایه‌گذاری افراد خارجی، دسترسی بهتر خانواده‌ها به اطلاعات بهداشتی و آموزشی و افزایش درآمد دولت از اعطای گواهینامه‌ها و دریافت مالیات‌ها را نیز به همراه دارد. بنابراین سرویس‌های موبایل به‌عنوان پلتفرمی در جهت ایجاد، توزیع و مصرف راه‌حل‌های دیجیتالی و خدمات استفاده می‌شود و این سیستم‌ها می‌توانند جایگزین زیرساخت‌های سنتی شوند. پایان‌بخش این نشست، جمع‌بندی دکتر ساعی از مباحث مطرح شده، و سپاسگزاری از سخنرانان و حاضرین در جلسه بود.

نقد کتاب «اقتصاد اسلامی و کووید-۱۹»

نشست «نقد کتاب اقتصاد اسلامی و کووید-۱۹» ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۰، به همت گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه برگزار شد. در ابتدای این نشست دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به معرفی و نقد کتاب «اقتصاد اسلامی و کووید-۱۹؛ پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و علمی یک همه‌گیری جهانی اثر چوهدری؛ انتشارات روتلج، ۲۰۲۱» پرداخت.



امیری طهرانی‌زاده درباره‌ی نویسنده‌ی کتاب گفت: «مسعود العالم چوهدری» یکی از محدود محققان در زمینه‌ی تأمین مالی و اقتصاد اسلامی است که آثار او در مراکز علمی غربی و اسلامی هر دو شناخته شده است و نقش تعیین‌کننده‌ای در معرفی رشته‌های تأمین مالی و اقتصاد اسلامی داشته است. او از نخستین آکادمیسین‌هایی بود که طی ۴۰ سال گذشته به مبانی معرفت‌شناختی اقتصاد و تأمین مالی اسلامی پرداخته است. او تاکنون بیش از ۱۰۰ مقاله و ۳۰ کتاب به چاپ رسانده است که از سوی ناشران معتبر بین‌المللی منتشر شده‌اند، آثاری همچون: روتلج، مک میلان، اشپرینگر فرلاگ، ادوارد الگار، کلور آکادمیک، سیج، کگان پاول، تیلوراند فرانسیس، نیوپالگریو، و کیمبریج اسکالرز.

او صاحب کرسی بین‌المللی اقتصاد اسلامی و تأمین مالی در دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تری‌ساکتی در جاکارتای اندونزی است و تاکنون در مراکز علمی معتبری همچون دانشگاه تورنتو، کیپ برتون (کانادا)، یونیورسیتی کالج کانادا، دانشگاه ملی عمان، دانشگاه آکسفورد، دانشگاه ملک فهد، دانشگاه ملک عبدالعزیز جده، دانشگاه ملی مالزی، دانشگاه رگینا، دانشگاه ترنت، دانشگاه کارلتون و دانشگاه دنور به آموزش و پژوهش پرداخته و در برنامه‌ی تأمین مالی و سرمایه‌گذاری اسلامی در دانشگاه هاروارد مشارکت داشته است. او طی ۳۶ سال فعالیت آموزشی ده‌ها دانشجوی دکتری و کارشناسی ارشد را راهنمایی کرده و مؤسسات علمی متعددی را تأسیس کرده است. وی درمورد ایده‌ی روش‌شناسی توحیدی و وحدت دانش در این اثر افزود: پیامدهای همه‌گیری کووید-۱۹ به آسیب بهداشتی و سلامتی محدود نمی‌شود و بلکه آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی پرشمار و متنوعی هم دارد. برای نمونه ویرانی اقتصادی و تشدید فقر، محرومیت، نابرابری و فلاکت به‌ویژه میان کشورهای درحال توسعه است. طهرانی‌زاده سپس به معرفی الگوی پیشنهادی چوهدری درباره‌ی کنترل کووید-۱۹ اشاره کرد و گفت: چوهدری به جای صرف درمان کووید از نظر پزشکی، الگوی جامعی را به نام مدل شامل یا فراگیر اخلاقی علمی-اقتصادی-اجتماعی پیشنهاد می‌کند. مقوله‌ی ربط و پیونددهنده‌ی میان حوزه‌های علم، اقتصاد و جامعه، فراگیری اخلاقی علمی-اقتصادی-اجتماعی است که به معنای کنش متقابل یا هم‌کنشی، جامعیت، و روابط متقابل یادگیری تکاملی میان این سیستم‌های میان‌رشته‌ای تفکر، از طریق توضیح چندگانه و درعین حال وحدت‌یافته است؛ چنین وحدت‌بخشی روش‌شناختی بین میان‌رشته‌ای‌ها به واسطه‌ی معرفت وحدت دانش کامل می‌شود. این وحدت

دانش از اصل توحید استنتاج می‌شود که خودش را در به‌هم پیوستگی فراگیر اخلاقی در علم، اقتصاد و جامعه در جهان-سیستم نشان می‌دهد. این رویکرد از سویی به‌دلیل رویکرد میان رشته‌ای علمی، اقتصادی، اجتماعی چندگانه است؛ و از سوی دیگر به‌دلیل فراگیر آموزه‌های اخلاقی وحدت یافته است. این جهان‌بینی معرفتی و روش‌شناختی، اصل شناخت بنیادین و جامع مربوط به جزئیات میان‌رشته‌ای درباره‌ی «همه چیز» است. چوهدری یادآور می‌شود که یک حادثه‌ی پاندمی یا همه‌گیری دارای ماهیت میان‌رشته‌ای است. و علم، اقتصاد و جامعه ریشه‌ی این پاندمی و پیامدهای آن را بر اساس چارچوب معرفت‌شناسی وحدت دانش می‌تواند بشناسد و خواهد شناخت. از این رو منشأ هستی‌شناسی توحیدی باید به زبان جهان‌بینی و دانش یگانه و جهان‌روا صورت‌بندی و کاربردی شود.

استادیار پژوهشکده‌ی اقتصاد در ادامه افزود: این روش‌شناسی از نظر چوهدری تنها راه دستیابی به هدف



سعادت انسان توسط مدل فراگیری اخلاقی علم-اقتصاد-جامعه برای درمان و کنترل همه‌گیری کووید-۱۹ و دیگر همه‌گیری‌ها در آینده است. چوهدری با اشاره به وضعیت اسفبار جهان، معتقد است که همزمان با این همه‌گیری جسمی، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی متنوعی همانند خود این همه‌گیری در جهان وجود دارد؛ همچون وجود شوم فقر جهانی، زیان‌های گسترده‌ی مالی ناشی از عدم پرداخت وام‌ها، محرومیت انسانی، نابرابری، بیکاری، بیماری مزمن اقتصادی و اجتماعی و غیره که به کمک این مدل قابل درمان است. نویسندگی این اثر همچنین در کنار رعایت سفارش‌های پزشکی و بهداشتی همچون: ۱۴ روز قرنطینه، شست‌وشوی دست‌ها با صابون و ضدعفونی‌کننده، رعایت فاصله‌ی اجتماعی و زدن ماسک، رفتارهای عبادی و اخلاقی فراگیر در زمینه‌های علم-اقتصاد-جامعه را نیز توصیه می‌کند. او معتقد است که در دوران پسا‌کرونا، همکاری جهانی براساس اخلاق برای سعادت مشترک جهانیان و پایداری آن به برطرف شدن بیماری‌های اجتماعی، اقتصادی و علمی خواهد انجامید. نمونه‌ای از اخلاق فراگیر زهد، انسانیت و پاکیزگی است. این صفات از طریق ارزش‌های اخلاقی درباره‌ی محیط زیست، مصرف، پاکیزگی و مسئولیت اجتماعی به کنترل پاندمی می‌انجامد.

در ادامه دکتر منصور زراءنژاد، استاد اقتصاد دانشگاه چمران، در معرفی و نقد بخش دوم کتاب، گفت: در فصل پنجم کتاب با عنوان «مدل کلی جامعیت اخلاقی علم-اقتصاد-جامعه در نظام پیچیده‌ی همه‌گیری» به یک نظریه‌ی ریاضی در مورد فرایند یادگیری تکاملی اشاره می‌شود تا بتواند از آن به‌عنوان یک مدل جهانی و منحصربه‌فرد برای مطالعه‌ی مسائل و مشکلات در همه‌ی زمینه‌ها مورد استفاده کرد. امروزه روش‌شناسی و مدل‌های بررسی مسائل اقتصادی اجتماعی در قالب علم هم کارآمد نیست و هم برخلاف جهان‌بینی معرفتی وحدت دانش و اخلاقی‌مدار در فهم جهان هستی است. قاعدتاً باید درباره‌ی وجود روابط سازمان‌یافته بین روح، ذهن و ماده نظریه‌ای وجود داشته باشد که بتواند نظام علمی اجتماعی را یکپارچه و به‌صورت «همه‌چیزی» در نظر بگیرد. درحالی‌که چنین نظریه‌ای به نام «همه‌چیز» در علوم طبیعی وجود دارد. از این رو، مدل ابتکاری خود را برای مبارزه با بلاهای واگیر مانند فقر، محرومیت، نابرابری، و کوید ۱۹ معرفی و پیشنهاد می‌کند. این مدل تحت عنوان جامعیت اخلاقی علم-اقتصاد-جامعه است و یک چارچوب نظریه‌ی «همه‌چیز» جدیدی برای علم در حوزه اقتصاد و جامعه معرفی می‌کند که در آن علم یکپارچه، تعاملی و تکاملی است و از جهان‌بینی توحیدی

حاکم بر همه‌ی نظام هستی (از جمله علم) نشأت می‌گیرد و در چارچوب اخلاق درون‌زا نمود و تعیین می‌یابد. استاد اقتصاد دانشگاه شهید چمران در تبیین این مدل اضافه کرد: در این مدل روابط بین متغیرها غیرخطی، ماهیتاً چند رشته‌ای، پیچیده و دارای وحدت ذاتی است با استفاده از ریاضیات پیشرفته، بیان و فرمول‌بندی می‌شود. این روش‌شناسی توحیدی جامع اخلاق‌محور علم، نظام آموزشی متمایز و منحصر به فرد طلب می‌کند. تاکنون فلسفه‌ی دانش و آموزش و پرورش جهان از ویژگی توحیدی و جامعیت اخلاقی برخوردار نبوده است زیرا بر مبنای تفکر نئوکلاسیک تجلی یافته در جدایی علم از نگرش توحیدی و حاکمیت اخلاق استوار بوده است.

زراءنژاد در ادامه به تبیین راه حل‌های پیشنهادی چوهدری در کنترل همه‌گیری کووید-۱۹ پرداخت و تأکید کرد: نویسنده به لزوم اصلاحات در نظام آموزشی برای غلبه بر بحران همه‌گیری کووید ۱۹ می‌پردازد و شواهدی ارائه می‌کند که حاکی از این است که این نظام از علل موجد همه‌گیری کووید ۱۹ است و برای غلبه بر این بحران نارکارآمدی است. نویسنده معتقد است که اگر روش‌شناسی علم و ساختار مدل‌ها بر اساس چهار اصل اساسی اسلام: یعنی حق‌الدین (آزادی دین براساس احترام به هویت مشترک در ذات همه‌ی ادیان جهان)، حق‌النفس (احترام به مقدسات فردی نشأت گرفته از خدا)، حق‌النصر (احترام و یاری رساندن به جامعه‌ی بشری)، و حق‌المحید (احترام به محیط زیست به دلیل وحدت انسان و طبیعت در نظام الهی) بنا شود، عدالت در سرتاسر جهان برقرار خواهد شد.

همچنین مؤلف از تعریف و فرمول‌بندی ریاضی تابع سعادت انسانی استفاده کرده، به تفاوت ماهوی میان این رویکرد جدید و رویکردهای نئوکلاسیک پرداخت و در پایان سخنانش تصریح کرد: در آینده امکان کنترل و درمان این همه‌گیری در شکل کلی آن با رویکرد روش‌شناسی موجود امکان پذیر نیست. جهان در آینده تحمل این نوع همه‌گیری را ندارد. این همه‌گیری‌ها حاصل عدم توجه به اخلاق و معنویت است. قرآن راه و روش را توحید و اخلاق و همدردی و اخوت بین انسان‌ها می‌داند.

عضو گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در نقد این کتاب و در پایان سخنرانی تأکید می‌کند: نویسنده با انتشار این کتاب یک افق جدید در برابر جامعه باز کرده‌اند و نقش و تأثیر توحید و اخلاق در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، و مدل‌سازی ایجاد شده که این اقدام بسیار ارزشمندی است. در این اثر نکاتی دیده می‌شود که لازم به یادآوری است که ازجمله‌ی آنها به چند مورد به اختصار اشاره می‌کنم: برخلاف اینکه این کتاب به عنوان اقتصاد اسلامی است، هیچ جا از تعریف اقتصاد اسلامی و به تبیین ارتباط منطقی و روشن آن با موضوع پرداخته نشده است. برخلاف عنوان کتاب، به همه‌گیری کووید ۱۹ در کنار سایر

همه‌گیری‌ها مانند فقر، نابرابری، محرومیت و تخریب محیط زیست توجه ویژه از بعد اقتصادی و اجتماعی نشده است. همچنین مفاهیم کلیدی مربوط به بحث مانند اقتصاد اخلاقی، اقتصاد معنوی، اقتصاد دینی که سابقه‌ی دیرینه‌ای در ادبیات اقتصادی دارد، مورد توجه قرار نگرفته است. نظریات تعداد قابل توجهی از فیلسوفان اخلاق، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و دین‌شناسان که می‌توانست ارتباط تنگاتنگ با مبحث کتاب داشته باشد، مغفول مانده است. استفاده از ریاضیات پیشرفته در مباحث مختلف اقتصادی سابقه‌دار است و در بسیاری از موارد به ارتباطات پیچیده و غیرخطی میان متغیرها، ماهیت بین‌رشته‌ای علوم اقتصادی و اجتماعی، طبیعت غیرقطعی ارتباطات و تأثیرات متقابل پدیده‌ها و ... توجه شده و در روش‌شناسی و مدل‌سازی موضوعات اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین اگر نویسنده به‌طور عملی با استفاده از داده‌های مربوط به یکی از مصادیق همه‌گیری، مدل را بر اساس رویکرد ابتکاری خویش تصریح و حل یا تخمین می‌زد، و به‌طور محسوس تفاوت را در مقام رویکرد و در مقام نتایج تبیین و تشریح می‌کرد، بسیار مفید بود.

گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی برگزار می‌کند:

نشست نقد کتاب انگلیسی

Islamic Economics and COVID-19

ساختار کتاب:

دکتر منصور زراءنژاد
(استاد اقتصاد دانشگاه شهید چمران)

دکتر محمدرضا امیری طهرانی
(استادیار اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

دبیر علمی نشست: **دکتر سیدحسین میرجلایی**
(استاد اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

پنج‌شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۰ الی ۱۲

نشست آنلاین

<https://webinar.ihs.ac.ir/b/IhsxOz-toy-fdq>

علوم انسانی؛ فرهنگ یا قدرت؟

دکتر مصلح: خداوند خالق جهان است اما به انسان قدرت داده که خالق فرهنگ باشد

جلسه‌ی ۲۳۰ شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۰، با سخنرانی دکتر علی اصغر مصلح برگزار شد.

در ابتدای جلسه دکتر قبادی، رئیس وقت پژوهشگاه علوم انسانی گفت: شورای بررسی متون به عنوان مکمل بحث‌های طرح اعتلاء، بحثی را در رابطه با فرهنگ و نسبت‌های آن با علوم انسانی پیگیری می‌کند که با سخنرانی دکتر داوری آغاز شده و با سخنان دکتر مصلح ادامه خواهد یافت.

در ادامه دکتر مصلح سخنرانی خود را آغاز کرد و گفت: عنوان سخن من «علوم انسانی؛ فرهنگ یا قدرت؟» است، پرسش این است که آیا علوم انسانی را باید در ذیل فرهنگ دید یا در ذیل قدرت؟ علوم انسانی مقوم فرهنگ است یا مقوم قدرت؟



دکتر مصلح افزود: علوم انسانی از مقومات ضروری جهان معاصر است و مهم‌ترین نهادها و مناسبات جهان کنونی با علوم انسانی تنظیم و تقویم شده است. درباره‌ی چیستی علوم انسانی متفکران همواره اندیشیده‌اند و درباره‌ی وجوه متفاوت آن نظراتی عرضه کرده‌اند. اگر به نحوی فلسفی پرسش از هستی بپردازیم و چیستی این علوم را مطرح سازیم، می‌توان به اولین نگاه این پرسش را مطرح ساخت که آیا علوم انسانی را در ذیل فرهنگ قرار دهیم یا قدرت؟ با همین پرسش می‌توان تفکر فلسفی مدرن را از آغاز تا کنون، بازخوانی و بازاندیشی کرد.

در روایت رایج در تاریخ تفکر مبنای همه‌ی پدیده‌ها و رویدادها عقل و فرهنگ است. یعنی اغلب متفکران کلاسیک، پدیدارها از جمله علوم را در متن تاریخ و فرهنگ و نتیجه سیری عقلانی دانسته‌اند. اما از اواسط قرن نوزدهم توجه جدیدی شکل گرفت و همه‌ی مقولات از جمله مقولات فرهنگی در نسبت با قدرت دیده شد. وی افزود: ردّ این نگاه را در «اسپینوزا»، «مارکس» و «نیچه» می‌توان دنبال کرد. «نیچه» جهان را اراده‌ی قدرت می‌بیند. در این بحث «هردر» اهمیتی ویژه دارد. او را می‌توان مؤسس فلسفه‌ی فرهنگ، فلسفه‌ی تاریخ و انسان‌شناسی فلسفی دانست. از نظر «هردر»، مهم‌ترین مقوله که می‌توان شئون انسانی را بر اساس آن شناخت، فرهنگ است. در نظر او خداوند خالق جهان است اما به انسان قدرت داده که خالق فرهنگ باشد. یعنی فرهنگ صنع ثانی است. فرهنگ آفریده‌ی انسانی است. آدمی فرهنگ را در طول تاریخ برای رفع نیازهایش آفریده است. در این تلقی همه‌ی مقولات انسانی از زبان و هنر تا علم و صنعت در بستر فرهنگ دیده می‌شوند. در ادامه‌ی همین سنت است که کسانی مانند «دیلتای» علوم انسانی را علوم فرهنگی می‌دانند.

دکتر مصلح تأکید کرد: علامه طباطبایی مبدع بحث ادراکات اعتباری است و می‌توان حوزه‌ی ادراکات اعتباری را همان حوزه‌ی فرهنگ دانست. اگر ادراکات اعتباری را همان حوزه‌ی فرهنگ تلقی کنیم، بابتی برای رابطه‌ی فرهنگ با حقیقت و وجود پیدا می‌شود. در این تلقی هم خاستگاه علوم انسانی فرهنگ است. فرهنگ برخاسته از اعتباریات است.

اما موضوع قدرت در تفکر غربی به تدریج برجسته می‌شود و به مهم‌ترین مقوله‌ی فلسفی برای تحلیل جهان معاصر تبدیل می‌شود. مهم‌ترین فراز این بحث «نیچه» است که جهان را به مثابه یک کل «اراده‌ی معطوف به قدرت» می‌یابد. «نیچه» حقیقت را افسانه معرفی کرد و حقیقت را باژگونه کرد. در مکتب فرانکفورت و به ویژه از نظر «آدورنو»، فرهنگ یک صنعت تلقی می‌شود و همه‌ی اجزا و صورت‌های فرهنگ باید در ذیل چیز دیگری دیده شوند. از نظر آنها فرهنگ دیگر استقلال و اصالت ندارد. مهم‌ترین کسی که این بحث را به طور جدی دنبال کرد، «میشل فوکو» است. او با صورت‌بندی جدیدی از دوران مدرن نشان داد که مقولاتی چون علم، فرهنگ و تفکر باید در ذیل قدرت دیده شوند. قدرت صورت‌های مختلفی دارد. به نظر آنها عقلانیت مدرن و علم در ذیل قدرت هستند. عقل یک عامل نیست که بقیه‌ی علوم را جلو براند. این قدرت است که بنیاد و رانه‌ی همه‌ی امور دیگر است. از این منظر مقولاتی چون علوم انسانی و نهادهای علمی و پژوهشی در ذیل قدرت هستند و جز در چارچوب گفتمان قدرت قابل درک نیستند.

این استاد دانشگاه در ادامه‌ی سخنرانی خود گفت: ما در جهانی زندگی می‌کنیم که همه‌ی امور در ذیل برنامه‌ی اقتصادی، مالی و بودجه فهمیده می‌شود. همه چیز در درون این نظم فهمیدنی است. مهم‌ترین برنامه در سراسر جهان برنامه‌ی توسعه است. هیچ کشوری حتی در ضعیف‌ترین نمی‌تواند فاقد برنامه‌ی توسعه باشد. برنامه‌ی توسعه برنامه‌ی قدرت است. علوم و به ویژه علوم انسانی تا هنگامی که درون برنامه‌های توسعه و برنامه‌های کلان به رسمیت شناخته نشوند، جایگاه و شأنی نخواهند داشت.

دکتر مصلح با ارائه‌ی چند مثال به تشریح مطلب خود پرداخت و گفت: شرایط کنونی و فضای سیاسی افغانستان برای ما ملموس و آشناست

که نمونه‌ی خوبی برای ایضاح رابطه‌ی دانش و قدرت است. در این دو دهه بیشترین توسعه‌ی فضای دانشگاهی و به ویژه علوم انسانی در افغانستان صورت گرفت که البته دستاورد قابل توجهی است. مفاهیم جدید و مدرن علوم انسانی در طول ۲۰ سال در فضای افغانستان آموخته شده و توسعه یافت. این روند طی برنامه‌ریزی در نظم قدرت صورت گرفت. در زمان ما قدرت با همه‌ی امور و مقولات کار دارد و هیچ امری بدون نسبت با قدرت شأن و تأثیری ندارد.

این سخنرانی با مشارکت و بحث و تبادل نظر اعضای شورا و پرسش و پاسخ حاضرین در جلسه خاتمه یافت.




وزارت علم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی برگزار می‌کند:

علوم انسانی:

فرهنگ یا قدرت؟



سخنران:

دکتر علی اصغر مصلح

پنج‌شنبه ۱۱ شهریور ماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۰ الی ۱۱

لینک پیوستن به نشست:

<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-2k3-7p4>

نوآوری‌های مردمی در ایران

نشست مجازی «نوآوری‌های مردمی در ایران» به همت پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و با حضور دکتر اکرم قدیمی (عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور) و دکتر سیده‌زهرا اجاق (رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات)، ۱۵ شهریور ماه ۱۴۰۰، برگزار شد. در ابتدای نشست دکتر اجاق، دبیر جلسه، ضمن معرفی دکتر قدیمی، درباره‌ی عجین‌بودن نوآوری با زیست بشر و اهمیت نوآوری‌های مردمی در کشورهای در حال توسعه و برای توسعه‌ی پایدار، توضیح داد و نقش مطالعه‌ی علمی این نوآوری‌ها ذیل مفهوم ارتباطات توسعه را تشریح کرد.



در ادامه اکرم قدیمی با تأیید سخنان اجاق، بیان کرد: برخلاف مطالعه‌ی این نوآوری‌ها در سطح آکادمیک و در کشورهای دیگر، شناختی درباره‌ی نوآوری مردمی در ایران وجود ندارد و این مسئله‌ی مورد توجهی است. سابقه نوآوری‌های مردمی به حیات بشر برمی‌گردد که براساس نیازهایش نوآوری‌های مختلف و موفقی داشته است. ضرورت و لازمه‌ی حیات بشر نوآوری است. نوآوری می‌تواند منابع کمیاب را حول یک موضوع گردآورد. نوآوری با توسعه گره خورده است. از دهخدا تا متخصصان رشته‌های مدیریت، تعاریف مختلفی از نوآوری داشته‌اند. شکل گرفتن و پذیرش ایده تا ابداع و ابتکار از جمله تعاریف این واژه هستند. «شومپتر» نقش مهمی در مطالعات نوآوری داشته که البته امروز با پارادایم در حال تحول نوآوری متفاوت است. قبلاً در مطالعات نوآوری فقط اهداف اقتصادی مد نظر بودند اما امروزه به اهداف اجتماعی، نقش، هنجار و ارزش هم توجه دارند.

دکتر قدیمی تأکید کرد: طبق نظر «موکر» در انقلاب صنعتی انگلستان نوآوری‌های مردمی نقش مهمی داشته‌اند مثل «جیمز وات» که چیز چندانی از علم نمی‌دانست. در واقع ارتباط کمی بین نوآوری‌های مردمی و دانش علمی وجود دارد. نوآوری و اقدامات مبتنی بر جامعه دو رکن مهم توسعه‌ی پایدار هستند. اینها فرصت‌های جدیدی برای تحقیقات و سیاست‌گذاری پدید می‌آورند. نوآوری‌های مردمی در کمک به حل بحران‌ها و چالش‌ها نقش مهمی دارند. نوآوری‌های مردمی مجموعه‌ای از آرمان‌های سیاسی و اقتصادی مردم را نشان می‌دهند و راه‌حل‌های جامعه‌محور با توجه به حفظ محیط زیست هستند. مؤلفه‌ی مهم این نوآوری پایین به بالا بودن آنهاست که راه‌حلی برای حل مسائل پیشنهاد می‌کنند و اصل موضوع آنها دستیابی به توسعه‌ی پایدار است.

دانشیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور توضیح داد: سبز بودن (سازگاری با محیط زیست) یا استفاده از تکنیک‌های سبز، و کم‌هزینه بودن دو موضوع اصلی در نوآوری‌های مردمی است. این نوآوری‌ها شامل جنبش‌ها، شبکه‌های علمی و فعالانی هستند که به دنبال خلق دانش و راه حل مشکلات مختلف هستند. هدف این نوآوری‌ها حفظ منافع و ارزش‌های جوامع و مردم است. ابتکارات فناورانه برای بهبود کارایی و کارآمدی

هستند. به این نوآوری‌ها، نوآوری‌های فقرا هم گفته می‌شوند. انگیزه‌ی این نوع نوآوری‌ها، تجاری شدن نیست بلکه حل مسائل خود و جامعه است. سادگی، انعطاف‌پذیری، انطباق‌پذیری، اقتصادی بودن، مشارکتی (تعاونی) از شاخص‌های نوآوری مردمی هستند. اغلب نتیجه‌ی کار تجربی و دانش ضمنی یا دانش مدون نشده هستند. نوآوری‌های مردمی از دل جنبش‌های اجتماعی مربوطه پدیدار شده‌اند. جنبش فناوری مناسب، تولید اجتماعی مفید، فناوری جایگزین از نمونه‌های این جنبش‌ها هستند. معمولاً این جنبش‌ها توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند OECD، UNDP، UNEP، بانک جهانی، سازمان بین‌المللی کار و غیره حمایت شده‌اند.

دکتر قدیمی در ادامه به تجربه‌ی هند از نوآوری‌های مردمی بر مبنای تفکرات «تاگور» و «گاندی» و تجربه بافت پارچه در این کشور نیز پرداخت که خوداتکایی در تمامی ابعاد در روستاها را مورد توجه داشتند. شبکه‌ی زنبور عسل، جنبش فناوری مناسب، جنبش نهضت علمی مردم را نیز به اختصار شرح داد. همچنین وی اشاره داشت که آرژانتین و برزیل هم نمونه‌های جالبی از نوآوری‌های مردمی و جنبش‌های مربوط داشته‌اند.

رئیس انجمن ترویج علم ایران به توضیح مطالعه‌ای که با همکاری پژوهشگران دیگر انجام داده‌اند نیز پرداخت و گفت: هدف آنها در این مطالعه، شناسایی نوآوری‌های مردمی مبتنی بر شاخص‌های حاصل از ادبیات موضوع بود. براساس این پژوهش بیشترین نوآوری‌های مردمی در ایران در حوزه‌ی فنی و سپس کشاورزی و دامپروری است که عمدتاً توسط مردان (۸۵ درصد) با تحصیلات کارشناسی انجام شده است. مضامین اصلی نوآوری‌های مردمی در ایران حل مسئله، حفاظت از محیط زیست، اقتصادی بودن و غیره است که با ویژگی‌های نوآوری‌های مردمی در سطح جهانی مطابقت دارد. براساس این مطالعه، از جمله چالش‌های این نوآوران عبارت است از عدم دسترسی به مواد و ابزارهای اولیه‌ی مورد نیاز، عدم دسترسی به منابع مالی، نبود نهاد متولی در این حوزه، نبود مشوق و برنامه‌های انگیزشی، مشکلات اقتصادی به واسطه‌ی تحریم‌ها، و سایر چالش‌های اقتصادی و فقدان سیاست‌های حمایتی.



پژوهشگاه ملی مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار می‌کند

نوآوری‌های مردمی در ایران

سخنران:
دکتر اکرم قدیمی
(معاونت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور)

دبیر نشست: دکتر سیده زهرا اجاقی

دوشنبه ۱۵ شهریورماه ۱۴۰۰ ساعت: ۱۴ تا ۱۶

لینک ورود به نشست: <https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-jbd-izk-rk3>

دکتر قدیمی در بخش پایانی سخنانش مطالب خود را این‌گونه جمع‌بندی کرد که نوآوری‌های مردمی ظرفیت قابل توجهی برای کمک به فرهنگ، اقتصاد و اجتماع دارند و می‌توانند جامعه را به سمت رفع نیازهای محلی و بومی هدایت کنند، اما مستلزم برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، سازمان‌دهی و هدایت هستند تا بتوانند به نظام ملی نوآوری کشور بپیوندند. نمونه‌ی هند می‌تواند الگوی خوبی باشد. سیاست‌گذاری یکپارچه، همسو و واحد نیاز ضروری این حوزه است تا این نوآوری‌ها بتوانند در توسعه‌ی کشور ایفای نقش کنند. گفتمان‌سازی و تبادل اطلاعات، تدوین مقررات، ایجاد سامانه برای گردآوری این نوآوری‌ها، ایجاد صندوق حمایتی از نوآوران مردمی، استفاده از ظرفیت سمن‌ها برای آموزش این نوآوری از جمله پیشنهادات این نشست بودند که توسط سخنران ارائه شد.

بررسی کاربرد رمزپول‌ها از دیدگاه اقتصادی-بانکی-فقهی

نشست تخصصی «بررسی کاربرد رمزپول‌ها از دیدگاه اقتصادی-بانکی-فقهی» ۱۱ شهریور ماه ۱۴۰۰ به‌صورت مجازی برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر مهدی نوری، مدرس دانشگاه و کارشناس حوزه‌ی رمزارز و بلاکچین در سخنرانی خود با عنوان «بررسی کاربرد رمزدارایی‌ها در اقتصاد و پیشنهاداتی جهت سیاست‌گذاری در کشور» به تاریخچه‌ی پیدایش رمزارزها اشاره کرد و برخی از ویژگی‌های آنها را برشمرد. در ادامه سیر تحول پول از پول کالایی، پول فلزی (طلا و نقره و ...)، پول کاغذی (اسکناس)، پول الکترونیکی و رمزپول‌ها بیان و طبقه‌بندی انواع پول‌های مجازی مطرح شد، سپس با مشاهده‌ی کلی بازار رمزارزها، به بیان برخی از آمارهای موجود مانند حجم بازار (Market cap) که در حدود ۲ تریلیون دلار و وجود بیش از ۱۱ هزار رمزارز پرداخته شد و مورد تأکید قرار گرفت که رمزارزها انواع مختلفی دارد در نتیجه در سیاست‌گذاری و حتی بررسی فقهی موضوع نیاز است



به این تمایزها دقت شود و همه‌ی رمزارزها یکسان در نظر گرفته نشوند. در ادامه به بررسی این پرسش که رمزارزها می‌توانند در شرایط فعلی نقش پول را در مبادلات ایفا کنند یا خیر، پرداخته شد. نوری ادامه داد: در اقتصاد هر آنچه سه وظیفه و کارکرد (۱) وسیله‌ی مبادله (Medium of Exchange)، (۲) واحد شمارش (Unit of Account)، (۳) ذخیره ارزش (Store of Value) را بازی کند، به‌عنوان پول شناخته می‌شود. با توجه به محدودیت انتشار برخی از رمزارزها به‌صورت خاص بیت‌کوین که در نهایت بیست و یک میلیون ایجاد می‌شود در بلندمدت با افزایش ارزش ذخیره‌ی ارز همراه خواهد بود اما نوسانات (Volatility) بسیار شدید این رمزارزها باعث شده است در دوره‌های کوتاه مدت کارکرد ذخیره‌ی ارزش را به خوبی انجام ندهند، با این نوسانات بالا کارکرد اول و دوم در حال حاضر به‌خوبی شکل نمی‌گیرد. به‌علاوه هنوز در پرداخت‌های خرد (Micropayment) با توجه به مشکل مقیاس‌پذیری (Scalability) و TPS پایین آنها زیاد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. البته راه‌حل‌هایی مانند Lightning، Side chain و موارد دیگر برای آن مطرح شده است. اما در مجموع در حال حاضر رمزارزها را به لحاظ علمی نمی‌توان پول در نظر گرفت، اما در آینده این امکان وجود دارد که نقش پول را ایفا کنند. در نتیجه مناسب است آنها رمزدارایی (crypto asset) یا دارایی مجازی (virtual asset) در نظر گرفته شود. البته رمزارزهای باثبات (Stablecoin) می‌توانند نقش پول را ایفا کنند.

دکتر نوری در بخش بعدی سخنانش به مکتب اتریشی و ملی‌زدایی (انحصارزدایی) از پول (Denationalization of Money) و رابطه‌ی آن با رمزارزها اشاره کرد و بر عدم دخالت دولت در اقتصاد آنها پرداخت. همچنین بررسی آثار اقتصادی به بیان مزیت‌ها و ریسک‌های مختلف رمزارزها بر اقتصاد پرداخته و مزیت‌های آنها را به این شرح عنوان کرد:

(۱) آزادی در پرداخت و دسترسی بین‌المللی، (۲) هزینه‌ی معاملاتی پایین (Transaction cost)، (۳) سرعت بالا در انتقالات بین‌المللی و فرامرزی، (۴) عدم خلق پول بی‌رویه و خاصیت ضدتورمی، (۵) استفاده از ارز مجازی در شرایط تحریمی ایران، (۶) عدم توانایی دولت‌ها در مصادره و بلوکه کردن، (۷) امکان رهگیری و شفافیت

(Transparency)، ۸) مزیت نسبی استخراج بیت‌کوین، ۹) انتشار توکن و عرضه‌ی اولیه سکه (ICO)، ۱۰) کاهش قدرت تحریم دلاری آمریکا برای اقتصاد ایران، ۱۱) امکان ایجاد رمزارزهای منطقه‌ای و تسهیل در پیمان‌های پولی دو و چندجانبه، ۱۲) امکان افزایش کسب و کارهای نوین و افزایش اشتغال، ۱۳) تسهیل در جهانی‌شدن کسب و کارهای داخلی و بهبود صادرات غیرنفتی، ۱۴) عدم امکان جعل رمزارزها، ۱۵) امکان افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و در ادامه درمورد ریسک‌های موجود در رمزارزها به این موارد اشاره کرد:

- ۱) نوسانات قیمتی و عدم ثبات،
- ۲) تهدید اقتصاد واقعی،
- ۳) تضعیف بانک مرکزی و نهادهای واسط،
- ۴) امکان فرار مالیاتی، پول‌شویی و گسترش بخش غیررسمی اقتصاد،
- ۵) ناآشنایی عموم مردم با ارزهای مجازی،
- ۶) زمان بالای تأیید تراکنش برای مبادلات داخلی،
- ۷) خروج ارز از کشور،
- ۸) مصرف بالای انرژی

پس از بیان فرصت‌ها و ریسک‌های رمزارزها، رویکرد حاکمیت در تنظیم‌گری مورد بررسی قرار گرفت. نوری تشریح کرد: اگر سیاست‌گذاران در کشور هرکدام از سه رویکرد ۱) رویکرد آزادی و رسمیت بخشی کامل بدون نظارت و تنظیم‌گری مناسب، ۲) رویکرد سلبی و محدودیت‌های شدید و ۳) رویکرد تنظیم‌گری راهبردی با نقش فعالانه در نظارت را به‌عنوان سیاست مشخص خود در نظر بگیرند، تبعات مختلفی خواهد گذاشت به‌طوری‌که با برگزیدن رویکرد اول شاهد به‌خطر افتادن حاکمیت پولی و بانکی کشور، افزایش کلاهبرداری‌ها و فعالیت‌های سوداگرانه در اقتصاد، عدم امکان اعمال حاکمیت در کشور خواهیم بود. انتخاب رویکرد سلبی موجب زیرزمینی شدن بسیاری از فعالیت‌ها، عدم استفاده از فرصت‌های رمزارزها برای اقتصاد کشور، انتقال دارایی‌های دیجیتال به پلتفرم‌های خارجی، عدم نظارت بر داده و اطلاعات حاکمیت در این حوزه (کاهش شفافیت)، افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد و مهاجرت نیروی انسانی نخبگان خواهد شد. اما بهترین راهبردی که دولت بایستی برگزیند رویکرد تنظیم‌گری راهبردی با نقش فعالانه در نظارت است که در چنین شرایطی می‌تواند موجب شناسایی فعالین حوزه‌ی رمزارز

و بلاکچین در کشور، کاهش ریسک‌های موجود برای اقتصاد کشور، امکان درآمدزایی برای دولت (مالیات و ...)، امکان بهره‌مندی از فرصت‌های این فناوری در کشور، گسترش اکوسیستم بلاکچین به‌عنوان یکی از فناوری‌های نوظهور و اثرگذار در کشور، استفاده از ویژگی‌های مرتبط با قرارداد هوشمند و توکنایز کردن دارایی‌ها در کشور باشیم.

دکتر نوری در پایان سخنانش تأکید کرد: بیش از ۲۰ پیشنهاد سیاستی مشخص برای تنظیم‌گری این حوزه بیان شدند اعم از توجه به تنوع و پیچیدگی رمزارزها و عدم یکسان در نظر گرفتن آنها، داشتن نگاه راهبردی و آینده‌پژوهانه در این حوزه (رصد مشخص تحولات)، پذیرش و فهم سیاست‌گذاران به تغییر در حکمرانی، جلوگیری از هرگونه اقدام سلبی و محدودیت شدید، عدم قانون‌گذاری و تنظیم‌گری غیرمنعطف، نگاشت نهادی مشخص در این حوزه و بررسی دقیق، تدوین برنامه اقدام با توجه به شرایط، افزایش سطح دانش و آگاهی میان کارشناسان نهادهای مختلف و مردم، مشارکت با بخش خصوصی و فعالان حوزه‌ی تنظیم‌گری، استفاده از محیط‌های آزمون (Sandbox) و





گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی با همکاری انجمن مالی اسلامی برگزار می‌کند:

نشست تخصصی

بررسی کاربرد رمزپول‌ها از دیدگاه

بانکی-اقتصادی-فقهی

سخنران:

دکتر غلامرضا مصباحی مقدم
(استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع))

دکتر مهدی نوری
(دکتری اقتصاد و مدرس دانشگاه تهران- پژوهشگر حوزه بلاکچین و رمزارزها)

دکتر حسین میثمی
(استاد یار پژوهشگر پولی و بانکی- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)

دیر علمی نشست: دکتر سیدحسین میرجلیلی
(استاد اقتصاد- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

پنج‌شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۷ الی ۱۹

لینک پرسش و پاسخ

<https://webinar.iics.ac.ir/b/ihs-qqa-9vs-hdw>

در ادامه‌ی نشست دکتر حسین میثمی، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی پولی و بانکی در مقدمه‌ی سخنرانی خود با عنوان «موضوع‌شناسی ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمپول‌ها و توکن‌ها»، بررسی رمپول‌ها را یک پدیده‌ی «مستحدث» و نیازمند موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی ارزیابی کرد.

وی ضرورت موضوع‌شناسی جهت بحث فقهی-حقوقی در مورد رمپول‌ها را به دلایل زیر برشمرد:

۱. پدیده‌ی رمپول‌ها مقوله‌ی جدیدی است که ابعاد مختلف اقتصادی، فنی، مالی و غیره آن نیاز به بحث و موضوع‌شناسی دقیق دارد. ۲. بحث فقهی-حقوقی رمپول‌ها یکی از پیش‌نیازهای لازم برای موفقیت آنها در عمل است. ۳. کاربردهای رمپول‌ها در عمل در حوزه‌ی معاملات صرافی‌ها، کیف پول، قراردادهای هوشمند و غیره نیازمند پذیرش فقهی-حقوقی آنهاست. وی سپس به تعریف رمز ارز و توکن و تبیین تفاوت این دو پرداخت و گفت: توکن یک موجودیت دیجیتال است که یک ارزش مجازی یا واقعی را نمایندگی می‌کند. رمپول یک نوع دارایی مالی که بر بستر دیجیتال، غیرمتمرکز و شفاف موجودیت دارد. این دارایی‌ها می‌توانند در شرایطی



خاص کارکرد پولی پیدا کنند اما در پژوهش‌های حوزه‌ی رمپول‌ها به زبان فارسی بعضاً توکن معادل رمپول تصور می‌شود. درحالی‌که رمپول فقط یک نوع توکن خاص (توکن پرداخت) است. معمولاً هر رمپولی توکن است، اما هر توکنی رمپول نیست. وی سرعت بالا در مبادلات، هزینه‌های پایین‌تر، شفافیت، پرداخت فرامرزی را از منافع و نوسانات شدید قیمتی، کاربردهای غیرقانونی، از دست دادن دارایی، ریسک تضعیف قدرت بانک مرکزی را از مخاطرات رمپول‌ها برشمردند.

دکتر میثمی در ادامه به گونه‌شناسی انواع رمزارزها و توکن‌ها به ترتیب زیر پرداخت:

- مفهوم کل پول ارائه‌شده توسط بانک تسویه بین‌المللی که در سطح بین‌المللی رویکردی شناخته‌شده و مشهور است، رویکرد جغرافیایی، و رویکرد کاربردی که موردتوجه مقررات‌گذاران در کشورهای اروپایی قرار دارند. بانک تسویه بین‌المللی به‌عنوان نهادی معتبر (درواقع بانک مرکزی بانک‌های مرکزی)، با در نظر گرفتن ویژگی‌های پول و با در نظر گرفتن چهار معیار ذیل، طبقه‌بندی خاصی در رابطه با انواع رمزارزها و انواع پول‌ها (به‌ویژه با تأکید بر جایگاه بانک مرکزی) ارائه داده است. ۱. همتابه‌متا یا غیرمتمرکز بودن ۲. صادرکننده (بانک مرکزی یا غیراز آن) ۳. دیجیتال یا غیردیجیتال بودن ۴. گسترده یا محدود بودن دسترسی.

- رویکرد جغرافیایی: ۱. رمزارز جهان‌روا ۲. رمزارز بانک مرکزی ۳. رمزارز منطقه‌ای ۴. توکن

- رویکرد کاربردی (رویکرد FCA و FINMA): ۱. توکن پرداخت یا مبادلاتی ۲. توکن بهادار یا دارایی ۳. توکن کاربردی.

رویکردهای مقررات‌گذاری رمپول‌ها در سطح بین‌المللی شامل عدم ممنوعیت (ژاپن، آلمان، کانادا و ...)، ممنوعیت کلی (عربستان سعودی، امارات، عراق و ...)، ممنوعیت بخشی (محدودیت یک یا چند وجه رمپول‌ها، ایران، کره جنوبی و ...)، عدم اتخاذ موضع دقیق (انگلیس، عمان، برزیل و ...) در خصوص آنهاست.

میثمی در بخش آخر سخنرانی خود با بیان این نکته که «تاکنون ادبیات فقهی رمپول‌ها فقط بر روی مواردی مانند بیت‌کوین متمرکز شده درحالی‌که انواع دیگر توکن‌ها مانند رمپول بانک مرکزی، رمپول‌های بهادار (مانند صکوک توکن‌محور، سهام توکن‌محور و غیره)، توکن کاربردی جهت احراز هویت، حق تقدم در استفاده

از محصولات و غیره، همگی قابلیت تصور دارد»، توصیه‌های سیاستی خود را به این شرح مطرح کرد:
الف- تدوین لایحه یا طرح مشخص در رابطه با رمزپول‌ها و توکن‌ها جهت ارسال به مجلس و طی مراحل قانون‌گذاری (میان‌مدت)
ب- تصویب ابعاد شرعی رمزپول‌ها و توکن‌ها در شورای فقهی بانک مرکزی (کوتاه‌مدت).



سخنران دیگر این نشست آیت‌الله غلامرضا مصباحی‌مقدم، استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)، در آغاز سخنرانی خود با عنوان «بررسی فقهی کاربرد رمزپول بیت‌کوین» گفت: پیش‌نیاز ارائه‌ی حکم شرعی، موضوع‌شناسی است که موجب تبیین موضوع می‌شود و به این ترتیب فقیه اصول و مبانی را ارائه کرده و پاسخ می‌دهد. با توجه به وجود یازده هزار نوع رمز پول (رمز ارز)، بیت‌کوین گسترده‌ترین کاربرد را دارد و سؤالات زیادی در مورد آن مطرح است. باید اشاره کرد که موضوع معاملات «مال» است. مال است که مورد مبادله قرار می‌گیرد. مال شامل کالاها، منافع، حقوق، امتیازات و دیون است که رمزپول‌ها جزو هیچ‌کدام نیستند و چون مالیت آنها احراز نشده است نمی‌توان حکم به استفاده و تولید آنها داشت. همچنین منشاء پیدایش رمزپول‌ها مبهم است. موضوع مبادله باید از ابعاد مختلف شفاف باشد. چه کشوری آن را تولید کرده، سرنوشت آنها چیست؟ اگر روزی بیت‌کوین از دسترس خارج شود چه کسی پاسخگوست؟

دکتر مصباحی‌مقدم ادامه داد: بی‌ثباتی و نوسانات شدید رمزپول‌ها موجب «غرر» است. اگر فرض کنیم رمزپول نوعی پول است، باید دانست یکی از کارکردهای پول مقیاس ارزش است و تنها در صورت ثبات می‌تواند این کارکرد را اجرا کند. دستگاه‌های تولید بیت‌کوین هر روز پیچیده‌تر و گران‌تر می‌شوند و این باعث می‌شود تولیدکننده‌های آن کمتر و کمتر شوند و در نهایت تولید این رمزپول به سمت انحصاری شدن میل می‌کند و تنها افراد محدودی از اصل آنها بهره خواهند برد.

دکتر مصباحی‌مقدم درباره‌ی احتمال تولید رمزپول قانونی توسط بانک مرکزی شرح داد: اگر بانک مرکزی ایران یا مجموعه بانک‌های مرکزی کشورهای منطقه اقدام به تولید رمزپول مشترک بگیرند و هم‌زمان مقررات‌گذاری مناسبی انجام شود و این رمزپول‌ها مورد قبول منطقه‌ای یا بین‌المللی قرار گیرد و به‌عنوان واسطه‌ی مبادله، ما را از سوئیفت و سایر کانال‌های مبادله بی‌نیاز کند، بسیار مورد استقبال و تأیید قرار می‌گیرد، زیرا به این ترتیب منشأ معتبر قانونی برای این رمزپول ایجاد می‌شود، مالیت آن احراز شده و تمام منافعی که برای این رمزپول‌ها شمرده شده، غالب می‌شود و اغلب مشکلات مطرح شده از بین می‌رود.

رئیس گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه در خاتمه‌ی سخنانش با اظهار تأسف از بابت کاهش ارزش پول ملی گفت: با کاهش مقبولیت پول ملی، مردم در صدد هستند آن را به یک سرمایه‌ی ماندگار یا ارز خارجی تبدیل کنند. امیداور هستیم در دولت جدید شاهد استقلال بانک مرکزی باشیم و انضباط مالی در بانک‌های ما شکل بگیرد و استقرار از بانک مرکزی صورت نگیرد و به‌جای آن منابع مورد نیاز از بازار بین‌بانکی تأمین شود تا ما شاهد انتشار بی‌رویه‌ی پول توسط بانک مرکزی و تضعیف ارزش پول ملی و از بین رفتن ویژگی معیار ارزش بودن پول نباشیم.

دکتر قبادی در مراسم نکوداشت استادان زبان‌شناسی: جامعه‌ی علمی جز با نخبه‌گرایی محصول نمی‌دهد

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مراسم نکوداشت استادان زبان‌شناسی، دکتر سیدمصطفی عاصی، دکتر فاطمه راکعی و دکتر امید ملاک بهبهانی از اعضای بازنشسته‌ی پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی که ۲۴ مهرماه ۱۴۰۰ در پژوهشگاه برگزار شد، برگزاری مراسم نکوداشت بزرگان زبان‌شناسی پژوهشگاه را در آستانه‌ی میلاد نبی اکرم (ص) و میلاد امام جعفر صادق (ع) به فال نیک گرفت و گفت: جامعه‌ی علمی جز با نخبه‌گرایی نه پا خواهد گرفت و نه محصول خواهد داد که خوشبختانه «نخبه‌گرایی» بنیاد پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی بوده است که هنوز نیز برکات آن در این پژوهشکده دیده می‌شود.

دکتر قبادی افزود: این استادان، استادان بزرگی از اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی بوده‌اند و همچنان هستند و آثار ارزنده‌ای به قلم پژوهشگران این پژوهشکده منتشر شده است. دکتر عاصی همچون گذشته به صورت تمام وقت به فعالیت علمی خود می‌پردازند که بسیار ارزنده است. دکتر راکعی و دکتر بهبهانی نیز همچنان در صحنه هستند و به فعالیت علمی می‌پردازند و امیدوارم سایه‌ی این بزرگواران متعالی و پرتوافکن باشد.

در ادامه دکتر علیرضا ملایی توانی، معاون پژوهشی پژوهشگاه با ابراز ارادت به سه عضو بازنشسته‌ی پژوهشگاه گفت: افتخار داشتیم آثاری از این بزرگواران را بخوانم که چهره‌های درخشان و ماندگار در تاریخ علم ایران هستند و در دهه‌های آینده اهمیت و جایگاه آنان بهتر و بیشتر شناخته خواهد شد. عملکرد این بزرگواران را نه تنها از دید نماد علمی و اخلاقی بلکه به دلیل منش انسانی و رفتار کریمانه و شایسته در دانش زبان‌شناسی به ویژه در پژوهشگاه می‌ستایم و امیدوارم که همچنان در عرصه‌ی تولید دانش بدرخشند و آثار ماندگارتری خلق و بتوانند تجربیات گرانسنگ خود را به نسل‌های بعدی منتقل کنند.

دکتر سیروس نصراله‌زاده، رئیس پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی نیز برگزاری مراسم نکوداشت بزرگان را از سنت‌های نیک پژوهشکده دانست و نکوداشت دکتر عاصی، دکتر راکعی و دکتر ملاک بهبهانی را در جهت همین سنت نیک قلمداد کرد و گفت: بسیاری از استادان پس از بازنشستگی همچنان به فعالیت خود می‌پردازند و مقاله‌ها و کتاب‌های ارزنده‌ای می‌نویسند که این بزرگان از این دست پژوهشگران هستند و در واقع در علوم انسانی بازنشستگی معنی ندارد.

دکتر دالوند ادامه داد: امیدواریم که میراث‌دار سنت‌های اخلاقی و علمی این سه استاد بزرگوار باشیم و بتوانیم آن را به آیندگان منتقل کنیم. دکتر بهبهانی خدمت بسیاری به رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی به ویژه از طریق ترجمه‌هایشان در زمینه‌ی مطالعات مانوی کرده‌اند. از دکتر راکعی نیز همواره آموخته‌ایم و فعالیت‌های علمی و اجتماعی ارزنده‌ای داشته‌اند. دکتر عاصی نیز از دید علمی و اخلاقی فرد والایی است که همیشه در این پژوهشکده از ایشان یاد گرفته‌ام و ...

در ادامه دکتر یحیی مدرسی‌تهرانی، استاد پیشکسوت زبان‌شناسی بازنشستگی را یکی از نقاط عطف زندگی انسان دانست و گفت: سالیان سال با افراد مختلف و در جاهای مختلف کار کرده‌ام اما تاکنون جمعی مانند همکاران پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی را کمتر دیده‌ام. دوستی من با دکتر عاصی به بیش از ۵۰ سال می‌رسد و دوام پیدا کردن این دوستی به دلیل روحیه‌ی مداراجویی دکتر عاصی است. وی انسانی شریف، نجیب، خوش‌خو و اهل فضل و اندیشه است. با دکتر راکعی نیز بیش از ۴۰ سال همکاری و دوستی دارم. دکتر راکعی انسانی نرم‌خو و اهل

مدارا با سری پرشور و قلبی مهربان هستند. دکتر بهبهانی نیز از همکاران گرامی ما هستند که بیش از ۳۰ سال با وی همکاری کرده‌ام و از همراهی و همگامی با ایشان بهره برده‌ایم.

در ادامه دکتر زهره زرشناس، مسعود قیومی، آتوسا رستم‌بیگ و فائزه توکلی از اعضای پژوهشکده نیز ضمن پاسداشت مقام این سه استاد بازنشسته، سخنانی را در باب تشکر و سپاس از آنان مطرح کردند. در پایان مراسم هدایایی به رسم یادبود به این بزرگواران اهدا شد.



دکتر گلشنی در جلسه‌ی شورای بررسی متون: باید نگاه کلی به علوم انسانی تغییر کند

سخنرانی دکتر مهدی گلشنی، عضو شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه، با موضوع «فرهنگ، علوم انسانی و پیشرفت کشور» در نشست ۲۳۱ این شورا روز اول مهرماه ۱۴۰۰، به صورت ویدئویی برگزار شد.

در ابتدای این نشست دکتر حسینعلی قبادی، رئیس وقت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن عرض خیرمقدم به دکتر گلشنی، گفت: مهم‌ترین نیاز امروز، امکان همکاری میان رشته‌های فنی و مهندسی و علوم انسانی با هم است. وی در ادامه ضمن پاسداشت هفته‌ی دفاع مقدس، عنوان کرد: از طریق پیوند و هم‌افزایی علوم انسانی و هنر بهتر می‌توان ارزش‌های دفاع مقدس را به نسل آینده منتقل کرد.



در ادامه، دکتر گلشنی ضمن بیان اینکه مسئله‌ی فرهنگ، مهم‌ترین مسئله است، گفت: اما متأسفانه در جامعه با عینک فرهنگی به امور نگاه نمی‌شود. در شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز گفته‌ام که فرهنگ ما نه شرقی، نه غربی و نه اسلامی است. درحالی‌که در اسلام همه چیز ابزاری برای رسیدن به معنویت است و علم و فناوری را برای فرهنگ و معنویت می‌خواهیم.

به گفته‌ی دکتر گلشنی، ریشه‌ی فرهنگ در علوم انسانی است اما متأسفانه در کشور ما علوم انسانی شأنی ندارد. البته نحوه‌ی ورود علم غربی به ایران نیز مؤثر بوده که ابتدا فنی مهندس، وارد شده و علوم انسانی شأنی نداشته است. این درحالی‌است که امروزه علوم انسانی در غرب شأن والای علمی دارد.

دکتر گلشنی در ادامه به تجربیات کشورهای غربی در بهاء دادن به علوم انسانی پرداخت و گفت: افزودن علوم انسانی به علوم فنی و تجربی به یک ضرورت در غرب تبدیل شد چراکه تکنیک به خدای جدید انسان تبدیل شده است و لازم به نظر رسید که به علوم انسانی میدان بیشتری داده شود. باید نگاه کلی به علوم انسانی تغییر کند و گروه‌های علوم فنی و مهندسی، جایگاه علوم انسانی و نقش آن را به عنوان مکمل فرهنگی و هویتی بپذیرند.

این استاد مطرح دانشگاه در ادامه افزود: علوم انسانی هویت‌ساز است چون فرهنگ هویت‌ساز است و این احساس حقارت کنونی ناشی از ضعف فرهنگ و ضعف علوم انسانی است که نمی‌تواند ارتباط میان نسل‌های کنونی با هویت تاریخی خود را برقرار کند. به گفته‌ی دکتر گلشنی یکی از دلایل ضعف فرهنگی کم‌اطلاعی از هویت و میراث تاریخی کشور است.

وی افزود: علوم انسانی به‌ویژه فلسفه به انسان دید کل‌نگر می‌دهد تا جهان را با عینک تخصصی خود نبیند. این درحالی‌ست که دانشکده‌های فنی، مهندسی و پزشکی با علوم انسانی بیگانه هستند و باید تغییر نگرش ایجاد شود و این علوم با هم همکاری و پیوند داشته باشند.

گزارش اولین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش

اولین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش با حضور اعضای این ستاد نوزدهم مهرماه ۱۴۰۰، به صورت غیرحضوری برگزار شد. در ابتدای جلسه، دکتر علیرضا ملایی توانی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی وقت پژوهشگاه با تشریح اهمیت و اهداف برگزاری هفته‌ی پژوهش، بر ضرورت مشارکت فعالانه‌ی دیگر معاونت‌ها، مدیریت‌ها و واحدهای مختلف پژوهشگاه به همراه پژوهشکده‌ها و مراکز در برگزاری شایسته و باشکوه مراسم هفته‌ی پژوهش و با حضور حداکثری اعضای پژوهشگاه تأکید کرد.

سپس دکتر مسعود رضایی، مدیر پژوهشی و مدیر ستاد هفته‌ی پژوهش، با اعلام شعار منتخب هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه در سال ۱۴۰۰ با عنوان «علوم انسانی و مسئله‌های انسانی - اجتماعی ایران»، که به تصویب هیأت رئیسه پژوهشگاه رسیده است، محورهای آن را چنین برشمرد:

- پژوهش‌های علوم انسانی به مثابه یک مسئله؛
- پژوهش‌های علوم انسانی زیربنای سایر پژوهش‌ها؛
- پژوهش‌های علوم انسانی تقاضامحور در خدمت جامعه و تولید؛
- پژوهش‌های علوم انسانی در مواجهه با فاجعه‌های انسانی؛
- پژوهش‌های علوم انسانی و آسیب‌های اجتماعی؛
- پژوهش‌های علوم انسانی و محیط زیست؛
- پژوهش‌های علوم انسانی و مسئله‌ی فرهنگ؛
- علوم انسانی و قرن آینده.

مدیر پژوهشی پژوهشگاه همچنین به تشریح اقدامات صورت گرفته به منظور اجرای هرچه شایسته‌تر مراسم هفته‌ی پژوهش پرداخت، از جمله برگزاری جلسات شورای مشورتی مدیران معاونت پژوهشی و بررسی و پیشنهاد شعار و محورهای هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه و ارسال به هیأت رئیسه جهت تصویب؛ معرفی نماینده‌ی پژوهشگاه به وزارت علوم جهت مشارکت فعالانه در نمایشگاه دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن‌بازار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ صدور احکام اعضای ستاد هفته‌ی پژوهش؛ اصلاح شیوه‌نامه‌ی انتخاب پژوهشگران برگزیده و جایزه‌ی ویژه‌ی سال پژوهشگاه و تصویب آن در هیأت رئیسه، ارسال فراخوان شرکت در رقابت پژوهشگر برتر به اعضای هیأت علمی پژوهشگاه؛ مکاتبه با رئیس‌ان پژوهشکده‌ها و مراکز و درخواست مشارکت فعالانه آنان در برنامه‌های مراسم هفته‌ی پژوهش؛ برنامه‌ریزی برای سخنرانی استادان بازنشسته‌ی پژوهشگاه با مشارکت پژوهشکده‌ها و مراکز.

مدیر ستاد هفته‌ی پژوهش ادامه داد: مطابق برنامه‌ریزی صورت گرفته و مشابه سال‌های گذشته، مراسم هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه در چارچوب و هماهنگی با برنامه‌های مراسم هفته‌ی پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در آذرماه سال جاری جاری خواهد شد.

سپس اعضای حاضر در جلسه دیدگاه‌های خود در خصوص موضوع‌های مقرر برای جلسه را که شامل: تعیین مسئول برگزاری نمایشگاه داخلی پژوهشگاه؛ تعیین مسئول تهیه‌ی ویژه‌نامه و ماهنگ؛ تعیین مسئول نمایشگاه دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن‌بازار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ تعیین مسئول کمیته‌ی تبلیغات و اطلاع‌رسانی هفته‌ی پژوهش؛ مشارکت پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشگاه در مراسم هفته‌ی پژوهش و... بود، مطرح کردند.

در ادامه‌ی جلسه اعضای ستاد با بحث و گفت‌وگو درباره‌ی موارد مختلف بر ضرورت بهره‌گیری حداکثری از فضای مجازی برای معرفی فعالیت‌ها و دستاوردهای پژوهشگاه به مخاطبان و علاقه‌مندان به ویژه با ایجاد صفحه نمایشگاه مجازی در سایت پژوهشگاه؛ برنامه‌ریزی برای اطلاع‌رسانی مناسب برنامه‌های مراسم هفته‌ی پژوهش به شیوه‌های مختلف و به ویژه برگزاری نشست خبری مراسم؛ تعامل و همکاری میان واحدهای مختلف پژوهشگاه در تهیه ویژه‌نامه و ماهنگ‌ها؛ اخذ گزارش عملکرد از پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی به صورت پاورپوینت و انعکاس در صفحه‌ی مجازی مراسم؛ حضور شایسته و پررنگ‌تر در نمایشگاه دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن‌بازار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با مشارکت فعالانه اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و معرفی طرح‌ها و ایده‌های برتر آنان، همکاری مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری پژوهشگاه در این زمینه و برگزاری کارگاه‌های مختلف در این نمایشگاه تأکید کردند.

کتاب جدید طرح اعتلاء آماده‌ی انتشار شد:

علوم انسانی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور، در ادامه‌ی انتشار آثار پژوهشی مجریان طرح‌ها، کتاب جدید دیگری را در پاییز سال ۱۴۰۰، منتشر خواهد کرد. کتاب «علوم انسانی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: فراترکیب یافته‌های پژوهشی» به قلم استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر یحیی فوزی، به رشته‌ی تحریر درآمده است.



در این کتاب چنان‌که از عنوان آن پیداست درباره‌ی چیستی و چگونگی الگوی پیشرفت در ایران و نسبت آن با علوم انسانی در کشور صحبت شده است.

مؤلف در مقدمه‌ی اثر درباره‌ی این موضوع چنین نوشته است: طیف‌های گوناگونی از اندیشه‌ها درباره‌ی این موضوع آرای مختلف فکری را مطرح کرده‌اند که به‌صورت کلان می‌توان آن‌ها را در دو جریان کلی طبقه‌بندی کرد؛ کسانی که راه برون‌رفت را در الگویی یکسان‌انگارانه معطوف به تجربه‌ی غرب جست‌وجو می‌کردند و کسانی که بر نوعی الگوی پیشرفت معطوف به نیازها و شرایط و هم‌سو با بستر فرهنگی و زیست‌بوم ایران تأکید می‌کردند.

رویکرد اول تحت‌تأثیر نظریه‌پردازان اولیه‌ی توسعه‌ی جوامع را به سنتی و مدرن تقسیم کرده و معتقد بودند که همه‌ی جوامع سنتی به‌طور اجتناب‌ناپذیر حرکت تکاملی خود را به سمت جامعه‌ی مدرن، که نقطه‌ی اوج آن کشورهای غربی‌اند، طی می‌کنند. به‌نظر آنان، جامعه‌ی مدرن به‌تدریج با زوال جامعه‌ی سنتی بر جهان‌سوم حاکم خواهد شد و کشورهای غیرغربی راهی به‌جز پیروی کامل از الگوی تعقیب‌شده در غرب برای پیشرفت ندارند.

در مقابل، بخش مهمی از اندیشمندان بر ضرورت الگوی پیشرفت معطوف به نیازها و شرایط و هم‌سو با بستر فرهنگی و بوم‌زیست ایران تأکید می‌کردند؛ به‌طوری که می‌توان گفت گفتمان غالب در خصوص پیشرفت بین اندیشمندان ایرانی در دو قرن گذشته حمایت از این رویکرد بوده است.

این استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه مقدمه‌ی خود درباره‌ی پیشینه رویکرد دوم به موضوع پیشرفت چنین می‌نویسد: اصولاً این رویکرد از دوران قاجار و به‌خصوص بعد از جنگ‌های ایران و روس مطرح شده و در زمان مشروطه و پهلوی و در سال‌های بعد از انقلاب تداوم داشته است. از جمله‌ی این اندیشمندان می‌توان به عباس‌میرزا، امیرکبیر، طالب‌اف، میرزاملکم‌خان، یوسف مستشارالدوله و همچنین اندیشمندان مشروطه مانند آیت‌الله نائینی و در سال‌های بعد ایرانشهر، کسروی، فروغی، آل‌احمد، شریعتی، شایگان، آیت‌الله مطهری، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرد که دغدغه‌ی آنان، با وجود تنوع دیدگاه‌ها، اغلب بحث از پیشرفت هم‌سو با بوم‌زیست ایران و برای حل مشکلات کشور و همچنین تأکید بر چگونگی نقش دین به منزله‌ی مهم‌ترین عنصر فرهنگی جامعه‌ی ایران در الگوهای پیشرفت بوده است. و به این منظور راهبردهای مختلفی را در خصوص چگونگی اثرگذاری عناصر ملی و دینی در الگوی پیشرفت مطرح کرده‌اند اما در درون این

جریان، نیروهای فکری مختلفی وجود دارند؛ به‌طوری‌که بخشی از آنها از پیوند هویت ملی و ناسیونالیسم ایرانی با تجدد و برخی دیگر از پیوند اسلام و تجدد سخن گفته‌اند و گروهی نیز الگویی یکتانگار و تأسیسی فارغ از تجربه‌ی غرب را مطرح کرده‌اند.

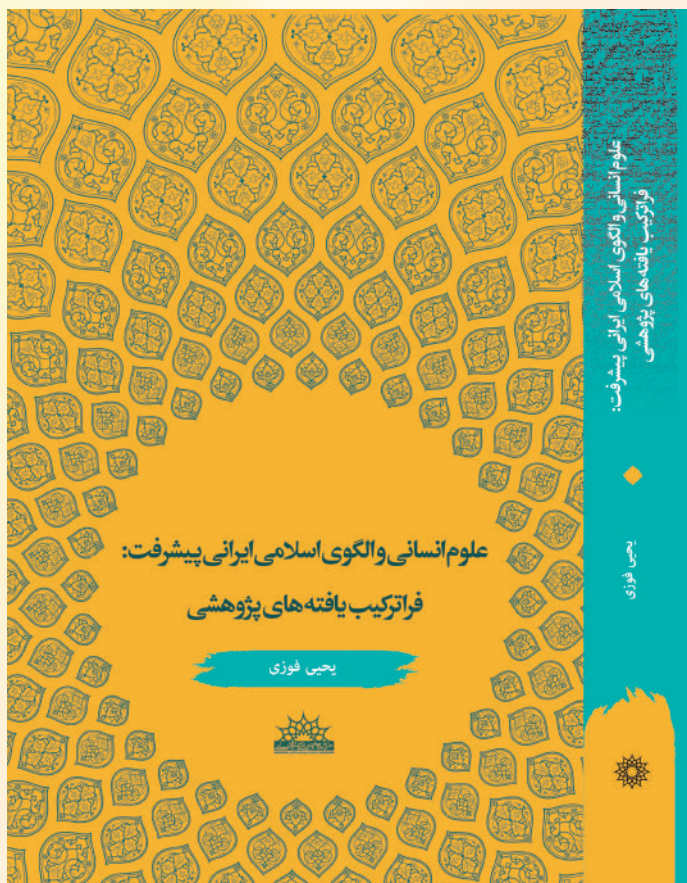
در سال‌های بعد از انقلاب و با غلبه‌ی گفتمان نوگرایان دینی که از اقتباس و تصرف در تجدد و ارائه‌ی الگوی تجددگرایی معطوف به مؤلفه‌های دینی و ملی در ایران دفاع می‌کرد، این مباحث وارد مرحله‌ی جدیدی شد. نگرش‌های مختلفی درباره‌ی چگونگی پیوند تجدد و دین و ملیت مجدداً در بین نوگرایان دینی طرح شد که به دلیل غلبه‌ی گفتمانی قرائت فقهی‌اجتهادی نوگرا این جریان تلاش برای عملیاتی‌کردن الگوی موردنظر خود را آغاز کرد و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای تأسیس ساختارهای جدید مبتنی بر الگوی پیشرفت معطوف به قرائت خود از دین و ملیت در ایران پرداخت.

دکتر یحیی فوزی در ادامه طرح موضوع خود درباره‌ی الگوی دوم پیشرفت به وضعیت دهه‌های اخیر ایران در این زمینه می‌پردازد و چنین نوشته است: برخلاف اینکه انقلاب ایران خود به‌دنبال الگویی متأثر از مؤلفه‌های دینی و ایرانی برای پیشرفت کشور بود و مبتنی بر آن به تأسیس نهادها و جهت‌گیری‌های خود پرداخت، اما در دو دهه‌ی اخیر بحث از ضرورت تأسیس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مجدداً در فضای گفتمانی و نخبگانی ایران را رهبری انقلاب مطرح کرد و برای تبیین چستی و چگونگی عملیاتی‌سازی این الگو طی دو دهه‌ی گذشته آثار مختلف و گسترده‌ای در عرصه‌ی علوم انسانی منتشر شده است؛ به‌طوری‌که صدها مقاله، کتاب و رساله و اثر پژوهشی درباره‌ی این موضوع نگاشته شد که هر یک از دیدگاهی خاص به این الگو نگرستند و تلاش برای تبیین آن را آغاز کردند. این حجم انبوه از اطلاعات ضرورت یک فرامطالعه و یکپارچه‌سازی برای رسیدن به هسته‌ی مشترک آن‌ها و شناسایی تفاوت‌ها و تشابه‌های یافته‌های این آثار با دیدگاه‌ها و نظریات پیشین در دو قرن گذشته در خصوص این الگو و دستیابی به تبیینی اجماعی و عالمانه از پدیده‌ی الگوی اسلامی ایرانی را الزامی می‌سازد. بر این اساس، مسئله‌ی این پژوهش تبیین ویژگی‌ها و وجوه نوآورانه‌ی یافته‌های این پژوهش‌ها در مقایسه با نظریات و اندیشه‌های متفکران پیشین بومی‌گرا در ایران و چرایی و چستی این الگو در آثار منتشرشده‌ی محققان علوم انسانی و ارائه‌ی مدلی برای تبیین نظری آن است.

در این اثر مؤلف به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی چه نسبتی با نظریات و اندیشه‌های معطوف به پیشرفت در بین متفکران علوم انسانی دارد؟ و پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی این الگو، در دو دهه‌ی گذشته در ایران، چه یافته‌های متمایز و نوآورانه‌ای در مقایسه با الگوهای پیشین مطرح ساخته‌اند؟

کتاب علوم انسانی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ فراترکیب یافته‌های پژوهشی با شمارگان ۳۰۰ نسخه در پاییز امسال در اختیار علاقه‌مندان مباحث نظری علوم انسانی خصوصاً دواستداران موضوع پیشرفت و توسعه‌ی کشور قرار خواهد گرفت.

برای کسب اطلاع از فهرست مطالب این اثر می‌توانید به وبگاه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بخش تازه‌های انتشارات یا بخش طرح جامع اعتلاء مراجعه فرمائید.



آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۰ در پژوهشگاه

مراسم آغاز سال تحصیلی جدید روز چهارشنبه مورخ ۷ مهرماه ۱۴۰۰، به‌صورت مجازی از طریق وبینار و با حضور جمعی از دانشجویان جدیدالورود و دانشجویان قدیمی، استادان و کارشناسان مدیریت آموزش و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه برگزار شد.



این مراسم با قرائت قرآن آغاز شد و در ابتدای جلسه، دکتر حسینعلی قبادی، رئیس وقت پژوهشگاه، ضمن گرامیداشت ایام اربعین حسینی علیه‌السلام و ایام بزرگداشت دفاع مقدس، شروع سال جدید تحصیلی را تبریک گفت و برای دانشجویان جدید، آرزوی موفقیت و سلامتی کرد. وی با اشاره به برگزاری این مراسم، از زحمات مدیریت آموزش و کارشناسان تحصیلات تکمیلی در ایام کرونایی تشکر و قدردانی کرد. دکتر قبادی نکاتی را مطرح کرد و خواستار توجه به آنان شد؛ نکته‌ی اول، دانشجویان محترم از همین حالا به فکر موضوع و مسئله‌ی رساله باشند و به قول مرحوم دکتر قیصر امین‌پور «چه زود، دیر می‌شود». نکته‌ی دوم، با استادان پژوهشگاه بسیار در ارتباط باشند و استادان نیز وقت و زمان کافی برای این موضوع مطابق جدول زمانی اختصاص دهند. سوم اینکه، کارشناسان آموزش، برای پاسخ‌گویی به دانشجویان در ایام کرونایی، وقت و اهتمام ویژه‌تری داشته باشند و برنامه‌ریزی لازم صورت پذیرد. نکته‌ی چهارم، در طول هر نیم‌سال تحصیلی، حداقل دو جلسه با هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه و با حضور دانشجویان گرامی برگزار شود. پنجم اینکه، مدت زمان تحصیلی دانشجویان خیلی طولانی مدت نشود و با حفظ و نیز افزایش کیفیت، امور آموزشی و پژوهشی، دانشجویان در زمان مقرر فارغ‌التحصیل شوند. برای این امر، بهتر است که دانشجویان نیز با فرایندهای قانونی و متداول آموزشی و پژوهشی آشنا شوند. نکته‌ی ششم، دانشجویان توان تحقیقاتی بیشتری از خودشان نشان بدهند و امید داریم که رساله‌های دوره‌ی دکتری در پژوهشگاه، قوی‌تر و باکیفیت‌تر از دیگر مراکز و دانشگاه‌ها باشد. پژوهشکده‌ها و استادان پژوهشگاه زمینه‌های تحقیق و پژوهش خود را از قبل اعلام کنند تا پذیرش دانشجو نیز با نگاه به این موضوع صورت گیرد. نکته‌ی آخر، دانشجویان با حوزه‌های کاربردی‌سازی و ترویجی‌سازی پژوهشگاه در ارتباط باشند و حلقه‌ی استاد و پژوهش توسط دانشجو تکمیل شود. این حوزه‌های مذکور، زمینه‌ی کار و فعالیت بسیار زیاد دارند.

دکتر قبادی در پایان سخنان خود، ضمن عرض تبریک مجدد به پذیرفته شدگان دوره‌ی دکتری در پژوهشگاه، برای آنان از خداوند متعال، سلامتی و تندرستی و موفقیت مسألت کرد.

سخنران دوم این نشست، دکتر ملایی‌توانی، معاون پژوهشی پژوهشگاه بود که ضمن خیرمقدم به دانشجویان جدیدالورود پژوهشگاه، برای آنان سلامتی و موفقیت آرزو و ابراز امیدواری کرد که با پایان یافتن ایام کرونا، کلاس‌های درسی و آموزشی به‌صورت متعارف و حضوری برگزار شود.

وی ادامه داد: پژوهشگاه از بزرگ‌ترین مؤسسات پژوهشی است که حدوداً ۶۰ سال تجربه دارد و وجه تمایزش با سایر مراکز آموزشی و پژوهشی، در برگزاری کارگاه‌ها، نشست‌های علمی تخصصی و همایش‌هاست و توصیه کرد که دانشجویان نیز حتماً در این برنامه‌ها شرکت کنند و از محتوای آموزشی آنها استفاده و بهره ببرند که به‌عنوان

نمونه به برنامه‌های پیش‌بینی شده برای هفته‌ی پژوهش امسال (آذرماه ۱۴۰۰) اشاره کرد. معاون پژوهشی پژوهشگاه، به معضل طولانی‌شدن دوره‌ی تحصیلی اشاره کرد و از دانشجویان نیز خواست تا با برنامه‌ریزی درسی مناسب در زمان مقرر، درس را به اتمام برسانند. وی در پایان سخنرانی خود، به رساله‌های دکتری پرداخت و توجه دانشجویان را به این موضوع مهم جلب کرد که از الآن به فکر طرح مسئله برای رساله خود باشند و با راهنمایی استادان محترم پژوهشگاه به آن بیندیشند، چراکه فرصت‌ها زود سپری می‌شوند و اگر رساله‌ی پژوهشی فاقد مسئله باشد، بعداً نیز به هیچ کاری نمی‌آید. دانشجو موظف است که از رساله‌ی خود مقاله‌ی علمی-پژوهشی ارائه کند و این مقاله باید سخن نوآورانه و کوتاه پژوهش انجام‌شده‌ی وی باشد. اگر دانشجو در ذهن خود مسئله داشته باشد و از قبل برای آن مطالعه کرده باشد، مقاله با کیفیت بهتری نوشته می‌شود.



سخنران بعدی، دکتر روح‌الله کریمی، مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، ضمن خیرمقدم و خوشامدگویی به دانشجویان جدیدالورود، از آنان خواست که حتماً سابقه‌ی پژوهشگاه را مطالعه کنند و با فعالیت‌های پژوهشگاه از گذشته تا کنون بیشتر آشنا شوند. چون این شناخت به استفاده‌ی بیشتر از فرصت‌ها کمک می‌کند. فارغ‌التحصیلان پژوهشگاه با سایر فارغ‌التحصیلان تمایز دارند زیرا از توان پژوهشی بالاتری برخوردار هستند و این‌جا تأکید بر تربیت پژوهشگر علوم انسانی‌ست. درس پژوهش‌ورزی هم به این منظور در برنامه‌ی درسی و آموزشی دانشجویان لحاظ گردیده که باید به عنوان فرصت خوب به آن نگریسته شود.

وی ابراز امیدواری کرد که با شکست کرونا؛ امکان برگزاری کلاس‌های حضوری به شیوه‌ی قبل و متداول فراهم شود که این امر نیز تابع تصمیمات ستاد ملی کرونا و ابلاغیه‌ی وزارت عتف خواهد بود. دکتر کریمی، از دانشجویان خواست تا آن زمان نیز، زمینه‌های پژوهشی و آموزشی را در خودشان تقویت کنند. مدیر آموزش، شرح داد: از سال آتی پذیرش دانشجویان دوره‌ی دکتری بر اساس طرح‌نامه‌ی پژوهشی رساله‌ی دکتری خواهد بود که بر اساس اعلام و اطلاع‌رسانی پژوهشگاه‌ها و استادان اقدام خواهد شد. وی با اشاره به تدوین برنامه‌ی زمانی فعالیت‌های تحصیلی دانشجویان دوره‌ی دکتری و ابلاغیه‌های جدید کمیسیون موارد خاص، تصریح کرد که در خصوص سنوات تحصیلی بسیار سخت‌گیرانه‌تر از قبل اعمال می‌شود. به عنوان نمونه، دانشجو موظف است که در آغاز هر نیم‌سال تحصیلی نسبت به ثبت‌نام اقدام کند و وضعیت خود را نامشخص رها نکند. دانشجویان می‌توانند رساله‌های کارفرمایی را که در ارتباط با سایر نهادها و سازمان‌ها است، پیشنهاد بدهند و پس از تصویب به انجام آن پردازند که منافع مادی و غیرمادی برای آنان دارد. این موضوعات معمولاً پس از وصول به پژوهشگاه، اطلاع‌رسانی می‌شود. برای برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های علمی-تخصصی نیز می‌توانید موضوع پیشنهاد بدهید و در صورتی که تمایل و امکانش را داشته باشید، اجرای آن را نیز بر عهده بگیرید. دکتر کریمی در پایان سخنانش، به معرفی همکاران و شرح وظایف کارشناسان آموزش پرداخت و سپس دانشجویان جدیدالورود به معرفی خود پرداختند.

این مراسم به صورت حضوری و مجازی برگزار شد و همکاران عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی در این مراسم مشارکت داشتند.

مرور کارنامه‌ی اجمالی پژوهشگاه از سال ۹۵ تاکنون در دیدار ماهانه‌ی اعضای هیأت علمی

دیدار ماهانه‌ی اعضای هیأت علمی با هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه، مورخ ۲۹ شهریور ماه ۱۴۰۰ به‌صورت مجازی برگزار شد. با توجه به تعطیلی دوشنبه ابتدایی مهرماه به دلیل اربعین حسینی، جلسه‌ی ماهانه‌ی مهر ماه یک هفته زودتر برگزار شد. دکتر حمید سجادی، مدیر دفتر امور هیأت علمی، جلسه را با تشکر از همراهی همیشگی هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه آغاز کرد و توضیحاتی مقدماتی از موضوع این جلسه با عنوان تبیین «شیوه‌نامه‌ی خدمت اعضای هیأت علمی تمام وقت ویژه»، به‌عنوان دغدغه‌ی مهم و مورد بحث اعضای هیأت علمی پژوهشگاه، ارائه کرد.

وی با این مقدمه از دکتر ملایی‌توانی، معاون پژوهش و تحصیلات تکمیلی وقت به‌عنوان متصدی اصلی تدوین شیوه‌نامه درخواست کرد تا توضیحی درباره‌ی شیوه‌نامه بیان فرمایند و پس از آن پرسش‌ها و نقطه نظرات اعضای هیأت علمی پژوهشگاه طرح و پاسخ داده شود و نکات اصلاحی و پیشنهادی آن‌ها محل بحث و بررسی و احياناً اصلاح قرار گیرد.

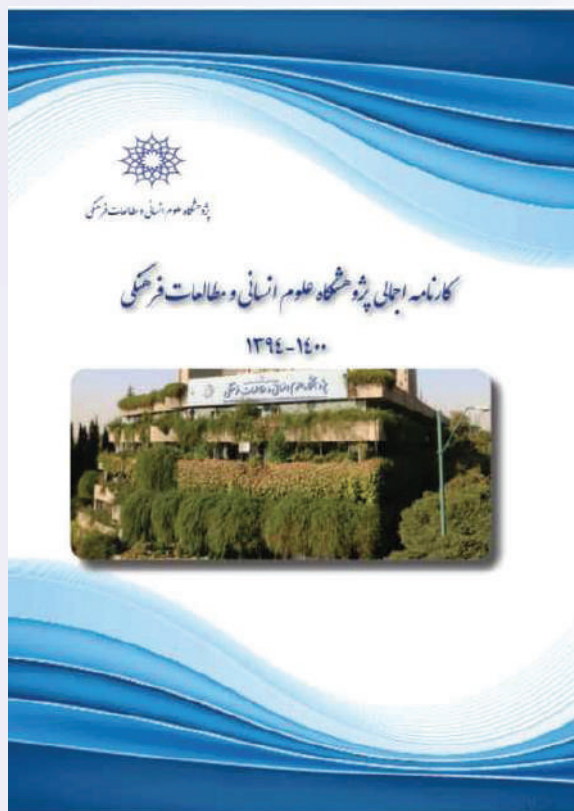
دکتر ملایی‌توانی با بیان اینکه تسری همسان‌سازی به پژوهشگاه‌ها بعد از همسان‌سازی دانشگاه‌ها با فراز و فرودهای بسیاری همراه بود و این که مدام مشکلات و موانع زیادی پیش می‌آمد، از تلاش‌های شبانه‌روزی رؤسای پژوهشگاه‌ها و اعضای هیأت علمی به‌ویژه شخص دکتر قبادی، که در نهایت امکان پیوستن اعضای هیأت علمی پژوهشی به طرح همسان‌سازی را فراهم آورد، تقدیر و تشکر کرد.

وی با اشاره به اینکه خوشبختانه صدور احکام آن نیز در ماه گذشته به سرعت در دستور کار قرار گرفت و صادر شد بیان کرد: طرح همسان‌سازی دو قسمت دارد؛

بخش اول شامل تمام اعضای هیأت علمی می‌شود که احکام آن صادر شد و طبیعتاً هیچ تبصره و الزامی هم بر آن بار نبود، اما بخشی دومی هم دارد که با عنوان اعضای هیأت علمی تمام وقت ویژه از آن یاد می‌شود. این بخش یک شرایط و ضوابطی است که هیأت امنای وزارت علوم مصوب کرده و هر کدام از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها ملزم به تدوین شیوه‌نامه‌ای منطبق با این چارچوب اصلی ساختند.

با این وصف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز با اِبتنای بر آن چارچوب اصلی طراحی شده از سوی وزارت علوم، متنی بومی شده‌ای به‌عنوان شیوه‌نامه‌ی خدمت اعضای هیأت علمی تمام وقت ویژه در معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی تدوین کرد. پیش‌نویس این شیوه‌نامه در چندین جلسه‌ی پیاپی در هیأت رئیسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در نهایت مصوب شد. برای تدوین شیوه‌نامه‌ی مذکور، ابتدا مجموعه‌ای از شیوه‌نامه‌ها که سایر دانشگاه‌ها و مراکز علمی تهیه کرده بودند، مورد بهره‌برداری قرار گرفت و سعی شد شیوه‌نامه به ساده‌ترین و معتدل‌ترین شکل تدوین و طراحی شود. آن‌چنان که اکثریت اعضای هیأت علمی بتوانند از مزایای این همسان‌سازی بهره‌مند شوند.

این شیوه‌نامه در اختیار اعضای هیأت علمی قرار گرفت و تلاش شد تا اکثریت اعضای هیأت علمی از این امکان بهره‌مند شوند. در جایی برخی از اعضای هیأت علمی حائز شرایط نبودند. در این مرحله معاونت پژوهشی به‌صورت تک‌تک با اعضای هیأت علمی تماس گرفتند و مسائل آن‌ها و راهکار برای هر یک را برای آن‌ها شرح دادند.



برخی مشکلاتی داشتند که در حال بررسی و حل است، تعداد معدودی از بهره‌مندی از این مزیت و قرار گرفتن به‌عنوان هیأت علمی تمام وقت ویژه انصراف دادند، بسیاری هم پرونده‌هایشان را تکمیل کردند. شیوه‌نامه اساساً یک تعهدنامه است با یک الزام و آن اینکه کاری بیرون نداشته باشند. مترتب با آن برخی از آیین‌نامه‌ها نیز باید اصلاح و بازبینی شوند از جمله آیین‌نامه‌ی ترفیع. بر این اساس در معاونت پژوهشی تاکنون چهار جلسه تشکیل شده و آیین‌نامه‌ی ترفیع نیز بازنگری شد. با این توضیح دکتر ملائی خود شنونده‌ی نظرات و مسائل دوستان و همکاران شدند.

در ابتدا دکتر الهام ابراهیمی ضمن تقدیر و تشکر از تلاش شبانه‌روزی ریاست پژوهشگاه و معاونت‌ها برای به ثمر رسیدن همسان‌سازی و اقدامات سازمانی برای محقق شدن آن به بیان چند محدودیت حادث شده از شیوه‌نامه پرداخت و گفت: این مسئله، دغدغه‌ی بسیاری از اعضای هیأت علمی پژوهشی است. همان تفرقی که در همسان‌سازی اعضای هیأت علمی آموزشی و پژوهشی بود که البته حل شد در خصوص شیوه‌نامه تسری یافته است. اساساً مشکلی با حضور تمام وقت یا بیست درصد افزایش فعالیت‌های پژوهشی نداشته حتی منافع و مزایای مادی حاصل از فعالیت‌های خارج از پژوهشگاه در حوزه‌ی تدریس را نیز قابل اغماض بیان کرد. در واقع مسئله‌ی محروم کردن اعضای هیأت علمی پژوهشی از تدریس، راهنمایی و ارتباط با دانشگاه به‌ویژه دانشگاه‌های ممتاز کشور است. با این اقدام علاوه بر محروم شدن عضو هیأت علمی پژوهشی از ارتباط با دانشگاه، از مزایایی که عضو هیأت علمی نیز می‌توانست بر اساس آیین‌نامه‌ی ارتقاء از تدریس، راهنمایی رساله و پایان‌نامه و بسیاری دیگر از فعالیت‌ها داشته باشد محروم می‌شود. این‌جا شکاف بین اعضای هیأت علمی آموزشی و پژوهشی عمیق‌تر می‌شود و پژوهشگاه نیز ارتباطاتش را با دانشگاه از دست می‌دهد. این در حالی است که پژوهشگاه بدون دیوار اساساً شعار ما بوده است.

دکتر ملائی توانی در پاسخ بیان کرد که این مسائل هم مورد اندیشه و دغدغه‌ی ما بوده است اما متأسفانه در مصوبه‌ی هیأت امناء، روح محدودکننده و انزوا جویانه وجود دارد. از همین‌رو ما نیز نظرات پیشنهادی خود را در مواجهه با این محدودیت‌ها تدوین و برای وزارت علوم ارسال کرده‌ایم. وی بیان داشت: به نظر من، این مصوبه به این شکل قابل اجرا نیست، زیرا حتی دانشگاه‌ها نیز برای آموزش بسیاری از دروس خود نیازمند به استادان خارج از مجموعه‌ی خود هستند و این محدودیت منبعث از شیوه‌نامه، مسئله‌ساز است و اینکه به نظرم به‌سرعت این تغییر و اصلاح اتفاق می‌افتد. درضمن با این مصوبه به این نحوی که وجود دارد ارتباطات علمی آسیب می‌بیند، به‌ویژه برای استادان هیأت علمی پژوهشی که پتانسیل زیادی برای تدریس دروس تخصصی دارند. با این حال بر اساس آنچه اکنون در اختیار ماست، مصوبات هیأت امنای کشور است که محدودیت ایجاد کرده و در حال حاضر نمی‌توان از آن تعدی کرد، هرچند امیدواریم که هرچه زودتر این تغییر و اصلاح صورت بگیرد تا بتوان از ذخایر انباشته شده اعضای هیأت علمی پژوهشی برای آموزش نیز استفاده کرد. سخن این که این مطالبات به‌شدت مطرح بوده و امیدواریم که زیان‌های ناشی از همسان‌سازی به حداقل برسد و منافع آن به حداکثر برسد.

در ادامه دکتر حمید سجادی گفت: محدودیت‌های ارتباطی شیوه‌نامه برای اعضای هیأت علمی که از سال گذشته متعهد شدند نیز این محدودیت‌ها اعمال می‌شود یا نه، به‌ویژه درخصوص راهنمایی رساله‌ها که اعضای هیأت علمی قبل از سال ۱۴۰۰ متعهد شده و پذیرفته‌اند. مسئله‌ی دیگر مربوط به نادیده گرفتن رتبه‌های علمی است که میزان متفاوتی از ساعات حضور را برای اعضای هیأت علمی طلب می‌کرد. دکتر ملائی توانی پاسخ داد: اعضای هیأت علمی که راهنمایی رساله و پایان‌نامه و تدریس که قبل از ۱۴۰۰ متعهد شده‌اند شامل این شیوه‌نامه نمی‌شود، اما در خصوص سایر فعالیت‌ها این امکان وجود ندارد، و بنا به مصوبه‌ی هیأت امناء نمی‌توان ارفاقی قائل شد. در خصوص رتبه‌ی اعضای هیأت علمی هم مصوبه‌ی هیأت امناء این تفاوت را لحاظ نکرده است. اتفاقاً این پیشنهاد را در هیأت رئیسه طرح کردیم اما به‌واسطه‌ی مغایرت با مصوبه‌ی هیأت امناء مورد قبول واقع نشد.

در خصوص بیست درصد افزایش امتیازات نیز قابل ذکر است که ۲۰ درصد را باید در آیین‌نامه‌ی ترفیع دیده شود که شامل مجموعه فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی از جمله شرکت در همایش، مقاله علمی گروهی، سخنرانی و ... است. در مجموع شرایط آسانی را دارد و اساساً فکر نمی‌کنم که دشواری وجود داشته

باشد.

دکتر سمیه توحیدلو پرسش خود را از مغایرت با آیین‌نامه‌ها و اسناد بالادستی طرح کرد. دکتر ملائی‌توانی در پاسخ بیان کرد که همسان‌سازی و تدوین شیوه‌نامه همچون مسائل مستحدثه هستند که در سامانه‌ی اسناد و آیین‌نامه‌ها طرح شده و به تبع آن سایر آیین‌نامه‌ها باید بر مبنای این مصوبه اصلاح شود. با این وصف تناقضی وجود ندارد چرا که آیین‌نامه‌های قدیم اصلاح می‌شود و به تبع آن آیین‌نامه‌های جدیدی تدوین خواهد شد که از جمله‌ی آن‌ها آیین‌نامه‌ی ترفیع است.

دکتر نادر سیدکلایی نیز با اشاره‌ی کوتاهی به تاریخچه‌ی تمام وقت ویژه در وزارت بهداشت، اساس همسان‌سازی را مشوقی برای استادان جهت پیوستن و فعالیت در دانشگاه دانسته و تسری آن را بر مبنای نارضایتی بین اعضای هیأت علمی عطف با اعضای هیأت علمی وزارت بهداشت دانست. وی با اشاره به این که همسان‌سازی اعضای هیأت علمی یعنی این که آن‌ها حاضر شوند تمام وقت ویژه بشوند. در این راستا به ازای هر پنج سال یک پایه‌ی تشویقی نیز به آن‌ها اعطا می‌شود. با این مقدمه این پرسش را مطرح نمودند که آیا در رابطه با مزایای مثل پایه‌ی تشویقی در پژوهشگاه برنامه‌ای هست و این که چرا دانشگاه‌ها تفسیری موسع‌تری از مصوبه کرده و امتیازات بیشتری را لحاظ کرده‌اند.

دکتر ملائی پاسخ داد: شیوه‌نامه‌ی وزارت علوم مصوب هیأت امناء خیلی مفصل هست اما شیوه‌نامه‌ی تمامی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی چیزی متفاوت از این مصوبه نیست و در خصوص دریافت پایه‌ی تشویقی در ازای چند سال تمام وقت ویژه صحیح است و این قابل اعمال در پژوهشگاه هم هست چرا که اساساً مصوب هیأت امناء بوده و قابل اجرا است.

دراذمه‌ی نشست دکتر قبادی، نیز با بیان خرسندی از شنیدن نظرات دوستان که مسئله را از زوایای گوناگون طرح و مورد بحث قرار می‌دهند، آن‌چنان که گاهی خیلی ایجاز دارند و گاه قابل تأمل و بحث است. وی پاسخ‌های دکتر ملائی را تأیید کرد و شرح داد: دکتر ملائی به‌خوبی مسئله را بیان کردند و توضیحات را کامل ارائه داد و محدودیت‌ها و امکانات و جایی که برای پژوهشگاه جا باز بوده، همه را به‌خوبی بیان کردند. با این توضیح که اصل زحمت تدوین شیوه‌نامه خدمت هیأت علمی تمام وقت ویژه را معاونت پژوهشی کشیدند که تمام این موارد باید به بازدهی فعالیت‌های پژوهشی منجر شود، از این‌رو معاونت پژوهشی متولی این امر شیوه‌نامه قرار گرفت.

برای بارها و بارها پیش‌نویس‌های متعددی از شیوه‌نامه در مدت کوتاهی طرح و در دستور جلسه‌ی هیأت رئیسه قرار گرفت تا در نهایت به این شیوه‌نامه رسیدیم. در آن‌جا مسئله‌ی اصلی ما محقق شدن هر چه سریع‌تر این امر بود.

وی ادامه داد: ما در یک تجربه‌ی نوینی قرار داریم طبیعی است که باید مدت زمانی از اجرای فرایند طی بشود تا مسائل آن روشن شود و خدا را شکر معاون پژوهشی ما خودش یک پژوهشگر برتر است و اساساً دغدغه‌های همه‌ی دوستان برای آن آشنا بوده و دغدغه‌ی خود ایشان نیز بوده است. چرا که دکتر ملائی توانی خود تجربه‌ی زیسته‌ی موفق پژوهشی داشته و دارند. از همین‌رو بود که وی بیشتر از هشت آیین‌نامه نوشتند تا بدین‌جا رسیدند.

با این حال فرمایش دوستان هم از یک نقطه نظر درست هست، می‌شود این کاستی را هم در ویراست بعد آیین‌نامه دید و آن‌جا که مربوط به آیین‌نامه‌ها و اسناد بالادستی است هم به مسئولان عالی رتبه پیشنهاد می‌شود. با این امید که در پرتو این امکانات بتوانیم فعالیت‌ها و خروجی بهتر و بالاتری و بهتری از پژوهشگاه‌ها را شاهد باشیم.

در ادامه دکتر مریم هاشمی به طرح این پرسش پرداخت که ۲۰ درصد بیشتر فعالیت‌های پژوهشی اعضا چگونه حاصل شود؟

دکتر ملائی‌توانی در پاسخ گفت: این امتیازات از تمام فعالیت‌های پژوهشی تعیین شده در آیین‌نامه ارتقاء قابل احصاء است. وی ادامه داد: بسیاری از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه امکان و فرصت فعالیت در حوزه‌ی تدریس و آموزش را تاکنون نداشته‌اند. با این حال از آن‌جایی که امکان پرداخت حق‌التدریس نیست امکان جذب استاد از بیرون هم نیست، نیازمند بازنگری برای بهره‌گیری بیشتر و توزیع منطقی‌تر آموزشی بین اعضای هیأت علمی

پژوهشی هستیم. این ضرورت به پژوهشکده‌ها نیز ابلاغ شده است.

دکتر ابوترابی با اذعان بر اینکه مدیران و اعضای پژوهشگاه تلاش ویژه‌ای برای تحقق همسان‌سازی داشتند و از پی‌روها بوده‌اند، به تقدیر و تشکر از زحمات رئیس و معاونین پژوهشگاه پرداخت. وی همچنین با تقدیر از مدیران پژوهشگاه که علاوه بر فعالیت‌های پژوهشی که می‌کنند مشغله‌های مدیریتی و فعالیت‌های اجرایی بسیاری هم دارند، از دغدغه‌ی مشترکی که رئیس پژوهشگاه و معاونین پژوهشگاه با اعضای هیأت علمی دارند و مسائل ما را در نظر گرفتند، تشکر کرده و به طرح مسئله‌ی خود درباره‌ی ذهنیت پژوهشگاه در خصوص رویکرد سختگیرانه‌ی مصوبات و آیین‌نامه‌ها از جمله در مورد تعداد صفحات پژوهش‌های موظفی، سیستم داوری و طرح‌نامه، بحث حضور و غیاب، حق‌التدریسی هیأت علمی تمام‌وقت و ویژه پرداخت و اینکه این سختگیری بیشتر دامن‌گیر افراد فعال و قانون‌مند می‌شود. وی راهکار این مسئله (ذهنیت پژوهشگاه) را به روابط عمومی پژوهشگاه مربوط دانست و درخصوص رویکرد سخت‌گیرانه‌ی آیین‌نامه‌ای که البته سختی آن برای کسانی باقی می‌ماند که قانون‌مند عمل می‌کنند، خواستار تسهیل شرایط آیین‌نامه‌ای شد.

دکتر زهرا مبلغ با تشکر از دکتر قبادی و دکتر ملائی گفت: پژوهشگاه در انجام همسان‌سازی‌ها از مؤثرترین‌ها بوده است. وی همچنین بیان کرد: پژوهشگاه در مقایسه با دوران قبل شاهد اتفاقات خیلی خوب بوده است و این امری قابل تقدیر و تشکر است. با این توضیح وی تاکید کرد که همه‌ی ما موظف هستیم، فعال باشیم و در این راستا به مسئله‌ی شیوه‌نامه پرداخت و آن اینکه مسئله‌ی این آیین‌نامه همچون بسیاری از آیین‌نامه‌ها، کم و زیاد شدن مقاله و کار و فعالیت است درحالی‌که اساس آیین‌نامه‌های تدوین شده ناشی از فهم مسئله‌دار از ماهیت دانش هست، نگاهی ماشینی به اعضای هیأت علمی که می‌توانند دانش تولید کنند. این درحالی‌ست که دانش با مجموعه‌ی جامعه و در شبکه‌ای از روابط حاصل می‌شود. بنابراین ما وظیفه داریم این نگاه را اصلاح کنیم و پژوهشگاه باید صدای ما را برساند و فراتر از آن صدای علوم انسانی را بیان کند. علوم انسانی جدی گرفته نمی‌شود از این‌رو نگاه مخدوش به علوم انسانی باید اصلاح شود. با این وصف نه تنها باید این آیین‌نامه را نقد کنیم، بلکه باید رویکرد کلی این آیین‌نامه را نقد و اصلاح کنیم، با نوشتن، لابی کردن و با هر ابزار و توانی که داریم این نگاه به علم را زیر سؤال ببریم.

دکتر ملائی توانی ضمن تقدیر از نگاه عمیقی که اعضای هیأت علمی پژوهشگاه به مسئله داشتند، قبل از هر چیز پیشنهاد طرح این موضوعات در قالب یک پنل و سخنرانی در ذیل علوم انسانی و مسائل آن، در هفته‌ی پژوهش را طرح کرد که بتوان این نکات را مورد ارزیابی دقیق‌تری قرار داد. همچنین وی با بیان اینکه ما در یک شرایط ایده‌آلی قرار نداریم، که اگر بودیم مطلوب همان بود که شما می‌فرمایید توضیح دادند که بسیاری از قوانین و مقررات ضروریست به‌ویژه برای برخی از افراد که پذیرای حداقل مسئولیت‌هایشان نیستند. علاوه بر این از نظر سازمانی نیز سطحی از الزامات ضروریست. از یک نقطه‌نظر نیز باید به این ریشه‌ی تاریخی و فرهنگی مسئله توجه داشت که تعارض رویکرد مسئولین و مدیران با جامعه همیشه وجود داشته و مسئله‌ی ذهنیتی که از آن سخن رفت ریشه‌های تاریخی و فرهنگی دارد. با این حال تلاش ما این بوده که متعادل‌ترین شرایط را ایجاد کنیم آن‌ها از طریق مشورت و در جلسات کارشناسی و متعدد با این دغدغه که تمامی ذی‌نفعان را در برگیرد و بیشترین منافع را حاصل کند.

دکتر شریفی با بیان این که اساساً کار و فعالیت‌های من به‌شکل آزمایشگاهی و تیمی است و به‌شکل گروهی فعالیت می‌کنیم و اعضای این تیم بیشتر در بیرون پژوهشکده هستند به طرح مسئله‌ی خود در رابطه با شیوه‌نامه پرداختند و این که کارهای وی آزمایشگاهی است و به‌صورت همکاری با دانشگاه‌ها و دانشجویان در خارج از پژوهشگاه حاصل می‌شود. این در حالی است که شیوه‌نامه با ضوابطی که تعریف کرده اساساً این رویکرد را با چالشی اساسی روبه‌رو ساخته است.

دکتر افراشی نیز با بیان این که عضو هیأت علمی اساساً تحت هر شرایط مساعد و نامساعدی کار درست و مناسب خود را انجام می‌دهد توضیح داد که آیین‌نامه‌ها برای شخص من خیلی استرس ایجاد نمی‌کند چرا که یک پژوهشگر در نهایت کار خود را انجام می‌دهد. با این حال مسئله این است که تعارضات آیین‌نامه‌ای بسیاری ایجاد شده است با این وصف که در جایی معاونت کاربردی‌سازی از ارتباطات برون‌سازمانی سخن

می‌گوید و در جایی شیوه‌نامه قطع هر گونه رابطه‌ای را الزامی می‌کند. با این حال وی تأکید کرد که علوم انسانی آن‌قدر قدرت دارد که این تعارضات را نپذیرد و پژوهشگر علوم انسانی در نهایت آن کاری را که درسته است، انجام می‌دهد.

دکتر قبادی در پایان با بیان این که مسائل به خوبی در این جلسه رصد و مورد تبیین قرار گرفت، توضیح دادند که همه‌ی این نکات طبیعی است چرا که هر کار بزرگی در آغاز با چنین مسائلی روبه‌رو می‌شود. تدوین آیین‌نامه ترفیع و ارتقاء نمونه و مصادق بارز این وضعیت است. دکتر قبادی افزود: پژوهشگاه‌ها برای کشور فرصت و نعمت هستند، این که یک گروه بزرگی از فرهیختگان جامعه در این پژوهشگاه‌ها باید در این جا تفکر کنند و موضوعات را مورد بحث و تفحص قرار بدهند. در این میان پژوهشگاه علوم انسانی از جایگاهی استراتژیک برخوردار است. با این توضیح وی گزارشی از حوزه‌ی فعالیت‌های پژوهشگاه را تیتروار برشمرد که تکمیل شده‌ی آن در ذیل آورده شده است:

۱. تصویب اساسنامه‌ی جدید پژوهشگاه.
۲. برای نخستین بار تدوین برنامه‌ی راهبردی پژوهشگاه به‌منظور پایش و راهبری این برنامه‌ها.
۳. بازآرایی و چابک‌سازی ساختار سازمانی: اجرای ساختار جدید پژوهشگاه که با حذف مدیریت‌های زائد و تأسیس و پویاسازی گروه‌های علمی و پژوهشی روزآمد همراه بوده، یکی از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در سال‌های اخیر است.
۴. نظام‌مندسازی فرایندهای پژوهش: از طریق تدوین و تصویب ۸ آیین‌نامه، نظام‌نامه و شیوه‌نامه‌ی پژوهش
- ۵- شفاف‌سازی قوانین و مقررات: کلیه‌ی مصوبات هیأت‌امنا (که بر اساس قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، مرجع قانون‌گذار برای پژوهشگاه است)، به‌صورت شفاف و نظام‌مند در وب‌سایت پژوهشگاه در دسترس همگان قرار گرفته است.
۶. حرکت بر مبنای خرد جمعی و تقویت مدیریت درون‌زا و شورایی: (بالغ بر ۲۵ کمیته، کمیسیون و شورا در پژوهشگاه تشکیل شده است).
۷. تأسیس سامانه‌ی یکپارچه مدیریت اطلاعات پژوهش (سیماپ): نتیجه این اقدام افزایش سالانه‌ی میزان تولید علم در پژوهشگاه بود. چنان‌چه میزان تولید علم را برابرید چهار فاکتور طرح‌های پژوهشی پایان‌یافته، مقاله‌های علمی- پژوهشی، چاپ کتاب و سخنرانی‌های ارائه شده در نظر بگیریم، با بررسی داده‌ها می‌توان رشد ۲۰٪ سرانه‌ی تولید خالص علم (مقالات علمی- پژوهشی) و در مجموع ۳۲٪ تولیدات پژوهشی را مشاهده کرد.
۸. اقدامات حقوقی مؤثر برای اعاده‌ی مالکیت پژوهشگاه بر املاک و ساختمان‌های مختلف در شهرها و مناطق گوناگون: مواردی مانند زمین وردآورد، زمین قلعهک، ساختمان گلفام، ساختمان مفتح، اراضی چهارصد دستگاه، و همچنین ثبت تمامی اموال غیرمنقول پژوهشگاه در سامانه‌ی اسناد کشور.
۹. انجام اقدامات عمرانی راهبردی: ازجمله مهار آب‌های زیرزمینی در طبقه‌ی منفی سه پژوهشگاه و گسترش و کیفی‌سازی فضای کالبدی؛ بازسازی سالن اندیشه و رستوران پژوهشگاه.
۱۰. گسترش نوآوری و نظریه‌پردازی در علوم انسانی: دفتر کرسی‌های نقد، نوآوری و نظریه‌پردازی.
۱۱. گسترش همکاری با حوزه‌های علمی در جهت تحقق حداکثری پیوند حوزه و دانشگاه
۱۲. ایجاد گسترده‌ترین شبکه‌ی نخبگانی در حوزه‌ی نقد متون: هم‌اکنون شورای بررسی متون در حوزه‌ی علوم انسانی همکاری و مشارکت حدود ۳۰۰۰ نفر از استادان ۲۳۰ دانشگاه و مرکز علمی سراسر کشور را در ۱۷ گروه تخصصی فراهم کرده است.
۱۳. صیانت از میراث فرهنگی و احیای نسخ خطی تاریخی: برگزاری متناوب جلسات هیأت امنای کتابخانه‌ی مینوی و جلب اعتماد اعضای این هیأت برای بازگشایی مهر و موم اسناد و نسخ خطی و سنگی این کتابخانه و اقدام در جهت جمع‌آوری، تدوین و انتشار یادداشت‌ها و اندیشه‌های استاد مینوی از جمله مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در این زمینه است.
۱۴. رویکرد کاربردی و تدوین منشور کاربردی علوم انسانی و متنوع‌سازی خروجی‌های علمی و تولیدات پژوهشی.
۱۵. ورود پژوهشگاه به طرح تراز بین‌المللی وزارت علوم برای نخستین بار.
۱۶. فعالیت در جهت یکپارچه‌سازی اقدامات هیأت ممیزه و هیأت جذب در کشور: تبدیل هیأت ممیزه و هیأت

- جذب پژوهشگاه به قطب هیأت ممیزه و جذب مؤسسات پژوهشی علوم انسانی وزارت علوم به‌طوری‌که تعداد مؤسسات تابعه آن به ۱۳ نهاد پژوهشی رسید.
۱۷. توسعه‌ی کمی و کیفی پرتال جامع علوم انسانی: ارتقاء ۵۰۱ پله‌ای در میان کاربران ایرانی پرتال و همچنین رشد ۱۲۵۵۷ پله‌ای در وبسایت مرجع الکسا از جهت تعداد کاربران سراسر جهان.
۱۸. متنوع‌سازی دستاوردهای پژوهشی و ترویج یافته‌های پژوهش در حوزه‌ی علوم انسانی: سالانه افزون بر ۱۰۰ کارگاه، درس‌گفتار و ۲۵۰ نشست علمی در مرکز آموزش‌های تخصصی آزاد پژوهشگاه برگزار شده است. راه‌اندازی مرکز نوآوری علوم انسانی و خانه‌ی خلاق علوم انسانی و فرهنگ نیز در این زمینه قابل توجه است که ثمرات آن در سال‌های پیش‌رو بیش از پیش بروز خواهد یافت.
۱۹. اثرگذاری در عرصه‌ی سیاست‌گذاری کلان با انتشار گزارش‌های راهبردی و توصیه‌های سیاستی: این اثرگذاری در بالاترین سطح از دستگاه‌های سیاست‌گذاری کشور و از جمله در نهادهایی مانند دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی، کمیسیون «امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست» هیأت دولت، کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک هیأت دولت، شورای اجتماعی کشور و شورای کار وزارت کار و امور اجتماعی و دیگر مراجع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشور صورت گرفته است.
۲۰. روزآمدسازی، ارتقاء و توسعه‌ی وبسایت پژوهشگاه.
۲۱. جذب نیروهای کاملاً نخبه و متخصص و جایگزین‌سازی استادان و پژوهشگران بازنشسته یا در حال بازنشستگی با دانشمندان جوان بر اساس نظر و مشارکت فعال پژوهشکده‌های ذی‌ربط: پژوهشگاه در امر «شایسته‌گزینی» به‌مثابه آرمانی محوری در برنامه‌ی راهبردی نخست، اقدامات بنیادینی صورت داد که جذب ۶۳ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های برتر کشور (عمده‌ی جذب‌شدگان از فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران - ۲۵ نفر؛ حدود ۴۰ درصد جذب شدگان - و دیگر دانشگاه‌های تراز اول کشور هستند) از جمله مهم‌ترین بروزات آن است.
۲۲. تأسیس قطب زبان‌شناسی پیکره‌ای به‌عنوان تنها قطب زبان‌شناسی در کشور
۲۳. ارتقاء جایگاه ملی و بین‌المللی پژوهشگاه و کسب ۲۶ جایزه‌ی ملی و بین‌المللی در سال‌های ۱۳۹۴ - ۱۳۹۹ از سوی اعضای هیأت علمی در رشته‌های مختلف.
۲۴. ارتقاء سطح رفاهی و معیشتی کارکنان پژوهشگاه
۲۵. مواجهه‌ی فعال با بحران فراگیر کرونا: انتشار آثار متعدد علمی و کسب مقام نخست کشور در جشنواره‌ی کرونا روایت.
۲۶. اجرای طرح جامع اعتلای علوم انسانی و جلب ردیف بودجه مستقل برای آن در چارچوب بودجه سالانه‌ی پژوهشگاه و ...

دکتر قبادی در انتهای سخنانش تأکید کرد: باید به اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افتخار کرد، همچنین برای رونق بیشتر پژوهشگاه و حوزه‌ی مطالعات علوم انسانی باید کارهای نوتر انجام شود و اینکه باید با یک مقدار واقع‌بینی، تعامل و پی‌گیری باز بودن باب گفت‌وگو پیش ببریم. از این‌رو تدوین و تنظیم خواسته‌ها و دغدغه‌های اعضای هیأت علمی در این جلسه به‌منظور پی‌گیری آن را خواستار شد.

دکتر ملائی‌توانی نیز مطالب مطرح شده را راه‌گشا دانست آن‌چنان‌که با اکتفا بر آن اجرای درست‌تر شیوه‌نامه‌های هیأت علمی تمام وقت را می‌توان انتظار داشت. با این حال وی تصریح کرد: مشکل تعارض قوانین، مسئله‌ای عام است و اگرچه پی‌گیری ارتقای آن در دستور کار قرار می‌گیرد اما حل آن به‌ویژه در کوتاه‌مدت چندان چشم‌انداز مثبتی ندارد. از این‌رو توصیه کرد که اگر مسئله‌ای خاص برای هر یک از اعضای هیأت علمی قابل طرح بود، با کمک رئیس پژوهشکده همچنین با کمک شورای پژوهشی پژوهشکده راه‌حلی تدوین شود و این که معاونت پژوهشی نیز حتماً پذیرا خواهد بود.

با طرح سؤالات حاضرین در این جلسه‌ی مجازی و گفت‌وگوی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه با معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی و ریاست پژوهشگاه، تمامی وقت تعیین شده برای دستور جلسه به تبیین و گفت‌وگو درباره‌ی شیوه‌نامه اختصاص یافت از این‌رو دو دستور جلسه‌ی دیگر به برنامه‌ی آتی جلسه ماهانه‌ی اعضای هیأت علمی با هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه موکول شد. در پایان، با تشکر از حاضرین در جلسه و آرزوی سلامتی و موفقیت برای هموطنان و همکاران خاتمه‌ی این نشست مجازی اعلام شد.

سیاست‌گذاری اقتصادی بخش فرهنگ

چهارمین پیش‌نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و بهسازی راهبردها و سیاست‌ها»، با عنوان «سیاست‌گذاری اقتصادی بخش فرهنگ» با حضور محمدرضا مریدی (عضو هیأت علمی دانشگاه هنر تهران و دبیر این نشست)، دکتر حمیدرضا ششجوانی (پژوهشگر مؤسسه‌ی توسعه‌ی صنایع فرهنگی و خلاق)، روز ۴ مهرماه ۱۴۰۰، به‌صورت مجازی و به میزبانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



دکتر حمیدرضا ششجوانی اولین سخنران پیش‌نشست، سخنان خود را با عنوان «اقتصاد کپی‌رایت، نتایج سیاست‌گذاری تنظیمی در بخش فرهنگ با تأکید بر نویسندگان ادبی» ارائه کرد. این سخنرانی با هدف بررسی آثار سیاست‌گذاری تنظیمی بر بازار کار نویسندگان ادبی کشور و تغییرات رفتار عرضه‌ی نیروی کار آن‌ها ارائه شد.

دکتر ششجوانی گفت: قانون کپی‌رایت علاوه بر جنبه‌ی حقوقی، امری اقتصادی است که تا کنون کمتر مورد توجه بوده است و با توجه به رشد بخش خلاق در کشورها، رفته‌رفته به ویژگی غالب کپی‌رایت بدل خواهد شد. قدیمی‌ترین سیاست تنظیمی بخش فرهنگ، قانون حمایت از مؤلفین، مصنفین و هنرمندان است که بیش از ۵۰ سال از تدوین و اجرای آن می‌گذرد، لیکن بررسی این موضوع که این تبعات اقتصادی این سیاست در رفتار نویسندگان چه بوده است به ندرت بررسی شده است. وی شرح داد که این سخنرانی مبتنی بر پژوهشی است که داده‌های آن در مصاحبه‌ی عمیق با ۹۱ نویسنده به دست آمده است. یافته‌های این مطالعه نشان داد اجرای ضعیف سیاست تنظیمی کپی‌رایت، مختصات بازار کار نویسندگان ادبی را به هم زده است. درآمد ناشی از کپی‌رایت در میان نویسندگان بسیار پایین است، درآمد ۹۰٪ نویسندگان از کپی‌رایت آثارشان کمتر از ۲۰۰ هزار تومان در ماه بوده است.

وی افزود: در ازای بالارفتن یک سطح تخلف در قرارداد، درآمد کپی‌رایتی افراد حدود ۱۲۴٪ کاهش می‌یابد. برای نویسنده‌ای که بالاترین سطح تخلف در قراردادها را تجربه کرده، زمان چندشغله بودنش حدود دو سال و نیم اضافه می‌شود. به ازای داشتن یک کتاب ترجمه شده به زبان‌های دیگر، ۱۷۵٪ به درآمد کپی‌رایتی از نویسندگان افزوده می‌شود. این به دلیل رعایت حق مالکیت ادبی در سایر کشورها و نیز نرخ برابری ارز است.

سخنران بعدی، دکتر محمدرضا مریدی به موضوع «هنرمندان نوظهور و سیاست‌های اشتغال هنرمندان» پرداخت. وی ضمن پرداختن به ویژگی‌های اشتغال هنری و بازار کار هنرمندان شرح داد که سیاست‌های اشتغال هنرمندان در دوره‌های مختلف و دولت‌های مختلف مطرح و دنبال شده است. گام اول در سال ۱۳۸۲ بود که «شورای اشتغال در حوزه‌ی هنر» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد. این شورا تصویب کرد تا بر اساس شیوه‌نامه‌ای به طرح‌های اشتغال‌زا در حوزه‌ی فرهنگ، وام اختصاص دهد. بر اساس پیش‌بینی‌ها (در زمان اجرای آن) قرار بود با اعطای تسهیلات یادشده و سرمایه‌گذاری به عمل آمده در این حوزه، طی فرایندی سه ساله ۴۹ هزار

و ۲۰۵ نفر اشتغال مستقیم در حوزه‌ی فرهنگ و هنر، ایجاد شود. اجرای این طرح شتابزده و بدون مطالعه‌ی اشتغال در حوزه‌ی هنر بود، از همین‌رو طرحی ناتمام ماند. وی افزود: در دوره‌های بعد طرح‌های دیگر مستقیم یا غیرمستقیم به اشتغال هنری توجه کردند. همچون طرح حمایت از بنگاه‌های زودبازده در سال ۱۳۸۹ و طرح حمایت از مشاغل خانگی که سال ۱۳۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از سال ۱۳۹۰ اجرا شد. از ۳۳۸ شغل تعریف شده برای مشاغل خانگی تعداد ۹۵ شغل در حوزه‌ی صنایع دستی یا زیرمجموعه‌ی میراث فرهنگی و صنایع دستی و ۱۲۷ شغل در حوزه‌ی هنرهای آفرینشی یا زیرمجموعه‌ی وزات فرهنگ و ارشاد اسلامی ثبت شد؛ یعنی ۶۵ درصد مشاغل خانگی مرتبط با هنر هستند. با این حال طی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ بیشترین



سهم در دریافت تسهیلات متعلق به فعالیت‌های اقتصادی تولید منسوجات، تولید پوشاک، فعالیت‌های شکار و دامی و کشاورزی بود.

دکتر مریدی ادامه داد: در حال حاضر طرح‌هایی چون طرح «گذر فرهنگ و هنر» که از سال ۱۳۹۷ مطرح شد و از آغاز سال ۱۴۰۰ اجرا شد. همچنین طرح «تحفه»، طرح «کارا» و طرح «خانه‌های خلاق». همه‌ی این طرح‌ها تلاش کرده‌اند با ارائه‌ی تسهیلات بانکی، مشاغل و کسب و کار هنری را توسعه دهند. اما باید این پرسش را دنبال کرد که آیا تسهیلات بانکی توانسته است به توسعه‌ی مشاغل هنری کمک کند یا پس از مدتی هنرمندان را به بدهکاران غیرمولد بانکی تبدیل کرده است؟ ارزیابی دقیقی از موفقیت و ناکامی این طرح‌ها منتشر نشده است. روشن نیست اجرای این طرح‌ها چه قدر بر اشتغال هنرمندان تأثیر داشت. در این زمینه گزارش تفصیلی و طرح پژوهشی اجرا نشده است و ...

در پایان دکتر مریدی تلاش کرد به برخی از نتایج و پیامدهای اجرای این طرح‌ها در اشتغال‌زایی هنر اشاره کند و درمورد دلایل ناکامی یا ناتمام ماندن برخی بحث کند.

پایان‌بخش این نشست، جمع‌بندی دکتر محمدرضا مریدی (دبیر نشست) از مباحث مطرح شده، و سپاسگزاری از سخنرانان و حاضرین در جلسه بود.

سیاست‌گذاری اقتصادی

بخش فرهنگ

۴ مهر ماه ۱۴۰۰
ساعت ۱۰ تا ۱۲

ISC کداختصاصی: ۰۰۲۱۰-۶۳۰۱۸

دکتر محمدرضا مریدی
(عضو هیأت علمی دانشگاه هنر تهران)
هنرمندان نوظهور و سیاست‌های اشتغال هنرمندان

دکتر حمیدرضا ششجوانی
(پژوهشگر مؤسسه توسعه صنایع فرهنگی و خلاق)
اقتصاد کپی‌رایت؛ نتایج سیاست‌گذاری تنظیمی
در بخش فرهنگ (نویسندگان ادبی)

چالش‌های رشد اقتصادی در ایران و سیاست‌های پولی و تجاری و خصوصی‌سازی

پنجمین پیش‌نشست از سلسله پیش‌نشست‌های «همایش ملی بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، دوازدهم مهرماه ۱۴۰۰، با عنوان «چالش‌های رشد اقتصادی در ایران و سیاست‌های پولی و تجاری و خصوصی‌سازی» به همت پژوهشکده‌ی اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این نشست که سه مقاله ارائه شد، ابتدا دکتر سیدکامیل طیبی (دبیر جلسه) و عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان، پس از معرفی سخنرانان به اهداف برگزاری نشست پرداخت و سپس به اهمیت رشد اقتصادی و چالش‌های آن اشاره داشت. وی در این خصوص گفت: عوامل متعددی بر رشد اقتصادی پایدار کشورها مؤثر است که از آن جمله می‌توان به فعالیت‌های بخش خصوصی در بهبود فضای کسب‌وکار، گسترش روابط تجاری به‌عنوان موتور رشد اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی در ایجاد تحول در بازارهای پول و سرمایه اشاره کرد. بدون شک سیاست‌گذاری نامطلوب در هر یک از زمینه‌های فوق چالش‌هایی را جایگزین فرصت‌های رشد می‌کند. بدین لحاظ در این نشست از جنبه‌های نظری و تجربی به نقش سرمایه‌گذاری بخش اقتصادی، فرصت‌ها و چالش‌های صادراتی و بازار پول در رشد اقتصادی کشور پرداخته می‌شود.



اولین مقاله‌ی این پیش‌نشست با عنوان «چالش‌های رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر نقش بخش خصوصی» توسط دکتر زهرا زمانی، پژوهشگر پسادکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان و مدیر پژوهش و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی اصفهان، ارائه شد که با مشارکت دکتر سیدکامیل طیبی تهیه شده بود. ابتدا دکتر زمانی ضمن تحلیل روند رشد اقتصادی ایران از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۸ تأکید کرد که روند مذکور با نوسان‌های زیادی همراه بوده اما در کل به‌صورت نزولی بوده است. به‌ویژه رشد اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۸ به دلیل تشدید تحریم‌ها منفی شده است. از آن‌جا که رشد اقتصادی بر متغیرهایی مانند بیکاری، فقر، توسعه، تجارت، توسعه‌ی پایدار و مانند آن اثرگذار است، لذا مطالعه‌ی عوامل تعیین‌کننده بر آن برای کشورها ضرورت دارد. همچنین با توجه به اهمیت بخش خصوصی به‌ویژه در اشتغال به‌طوری‌که ۹۰ درصد اشتغال را بر عهده دارد، در این مطالعه تلاش شده است که چالش‌های رشد اقتصادی ایران از این منظر مورد مطالعه قرار گیرد.

در عمل هرچه نقش بخش خصوصی در یک کشور پررنگ‌تر باشد پیشرفت آن کشور محسوس‌تر و نمایان‌تر است، زیرا کارآفرینی و نوآوری در بخش خصوصی بیش از بخش دولتی مورد توجه است که زمینه را برای تولید محصولات جدید و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتر مساعد می‌کند. البته باید توجه داشت که تقویت بخش خصوصی نیاز به حمایت دولت‌ها دارد، بدین معنا که دولت‌ها با فراهم آوردن محیط مقرراتی و قانونی مناسب فعالیت بخش خصوصی و کسب‌وکارها را تسهیل کنند. درواقع سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، حکمرانی خوب و باثبات، کاهش نااطمینانی، اتخاذ سیاست‌های مناسب پولی، تجاری و اقتصادی و مانند آن سبب کاهش هزینه‌ی مبادله‌ی بخش خصوصی، بهبود محیط کسب‌وکار، تشویق کارآفرینان و شکوفایی اقتصاد می‌شود. سرمایه‌گذاری خصوصی به‌طور مستقیم و بیشتر از سرمایه‌گذاری دولتی رشد اقتصادی کشورها را در حال توسعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. به‌منظور تقویت رشد اقتصادی به جای افزایش سرمایه‌گذاری دولتی باید نهادهای کاراتری ایجاد

شود تا سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی را جذاب‌تر نماید.

دکتر زمانی اضافه کرد: کیفیت حکمرانی دولت، بهره‌وری نهایی مخارج دولت را افزایش می‌دهد که در مقابل سبب افزایش بهره‌وری خصوصی می‌شود. وی در ادامه به شاخص امنیت سرمایه‌گذاری اشاره کرد که بر اساس دو گروه مؤلفه‌های آماری و مؤلفه‌های پیمایشی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس محاسبه می‌شود. بر اساس شاخص امنیت سرمایه‌گذاری فصل پاییز ۱۳۹۹ عدد ۶/۲۷ گزارش شده است که نسبت به فصل قبل (۶/۴۶) اندکی بهبود یافته است ولی در کل وضعیت مناسبی را نشان می‌دهد (این شاخص بین صفر و ۱۰ است و هر چه به عدد ۱۰ نزدیک‌تر باشد حاکی از وضعیت بدتر است). مطابق با شاخص امنیت سرمایه‌گذاری این نتیجه به دست می‌آید که امنیت سرمایه‌گذاری در گرو سیاست‌های مناسب دولت است از جمله ثبات نرخ ارز، تورم و مانند آن. بنابراین تقویت سرمایه‌گذاری و ام‌دار حمایت و پشتیبانی بخش نهاد دولت و نه دخالت آن است. در ادامه وی ضمن الگوی مطالعه (تابع تولید الگوی رشد سولو-سوان) اشاره کرد که بر اساس سه نوع موجودی سرمایه؛ شامل موجودی سرمایه‌ی بخش خصوصی، دولتی و انسانی الگو تصریح شده است. نتایج حاصل از برآورد الگوی تجربی و یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است:

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تمام حالت‌ها اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی ایران داشته است. سرمایه‌گذاری دولتی در برخی از حالات اثر مثبت و در برخی از حالات اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی داشته است که حاکی از اثر برون رانی این نوع سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هر چند در تمام موارد در الگوی رشد دارای علامت مثبت بوده، اما به لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است. شاخص‌های حکمرانی خوب در تمام موارد اثر مثبت بر رشد اقتصادی کشور داشته است. متغیر ضربی شاخص حکمرانی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته است.

در پایان وی چند پیشنهاد و راهکار برای تقویت بخش خصوصی و رشد اقتصادی ارائه کرد:

- حمایت از بخش خصوصی از طریق تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
- برخورداری از یک الگوی استراتژیک برای نیل به حکمرانی خوب
- حکمرانی پویا عاملی برای کارآمدی بخش خصوصی در اقتصاد ایران است.
- تقویت بخش خصوصی چالش رشد اقتصادی را به خلق فرصت‌های جدید برای رشد اقتصادی تبدیل می‌نماید.
- سیاست‌گذاری مناسب در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای تضمین رشد اقتصادی از مسیر سرریزهای فناوری، مالی و مدیریتی

دکتر عباس امینی‌فرد، استاد مرکز تحقیقاتی بتا در دانشگاه استراسبورگ فرانسه، دومین مقاله‌ی نشست را با عنوان «سازوکار اثرگذاری سیاست‌های پولی در چارچوب نظریه‌ی ساختار زمانی نرخ بهره در اقتصاد ایران» ارائه کرد. وی به این نکته اشاره کرد که در تحلیل اثرگذاری سیاست پولی، ساختار زمانی نرخ بهره می‌تواند به عنوان سازوکار انتقال سیاست پولی بر متغیرهای اقتصادکلان شامل تولید، تورم و بازده اوراق بهادار ایفای نقش کند. بر این اساس در مقاله‌ی ارائه شده از الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی بازدهی اوراق بهادار زاگالیا (۲۰۰۹)، به گونه‌ای که نرخ‌های بهره بلندمدت یک بخش جدایی ناپذیر مکانیسم انتقال پولی است، استفاده شده است و با شیوه‌ی بیزین برای داده‌های ایران تخمین زده شده است.

وی شرح داد: نتایج به دست آمده از مقایسه‌ی گشتاورهای داده‌های شبیه‌سازی شده با گشتاورهای



داده‌های دنیای واقعی به‌خوبی مطابقت دارد. همچنین نتایج حاصل از تجزیه‌ی واریانس نشان داد تغییرات در محصول به‌وسیله‌ی شوک‌های تکنولوژی، عرضه اوراق بهادار و سیاست پولی توضیح داده می‌شود. مانده‌ی پول حقیقی هم به‌وسیله‌ی شوک‌های سیاست پولی، تقاضای پول و عرضه اوراق بهادار توضیح داده شده است. همچنین شوک‌های عرضه‌ی اوراق بهادار، سیاست پولی و تقاضای پول عوامل اصلی پویایی ساختار زمانی در بلندمدت هستند. تحلیل پاسخ‌های آنی الگو نشان داد که علاوه بر شوک سیاست پولی، همچنین تغییرات برونزا در تقاضای پول و عرضه اوراق بهادار می‌تواند جابه‌جایی‌ها در نرخ‌های بهره بلندمدت را توضیح داده و بر رشد اقتصادی نیز اثرگذار باشد.



در ادامه دکتر امینی‌فرد اضافه کرد: که نتایج و یافته‌های این تحقیق نشان داد که برای کنترل تورم و کاهش انتظارات تورمی، بانک مرکزی کشور می‌تواند با استفاده از ابزار عملیات بازار باز بر سطح قیمت‌ها و تولید اثرگذار باشد. براین اساس، توصیه‌های سیاستی در خصوص برطرف ساختن چالش‌های رشد اقتصادی ایران به شرح زیر ارائه می‌شود:

- از آنجا که تورم و اثرات زیان‌بار آن (به‌ویژه بر رشد اقتصادی) نیز یکی از مشکلات اساسی کشورها به حساب می‌آید. بنابراین محققان تلاش خود را بر چگونگی تبیین ارتباط بین تورم و رشد اقتصادی متمرکز نموده‌اند.
- نقش تورم در افزایش هزینه‌ی سرمایه و ریسک سرمایه‌گذاری و در نتیجه‌ی کاهش سرمایه‌گذاری می‌تواند اثرات منفی و بازدارنده نسبت به رشد اقتصادی داشته باشد.
- پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی با استفاده از ابزار عملیات بازار باز زمینه‌ی کنترل تورم را فراهم آورد و از طریق تأمین مالی خرد (micro finance) بنگاه‌های کوچک و متوسط، از ظرفیت‌های خالی این بنگاه‌ها برای افزایش تولید و به‌تبع آن رشد اقتصادی استفاده کند.
- برای برطرف کردن چالش‌های رشد اقتصادی در ایران باید یک افق روشن اقتصادی ترسیم شود. این افق در سایه‌ی ثبات قیمت‌ها و پیش‌بینی‌پذیر بودن متغیرهای کلان اقتصادی امکان‌پذیر است. در نتیجه از اتخاذ هرگونه سیاست اقتصادی دستوری که باعث بدتر شدن شرایط موجود می‌شود بایستی حذر کرد، بالاخص کاهش دستوری نرخ بهره با هدف افزایش سرمایه‌گذاری آن هم در شرایطی که نرخ بهره‌ی واقعی منفی است. برای کاهش نرخ بهره ابتدا باید تورم را کنترل کرد و سپس نرخ بهره از طریق بازار بین‌بانکی به‌طور طبیعی کم خواهد شد.

سومین سخنرانی این نشست دکتر مهدی یزدانی، عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی بود که مقاله‌ی خود را با عنوان «زیان صادراتی ناشی از تحریم‌های اقتصادی در صنایع کارخانه‌ای منتخب ایران»، با مشارکت لیلا صانعی، دانشجوی تحصیلات تکمیلی آن دانشگاه تهیه شده بود، ارائه کرد.

دکتر یزدانی گفت: امروزه توسعه‌ی صادرات بر اساس فرضیه‌ی رشد صادرات محور، یکی از عوامل اصلی و حیاتی برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی پایدار در کشورهاست؛ زیرا می‌تواند باعث افزایش مزیت نسبی، ایجاد توان رقابتی در تجارت بین‌الملل، پرورش و توسعه‌ی مهارت‌های نیروی انسانی و در نتیجه، بهبود کارایی اقتصادی در همه‌ی حوزه‌های اقتصادی شود. این در حالی است که براساس نظریه‌های اقتصاد بین‌الملل، روابط تجاری

و اقتصادی دوجانبه یا چندجانبه عمدتاً بازی برد-برد است و ایجاد هرگونه محدودیت بر سر راه تجارت به‌ویژه با اعمال تحریم‌ها، به هر دو طرف تحریم‌کننده و تحریم‌شونده آسیب وارد می‌کند. با این وجود اثرات منفی تحریم‌های اقتصادی بر وضعیت اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌تواند در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بیشتر باشد؛ زیرا کشورهای در حال توسعه معمولاً دارای مزیت ابتدایی در زمینه‌ی مواد اولیه (به‌دلیل مزیت طبیعی و فراوانی مواد اولیه‌ی تولید و نهاده) بوده و این موضوع وابستگی زیاد کشور به درآمد صادراتی را نشان می‌دهد. بر این اساس با توجه به اهمیت نقش مخرب تحریم‌های اقتصادی در کاهش پتانسیل صادراتی بنگاه‌های اقتصادی، در این مطالعه اثر تحریم‌های اقتصادی در قالب تحریم‌های با شدت کم و زیاد بر عرضه‌ی صادرات



۱۱ صنعت کارخانه‌ای با بیشترین میزان صادرات با استفاده از روش اقتصادسنجی حداکثر درست‌نمایی پوآسون نما (PPML) طی دوره‌ی ۱۳۷۴-۱۳۹۷ ارزیابی شد. در ادامه نیز سعی نیز شد که زیان صادراتی ناشی از این تحریم‌ها محاسبه و تعیین‌کننده‌های آن نیز شناسایی شود. صنایع مورد بررسی بر اساس طبقه‌بندی دو رقمی کدهای HS انتخاب شدند که شامل فرآورده‌های غلات و... (کد ۱۹)، فرآورده‌های میوه‌ها و سبزیجات (کد ۲۰)، صنایع شیمیایی (کد ۲۸-۳۸)، مواد پلاستیکی (کد ۳۹)، چرم (کد ۴۱)، قالی و کفپوش (کد ۵۷)، منسوجات (کد ۵۸-۵۹) به جز کد ۵۷، فلزات آهنی (کد ۷۲-۷۳)، فلزات غیرآهنی (کد ۷۴-۸۰)، مخازن رآکتور (کد ۸۴)، ماشین آلات (کد ۸۷) هستند.

محاسبات زیان صادراتی نشان می‌دهد که به غیر از گروه‌های کالایی کدهای ۵۸-۵۹ (به غیر از ۵۷) و ۷۲-۷۳، تحریم‌ها باعث کاهش صادرات در سایر گروه‌های کالایی مورد بررسی شده است. همچنین گروه‌های کالایی کد ۲۸-۳۸، متحمل بیشترین کاهش صادراتی شده و بر اساس محاسبات صورت گرفته، زیان صادراتی حدود ۵۱/۸ میلیارد دلار را در این صنایع طی دوره‌ی مورد نظر رقم زده است. همچنین نتایج الگوی اقتصادسنجی نشان دهنده اثرگذاری منفی تحریم‌های اقتصادی با شدت کم و زیاد بر عرضه‌ی صادرات صنایع مورد مطالعه بوده است. از این‌رو اعمال تحریم‌های اقتصادی با شدت کم و زیاد باعث کاهش صادرات کالاهای منتخب شده است. این در حالی است که افزایش ظرفیت تولیدی در صنایع مورد بررسی باعث بهبود جریان صادرات، کاهش اثرات منفی تحریم‌های اقتصادی بر عرضه‌ی صادرات و کاهش زیان صادراتی در این صنایع می‌شود. از این‌رو افزایش ظرفیت‌های تولیدی به روش‌های مختلف مانند بهبود زیرساخت‌های لازم جهت جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی می‌تواند باعث بهبود قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی داخلی در بازارهای بین‌المللی و افزایش پتانسیل صادراتی آن‌ها شود. همچنین بهبود ظرفیت تولیدی با اتکاء به امکانات و سرمایه‌های موجود می‌تواند تا حد زیادی اثرات منفی تحریم‌های اقتصادی را خنثی کند.

دکتر یزدانی همچنین اضافه کرد: با توجه به اثرگذاری مثبت نرخ ارز حقیقی بر صادرات صنایع مورد مطالعه، افزایش نرخ ارز اسمی متناسب با نرخ تورم می‌تواند مانع خروج سرمایه از بخش‌های تولیدی به فعالیت‌های سوداگرانه و واسطه‌ای شود. بر این اساس اصلاح بازار ارز و تثبیت نرخ ارز حقیقی با برنامه‌ای مدون و کارا می‌تواند قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی را در بازارهای بین‌المللی افزایش دهد. علاوه‌براین، نوسان‌های نرخ ارز حقیقی باعث کاهش صادرات صنایع منتخب و افزایش زیان صادراتی می‌شود، و اثر منفی این متغیر در شرایط تحریمی افزایش می‌یابد. از این‌رو، اقداماتی که نااطمینانی در وضعیت بازار ارز را کاهش دهد، باید از الویت‌های سیاست‌گذاران باشد. همچنین، اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب و کارا توسط بانک مرکزی، باید در راستای کاهش نوسان‌های نرخ ارز حقیقی باشد. با این وجود محدودیت عرضه ارز به‌عنوان یک قید مهم در این زمینه است.

وی افزود: از دیگر متغیرهای اثرگذار بر عرضه‌ی صادرات و زیان صادراتی، متغیر سیاست‌های حمایتی بود که ضرایبی مثبت در همه‌ی معادلات برآوردی برای عرضه صادرات و اثر منفی در معادله‌ی برآوردی برای زیان صادراتی دارد. از این‌رو سیاست‌گذار از طریق سیاست‌های تشویقی جدید، می‌تواند انگیزه‌ی تولیدکنندگان را برای صادرات محصولات بیشتر افزایش دهد. همچنین دولت می‌تواند با شناسایی و حمایت از بنگاه‌های تولیدی دانش‌بنیان که دارای پتانسیل صادراتی هستند، بهره‌وری در تولید و مزیت نسبی این بنگاه‌ها را در بازارهای بین‌المللی ارتقاء دهد. بنابراین، شواهدی از نظریه‌ی پورتر (۱۹۹۰) مبنی بر اثرگذاری مثبت سیاست‌های حمایتی از صادرکنندگان توسط دولت بر عرضه‌ی صادرات این صنایع در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود. همچنین وجود مزیت نسبی در فرآیند تولید کالاهای قابل تجارت می‌تواند باعث تقویت توان رقابتی صنایع مورد مطالعه در بازارهای بین‌المللی و کاهش هزینه فرصت این صنایع در تولید شود. بنابراین، توجه به تولید کالاهای دارای مزیت نسبی در این صنایع، نکته‌ای مهم در افزایش سهم محصولات آن‌ها در بازارهای جهانی است.



در ادامه‌ی نشست پس از بخش پرسش و پاسخ، دکتر طیبی، دبیر پنجمین نشست با جمع‌بندی مقالات ارائه شده و با یک مرور کلی بر یافته‌های نظری و تجربی آن‌ها اظهار امیدواری کرد که مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی قرار گیرد، به‌طوری‌که توصیه‌ها و پیشنهادها مطرح شده در این نشست بتواند برخی از چالش‌های رشد اقتصادی کشور را به فرصت‌های رشد تبدیل کند. وی از سخنرانان و دست‌اندرکاران این نوع همایش‌ها به‌ویژه مسئولان پژوهشکده‌ی اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تقدیر و تشکر کرد. در پایان مراسم نیز دکتر التجایی رئیس پژوهشکده ضمن اظهار رضایت از برگزاری این نشست، از دبیر جلسه، سخنرانان و حاضرین تقدیر و تشکر کرد.



پنجمین نشست
از شبکه‌ی نشست‌های همایش ملی

بازشناسی
چالش‌های رشد اقتصادی در ایران
تبیین موانع تولید و بهسازی
راهبردها و سیاست‌ها



۱۲ مهر ماه ۱۴۰۰
ساعت ۱۰ تا ۱۲
کد اختصاصی: ۰۰۳۱۰۰-۲۳۰۱۸
ISC

چالش‌های رشد اقتصادی در ایران
و سیاست‌های پولی، تجاری و خصوصی‌سازی

دکتر سید کامیل طیبی
(عضو هیات علمی و مدیر قلمب علمی اقتصاد بین‌الملل دانشگاه اصفهان)

دکتر زهرا زمانی
(رئیس‌هیئت مدیره و مدیر پژوهش‌ها، مدیر واحد پژوهش و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان)

چالش‌های رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر نقش بخش خصوصی

دکتر مهدی یزدانی
(عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی)

زیان صادراتی ناشی از تحریم‌های اقتصادی در صنایع کارخانه‌ای منتخب ایران

دکتر عباس امینی‌فرد
(عضو هیات علمی مرکز تحقیقاتی بنادر و ترانسپورت، فرانسه)

سازوکار اثرگذاری سیاست‌های پولی در چارچوب نظریه ساختار زمانی نرخ بهره در اقتصاد ایران

دبیر نشست:
دکتر سید کامیل طیبی

تارنمای همایش
<http://economicgrowthconf.ihcs.ac.ir/fa/>
پست الکترونیک دبیرخانه
Ecogrowth1400@ihcs.ac.ir
شماره تماس دبیرخانه
۰۹۳۹۳۴۰۰۷۴۸ - ۰۹۰۲۳۹۹۵۸۱۷

نشست به صورت مجازی و در آدرس زیر برگزار می‌شود:
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-zgb-v4q-dxz>

بررسی ابعاد انسانی و زیست‌محیطی چالش‌های اقتصادی در صنایع کشاورزی و دامپروری

ششمین پیش‌نشست همایش ملی «بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها»، با عنوان «بررسی ابعاد انسانی و زیست‌محیطی چالش‌های اقتصادی در صنایع کشاورزی و دامپروری» به همت پژوهشکده‌ی اقتصاد و پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری ۱۹ مهرماه ۱۴۰۰، به‌صورت مجازی برگزار شد. سخنرانان این پیش‌نشست، دکتر گل‌اندام شریفی، دکتر ریما مرشد و دکتر مسعود رضایی (اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری و دبیر علمی نشست)، دکتر الهام ابراهیمی (عضو هیأت علمی گروه مدیریت پژوهشگاه) بودند.

در ابتدای جلسه دکتر الهام ابراهیمی دبیر علمی نشست، به توضیحاتی را در رابطه با کلیات و هدف همایش، زمان برگزاری همایش و محور اصلی این نشست که مسائل بخشی و فرابخشی اقتصاد و به‌صورت خاص مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی است، مطرح کرد و این نشست را نمونه‌ای از نشست‌های کاملاً میان‌رشته‌ای مرتبط با هدف همایش برشمرد.



نخستین سخنرانی پیش‌نشست با عنوان «بررسی موانع انسانی و اجتماعی در تولید و صادرات زعفران» توسط دکتر گل‌اندام شریفی ارائه شد. دکتر شریفی در ابتدای سخنان خود به معرفی کلی گیاه زعفران به‌عنوان ادویه‌ای پرداخت که از کلاله‌های خشک شده گل‌های زعفران به‌دست می‌آید و طعم دهنده و رنگ دهنده‌ی غذاها و داروی گیاهی در بسیاری از کشورهاست.

وی افزود: این گیاه که نیاز آبی بالایی ندارد، در مناطق خشک کشور و به‌خصوص استان پهناور خراسان به‌شکل گسترده‌ای کاشت می‌شود. زعفران، یکی از صادرات غیر نفتی مهم ایران محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که با اختلاف نظر جزئی، حدود ۹۵ درصد از زمین‌های زیر کشت زعفران به ایران اختصاص دارد و سایر کشورها از جمله اسپانیا، یونان، مراکش و آرژانتین درصد بسیار پایینی از سطح زیر کشت را دارند. بررسی موانع تولید بهینه و بازاریابی موفق زعفران نشان می‌دهد، برداشت دشوار و مطالبات انسانی مرتبط با آن، دشواری خشک کردن و حمل و نقل، واسطه‌گری و موضوع تحریم و بسته‌بندی نامناسب از دلایل عمده‌ی عدم موفقیت در صادرات این گیاه هستند. در تمام این موارد دخالت انسان کاملاً مشهود است و این موضوع سبب شده در عرصه‌ی رقابت بین‌المللی، به جای زعفران ایرانی، زعفران اسپانیا به‌عنوان یک محصول شناخته‌شده و مرغوب در اذهان عمومی مصرف‌کنندگان جای گیرد.

دکتر شریفی در ادامه‌ی سخنان خود تأکید کرد: این مشکلات تنها مختص گیاه زعفران نبوده و تقریباً شامل حال اکثر محصولات کشاورزی است. بسته‌بندی و بازاریابی مناسب، تعیین نرخ حداقلی برای خرید زعفران از کشاورزان، شناسایی نوع نیاز مصرف‌کنندگان و صادرات محصول فراوری شده برخی راهکارهای اشاره شده برای افزایش صادرات زعفران بود که در پایان سخنان دکتر شریفی مورد اشاره قرار گرفت.

دومین ارائه در این نشست با عنوان «نگرانی‌های زیست‌محیطی؛ موانع نوپدید در توسعه‌ی پایدار تولیدات دامی» توسط دکتر ریما مرشد انجام شد. دکتر مرشد سخنرانی خود را با ارائه‌ی آمار جهانی سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد FAO آغاز و اعلام کرد: بر اساس آمار این سازمان میزان مصرف گوشت از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ دوبرابر شده و پیش‌بینی می‌شود، از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۵۰ نیز حدوداً دو برابر شود. به‌دنبال این افزایش تقاضا، بهره‌برداری از دامداری‌های صنعتی و مزارع پرورشی مدرن نیز در جهان رشد چشمگیری داشته؛ به‌گونه‌ای که به پیامدهای نامطلوبی نظیر آلودگی و فرسایش خاک، آب، جنگل‌ها، انقراض گیاهان و حیوانات، مصرف منابع تجدیدنپذیر و به‌ویژه ایجاد گازهای گلخانه‌ای منتهی شده است. طبق پیش‌بینی سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد، دامپروری‌ها مسئول تولید ۱۴,۵ درصد از گازهای گلخانه‌ای جهان هستند و پدیده‌ی تخمیر روده‌ای در نشخوارکنندگان ۶۰ درصد این سهم را شامل می‌شود.



در ادامه، دکتر مرشد به ارتباط این آلودگی با توسعه‌ی پایدار صنعت دامپروری پرداخت و رشد متوازن اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی را به‌عنوان ارکان توسعه‌ی پایدار و لازمه‌ی دستیابی به توسعه‌ی همه‌جانبه در این صنعت دانست.

وی با اشاره به اهمیت پایایی یا پایداری در صنعت دامپروری تصریح کرد: پایایی این صنعت تنها در صورتی محقق می‌شود که جوامع انسانی همراه با اکوسیستم‌های مختلف به شیوه‌ای همیسته، متکثر و زایا امکان و ظرفیت حضور بلندمدت خود را حفظ کنند. قانون‌گذاری صحیح، ارتقای سطح آگاهی اقشار جامعه در مورد آلاینده‌ها، جلوگیری از تغییر کاربردی اراضی، مدیریت پسماندهای دامی و اصلاح ژنتیک دام‌ها از راهکارهای ارائه شده توسط دکتر شریفی برای دستیابی به پایایی صنعت دامپروری بود.

آخرین سخنرانی با عنوان «موانع کارآفرینی زنان در بخش کشاورزی» توسط دکتر مسعود رضایی ارائه شد. دکتر رضایی با اشاره به اهمیت کارآفرینی زنان به‌عنوان یک منبع مهم اقتصادی که نقش به‌سزایی در دستیابی به توسعه‌ی پایدار ایفاء می‌کند، سخنرانی خود را آغاز کرد. وی اشاره کرد: اقتصادهایی که فعالیت کارآفرینانه زنان در آنها بالاست، در برابر بحران‌های مالی مقاوم‌تر هستند و عقب‌ماندگی اقتصادی کمتری را تجربه می‌کنند. توسعه‌ی کارآفرینی زنان نقش مهمی در کاهش شکاف جنسیتی نیز دارد.

دکتر رضایی با اشاره به گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی، گفت: میانگین میزان قصد زنان برای راه‌اندازی کسب‌وکار در جهان ۱۷/۶ درصد است که بسیار پایین‌تر از درصد مشابه برای مردان است. در عین حال با اشاره به آمار دیگری افزود: در سال ۲۰۱۹-۲۰، سهم زنان ۱۸ تا ۶۴ ساله‌ی ایرانی که در مراحل اولیه‌ی راه‌اندازی فعالیت کارآفرینانه هستند، کمتر از ۱۰ درصد است و ایران در بین ۱۱ کشور مورد مطالعه در خاورمیانه و آفریقا رتبه‌ی هفتم را به خود اختصاص داده است.

دکتر رضایی اشاره کرد: زنان هنگام تلاش برای مشارکت در فعالیتهای کارآفرینی و مشاغل اقتصادی با موانع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی منحصر به فردی روبه‌رو هستند و این موانع در جوامع روستایی به دلیل شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی آشکارتر است. وی سه دسته‌ی کلی موانع برای زنان کارآفرینان را برشمرد؛ موانعی که برای همه‌ی کارآفرینان زن و مرد مشترک هستند، موانعی که به‌دلیل شرایط خانوادگی، اجتماعی و قانونی برای



کارآفرینی زنان اهمیت بیشتری دارند و موانع منحصربه‌فردی که زنان کارآفرین با آن‌ها مواجه هستند. مهم‌ترین موانع کارآفرینی پیش روی زنان در قالب موانع فرهنگی-اجتماعی، موانع مالی، موانع رفتاری، موانع آموزشی، موانع شغلی، موانع قانونی و موانع زیرساختی دسته‌بندی می‌شوند. از بعد موانع قانونی و اجتماعی، قوانین تبعیض‌آمیز، مقررات و هنجارهای اجتماعی مانع از این می‌شوند که زنان کسب‌وکار پایدار خود را شروع و آن را تثبیت کنند. از بعد موانع آموزشی، فقدان آموزش و توانمندسازی و نیز یافتن راه مناسب برای اجرای برنامه‌های آموزش کارآفرینی از مشکلات اساسی برنامه‌های توسعه‌ی کارآفرینی هستند. بی‌سواد، سطح پایین آموزش و نبود مهارت‌آموزی و آموزش کسب‌وکار و تجربه، می‌تواند ظرفیت زنان کارآفرین روستایی را برای تثبیت شرکت‌های پایدار محدود کند. از بعد موانع زیرساختی، دسترسی محدود به خدمات مالی و تجاری بر رشد مشاغل زنان روستایی تأثیر می‌گذارند. زنان کارآفرین در مناطق روستایی اغلب به‌دلیل نبود اطلاعات، عدم درک نیازهایشان و نداشتن وثیقه‌های مناسب در دسترسی به خدمات مالی دچار مشکل می‌شوند. به علاوه، کسب‌وکارهای زنان عمدتاً غیررسمی هستند و موانع زنان در دسترسی به بازارهای داخلی و صادراتی ظرفیت آنان را برای دستیابی به رشد، ایجاد شرایط کاری مناسب و معیشت پایدار محدود می‌کند.

دکتر رضایی در پایان سخنان خود راهکارهایی را برای رفع موانع کارآفرینی زنان برشمرد. ایجاد یک محیط مناسب برای کارآفرینی زنان، تقویت شبکه‌ها و حمایت از کارآفرینی زنان، بهبود مهارت‌های کارآفرینی زنان روستایی و توسعه‌ی خدمات مالی و تجاری حساس به جنسیت و ترغیب تلفیق تدریجی مشاغل زنان روستایی در اقتصاد رسمی نمونه‌ای از این راهکارها بودند.

در پایان این پیش‌نشست، جمع‌بندی مطالب توسط دکتر ابراهیمی انجام شد و از سخنرانان و حاضران در جلسه و برگزارکنندگان همایش قدردانی به عمل آمد.

بررسی ابعاد انسانی و زیست محیطی

چالش‌های اقتصادی در صنایع کشاورزی و دامپروری

دکتر گل اندام شریفی
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
بررسی موانع انسانی و اجتماعی در تولید و صادرات زعفران

دکتر ریما مرشد
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
نگرانی‌های زیست محیطی، موانع نوپدید در توسعه پایدار تولیدات دامی

دکتر مسعود رضایی
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
موانع کارآفرینی زنان در بخش کشاورزی

دکتر الهام ابراهیمی
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

دبیر نشست:

تارنمای همایش
<http://economicgrowthconf.ihcs.ac.ir/fa/>
پست الکترونیک دبیرخانه
Ecogrowth1400@ihcs.ac.ir

کد اختصاصی: ۰۰۲۱۰-۶۳۰۱۸
ISC

۱۹ مهر ماه ۱۴۰۰
ساعت ۱۰ تا ۱۲

روز جهانی صلح

نشست روز جهانی صلح» ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۰، با سخنرانی دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، دکتر مصطفی قادری حاجت و دکتر جعفر حق‌پناه برگزار شد.

در ابتدای این نشست مجازی دکتر مهدی کریمی، دبیر نشست، روز جهانی صلح را به فعالان حوزه‌ی مطالعات صلح تبریک گفت و پیام دبیر کل سازمان ملل به مناسبت روز جهانی صلح برای حاضرین در نشست پخش شد. وی گفت: ماهیت مطالعات صلح در دوره‌ی پس از جنگ سرد تغییر یافته است. در دوره‌ی جنگ سرد، صلح به نوعی ماهیتی بین‌الدولی داشت و به صورت فقدان جنگ بین کشورها تعریف می‌شد. در دوره‌ی پس از جنگ سرد، تغییر در ماهیت تهدیدات، پیچیده شدن شرایط بین‌الملل و تکرر بازیگران سیاسی باعث شد تا تعریف سستی از صلح به چالش کشیده شود و مسائلی مختلفی مانند فمینیسم، تغییرات اقلیمی، تخریب محیط زیست، نسل کشی ها و غیره در تعریف صلح مدنظر قرار گیرد.

با این مقدمه، سخنرانی دکتر حافظ‌نیا از استادان دانشگاه تربیت مدرس ایراد شد. عنوان سخنرانی وی عبارت بود از: «ژئوپلیتیک و صلح». وی در این سخنرانی به تبیین رابطه‌ی بین ژئوپلیتیک و صلح پرداخت و عنوان کرد که ژئوپلیتیک می‌تواند در بنای صلح جهانی نقش مؤثری داشته باشد. وی در ادامه به موانع استقرار صلح در جهان پرداخت و راهکارهایی نیز جهت استقرار صلح پایدار در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی ارائه کرد.

در ادامه، سخنرانی دکتر قادری حاجت با عنوان «صلح عادلانه» آغاز شد. وی پس از ارائه‌ی یک چارچوب نظری و با تکیه بر دیدگاه «روی باسکار»، به بررسی مفاهیم اصلی مانند عدالت فضایی، بی‌عدالتی فضایی و انزوایگزینی پرداخت و در ادامه از واگرایی، تروریسم، حاشیه‌نشینی و نقض صلح به عنوان مهم‌ترین خروجی‌های بی‌عدالتی فضایی نام برد. پس از بحث درباره‌ی شاخص‌های صلح و آمارهای موجود در این زمینه، به انطباق نتایج شاخص‌های صلح و عدالت فضایی پرداخت و نشان داد که هم‌پوشانی بالایی بین این دو متغیر وجود دارد.

سخنرانی دکتر جعفر حق‌پناه با عنوان «چشم‌انداز صلح در افغانستان» بود که وی در این سخنرانی پس از بحثی نظری، به وضعیت فعلی افغانستان و چرایی شکست در پروژه‌ی دولت‌سازی در این کشور پرداخت. در ادامه بررسی سناریوهای پیش‌رو در افغانستان نیز اندیشیده شده بود، اما به دلیل بروز مشکل اتصال به اینترنت برای دکتر حق‌پناه این بخش از سخنرانی ناقص ماند.

در پایان سخنرانی نیز جلسه‌ی پرسش و پاسخ برگزار شد و حاضرین در جلسه سؤالات خود را طرح کردند و سخنرانان نیز به این سؤالات پاسخ دادند.



مراسم روز جهانی کودک

مراسم روز جهانی کودک، ۱۷ مهر ۱۴۰۰، به همت پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات پژوهشگاه برگزار شد. در ابتدای جلسه دبیر علمی نشست، دکتر مریم شریف‌نسب، درباره‌ی روز جهانی کودک گفت: در خلال جنگ جهانی دوم کودکان بسیاری جان خود را از دست دادند؛ تعدادی دچار معلولیت جسمی؛ عده‌ای درگیر



آسیب‌های روانی؛ برخی بی‌سرپرست یا تک‌سرپرست شدند و درکل، جنگ تأثیرات سوء فراوانی بر جسم و جان کودکان جهان باقی گذاشت. به‌همین سبب سازمان ملل در سال ۱۹۵۲ تصمیم گرفت با پیشنهاد روزی به‌عنوان «روز جهانی کودک» توجه دولت‌ها و ملت‌ها را به حقوق کودکان جلب کند. هدف از نام‌گذاری این روز، تدوین قانون‌های مفید و کارآمد برای حفظ و حمایت حقوق کودکان و جلوگیری از خشونت علیه آنها بود. به این مناسبت روز ۲۰ اکتبر به‌عنوان روز جهانی کودک به جهان پیشنهاد شد و اغلب کشورها کلیت این پیشنهاد (نام‌گذاری یک روز به‌عنوان روز ملی کودک) را پذیرفتند و براساس فرهنگ بومی خود، روزی را در تقویم رسمی کشور خود برای کودک، نام‌گذاری کردند.

در کشور ما نیز در سال ۱۳۷۲ کمیسیونی متشکل از نمایندگان آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان بهزیستی و ... تشکیل و درمورد نام‌گذاری روز ملی کودک تصمیم‌گیری شد. در این کمیسیون روز ۸ اکتبر (۱۶ مهرماه) برگزیده و به دفتر یونسکو در ایران اعلام شد. پس از موافقت یونسکو و تصویب در شورای فرهنگ عمومی، از سال ۱۳۷۶ روز ۱۶ مهرماه در تقویم رسمی کشور به نام کودک و ۱۶ تا ۲۳ مهر به‌عنوان هفته‌ی کودک ثبت شد.

دکتر شریف‌نسب شرح داد: پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات که سال‌هاست برای پیوند پیکره‌ی جامعه با زبان و ادبیات فارسی، در مناسبت‌های گوناگون فرهنگی و ادبی نشست‌های ترویجی و تخصصی برگزار می‌کند؛ به‌مناسبت روز و هفته‌ی ملی کودک نیز دو نشست تخصصی برگزار می‌کنیم: نشست نخست (۱۷ مهر) با حضور دو سخنران (که هردو از دانش‌آموختگان برجسته‌ی پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات هستند: دکتر نگین صدری‌زاده و دکتر محسن ذکاء اسدی و نشست دوم نیز (۱۸ مهرماه) با حضور دو سخنران برجسته‌ی دیگر (دکتر محمد گودرزی دهریزی و دکتر مرجان فولادوند) برگزار خواهد شد.

در ادامه دکتر نگین صدری‌زاده سخنان خود را درباره‌ی «ادبیات داستانی و رشد کودک» آغاز کرد و گفت: ادبیات کودک، ادبیاتی مخاطب‌محور است و هر متن خلاقه‌ی ادبی که کودک، به نوعی با آن ارتباط برقرار کند و به هر گونه‌ای از آن بهره برد، در حیطه‌ی ادبیات کودک قرار می‌گیرد. در حقیقت ادبیات کودک فرایندی ارزشمند، خلاق و ناخودآگاه است، نه قالبی پیش‌ساخته برای طرح آموخته‌های از پیش تعیین شده. بنابراین اثری که در زمره‌ی ادبیات کودک جای می‌گیرد، باید مانند ادبیات بزرگسالان از ارزش‌های ادبی و زیبایی‌شناختی بهره‌مند باشد و جنبه‌ی آموزشی و تربیتی ادبیات کودک به‌صورت دستاوردهای فرعی، از فرایند کتاب‌خوانی، قصه‌گویی و داستان‌خوانی برای کودکان منتج می‌شود.

از سوی دیگر یکی از آموزش‌های ضروری و تأثیرگذار در فرایند رشد کودک، مهارت‌های زندگی است. مناسب‌ترین سن برای شکل‌گیری شخصیت و فراگیری موازین اجتماعی، اخلاقی و به‌طورکلی مهارت‌های زندگی دوران کودکی است. در ادبیات داستانی کودک نیز اغلب، به‌صورت غیرمستقیم، پیامی نهفته است. همچنین به سبب انتشار هزاران کتاب کودک، گزینش کتاب‌های متناسب با نیازهای کودکان، می‌تواند کار دشواری باشد. بنابراین ضروری می‌نماید که مربیان، والدین و فعالان حوزه‌ی کودک و نوجوان با ضرورت و چگونگی آموزش مهارت‌های زندگی و همچنین مؤلفه‌های گزینش آثار داستانی کودک در حوزه‌ی رشد و پرورش این مهارت‌ها آشنا شوند تا بتوانند با توجه به‌کارگیری ویژه و مناسب عناصر داستان و تکنیک‌های داستان‌نویسی و صفحه‌آرایی و تصویرسازی و شکل کتاب و کمبودها و کاستی‌های ادبیات داستانی کودک، از فرصت ادبیات

داستان در فرایند رشد کودک بهره ببرند.

دکتر صدری‌زاده ادامه داد: در نشست روز ملی کودک، ظرفیت ادبیات داستانی کودک در دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ بررسی می‌شود. این انتخاب به علت در دسترس بودن آثار دهه‌ی هشتاد و نود برای مخاطب و برخوردار بودن از شرایط کیفی و کمی این کتاب‌ها، صورت گرفته است. به این منظور از آثار انتشارات رسمی و معتبر ادبیات کودک و نوجوانان بهره‌برده‌ایم. ناشرانی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مؤسسه‌ی پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، بنفشه، شکوفه، افق، چیستا، نیستان، چاپ و نشر نظر، علمی و فرهنگی، شب‌ویز، کتاب‌های طوطی، مبتکران، مرکز، بافرزندان، ماهی، آفرینگان، چرخ فلک، پیدایش و....

هدف پژوهشگر شرح اجمالی مهارت‌های زندگی، ویژگی‌های دوران رشد، چگونگی آموزش و نهادینه‌سازی آنها در کنش و انتخاب‌های کودکان و نوجوانان و بررسی تأثیر ادبیات داستانی در این فرایند است. بنابراین در ره‌آورد این نشست، کارکرد، قابلیت و شگردهای ادبیات داستانی در فرایند رشد کودک بررسی و روش بهره‌مندی از این آثار در جهت لذت بردن و توانمندسازی یادگیری و تمرین مهارت‌های زندگی میسر می‌شود، همچنین کمبودها و کاستی‌های ادبیات داستانی کودک در این زمینه مشخص و پیشنهاداتی به معلمان، مربیان، خانواده‌ها و ناشرین و نویسندگان کودک ارائه می‌شود.

صدری‌زاده تأکید کرد: در مباحث مقدماتی از کودک، ادبیات کودک و ادبیات داستانی تعریف می‌شوند. هدف از طرح این مسائل آشنایی بیشتر ما با کودکان و مواد خواندنی آنان است. سپس در ادامه به مهارت‌های زندگی می‌پردازیم. در این بخش، مهارت‌های زندگی بر اساس تقسیم‌بندی سازمان بهداشت جهانی، ارائه می‌شود. بنابراین ده مهارت زندگی همراه با اجزا و زیر مجموعه‌هایش تعریف و تبیین می‌شود. این مهارت‌های زندگی عبارتند از: خودآگاهی، همدلی، ارتباط مؤثر، روابط بین فردی، مقابله با هیجانات و رهایی از تنش، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، تصمیم‌گیری و حل مسئله. سپس به ذکر و شرح تأثیر ادبیات داستانی در روند دوران رشد کودکان می‌پردازد. بدین ترتیب، ارزش‌های تربیتی و پرورشی ادبیات داستانی کودک را با توجه به دوران‌های رشد کودکان ارائه می‌شود و بر ضرورت در نظر گرفتن مراحل رشد زبانی، شناختی، شخصیتی و اجتماعی کودکان به هنگام گزینش آثار ادبی برای کودکان، تأکید می‌شود.

بعد از آن به نقش برنامه‌ی «فلسفه برای کودکان» در آموزش مهارت‌های زندگی می‌پردازد. این بخش، مخاطب را با ضرورت استفاده از برنامه‌ی فلسفه با کودکان در آموزش مهارت‌های زندگی، ضرورت و فواید استفاده از داستان در این برنامه و چگونگی ارتباط داستان و آموزش مهارت‌های زندگی در برنامه‌ی «فلسفه برای کودکان»، آشنا می‌کند.

در پایان به معرفی و بررسی توصیفی و تحلیلی نمونه‌هایی از آثار برگزیده داستانی کودک در آموزش مهارت‌های زندگی می‌پردازد که بازتاب دهنده‌ی نیازهای کودکان در مراحل مختلف فرایند رشد است و با ارائه گزیده‌ای از آثار مناسب و پرکشش و بررسی مهارت‌های زندگی در آنها، مخاطب را با چگونگی بهره‌مندی از ادبیات داستانی در فرایند کودکان آشنا می‌کند. در خلال بررسی توصیفی-تحلیلی گزیده داستان‌ها، به راه‌هایی که نویسندگان از پیرنگ، شخصیت‌پردازی، درون‌مایه، سبک، زاویه‌دید و تصویر و شکل ظاهری کتاب برای آفرینش داستان‌های به یاد ماندنی و آموزش مهارت‌های زندگی بهره‌برده‌اند، اشاره می‌شود. همچنین از آن‌جا که فراگیری این مهارت‌ها، پیوند عمیقی با تفکر و استدلال منطقی دارد در این بخش، بر اساس هر داستان، پرسش‌های تفکربرانگیز برای برگزاری کارگاه مهارت‌های زندگی، طرح می‌شود. همچنین برای درک بهتر وضعیت ادبیات کودک در حوزه‌ی آموزش هر مهارت، نگاهی بر بسامد و تعدد آثار داستانی کودک در زمینه‌ی پرورش مهارت‌های زندگی خواهیم داشت به این ترتیب از تعداد کتاب‌ها را در زیرمجموعه‌های هر مهارت و به تفکیک گروه سنی، نشان داده می‌شود تا توانایی‌ها و کاستی‌های ادبیات کودک ایران در حوزه‌ی مهارت‌های زندگی نمایان شود.

دکتر صدری‌زاده در بخش پایانی سخنانش تأکید کرد که این سخنرانی، برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که با راهنمایی‌های بی‌دریغ و ارزشمند استادان، دکتر زهرا پارساپور و دکتر مریم شریف‌نسب انجام و در اسفندماه ۱۳۸۹ دفاع شد. در آن سال‌ها حضور در مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و دغدغه‌ی گزینش کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان، سبب بررسی معیارهای ارزیابی ادبیات کودک، آشنایی بیشتر با نظریه‌های ادبی و آموزشی ادبیات، شناخت برنامه «فلسفه برای کودکان» و درک اهمیت «مهارت‌های زندگی» کودک شد.

سخنران دوم این نشست دکتر محسن ذکاء اسدی سخنانش را با موضوع «ادبیات کودک و زبان آموزی در دوره‌ی دبستان» آغاز کرد و پس از معرفی مختصر خود، سخن را با بیان تجربه‌ی زیسته‌ی خود در تدریس درس فارسی

در مقاطع دبیرستان، راهنمایی و دبستان بیان کرد و گفت: هر چه سن و مقطع تحصیلی دانش‌آموزان بالاتر است روند زبان‌آموزی و آموزش ادبیات به دانش‌آموزان دشوارتر است و ممکن است یک معلم در دبیرستان با تلاش بسیار هم نتواند مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان را افزایش بدهد یا مثلاً دانش‌آموزان را به خواندن کتاب راغب کند، اما یک معلم دبستان با تلاش بسیار کمتری



در این قبیل امور موفق خواهد بود.

دکتر ذکاء اسدی ادامه داد: دانش‌آموزان دبیرستانی ایرانی حتی در مدرسه‌های خیلی خوب تهران هم در مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان‌آموزی دچار مشکلات بسیاری هستند و کتاب‌های درسی و کنکور هم گاهی از این مشکلات باز نمی‌کنند و چه بسا مشکلات را افزون می‌کنند. مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان‌آموزی یعنی نوشتن، خواندن، سخن گفتن و گوش کردن مهم‌ترین هدف درس فارسی در دبستان است که به دلایل بسیار کم‌اهمیت پنداشته می‌شود و سطح زبان‌آموزی دانش‌آموزان

فارسی‌زبان در ایران در زمینه‌ی زبان مادری‌شان بسیار پایین است و بسیاری از مشکلات دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی بالاتر و در درس‌های مختلف ناشی از مشکل آن‌ها در مهارت خواندن و درک مطلب است.

وی پس از بیان این مسائل مطالعه‌ی بین‌المللی «پرلز» را معرفی و تاریخچه‌ی مختصری از این مطالعه و یافته‌های آن را بیان کرد. اولویت سخنان با بررسی یافته‌های مطالعه‌ی پرلز ۲۰۱۶ درباره‌ی کشور ایران و مقایسه‌ی آن با کشورهای دیگر بود که در کتابی به نام یافته‌های مطالعه‌ی پرلز ۲۰۱۶ منتشر شده و در انتشارات مدرسه مفصلاً بیان شده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه دانش‌آموزان ایرانی در زمینه‌ی توزیع پیشرفت تحصیلی خواندن و پیشرفت در فرایندهای درک مطلب در میان ۵۰ کشور دنیا رتبه‌های بین ۴۵ تا ۵۰ را کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد دانش‌آموزان ایرانی در زمینه‌ی مهارت‌های چهارگانه در زبان فارسی وضعیت بسیار نابسامانی دارند.

دکتر ذکاء اسدی در ادامه مطرح کرد: یکی از دلایل ضعف دانش‌آموزان اشکالات جدی در کتاب‌های فارسی به خصوص کتاب‌های فارسی دبستان است. متأسفانه در کتاب‌های درسی فارسی متن‌های بسیاری وجود دارد که دشوار و نامتناسب با سن مخاطب است و علاقه‌ی دانش‌آموزان را به خواندن فارسی بر نمی‌انگیزد. در کتاب‌های فارسی دبستان به مهارت‌های سخن گفتن و گوش کردن کم توجه شده و در مقاطع بالاتر این دو مهارت در طراحی کتاب‌های درسی فارسی در نظر گرفته نشده است. متن‌های کتاب‌های فارسی دبستان باید از ادبیات کودک و نوجوان انتخاب شوند و هیچ دلیلی وجود ندارد که یک کودک کلاس پنجم یا ششم دبستان متون پیچیده و غامض ادبی را بدون اطلاع از کلیت یک متن و سبک و دوره‌ی آن بخواند و از متنی به متن دیگر بپرد. این اتفاق در کتاب درسی فارسی می‌افتد و فقط بچه‌ها را از فارسی دور می‌کند.

وی در خاتمه‌ی سخنانش گفت: کتاب‌های فارسی از نظر بصری و با نگاه تصویرگری هم فاقد جذابیت هستند و ایرادهای متنی و تصویری هم در کتاب‌ها وجود دارد. از جمله داستان زال و سیمرغ در کتاب فارسی پنجم که سال‌ها به اسم زاغ و سیمرغ منتشر شد و ایرادهایی که در تصویرگری داستان هفت خان رستم در کتاب فارسی پایه‌ی ششم وجود دارد. او افزود بسیاری از والدین هم متأسفانه از موضوع مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان‌آموزی بی‌اطلاع هستند و از درس فارسی و از معلم فارسی توقع دارند دستور زبان و آرایه‌های ادبی را به دانش‌آموزان یاد بدهد تا از پس سؤال‌های چهارگزینه‌ای در آزمون‌های ورودی مدارس راهنمایی و متوسطه برآیند. از سوی دیگر هم بسیاری از خانواده‌ها مطالعه و کتاب‌خوانی را جدی نمی‌گیرند و به دلایل مختلف اقتصادی و فرهنگی کتاب بخشی از سبد خانواده‌های ایرانی نیست و حتی برخی والدین بچه‌هایشان را از خواندن کتاب غیردرسی برحذر می‌دارند. مجموع این عوامل باعث شده است که زبان‌آموزی در کشور ما و زبان فارسی وضع به‌سامانی نداشته باشد. او همچنین ضمن تشکر از پژوهشگاه علوم انسانی به‌خاطر فرصت ایجاد شده برای سخنرانی، ابراز امیدواری کرد که ادبیات کودک جایگاه بهتری در ایران پیدا کند و کودکان ایرانی بتوانند مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان‌آموزی را به کمک ادبیات کودک ارتقا دهند.

چالش‌های محیط سرمایه‌گذاری در ایران

نشست «چالش‌های محیط سرمایه‌گذاری در ایران» ۸ مهرماه ۱۴۰۰، به همت گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه برگزار شد.



در ابتدای این نشست دکتر علیرضا گرشاسبی، عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، به ارائه‌ی سخنرانی خود با عنوان «بررسی چالش‌های محیط سرمایه‌گذاری در ایران» پرداخت. وی گفت: در میان متفکران اقتصادی تردیدی در اهمیت سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه بر تقویت بنیان‌های اقتصادی از هر دو سمت عرضه و تقاضا وجود ندارد. با این حال، در دهه‌ی اخیر، وضعیت تشکیل سرمایه‌ی ناخالص در وضعیت مطلوبی قرار نداشته است (ارقام تشکیل سرمایه‌ی ناخالص به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۹ پایین‌تر از سال ۱۳۹۰ بوده است). یکی از موضوعات کلیدی در این ارتباط کیفیت محیط سرمایه‌گذاری است؛ این در حالی است که در بسیاری از موارد توجه سیاست‌گذاران عمدتاً معطوف به بهبود محیط کسب‌وکار و هزینه‌ها و زمان انجام فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. درواقع باید توجه داشت که سرمایه‌گذاران در وهله‌ی نخست علاوه بر هزینه‌های انجام فعالیت بر ریسک و بازده انجام آن فعالیت در فضای اقتصادی توجه خواهد داشت. بنابراین، مسئله‌ی اصلی آن است که محیط سرمایه‌گذاری تا چه میزان برای حضور فعالان اقتصادی در عرصه‌های تولیدی و تجاری مساعد است.

وی در ادامه به بیان یافته‌های وضعیت سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه در ایران به شرح زیر پرداخت: بررسی وضعیت متغیرهای اقتصادی مرتبط با سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه در کشور نشان‌دهنده‌ی ضرورت توجه ویژه سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان در بهبود مؤلفه‌های مؤثر در این حوزه است.

* روند کاهنده‌ی تشکیل سرمایه در کشور در دهه‌ی اخیر (محدودیت در تحریک تقاضا و محدودیت در ظرفیت‌سازی)؛

- * کاهش سهم تشکیل سرمایه از تولید ناخالص داخلی کشور در دهه‌ی اخیر؛
 - * جذب سرمایه‌گذاری خارجی محدود در قیاس با سایر کشورها در منطقه؛
 - * سهم کمتر انباشت سرمایه در بخش‌های تولیدی (صنعتی، معدنی و تجاری) در قیاس با سایر بخش‌ها؛
 - * طولانی شدن انجام سرمایه‌گذاری‌های دولتی در حوزه‌ی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای؛
- دکتر گرشاسبی در ادامه به تشریح چیرستی محیط سرمایه‌گذاری و بررسی وضعیت ایران اقدام کرد و گفت: محیط سرمایه‌گذاری (Investment Climate)، مجموعه‌ای از کالاهای و سیاست‌های عمومی است که فرصت‌ها، انگیزه‌ها و اعتماد لازم برای سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها را از طریق کاهش مخاطرات، کاهش موانع رقابت و کاهش هزینه‌ها فراهم می‌کند. یک باور نادرست آن است که رتبه‌های بهتر یک کشور در سهولت رویه‌های انجام کسب‌وکار (Doing Business)، لزوماً نشان‌دهنده‌ی پتانسیل بالاتر آن کشور در سرمایه‌گذاری است؛ درحالی‌که کاهش هزینه‌ها تنها بخشی از عوامل بهبود دهنده‌ی محیط سرمایه‌گذاری است. هرچند در بررسی محیط

سرمایه‌گذاری بر عوامل غیراقتصادی نیز تأکید می‌شود؛ با این حال، در ارتباط با عوامل اقتصادی سه مؤلفه وضعیت رقابت، سهولت انجام کار (هزینه و زمان انجام فعالیت) و ریسک‌ها و مخاطرات را می‌توان از جمله مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر محیط سرمایه‌گذاری در نظر گرفت.

از منظر مؤلفه‌های مورد اشاره، بررسی‌ها حاکی از آن است که رتبه‌ی کشور از دریچه‌ی نگاه شاخص‌های بین‌المللی در قیاس با سایر کشورها در وضعیت مطلوب قرار ندارد. علاوه بر این، نهادهای داخلی در پایش محیط کسب‌وکار و امنیت سرمایه‌گذاری نیز بر موضوعاتی به‌عنوان نامناسب‌ترین متغیرهای پیشروی فعالان اقتصادی تأکید دارند که لزوماً از جنس هزینه‌های کسب‌وکار نیستند. این امر بار دیگر بر ضرورت توجه به محیط سرمایه‌گذاری و تأکید مجدد بر برنامه‌ریزی برای کلیه عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری به جای توجه صرف بر هزینه‌های کسب‌وکار در سیاست‌گذاری‌ها تأکید دارد.

عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی مهم‌ترین چالش‌های محیط سرمایه‌گذاری در ایران را به شرح زیر ارائه کرد:

- * چالش‌های مرتبط با بی‌ثباتی و ناپایداری اقتصاد کلان همچون تورم بالا و رشد اقتصادی پایین؛
- * بالا بودن دشواری محیط کسب‌وکار و موانع انجام فعالیت‌های اقتصادی؛
- * بازدهی بالای بازارهای مالی و محدودیت بخش‌های تولیدی در جذب منابع و سرمایه‌های خرد و کلان؛
- * محدودیت‌های قانونی و مقرراتی برای توسعه‌ی سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی؛
- * ظرفیت‌های پایین جذب سرمایه‌گذاری در برخی از استان‌ها؛
- * سهم بالای فعالیت‌های سرمایه‌بر در کل سرمایه‌گذاری‌های تولیدی؛
- * تداوم درخواست سرمایه‌گذاری برای فعالیت‌هایی که مازاد ظرفیت در کشور روبه‌رو هستند؛
- * بهره‌برداری محدود از ظرفیت‌های بازار ملی و منطقه‌ای برای تبدیل بخشی از تجارت کالاها به سرمایه‌گذاری.

دکتر گرشاسبی در پایان سخنانش توصیه‌های سیاستی پیشنهادی خود را به این ترتیب مطرح کرد: با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده، شکل‌گیری محیط سرمایه‌گذاری مدیریت‌شده و بهبود عوامل مرتبط با آن در یک چارچوب سه‌گانه (مطابق با عوامل مورد بررسی در فوق) قابل توصیه است.

۱. رقابت و ایجاد بازار

- * توجه به سامان‌دهی مجوزها در رشته‌ی فعالیت‌های دارای مازاد ظرفیت؛
- * تسهیم بازار هدف‌مند درخصوص سرمایه‌گذاری‌های جدید با هدف ایجاد تولیدات رقابت‌پذیر؛
- * توجه به سرمایه‌گذاری کاربر، آب‌اندوز و فناوریانه در مناطق و استان‌ها براساس ظرفیت‌های بومی؛
- * توجه به ادغام‌های عمودی و افقی در برخی از حوزه‌های تولیدی برای توسعه مقیاس؛
- * تصویب لایحه مشارکت عمومی و خصوصی؛

۲- سهولت کسب‌وکار

- * تسریع در رفع نواقص طرح اخیر مجلس شورای اسلامی برای مجوزها و تصویب آن؛
- * بهبود مؤلفه‌های دیگر کسب‌وکار به‌ویژه حوزه‌ی تأمین مالی، مالیات و تأمین اجتماعی (از بعد قوانین و مقررات)؛
- * تسریع در ترخیص کالاها و نهادهای مورد نیاز در طرح‌های سرمایه‌گذاری؛
- * رفع محدودیت در دسترسی به سامانه‌های جامع، برخط و یکپارچه در حوزه صدور مجوزها؛

۳- ریسک و مخاطرات

- * حل و فصل عزت‌مندانه موضوع هسته‌ای و تحریم؛
- * تقویت کارکردهای مرتبط با محیط سرمایه‌گذاری در ستاد تسهیل و رفع موانع تولید (ملی و استانی)؛
- * گسترش شفافیت‌ها در معاملات اداری با هدف کاهش نفوذ و تبانی؛
- * تسریع در تأمین مالی پروژه‌های ملی و استانی و فراهم کردن زمینه برای مشارکت بخش خصوصی؛
- * نظارت دقیق در جهت تحقق وعده‌های مسئولان به فعالان اقتصادی.

در بخش دوم نشست، دکتر سید امیر سیاح عضو مرکز پژوهش‌های مجلس به‌عنوان سخنران دوم نشست به ارائه‌ی سخنرانی خود با عنوان «معرفی شاخص امنیت سرمایه‌گذاری در ایران به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری» پرداخت.

وی هدف از این بررسی را تسهیل فضای سرمایه‌گذاری و رشد تولید و اشتغال، با شناخت وضعیت امنیت



سرمایه‌گذاری در ایران به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری و ارائه توصیه‌های لازم برای بهبود امنیت سرمایه‌گذاری دانست. و در تعریف امنیت سرمایه‌گذاری گفت: شرایطی است که در آن، اقتصاد کلان با ثبات یا قابل پیش‌بینی باشد، حاکمیت قانون برقرار باشد و اعمال شود، قوانین و مقررات، تصمیم‌های مسئولان و رویه‌های اجرایی کشور، باثبات باشند و به‌طور سهل و مؤثری اجرا شوند و در صورت ضرورت داشتن تغییر در هریک از آنها، تغییرات قبلاً به اطلاع ذینفعان برسد؛ همچنین اطلاعات مؤثر بر فعالیت‌های اقتصادی به‌طور شفاف و برابر در دسترس همه شهروندان باشد و نهادهای قضایی و انتظامی چنان مجهز و سالم و کارآمد باشند که هرگونه نقض حقوق مالکیت شهروندان، یا استفاده بدون اجازه از دارایی فیزیکی یا معنوی دیگران، برای هیچ کس اعم شخص حقیقی و حقوقی از جمله مسئولان کشور، مقرون به صرفه نباشد و شهروندان مالباخته بتوانند با مراجعه به نهادهای ذی صلاح، در کمترین زمان، مال از دست رفته خود را به همراه خسارت مربوطه، دریافت کنند. فرهنگ وفای به عهد و صداقت هم برقرار و جان و مال شهروندان مصون از تعرض باشد.

دکتر سیاح سپس به تشریح مؤلفه‌های شاخص ملی امنیت سرمایه‌گذاری در ایران اقدام کرد و گفت: این شاخص شامل ۷ نماگر و ۳۸ مؤلفه است. نماگرها شامل تعریف و تضمین حق مالکیت، ثبات اقتصاد کلان، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری مقررات و رویه‌های اجرایی، شفافیت و سلامت اداری، فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی، مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض و عملکرد دولت هستند که هر کدام تعدادی مؤلفه‌ی آماری و پیمایشی دارا هستند.

محاسبه شاخص امنیت سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۹۹ نشان داده است که نماگر مصونیت جان و مال شهروندان بهترین نماگر و عملکرد دولت بدترین نماگر این شاخص بوده‌اند. همچنین در بررسی انجام گرفته وضعیت تک استان‌های کشور برای هر نماگر از ۱ تا ده (بهترین تا بدترین) به تفکیک مشخص شده است. این عضو مرکز پژوهش‌های مجلس موارد زیر را به‌عنوان نتایج بررسی خود درمورد شاخص امنیت سرمایه‌گذاری مطرح کرد:

۱. مؤلفه‌های «عمل مسئولان استانی و محلی به وعده‌های اقتصادی داده شده» و «عمل مسئولان ملی به وعده‌های داده شده» بدترین ارزیابی را در میان همه مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده‌اند که قابل توجه است و جا دارد مسئولان محلی در عمل به وعده‌ها و نیز مهار وعده دادن بیشتر توجه کنند.
۲. استان‌های خراسان جنوبی، یزد و همدان در نماگر فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی بهترین استان و دو استان تهران و اصفهان بدترین استان‌ها ارزیابی شدند.
۳. در میان نماگرهای هفتگانه شاخص امنیت اقتصادی در سال ۹۹ نماگرهای «ثبات اقتصاد کلان» و «تعریف و

تضمین حقوق مالکیت» بدتر از بقیه و نماگرهای «مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض» و «عملکرد دولت» بهتر از بقیه ارزیابی شده‌اند.

۴. وجود برخی مؤلفه‌های آماری نظیر اجرای کامل و به موقع احکام قضایی، ثبات مسئولان استانی، ضرب و جرح عمدی که آمارهای استان‌ها با هم تفاوت دارد، یک اتفاق استانی می‌تواند رتبه‌ی استان را در شاخص امنیت سرمایه‌گذاری تغییر دهد. به‌عنوان مثال برای همه از جمله افکار عمومی روشن شود بی احتیاطی در رانندگی و تصادف منجر به فوت یا جرح یا نزاع منجر به ضرب و جرح یا بد عهدی یا حتی تغییر مسئولان استانی باعث کاهش رتبه استان می‌شود. اعلام و جلب توجه عمومی به این شاخص می‌تواند به رقابت‌های مثبت میان استان‌ها منجر شود و به همکاری مردم و فعالان اقتصادی و مسئولان استانی برای بهتر شدن رتبه و پیشی گرفتن از استان‌های رقیب بینجامد.

۵. اختلاف قابل توجه میان آمارهای رسمی و ارزیابی فعالان اقتصادی نشان می‌دهد که اتکای صرف بر آمارهای رسمی ممکن است تحلیل‌ها را دچار خطا کند. علاوه بر این، در شاخص پیمایشی، افراد، تجربه، ادراک و احساسات خود را درباره‌ی مؤلفه‌ها ارائه می‌دهند که می‌تواند با واقعیت، تفاوت فاحش داشته باشد؛ همان‌طور که داده‌های آماری نیز به دلیل تورش‌های آماری می‌تواند با واقعیت فاصله داشته باشند. برای نمونه شاخص‌هایی که امنیت و تورم و رشد اقتصادی و اشتغال و کارایی می‌توانند با احساس امنیت، احساس تورم، احساس رشد و اشتغال و احساس کارایی، متفاوت باشند. شاید بتوان گفت که این تفاوت‌ها گویای شکاف میان ادعاها و نتایج واقعی عملکرد دولت از یک سو و مطالبات و انتظارات مردم از سوی دیگر است.

۶. در رتبه‌بندی استان‌ها براساس داده‌های آماری، شاهد نوعی پراکندگی استان‌های برخوردار و نابرخوردار در پایین و بالای فهرست هستیم. توجه به این نکته نیز لازم است که هرچند یک بنگاه اقتصادی که در یک استان خاص فعالیت می‌کند، اما از مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی امنیت سرمایه‌گذاری در دیگر استان‌ها می‌تواند متأثر باشد. به عبارت دیگر نوعی درهم‌تنیدگی ملی وجود دارد که ایفای مسئولیت اجتماعی آحاد افراد در یک استان فقط شاخص آن استان را بهبود نمی‌بخشد، بلکه آثار جانبی مثبت برای سایرین به‌طور مستقیم و غیرمستقیم دارد.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی

گروه اقتصاد شورای بررسی منون و کتب علوم انسانی بر گز می کند

نشست تخصصی

چالش‌های محیط سرمایه‌گذاری در ایران

سخنرانان:

دکتر علیرضا گوراسبی
(وزارت صنعت)

دکتر سید امیر سیاح
(مرکز پژوهش‌های مجلس)

دبیر علمی نشست: **دکتر سید حسین میرجلیلی**
(استاد اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

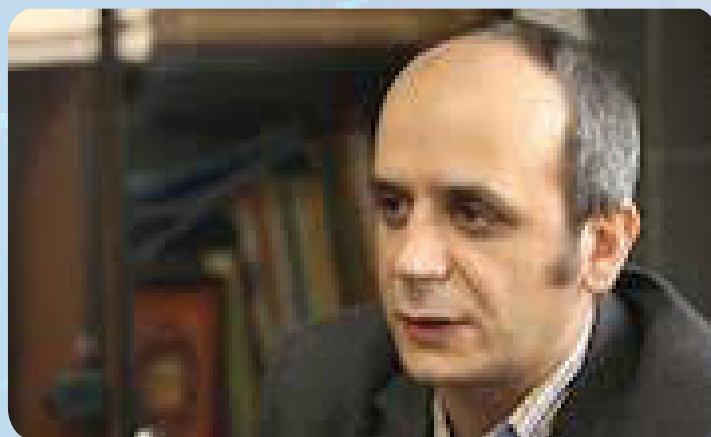
پنج‌شنبه ۸ مهرماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۵/۳۰ تا ۱۷/۳۰

پیش‌پیش‌باشی

<https://webinar.iics.ac.ir/b/iics-dic-ics-net>

از اجتماع علمی تا محفل‌های دانشگاهی: تأملی بر قبایل دانشگاهی در ایران

نشست مجازی «از اجتماع علمی تا محفل‌های دانشگاهی: تأملی بر قبایل دانشگاهی در ایران»، ۲۸ شهریور ماه ۱۴۰۰، به همت پژوهشکده‌ی ارتباطات و مطالعات فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست دکتر عباس کاظمی، عضو هیأت علمی مؤسسه‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، به سخنرانی پرداخت.



وی در ابتدا به سابقه‌ی تأملات اندیشمندان خارجی و ایرانی پیرامون مسئله‌ی دانشگاه پرداخت و گفت: مفهوم قبایل دانشگاهی نه بار مثبت دارد و نه بار منفی. خود مفهوم قبیله، مفهومی است که از جامعه‌ی سنتی وام گرفته شده است، اما در دهه‌ی ۸۰ میلادی این مفهوم در زمینه‌ی جامعه‌ی مدرن احیاء شد، در عین حال تفاوت‌هایی هم با آن دارد.

دکتر کاظمی با اشاره به اینکه این مفهوم در ابتدا در خارج از میدان‌های دانشگاهی تعریف شد، اظهار داشت: در جامعه‌ی مدرن سقوط فردگرایی مسیر تازه‌ای در جامعه‌شناسی می‌گشاید. درواقع وضعیت جدید جامعه، از طریق مناسبات عاطفی و غیرسازمان یافته و در قالب گروه‌های کوچک شکل می‌گیرد و جامعه با گروه‌بندی‌های کوچک ممکن می‌شود و جلو می‌رود. همچنین عواطف و احساسات جمعی از طریق مناسک و آیینهای مختلف به‌وجود می‌آید و جامعه‌ی جدید را تشکیل می‌دهد. در صورتی‌که در تبیین پیش از آن، جامعه‌ی عقلانی و خردورز محوریت داشت. بنابراین جامعه‌ی جدید، بر محوریت نوعی قبایل اجتماعی به‌وجود می‌آید که در آن بر اساس سنت قبیله، افراد حول چیزهایی که به هم می‌آیند، دوستان و دشمنان خود را تعریف می‌کنند. در عین حال بر خلاف گذشته، خود مردم قبیله‌ها را می‌سازند و یک فرد می‌تواند عضو چندین قبیله باشد و از این طریق خودش را بازتعریف می‌کند. در قبایل جدید نیز همچون قبایل سنتی، عصیت، اعتماد و آشنایی مشاهده می‌شود. یعنی افراد به سراغ آدم‌هایی می‌روند که در حلقه‌ی خودشان هستند یا خود در حلقه‌ی آن‌ها هستند و این می‌تواند قبیله‌گرایی را نشان دهد.

این عضو هیأت علمی در ادامه به تحقیقات جدید از دهه‌ی ۹۰ میلادی پیرامون ویژگی‌های دانشگاه و ورود مفهوم قبایل دانشگاهی اشاره کرد و افزود: این مفهوم حول مرزهای رشته‌ای شکل می‌گیرد و مرزهای رشته‌ای را پررنگ می‌کند. درواقع بر اساس این مفهوم، دانشگاهیان از قلمروهای رشته‌های خود محافظت می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که شکسته شود. نکته‌ی دیگر اینکه خود ساختار هم به تحکیم این قبایل از طریق بودجه‌ای که برای رشته‌ها تعیین می‌شود، مدد می‌رساند. همچنین نام و نشان دانشگاه‌ها همان نقش اسامی قبایل سنتی را دارد. در ایران همچنین چیزی وجود دارد که در دعوت از سخنران‌ها، توزیع منابع پروژه‌ها، گرفتن پایان‌نامه‌ها و ... خود را نشان می‌دهد.

وی در ادامه ویژگی‌های دیگر این قبایل دانشگاهی را برشمرد و خاطرنشان کرد: ازجمله این ویژگی‌ها اولویت عواطف و احساسات بر عقلانیت و استدلال است. احساسات نیز، هم مثبت است و هم منفی که می‌تواند خشم و نفرت و حسادت نسبت به همکاران یا عشق و محبت به آن‌ها باشد. همچنین در این تعامل قبیله‌ای دیگر صرفاً تعامل علمی حکم‌فرما نیست، بلکه سرمایه‌ی اقتصادی و منزلتی نیز از طریق میانجی‌هایی نظیر مقالات

مشترک، نشریات، گرفتن پایان‌نامه‌ها، سمت‌ها، تقسیم دانشجویان میان استادان، درس‌هایی که به فرد یا افراد خاصی داده می‌شود و ... نقش‌آفرینی می‌کند.

دکتر کاظمی در ادامه به تحقیقاتی که در مورد وضعیت دانشگاه در ایران شده اشاره کرد و اظهار داشت: مطالعات در سه دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته به ضعف ساختار ارتباطی بین استادان می‌پردازند. دسته‌ی دوم رابطه‌ی دانشجو و استادان یا دانشجو و دانشجو را مورد مطالعه قرار می‌دهند و نشان داده‌اند که دانشگاه در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای دانشگاهی به دانشجویان ناتوان بوده است. سومین دسته از مطالعات بر روی تولید دانش در میان اعضای هیأت علمی متمرکز است. این مطالعات هم به این نتیجه رسیده‌اند که گروه‌های آموزشی دچار مشکل دستگی است و همکاری وجود ندارد و این فقدان همکاری باعث شده که ما در تولید دانش دچار مشکل شویم. درواقع سیستم دانشگاهی فاقد زنجیره‌ی تعامل بین استادان است، اگرچه یک استاد ممکن است خودش با افرادی در تعامل باشد. در نتیجه فضای گفت‌وگویی بین آن‌ها شکل نمی‌گیرد.

وی ضعف هنجارهای اخلاقی را از نقاط ضعف دانشگاه دانست و افزود: مطالعات نشان می‌دهد که دانشگاهیان بیشتر دغدغه‌ی ارتقاء و منزلت دارند و در نهایت به دنبال درآمد و سرمایه‌ی اقتصادی هستند. یعنی بیشتر به دنبال دغدغه‌های اقتصادی هستند تا دغدغه‌های علمی. مجموعه مطالعات حاکی از آن است که هنجارهای علمی جایگاه چندانی در فضای دانشگاهی ندارد و همکاری علمی وسیع و برنامه‌های پژوهشی مشترک وجود ندارد و بیشتر قبیله‌گرایی و محفل‌گرایی خودنمایی می‌کند.

دکتر کاظمی به نتیجه‌گیری از این مباحث پرداخت و تصریح کرد: مفهوم اجتماع علمی، مفهومی ناپسند است و نمی‌تواند وضعیت دانشگاه‌های ایران را توضیح دهد، اما مفهوم قبایل دانشگاهی مفهومی است که همه‌ی ما در تجربیات روزمره دانشگاهی، در گروه‌های آموزشی، در نشریات دانشگاهی، در انجمن‌های علمی و ... با آن مواجه هستیم و انواع و اقسام منازعات و جنگ‌های بی‌پایان را مشاهده می‌کنیم، لذا باید این مفهوم را برای توضیح وضعیت دانشگاه به کار ببریم. در واقع جهان دانشگاه یک جهان عاطفی و احساسی است که تفاوتی با جامعه‌ی بیرون نمی‌کند و به همان میزان مناسبت‌های انسانی نظیر خصومت‌ها و حسادت‌ها و ... وجود دارد. لذا با مجموعه‌ی دانشگاهیان با چنین ویژگی‌هایی مواجه هستیم، نه مجموعه‌ی دانشمندان.

وی برای تحقیقات آینده در مورد تبیین وضعیت دانشگاه پیشنهاد کرد: ما در سه سطح می‌توانیم به مطالعه‌ی دانشگاه در ایران بپردازیم. در سطح اول جنگ‌های بزرگی است که بین دانشگاه‌ها و جریان‌های فکری رخ می‌دهد که حتی ممکن است آدم‌ها همدیگر را شناسند ولی جبهه‌بندی‌های شدیدی با هم داشته باشند. مثل جنگ فردیدی‌ها و پوپری‌ها در دانشگاه‌های ایران. این یک شکل از قبیله‌گرایی است. در سطح دوم یا میانه آن جایی است که تعارض احساسات و منافع و ... وجود دارد یا جنگ‌های بین رشته‌ای که در بعضی دپارتمان‌ها وجود دارد، مثل جنگ انسان‌شناسی با جامعه‌شناسی، یا جنگی که بین انجمن‌های علمی وجود دارد و این‌ها جای مطالعه دارد، از نوع مقالاتی که چاپ می‌شود تا سخنرانی‌هایی که صورت می‌گیرد.

وی سطح سوم را سطح خرد دانست و افزود: در سطح خرد هم گاهی جنگ درون خود گروه‌های آموزشی است که بیشتر با مفهوم باند و جناح مواجه هستیم. یعنی مفهوم باند در ذیل مفهوم قبیله شکل می‌گیرد. این باندها درون دانشگاه، گروه‌های کوچکی هستند که امکانات و دارایی‌های خودشان را بین هم به اشتراک می‌گذارند و مرزبندی‌های قوی دارند و اجازه نمی‌دهند فرد دیگری به آن گروه اضافه شود یا تغییری ایجاد کند. این باندها دائماً با هم در ستیز هستند و این ستیز علمی نیست و معمولاً علم نقابی است که خصومت‌های برخاسته از تجربیات شخصی از گذشته یا تعارض منافع در آن بروز و ظهور دارد. درواقع این بی‌طرفی علمی که گفته می‌شود، در بسیاری موارد وجود ندارد.

دکتر کاظمی در پایان سخنانش تصریح کرد: بحثی که من ارائه کردم، نافی سنت‌های علمی که وجود دارد، نیست. یعنی سنت‌های علمی درون این قبایل وجود دارد. اما آنچه که مفهوم قبیله به ما نشان می‌دهد، آن وجهی از زندگی دانشگاهیان است که در زیر این لوای رسمی دانشگاه پنهان شده است. مطالعه‌ی این احساسات و روابط فرقه‌ای، گروهی و قبیله‌ای برای تاریخ دانشگاه بسیار ارزشمند خواهد بود. در انتهای نشست، دکتر کاظمی به تعدادی از سؤالات حاضران پاسخ داد.



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



سردبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام رسان ها: @pajoheshgah, @ihcss